

سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری - شماره دوازدهم بهمن ماه ۱۳۹۳



سوره سینما

نامزد در هشت رشته و
برنده سه سیمرغ
سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

پخش ۹ فیلم توسط

موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز



کارگر ساده نیازمندیم

تهیه کننده: منوچهر هادی
کارگردان: منوچهر هادی
نویسنده: پدram کریمی
بازیگران: آتیلا پسیانی، یکتا ناصر، سحر
قریشی، سیامک صفری، بهرام افشاری، سیروس
همتی، مجید آصفری، مهران احمدی، مهدی محرابی



بیست و یک روز بعد

تهیه کننده: محمدرضا شفا
کارگردان: سید محمدرضا خردمندان
نویسنده: سید محمدرضا خردمندان
احسان تقی
بازیگران: ساره بیات، حمیدرضا آذرنگ، امیر حسین
صدیق، سینا رازانی، جلال فاطمی، مهدی
قربانی، حسین شریفی



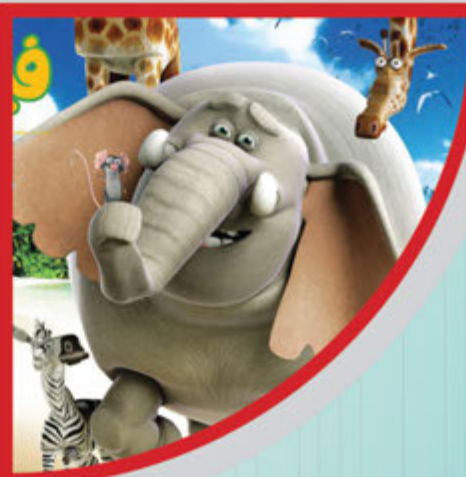
زیر سقف دودی

تهیه کننده: پوران درخشنده
کارگردان: پوران درخشنده
نویسنده: پوران درخشنده
بازیگران: فرهاد اصلانی، مریلا زارعی، بهنوش
طباطبایی، شهرام حقیقت دوست، حسام نواب
صفوی، آریتا حاجیان، ابوالفضل میری، لاله مرزبان



فیلشاه

تهیه کننده: حامد جعفری
کارگردان: هادی محمدیان



فیلم های سینمایی «زیر سقف دودی»، «کارگر ساده نیازمندیم»، «بیست و یک روز بعد»، «قهرمان کوچک»، «فصل نرگس»، «پری دریایی»، «فیلشاه»، «شهری که نمی خوابد» و «رهایی از بهشت» امسال توسط موسسه بهمن سبز عرضه و اکران می شوند

با ما همراه باشید

 bahmansabz_ir

 Bahmansabz_ir



سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره دوازدهم، بهمن ماه ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیر مسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرشد رمضانیان

تحریریه: محیا رضایی، الناز نعمتی، امید
عشریه، راحله خدایمی، نرگس ساجد

صفحه آرایی: مانی گرافیک
عکس: بهادر زارع

با سپاس از فاطمه پزشکی، حامد نیکومرام،
محمد علی حیدری.

روی جلد: فیلم سینمایی «سرو زیر آب»
عکاس: علی نیک رفتار

تلفن: ۸۸۹۱۸۱۲۸-۸۸۸۰۹۵۰۷

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری



«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:
www.sourehcinema.ir



بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/default.aspx



صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
[instagram.com/sourehcinema](https://www.instagram.com/sourehcinema)



کانال تلگرام روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری
[@sourehcinema_com](https://t.me/sourehcinema_com)



کانال تلگرام «سوره سینما»
[@sourehcinema](https://t.me/sourehcinema)



۴



۱۰



۳۸



۶۰



۶۵

تجهیز پاتوق‌های فرهنگی را جدی بگیریم

اگر بپذیریم که محدودیت سالن‌های سینمایی معضلی اساسی و آشکار در سینمای ایران است درک کاملتری از ضرورت توسعه زیرساخت‌های سینمایی کشور پیدا خواهیم کرد و به این نتیجه می‌رسیم که نامناسب بودن فضای فیزیکی سالن‌ها یکی از علت‌های مهم رویگردانی مردم از سینما است.

هنر هفتم به عنوان یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین رسانه و ابزار فرهنگ ساز در جهان امروز مطرح است و قدرت‌ها و کشورهای مختلف برای تامین منافع و اهداف فرهنگی و اجتماعی از آن استفاده می‌کنند. در این میان، غرب توانسته با هوشمندی و اقتدار بیش‌ترین بهره‌برداری را از آن برد یعنی با معجزه سینما فرهنگ منطقه‌ای خود را جهانی کرده و هویت دیگر کشورها را تحت تاثیر قرار دهد. سینمای ایران در دهه گذشته با بهره‌مندی از تجهیزات و تکنیک‌های مدرن صوتی و تصویری و همچنین توجه به نگارش فیلمنامه‌هایی همسو با دغدغه مردم توانسته است جهش رو به رشدی در پیشرفت و اثبات موقعیت خود ایجاد کند و در این وضعیت نه چندان خوشایند اقتصادی مردم را از هر طیف و طبقه‌ای برای خرید بلیت سینما ترغیب کند اما به جایی رسیدیم که دیگر ظرفیت سینماهای قدیمی و تک‌سالنه جوابگوی مردم سینمارو نبود و احداث پردیس‌های سینمایی چند سالنه با امکانات تفریحی و رفاهی و تجاری توانست بار دیگر نظر مردم را جلب کند.

امروزه این پردیس‌ها یکی از مهمترین پاتوق‌های فرهنگی و سینمایی محسوب می‌شوند و جشنواره‌ها از آن بهره زیادی برده اند اما نسبت بین کمیت تولیدات سینمایی با تعداد سالن‌های قابل قبول کیفی همچنان نابرابر است چون شهرستان‌ها هنوز در این چرخه سینماسازی جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده‌اند. راه اندازی پردیس‌های ویژه مشهد و ثبت رکورد پر فروش‌ترین، برای برخی فیلم‌ها نشان داد مردم شهرهای دیگر هم اگر امکانات درست در اختیارشان باشد رفتن به سینما را در اولویت برنامه‌های فرهنگی و تفریحی خود قرار می‌دهند.

نوسازی زیر ساخت‌ها و بروز شدن تکنولوژی در سینمای ایران نه تنها به افزایش تماشاگران کمک می‌کند بلکه در بلندمدت انگیزه مردم را در خرید فیلم‌های قاچاق کم می‌کند. نامناسب بودن فضای فیزیکی سینما یکی از علت‌های مهم رویگردانی مردم از سینماهاست و آنها ترجیح می‌دهند در یک عصر جمعه با پرداخت یک مبلغ ناچیز برای خرید سی دی فیلم در فضای راحت و خودمآنی خانه‌شان فیلم ببینند.

با نگاهی به تعداد سالن‌های سینما در کشور و مقایسه آن با وسعت و جمعیت موجود، فقط ۵ درصد شهرهای کشور سینما دارند و ۹۵ درصد شهرهای ایران فاقد این بستر فرهنگی مهم هستند. بجز این واقعیت، باید به عدم تجهیز و وضع نامناسب مجموعه‌های نمایشی و فیلم‌هایی که جذابیت‌ها و مولفه‌های لازم را برای فروش ندارند هم به عنوان مشکلات و معضلات اصلی اکران سینمای ایران اضافه کرد. ایران به لحاظ مساحت، هجدهمین کشور جهان و دومین کشور خاور میانه محسوب می‌شود و از نظر تعداد نفرات هم، بالغ بر ۸۰ میلیون نفر جمعیت دارد اما طبق بانک اطلاعات سالن‌های سینمای فعال کشور مندرج در وبسایت رسمی انجمن سینماداران ایران، فقط ۲۷۳ سالن سینما در ایران وجود دارد.

کارشناسان معتقدند ابعاد تأثیرگذاری سینما و دیگر تولیدات تصویری به لحاظ فرهنگی و اجتماعی و نقش آن‌ها در ترویج افکار، رفتار، ارزش‌ها و باورها در بین مخاطبان را می‌توان به نوعی با تعداد مخاطبان آن ارزیابی کرد. یکی از شاخصه‌های مهم رشد و توسعه فرهنگ و هنر در هر کشوری، وضعیت سینمای آن است. سینما در جوامع شهرنشین بدل به یکی از مختصات و مولفه‌های مهم آن شده است.

کشور ترکیه به بیش از ۲۰ کشور جهان فیلم‌های سینمایی خود را می‌فروشد تا در آمدی بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار برای کشورش به ارمغان آورد. در چین روزانه ۲۱ سالن سینما ساخته می‌شود و تا پایان سال تعداد سینماهای این کشور به ۸۰۰۰ هزار خواهد رسید و در این زمینه از کشور آمریکا پیشی خواهد گرفت. بر این اساس ارتقای تجهیزاتی که بستر نمایش تفکرات فرهنگی یک ملت را ایجاد می‌کند نه تنها برای مردم آن کشور ارزشمند است بلکه وجهه و اعتبار فرهنگی یک کشور را در منطقه و حتی در دنیا معتبر می‌کند و تشخیص فرهنگی یک کشور را به رخ می‌کشد.

حوزه هنری با ۱۵ سینما در ۱۱ استان کشور میزبان جشنواره فجر



پانزده سینمای حوزه هنری در ۱۱ استان کشور میزبان سی و ششمین جشنواره ملی فیلم فجر شد.

به گزارش سوره سینما، استان‌های تهران، اصفهان، کردستان، همدان، کرمانشاه، مازندران، آذربایجان غربی، لرستان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی و خوزستان از جمله استان‌هایی بودند که میزبان جشنواره فجر بودند.

بر پایه این خبر؛ در تهران سینماهای آزادی، استقلال و بهمن در طول روزهای برگزاری جشنواره فجر اختصاص به نمایش فیلم‌های جشنواره داشت.

همچنین، سینمای «فلسطین» و پردیس سینمایی «چهار باغ» شهر اصفهان، پردیس «بهمن» شهر سمنان، سینما «آزادی» کرمانشاه، سینما «سپهر» ساری، سینما «استقلال» خرم‌آباد، سینما «آزادی» ارومیه، سینما «بهمن» بیرجند، سینما «آفریقا» مشهد، سینما «فلسطین» همدان، سینما «نخل» خرمشهر و سینما «اکسین» اهواز میزبان سی و ششمین جشنواره فیلم فجر بودند.



محمد خزاعی دبیر پانزدهمین جشنواره فیلم مقاومت شد

سردار غیب پرور رییس سازمان بسیج مستضعفین محمد خزاعی را به عنوان دبیر پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت انتخاب کرد. به گزارش سوره سینما، با پیشنهاد احسان محمدحسینی مدیرعامل بنیاد فرهنگی روایت فتح، سردار غیب پرور رییس سازمان بسیج مستضعفین محمد خزاعی را به عنوان دبیر پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» برگزید. متن حکم رییس سازمان بسیج مستضعفین به این شرح است:

«هنرمند فرهیخته جناب آقای محمد خزاعی؛ نظر به تخصص، تعهد و تجربه جنابعالی، شما را به عنوان دبیر پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» منصوب می‌نمایم.

امید است اینک که در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی قرار گرفته‌ایم با همیاری هنرمندان متعهد و با بهره‌گیری از تجارب مفید و ارزشمند پیشکسوتان این عرصه و دستاوردهای گذشته و با بهره‌مندی از ظرفیت نیروهای خلاق، جوان و توانمند در سراسر کشور شاهد برگزاری جشنواره‌ای مؤثر و فراگیر باهدف ترویج گفتمان جهانی انقلاب اسلامی، تکریم رشادت‌ها و حماسه‌های ماندگار دفاع مقدس و ترسیم ابعاد مختلف روح پایداری و مقاومت در داخل و خارج از کشور باشیم.

از خداوند منان توفیق روزافزون خادمان عرصه مقدس فرهنگ و هنر متعالی انقلاب اسلامی را در تحقق بخشیدن به منویات و اوامر حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) خواهیم.



بازدید سرزده وزیر ارشاد از سینما بهمن

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت سرزده از سینما بهمن که نمایش دهنده فیلم‌های جشنواره فجر است، بازدید کرد. وزیر قبل از نمایش سانس اول سینما وارد سالن بهمن شد و با مخاطبان که در سالن انتظار حضور داشتند صحبت کرد. صالحی در ادامه دیدارش با مدیران سالن صحبت کرد و علت حضورش در سالن سینما بهمن را گفت: از سینما بهمن خیلی خوشم می‌آید، فیلم‌های جشنواره را قبلاً در این سینما می‌دید. غلامرضا فرجی مدیر پخش و بازاریابی حوزه هنری و کاظمی مدیرعامل بهمن سبز در سالن حضور داشتند و توضیح دادند که ۱۳ سالن سینمای حوزه هنری در اختیار جشنواره فیلم فجر قرار گرفته است. وزیر ارشاد پس از بازدید از سینما بهمن به پردیس ملت سینمای اهالی رسانه رفت.



سه گزینه حوزه هنری برای اکران نوروزی «فیلشاه»، «لونه زنبور» و «لاتاری»

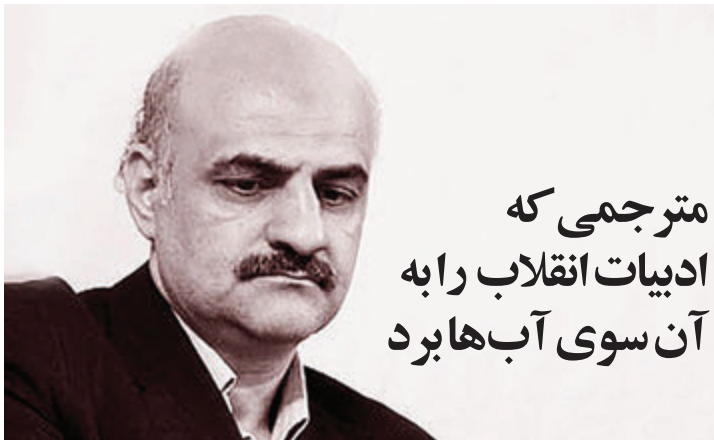


مدیر پخش و بازاریابی موسسه بهمن سبز از پیشنهاد «فیلشاه»، «لونه زنبور» و «لاتاری» برای اکران نوروز ۹۷ نام برد.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی موسسه بهمن سبز، غلامرضا فرجی مدیر پخش و بازاریابی این موسسه گفت: با توجه به این که آقای حاتمی کیا و موسسه اوج تهیه کننده فیلم «به وقت شام» تمایل داشتند فیلمشان را موسسه فیلمیران پخش کند، قرار شد پخش این فیلم را فیلمیران برعهده بگیرد.

وی درباره فیلم‌هایی که حوزه هنری نوروز ۹۷ اکران خواهد کرد گفت: به سنت هر سال برای اکران نوروزی چند فیلم به عنوان گزینه مطرح می‌شوند، احتمالاً در جمع بندی اولیه پیشنهاد این موسسه «فیلشاه»، «لونه زنبور» و «لاتاری» هستند.

یادداشت محمد حمزه زاده به مناسبت درگذشت محسن سلیمانی



مترجمی که ادبیات انقلاب را به آن سوی آب‌ها برد

محمد حمزه زاده در یادداشتی ضمن گرامیداشت زنده‌یاد محسن سلیمانی از خدمات او به ادبیات و نشر ایران نوشت.

محمد حمزه زاده مدیرعامل سابق سوره مهر یادداشتی با عنوان «خداحافظ آقای سلیمانی!» درباره زنده‌یاد محسن سلیمانی نوشت.

متن این یادداشت به شرح زیر است:

شخصاً با خواندن اولین تجربه‌های داستان‌نویسی محسن سلیمانی به نویسندگی علاقه‌مند شدم و مجموعه داستان «سالیان دور» او را که ترکیبی بود از خاطرات دوران کودکی و نوجوانی‌اش، بارها و بارها خواندم.

فضای قصه‌هایش و لحن طنز نهفته در نوشته‌هایش بسیار شبیه به زندگی و علایق من بود. یک جور احساس هم‌سلیقگی با او داشتم، بدون اینکه او را از نزدیک دیده باشم. جالب است که این هم‌سلیقگی را حتی در ترجمه‌های او هم حس می‌کردم. مجموعه داستان ترجمه «عید پاک» او شاهد این مدعاست.

دوازده سال بعد از این آشنایی یک‌سویه، وقتی برای اولین بار در دفتر محسن مومنی شریف در واحد ادبیات حوزه هنری او را دیدم، رفتار و لحن و سخنانش هیچ برایم تازگی نداشت. گویی دوازده سال است هر هفته همدیگر را می‌بینیم و حرف می‌زنیم!

«آقای سلیمانی» به‌رغم آن احساس صمیمیت قدیمی، و به‌رغم همه روزها و هفته‌هایی که با هم بودیم و سفر رفتیم و گفتیم و شنیدیم، هیچ‌وقت برای من «محسن» نشد! و این به خاطر نحوه آشنایی دیرین من با او و احترامی بود که برایش قائل بودم و حق استادی‌ای بود که از او برگردنم حس می‌کردم.

محسن سلیمانی با زحماتی که در ترجمه متون نظری و آموزشی ادبیات داستانی متحمل شد، حق استادی برگردن همه خوانندگان آثارش دارد. چرا که بی‌استثناء، در همه ترجمه‌هایش، ردپایی از تالیف و تصحیح داشت و به عقیده من، یک مؤلف زبردست بود.

در سال‌های اول دهه هشتاد، ارتباطات بین‌المللی او بود که به باری ابتکار محسن مومنی شریف آمد و حاصل آن ترجمه کتاب‌های رمان نویسندگان ما به زبان انگلیسی و انتشار در آمریکا شد. الان البته شاید راحت‌تر می‌شود از ترجمه و انتشار آثار ایرانی در آن سوی آب‌ها سخن گفت، اما در آن سال‌ها هیچ چنین نبود و کتاب‌های «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان و «فال خون» داوود غفارزادگان و «گرداب سکندر» استاد محمدرضا سرشار و چندین و چند کتاب دیگر با کمک و نظارت و ارتباطات و تلاش‌های محسن سلیمانی با افرادی چون پال اسپراکمن و دکتر قانون‌پرور و دکتر تطف و البته با پشتیبانی واحد ادبیات حوزه هنری به چاپ رسید و منتشر شد.

محسن سلیمانی در این کار راه‌گشا بود.

در سال‌های اخیر هم با سرپرستی پروژه انتخاب و ترجمه متون نظری داستان‌نویسی، بانی ترجمه و چاپ بیش از ده کتاب نفیس آموزشی ادبیات داستانی شد؛ کتاب‌هایی که در قفسه تولیدات انتشارات سوره مهر و نشر کشور جزو بهترین‌ها هستند.

جای محسن سلیمانی عزیز به این زودی‌ها پر نمی‌شود. دوستی و آشنایی با او افتخاری برای امثال من بود و خواهد بود. «خداقوت محسن عزیز و خداحافظ آقای سلیمانی! دیدار به قیامت.» یادش گرامی و روحش شاد.



پیام تسلیت حوزه هنری برای درگذشت رضا مقدسی

محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری در پیامی درگذشت رضا مقدسی مدیرعامل سابق خبرگزاری مهر را به خانواده ایشان، آشنایان و جامعه رسانه‌ای تسلیت گفت. به گزارش سوره سینما، محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری در پیامی درگذشت رضا مقدسی روزنامه‌نگار کشورمان را به خانواده ایشان، آشنایان و جامعه رسانه‌ای تسلیت گفت.

متن پیام مومنی شریف به شرح زیر است:

«درگذشت برادر وارسته، جناب آقای رضا مقدسی دوستان و علاقه‌مندان ایشان را سخت متأثر کرد.

رضا مقدسی از مدیران رسانه‌ای اخلاق‌مدار، بی‌حاشیه و دغدغه‌مند بود. مشی مدیریتی وی به دلیل الزام به رعایت وجوه انصاف، معرفت و اخلاق زبانتد بود و همواره به رسالت روزنامه‌نگاری و تعهدات اخلاقی‌اش پایبند ماند.

با تأسف و تالم فراوان، این واقعه ناگوار را به خانواده رسانه کشور و به‌ویژه به خانواده محترم ایشان تسلیت می‌گویم و در ایام سوگواری شهادت بانوی دو عالم حضرت صدیقه کبری (س) برای ایشان رحمت و غفران الهی و برای بازماندگان محترم شکیبایی مسئلت دارم.»

رضا مقدسی در طول سال‌های فعالیت فرهنگی و رسانه‌ای همواره به عنوان یک چهره پیشرو، ارزشی و ولایت‌مدار شناخته شده و از او به عنوان روزنامه‌نگار تراز انقلاب اسلامی یاد می‌شد.

وی کار روزنامه‌نگاری را از سن ۲۰ سالگی و در روزنامه قدس شروع کرد.

مقدسی در ادامه همکاری با این روزنامه، مسئولیت‌هایی نظیر پروژه سراسری روزنامه قدس و سردبیری و معاونت مدیر مسئول این روزنامه در تهران را نیز عهده‌دار شد و بعدها در بخش‌های مختلف تحریریه صداوسیما، دبیری سرویس‌های جامعه و سیاسی روزنامه جام‌جم، قائم‌مقامی مدیر مسئول همشهری، مدیر مسئولی روزنامه خبر، مدیر مسئولی روزنامه بین‌المللی تهران تایمز و مدیرعاملی خبرگزاری مهر ایفای نقش کرد.



روایتی از تاریخ سیاسی و اجتماعی پهلوی در «در برابر طوفان»

مجموعه مستند «در برابر طوفان» روایتگر تاریخ سیاسی و اجتماعی پهلوی از زمان پادشاهی محمدرضا پهلوی تا انقلاب اسلامی از یکشنبه ۱۵ بهمن ساعت ۱۵ روی آنتن شبکه مستند سیما رفت. به گزارش سوره سینما، «در برابر طوفان» اولین مستند سریالی مهدی نقویان کارگردان مستند جنجالی «خارج از دید» است که در ۱۰ قسمت ۳۲ دقیقه‌ای پخش شد. این مستند با استفاده از تصاویر آرشیوی بکر و کمتر دیده‌شده‌ای به تاریخ سیاسی و اجتماعی پهلوی دوم از تاج‌گذاری محمدرضا تا فروپاشی سلسله پهلوی می‌پردازد. راوی «در برابر طوفان» ناصر طهماسب در این اثر اتفاقی‌هایی که تا به حال در تاریخ به آن‌ها پرداخته نشده مثل کودتای ۲۵ مرداد سال ۳۲ و اقدام به خودکشی محمدرضا شاه بعد از ورود متفقین به ایران و... را روایت خواهد کرد. مستند «در برابر طوفان» به مناسبت یوم‌الله دهه فجر از ۱۵ تا ۲۶ بهمن یکشنبه تا پنجشنبه روی آنتن شبکه مستند رفت.



روایت ارثیه پدری محمدرضا پهلوی در «به اضافه مستند»

بیست و سومین قسمت از فصل دوم برنامه «به اضافه مستند»، با پخش و بررسی مستند «ارثیه پدری» ساخته مهدی نقویان بر روی آنتن شبکه مستند رفت. به گزارش سوره سینما، در این قسمت و پس از پخش مستند، عباس سلیمی نمین مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران و مهدی نقویان کارگردان مستند «ارثیه پدری» مهمان برنامه بود و میزگردی با موضوع تاریخ سیاسی معاصر کشور، تاریخچه خاندان پهلوی و به ویژه محمدرضا شاه برگزار شد. هم‌چنین، محمد تقی فهیم و ارش خوشخو به نقد و بررسی فرمی این مستند خواهند پرداخت. این قسمت از برنامه «به اضافه مستند» به روی آنتن شبکه مستند رفت.

مستند «ارثیه پدری» روایتی متفاوت از زندگی محمدرضا شاه پهلوی در گذر زمان است. داستان فیلم از تاجگذاری او در سال ۱۳۴۶ آغاز شده و تا زمان مرگ او در مصر در سال ۱۳۵۹ ادامه دارد. مستند در ۱۵ سکانس روایت شده است که هر کدام از آن بیانگر اتفاقی مهم در زمان محمدرضا پهلوی است. هر سکانس از این فیلم به نام یکی از فیلم‌های زمان شاه نامگذاری شده است و عنوان آن متناسب با موضوع آن سکانس است. این موضوع به جذاب شدن این مستند آرشیوی کمک شایانی کرده است.

«ارثیه پدری» اولین بار در یازدهمین جشنواره سینما حقیقت رونمایی و اکران شد. پس از آن در جشنواره عمار حضور پیدا کرد. این مستند برای اولین بار در صدا و سیما از شبکه مستند و برنامه «به اضافه مستند» پخش شد.

برنامه به اضافه مستند با اجرای سید محمدعلی صدری‌نیا، تهیه‌کنندگی سید محمدحسین میری و کارگردانی محمدرضا رضاییان سه‌شنبه ۱۰ بهمن ماه از شبکه مستند سیما پخش شد.





مراسم بزرگداشت ۳۳ سال وقایع نگاری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

تجلیل از حجت الاسلام والمسلمین سعید فخرزاده

مقدس چه چیزی رخ داده، این امر مهم توسط روحانی عزیز، مهربان، اهل تعامل و انقلابی انجام شده است به همین دلیل امروز ما اینجا جمع شده ایم تا از زحمات حجت الاسلام فخرزاده در حد توانمان سپاسگذاری کنیم.

حسین جودوی دبیر فرهنگی خبرگزاری تسنیم، در ابتدای این مراسم، درباره بزرگداشت از حجت الاسلام فخرزاده و خدمات وی گفت: ما بسیار خوشحالیم که امروز به پاس ۳۳ سال از خدمات و سعی سعید حجت الاسلام فخرزاده این برنامه برگزار شده است. من در ابتدای دوران خبرنگاری جهت مصاحبه خدمت ایشان رسیدم و در خلال صحبت‌هایی گفتند اگر لازم باشد برای کار فرهنگی خانه خودم را هم می‌فروشم و پولش را خرج فرهنگ می‌کنم. این صحبت نه یک تعارف بلکه حاوی یک جدیت تمام عیار بود و امروز مشاهده می‌کنیم نه سرمایه مادی بلکه ۳۳ سال از عمرشان را صرف کار فرهنگی و ثبت تاریخ شفاهی انقلاب و دفاع مقدس کرده‌اند.

در ادامه برنامه جواد منصوری، اولین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معاون آسیا و اقیانوسیه وزیر امور خارجه، سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در پاکستان و چین در پشت تریبون حاضر شده و درباره شخصیت حجت الاسلام فخرزاده، گفت: به جرأت می‌توان گفت یکی از اتفاقات مهم که پس از انقلاب و دفاع مقدس رخ داد که نظیر آن را کمتر در ایران و جهان به این سبک شاهد بودیم، ثبت تاریخ شفاهی با این نوع کیفیت و کمیت است.

وی ادامه داد: قبل از انقلاب به مقدار محدودی ثبت تاریخی صورت می‌گرفت، اما پس از انقلاب و دفاع مقدس هم در کیفیت کار و هم در حجم فعالیت‌های صورت گرفته

مراسم بزرگداشت ۳۳ سال وقایع نگاری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با تجلیل از حجت الاسلام والمسلمین سعید فخرزاده با حضور جمع کثیری از چهره‌ها، شخصیت‌ها و علاقه‌مندان به حوزه ادبیات و تاریخ شفاهی انقلاب و دفاع مقدس برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، مراسم بزرگداشت ۳۳ سال وقایع نگاری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با تجلیل از حجت الاسلام والمسلمین سعید فخرزاده با حضور جمع کثیری از چهره‌ها، شخصیت‌ها و علاقه‌مندان به حوزه ادبیات و تاریخ شفاهی برگزار شد.

در این مراسم، محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین خاموشی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، امیر ناصر آراسته، مشاور نظامی فرماندهی کل نیروهای مسلح در امور زمینی، مجتبی رحماندوست نماینده سابق مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، علیرضا کمری، جواد منصوری، سردار فتح‌الله جعفری، عباس سلیمی نمین، محسن کاظمی، جواد کامور بخشایش و جمعی از اهالی فرهنگ و ادب حضور داشتند.

در ابتدای این مراسم، سعید بیابانکی به عنوان مجری پس از خیر مقدم و تبریک دهه فجر انقلاب اسلامی درباره اهمیت تاریخ شفاهی و تجلیل از حجت الاسلام فخرزاده گفت: ثبت تاریخ شفاهی ایران یک عمل بسیار ممتاز برای نسل امروز و فردا است که می‌خواهد بدانند در دوران پیروزی انقلاب و دفاع

رئیس حوزه هنری با بیان اینکه فخرزاده مخلص و متواضع است، ادامه داد: او سی و چند سال برای انقلاب دویده و ننشسته است. برکات او در این زمینه بسیار است که از جمله این موارد، می توان به تربیت و معرفی نویسندگان بزرگ اشاره کرد که امروز هر کدام از این نویسندگان آثار شاخصی در این زمینه دارند. کسانی که در کنار فخرزاده روییده اند، به درخت تناوری تبدیل شده اند که امروز لازم است شاخ و برگ ها را کنار بزنیم و باغبان را ببینیم.

وی با بیان اینکه فخرزاده هرگز نخواست خودش دیده شود، یادآور شد: در کنار این اوصاف باید از پشتکار او یاد کرد. همین موضوع سبب شده تا طبقات مختلف به او اعتماد کرده و خاطراتشان را بیان کنند. مومنی شریف در پایان از خانواده حجت الاسلام فخرزاده به پاس همراهی او در سه دهه گذشته قدردانی کرد و افزود: اگر این خانواده سخت گیری می کرد او به این توفیقات نمی رسید.

عباس ملکی از دیگر سخنرانان این مراسم بود در سخنانی گفت: آشنایی من با آقای فخرزاده برای برنامه ای در دانشگاه صنعتی شریف بود. این دانشگاه در سال ۱۳۴۵ تأسیس شد و با این که عمر زیادی ندارد از نظر فعالیت های علمی، سیاسی و اجتماعی نقش قابل توجهی در جامعه ایران داشته است.

ملکی ادامه داد: یکی از کارهای خوب جنگ ثبت تاریخ شفاهی بود امیدوارم تا دیر نشده است فرماندهان و سرداران دفاع مقدس بتوانند با کسانی که آن سوی جنگ بودند نیز مذاکره کنند و امثال آقای فخرزاده بتوانند خاطرات آن سو را نیز ثبت و ضبط کنند. این کار در خصوص جنگ ویتنام انجام شده و سرداران جنگ ویتنام و آمریکایی ها در چندین جلسه با یکدیگر صحبت کردند و یک واقعه از دو طرف شرح داده شد.

وی ادامه داد: با کمک برخی از فارغ التحصیلان این دانشگاه به دنبال این بودیم که مبارزات اجتماعی و سیاسی دانشجویان و اساتید را در حوزه زمانی سال های ۴۵ تا ۵۸ به ثبت برسانیم، با حجت الاسلام فخرزاده در این خصوص صحبت کردیم که وی با روی باز این پیشنهاد را پذیرفت و حدود ۳ سال است که این فعالیت در حال انجام است و امیدوارم این روزها منتشر شود.

در پایان مراسم، مراسم هدایایی نیز از سازمان ها، نهادها و موسسات مختلف جهت تکریم و تقدیر از تلاش های حجت الاسلام فخرزاده صورت گرفت، پس از آن حجت الاسلام فخرزاده پشت تریبون قرار گرفته و درباره مراسم امروز گفت: از همه دوستان و عزیزان که در این مراسم حضور یافتند رسم قدردانی را به جای می آورم، عرض ادب دارم خدمت همه اساتید، کارشناسان، مسئولین، خبرنگاران، پژوهشگران و همه کسانی که در این برنامه حضور یافتند. اهمیت این برنامه به دلیل راهی بود که من در آن قدم گذاشتم و ۳۳ سال تداوم حضور من در این مسیر بوده است. امیدوارم که با نشر آثار انقلاب این مسیر ادامه یابد و با حمایت دوستان و استفاده از تجارب کارهای ارزنده ای صورت بگیرد، در پایان از همه عزیزان به ویژه مادرم بسیار سپاسگذارم.

فخرزاده بعدها در حوزه هنری این کار را ادامه داد و به نقطه خوبی رساند. وی ضمن اینکه وجنات یک روحانی را دارد با تلاش خود کارها را پیش می برند. هم چنین با یک خلوص نیت و تلاش کار می کنند بدون اینکه دیده شوند. او یک روحانی خدوم پر اخلاص و مثمر ثمر است سعی او همیشه بلیغ و سعید بوده است.

پس از اکران مستند کوتاهی از حجت الاسلام فخرزاده، امیر سرلشکر ناصر آراسته مشاور نظامی فرماندهی کل نیروهای مسلح در امور زمینی پشت تریبون قرار گرفت و درباره این بزرگداشت، گفت: من به عنوان سرباز پیر خود را نسبت به شهدا از همه بدهکارتر می دانم. همچنین به عنوان یک کهنه سرباز خود را نسبت به انقلاب از همه بدهکارتر می دانم، خوش به حال آقای فخرزاده که بسیاری از دیون خود را به انقلاب و دفاع مقدس ادا کرد.

وی با بیان خاطره ای ادامه داد: فردی صحبت می کرد که ما جزو غواص هایی بودیم که از ارونند برای فتح فاو عبور می کردیم؛ بدون اینکه پشتیبانی از ما صورت بگیرد. به او گفتم تاریخ جنگ از پنجره های مختلف دیده می شود. کسی که مانند شهید همت در قرارگاه کربلا نشسته از دریچه ای به جنگ نگاه می کند، کسی که در گردان بوده نیز از دریچه ای و یک بسیجی ساده نیز از زاویه ای. همه این نگاه ها درست است اما امکان دارد که کم ببینند، کسی که در دسته بوده امکان دارد که از آنچه در قرارگاه گذشته اطلاع نداشته باشد و... هنر از آن کسی است که این روایت ها را جمع کند و تاریخ شفاهی ارائه دهد.

مشاور نظامی فرماندهی کل نیروهای مسلح در امور زمینی اضافه کرد: کسی که بدون تحریف و کم و کاست، بدون مبالغه و گزافه گویی این تاریخ را روایت می کند، حاج آقا فخرزاده و امثال او هستند. فخرزاده می تواند اطلاعات را پالایش کند، بی آنکه حقایق را حذف و کارهای کوچک و بزرگ را از قلم بیندازد.

وی خاطر نشان کرد: خوشا به سعادت آقای فخرزاده که علم و معنویت را در دوران دفاع مقدس پایه ریزی کرد. در این علم و معنویت، وادادگی و رفاه زدگی راه ندارد؛ بلکه ایستادگی، مقاومت، صداقت و سخت کوشی در آن راه دارد. به گفته وی؛ وقتی بنیان کار در دفاع مقدس شکل گرفته باشد و رزمنده دفاع مقدس در عالم ادبیات پاک وارد عمل شود، به خصوص در حوزه تاریخ شفاهی، می شود فخرزاده. او بیش از ۳۰ سال از عمر شریفش را با صداقت و بدون توجه به دنیا زدگی و رنگ لباس ها وارد عمل شد. او اینگونه عمل کرد؛ از این جهت همه دعاگوی او هستند.

مومنی شریف رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی در این مراسم با اشاره به نقش حجت الاسلام فخرزاده در معرفی شخصیت شهید صیاد شیرازی گفت: آقای فخرزاده در سفرهایی که شهید صیاد شیرازی در هیئت معارف جنگ داشت، او را همراهی می کرد. آقای فخرزاده به دلیل کسالت نمی توانست در یکی از این سفرها شهید را همراهی کند، به همین دلیل شهید صیاد شیرازی سفر را به تعویق می اندازد؛ این در حالی است که همه از وقت شناسی و دقت شهید صیاد شیرازی مطلع هستیم. شهید صیاد شیرازی، آقای فخرزاده را انسان بی تکلفی می دانست.

نوعی حرکت صورت گرفت که امروز شاهد آن هستیم، بخش مطلوبی از تاریخ انقلاب و بخش قابل توجهی از تاریخ دفاع مقدس به صورت کتاب و ثبت شده جاودانه شده است.

اولین فرمانده سپاه پاسداران تأکید کرد: اگر امروز می توانیم از ثبت تاریخ شفاهی انقلاب با این عظمت یاد کنیم به دلیل زحمات آقای فخرزاده است. بسیار خوشحالم که اقدام مبارکی برای تجلیل از فخرزاده انجام شده است.

جواد منصوری ادامه داد: ثبت خاطره به مرور زمان و به تدریج تکامل یافت و از یک خاطره گویی صرف به جایی رسید که یک مکتب شد که امروز به یک رشته دانشگاهی تبدیل شده و کسانی در آن تحصیل می کنند. امروز این مکتب به عنوان یک مکتب تاریخ نگاری به ثبت رسیده است. از ابتدا از تاریخ شفاهی تا این اندازه استقبال نمی شد. می گفتند کارهایی که انجام شده بین ما و خدا بوده نیازی به گفتن نیست که ریا می شود. حضور فخرزاده در شکست این مقاومت ها بسیار موثر بود. اگر این جریان یک جریان ریشه دار و قوی نبود، تاریخ نگاری تا این اندازه پا نمی گرفت.

وی خاطر نشان کرد: در ۱۵ سال ابتدای انقلاب درباره مبارزان قبل از انقلاب هیچ کاری انجام نشده بود و کسی هم دنبال این کار نبود. بیشتر توجه به دفاع مقدس بود و به تدریج به پیش از انقلاب هم پرداخته شد. علاوه بر اینکه بتدریج گسترده شد به لحاظ کیفی و محتوایی هم بتدریج تغییر یافت. این روند ما در تاریخ شفاهی موجب شد تا ضد انقلاب هم از ما یاد بگیرند و شروع به ثبت خاطرات به زعم خودشان کنند.

این فعال انقلابی با بیان این مطلب که دستگاه های دولتی ما تا به حال نسبت به این مسئله غافل بوده اند گفت: دستگاه ها و مراکز آموزشی در این زمینه اعتنایی نداشته اند، البته اخیراً یکی دو دانشگاه رشته انقلاب اسلامی و تاریخ شفاهی را شروع کرده اند. اما کاری که آقایان در تاریخ شفاهی انجام دادند کاری ماندگار شد. در این جریان آقای فخرزاده مدیریت کار را بر عهده داشته است و تنها به دهه ۶۰ و ۷۰ اکتفا نکرده و تاکنون نیز این روند را ادامه داده است. امروز ما می توانیم در خارج از کشور و در دانشگاه های دیگر دنیا بحث نظریه تاریخ شفاهی را به عنوان یک نظریه علمی مطرح کنیم و نمونه های موفق خود را نشان دهیم.

منصوری خاطر نشان کرد: تاریخ شفاهی می تواند بسیاری از واقعیت های پنهان جامعه ما را روشن کند. علاوه بر حوزه هنری مراکز دیگری نیز در تاریخ شفاهی وارد شده و کارهایی انجام داده اند. اما فخرزاده حق بزرگی بر گردن ادبیات تاریخ نگاری و دستاوردهای این دوران از تاریخ معاصر ما دارد.

در ادامه برنامه، مجید رجبی مدیر خانه هنرمندان با تقدیر و تشکر از خدمات ۳۳ ساله حجت الاسلام فخرزاده، گفت: ویژگی های فخرزاده خدادادی است. وی اولین بار با مجموعه تبلیغات جبهه و جنگ وارد کار ثبت خاطرات رزمندگان دفاع مقدس شد. خاطرات رزمندگان دفاع مقدس ثبت شد و صداها چاپ خورد و در بین رزمندگان توزیع شد. بعدها در جهاد سازندگی و ارتش نیز این رویه انجام شد.

عالمی الحزب الاسلامی

Charter of the Islamic Revolution Film Documentary

منشور مسند

انقلاب اسلامی

با حضور مستشاران
و مدیران سینمای مستند ایران



جوانان عزیز! مستند!

سید علی

دینی طلبی تیری دلش، این نکته را در یاد نگه دار :
 ۱- راجعت لغت بی مبادی عام حفظ کنید . باز به ترکیبی و نه چیده
 بر صفا درستی لغت به کار نگیرد . با سر فرشته ، زبان و
 حشر نشان به کفر من لغت بی آید .
 ۲- حجت نرم دهنی برای بی دروغی و تحریف و مبالغه و باطلت بی
 شهادت ، بیژن می تواند باشند ، کار دشواری است . تاریخ لغت
 بهر از آنست که بر حقیقت همسر استی و کبر و دیگر همی رنگ آن است .
 ۳- یک هدف برای دین ، ترویج بدینی و زمینی است ؛ و گاهی در
 درگیری است . بیژن قادر است با اینت به دقت ، سر همی
 به و شوق و حرکت باشد .

۴- مستند نقدی مفید لازم است . لکن اگر باید ناصحانه و چهار جوانی
 در انتقاد لحن خفاه و یا حرآورد و برج و مرج طلبانه ، قلمی آن را
 تدبیر به زبان می کند . زبان طرز به رسا و دودمند را از مکتب میکند .
 ۵- ^{رضای} خداوند را در نظر بگیرید و لذت از کار ببرید . در اسلام علم و جهاد



پیام مقام معظم رهبری به مستندسازان جوان

گردهمایی بزرگ مستندسازان کشور برای رونمایی از «منشور مستند انقلاب اسلامی» متضمن پیام رهبر معظم انقلاب خطاب به مستندسازان جوان به میزبانی حوزه هنری برگزار شد. به گزارش سوره سینما به نقل از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، در پی دیدار شیرین جمعی از مستندسازان جوان با رهبر انقلاب در تاریخ ۲۱ دی ماه ۹۶، حضرت آیت الله خامنه‌ای فردای آن روز در پیامی خطاب به مستندسازان جوان، ۵ نکته را به این جوانان توصیه کردند. متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است:

بسمه تعالی

جوانان عزیز مستندساز!

در پی جلسه‌ی شیرین دیشب، این نکته‌ها را در یاد نگه دارید:

۱. جهت انقلابی را با دقت تمام حفظ کنید. بازی‌های تکنیکی و شهرت حرفه‌ای، بر صفا و درستکاری انقلابی کار، غلبه نکند. با سرافراشته، زبان و عمل، نشان دهید که مؤمن انقلابی‌اید.
۲. جنگ نرم دشمن، بر پایه‌ی دروغ و تحریف و شایعه و سانسور و بایکوت بنا شده است؛ هنر شما میتواند با سند، کار دشمن را بی اثر کند. تاریخ چهل ساله، لبریز از سندها بر حقانیت جمهوری اسلامی و کج روی و گمراهی دشمنان است.
۳. یک هدف اساسی دشمن، ترویج بدبینی و نومیدی است؛ دستمایه‌های امید در کشور بی شمار است. هنر شما قادر است با استناد به واقعیات، سرچشمه‌ی امید و شوق و حرکت باشد.
۴. مستند انتقادی، مفید و لازم است. لحن اثر باید ناصحانه و چاره‌جویانه باشد. در انتقاد، لحن خصمانه و یأس آلود و هرج و مرج طلبانه، فایده‌ی آن را تبدیل به زیان میکند. زبان طنز به رسایی و سودمندی اثر کمک میکند.

۵. رضای خدای را در کارها در نظر بگیرید و از او کمک بخواهید.

والسّلام علیکم ورحمه الله

گزارشی از مراسم باشکوه رونمایی از منشور مستند انقلاب در حوزه هنری؛

مومنی شریف: منشور مستند انقلاب اسلامی نقطه عطفی برای مستند است

مراسم رونمایی از منشور مستند انقلاب اسلامی عصر روز یکشنبه یکم بهمن ماه در سالن سوره حوزه هنری برگزار شد. در این مراسم منشور مستند انقلاب اسلامی که توصیه‌های رهبر معظم انقلاب به مستندسازان جوان است توسط نادر طالب‌زاده قرائت شد.

به گزارش سوره سینما، در این مراسم چهره‌هایی چون محسن مؤمنی شریف رئیس حوزه هنری، محمد حمزه‌زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری، سلیم غفوری مدیر شبکه مستند، محمد طباطبایی‌نژاد مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، شهریار بحرانی، هوشنگ توکلی، محمدرضا شرف‌الدین، انسیه شاه حسینی، جهانبخش سلطانی، غلامرضا فرجی، معین بخش، مهدی نقویان، محمدعلی شعبانی، محسن برمهانی، محمد مهدی خالقی، شفیع آقامحمدیان، جبار آذین، محسن سلیمانی فارسانی، کورش زارعی، محسن یزدی، محمدرضا شفا، یزدان عشیری، رامین رحیمی، ناصر درخشان، بهروز نورانی پور، علی صدری‌نیا، حسن یادگاری، وحید چاوش، حسین شمقدری، محمدعلی فارسی، کمیل سوهانی، محسن آقایی، محسن برونی، مستندسازان برخی از ستانها، مدیران بخش‌های مختلف حوزه هنری، اصحاب رسانه و ... حضور داشتند.

در ابتدای مراسم محسن مومنی شریف پشت تریبون قرار گرفت و ضمن خوش آمدگویی به حضار و مهمانان و گرامیداشت ایام الله دهه فجر گفت: منشور مستند انقلاب اسلامی تنها منحصر به مستند نیست و در بخش‌های دیگر هنر هم راهگشا خواهد بود و جهت درست را نشان خواهد داد.

وی در ادامه با اشاره به اهمیت مستند و مستندسازان اظهار داشت: من گمان می‌کنم هنرمندان گاهی به حوادث عظمت می‌دهند اما بعضی حوادث به قدری بزرگ هستند که هنر از بیان و معرفی آنها باز می‌ماند مثل نهضت حضرت سیدالشهدا (ع) و انقلاب اسلامی. برخی هنرها حقایق را تغییر می‌دهند مثل ارائه درام و داستان اما مستند عین حقیقت را بیان می‌کند و صاحبان فطرت‌های پاک آن را می‌پذیرند. مسایل انقلاب هم از این نوع است.

رئیس حوزه هنری درباره دیدار هنرمندان با مقام معظم رهبری گفت: سال گذشته حضرت آقا فرصتی در روزهای پنجشنبه برای دیدار صمیمانه با هنرمندان فرصت گذاشتند. ۱۲ جلسه برگزار شد ارگان‌ها و نهادها فهرست دادند که امسال نوبت به حوزه هنری رسید. آقای یزدی خوش فکری کردند و این جلسه را مخصوص مستندسازان قرار دادند جلسه صمیمی بود. حضرت آقا در مقابل پرسش‌ها پاسخ دادند و توصیه‌ای نوشتند که رونمایی می‌شود.

در ادامه مراسم کلیپی از سخنان مستندسازان جوان برای مهمانان پخش شد و سپس سلیم غفوری مدیر شبکه مستند به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: بسیار خوشحالم و خدا را شکر می‌کنم پیام حضرت آقا فرصتی فراهم آورد که گرد هم بیاییم. پیام ایشان، منشور مستندسازان انقلابی است. جریان مستند انقلابی تا به امروز همپای سینمای داستانی و گاهی جلوتر حرکت داشته است. هنرمندان مستند انقلاب در جریان‌سازی از هنرمندان سینما جلوتر هستند، مستندسازی انقلابی





تنها معطوف به انقلاب و جنگ و مقاومت نیست یک بخش مهم این موضوعات است که بتوان ریشه‌های انقلاب را تبیین کنیم. با توجه به آنچه در منطقه می‌گذرد.

وی در ادامه گفت: همچنین ما موظف هستیم در باره بحران‌هایی که در جامعه وجود دارد نیز مستند بسازیم. درد جامعه با نگاه برون رفت از مشکل باید ارایه شود. معضلات و مشکلات اگر با نگاه درست ساخته شود مستند انقلابی است مستند ساز انقلابی جامعه را ناامید نمی‌کند. همانطور که حضرت آقا تأکید کردند اگر می‌خواهیم مستند بسازیم ارایه طریق برون رفت و کاهش آسیب‌ها باید مدنظر باشد. غفوری در پایان سخنانش اظهار داشت: حفظ روحیه انقلابی باعث ارایه نگاه درست به جامعه است، سینمای مستند از نگاه درست به جامعه نگاه درست منتقل می‌کند. پیام حضرت آقا راهگشاست و برای رشد بهتر آثار و نگاه درست است که انشالله ادامه می‌یابد.

محسن برمهانی هنرمند مستند ساز و فعال حوزه بین الملل سخنران دیگر این مراسم بود. وی ضمن اظهار خوشحالی از حضور در جمع دوستان و همکارانش اظهار داشت: متأسفانه توفیق حضور در جلسه دیدار مستندسازان با حضرت آقا را نداشتم اما بعد از جلسه و خواندن پیام حضرت آقا احساس می‌کنم روح و حال تازه‌ای یافته‌ام. در حوزه بین الملل موضوعی است که در سال‌های اخیر قابلیت خوبی برای ارائه آثار پیدا کرده که باید به این فکر کنیم که چگونه این لحن را برای مخاطب خارجی ارایه دهیم تا به درستی مفاهیم منتقل شود.

برمهانی گفت: مستندهای انقلابی ما در پنج سال اخیر از جهت ساختار قوام پیدا کرده‌اند و مستندسازان باید به این فکر کنند که چگونه می‌توان این آثار را در خارج از مرزهای کشور به نمایش گذاشت. از مستند سازان عزیز خواهش می‌کنم حتما در آثارشان از موسیقی‌ها و تصاویر آرشیوی که قانون

کپی رایت را رعایت کرده‌اند استفاده کنند تا بتوانیم آثارمان را برای پخش به رسانه‌های خارجی بدهیم. در بخش بعدی مراسم مهدی نقویان مستند ساز جوان متنی را خطاب به هنرمندان و حضار خواند و سپس محسن یزدی مدیر مرکز مستند حوزه هنری پشت تریبون رفته و گفت: آنچه در دیدار با مقام معظم رهبری بسیار برایم جالب بود این نکته است که ایشان بسیار خوب گوش می‌کنند و جایی را متوجه نشوند می‌پرسند، یادداشت می‌کنند، ارجاع می‌دهند و این کاملاً نشان می‌دهد که جلسه عملیاتی است. من از بعد از آن جلسه متوجه شدم باید به دور از هیجانات جوانی درباره مسائل مهم کار کنیم و اگر گرفتار بی‌اخلاقی‌ها شدیم باید خود را پالایش کنیم و کارها را بیشتر جدی بگیریم.

یزدی اظهار داشت: اینکه عنوان کردم جلسه دیدار با حضرت آقا یک جلسه عملیاتی بود به این خاطر است که بعد از دیدار با ایشان اتفاقاتی بسیار دلگرم کننده رخ داد. در همان جلسه یکی از مستندسازان عزیز مسالهای را با حضرت آقا مطرح کرد و خواسته‌ای در بحث سوریه از ایشان داشت و دو روز بعد این هنرمند عزیز توانست با عالی ترین مقام همان حوزه دیدار داشته باشد و مشکلی حل شد. این موضوع برای همه ما یک درس مهم است. اینکه با دقت به اطراف مان نگاه کنیم و به حرف‌های دیگران با دقت گوش کنیم و نگاهی جدی تر به مسایل پیرامون مان داشته باشیم.

سپس، محمد مهدی خالقی مستند ساز مشهوری قطعه‌ای از یادداشتی که در دیدار با حضرت آقا نوشته بود را برای حضار خواند.

بهر روز نورانی پور مستند ساز موفق کشورمان دیگر سخنران مراسم بود. نورانی پور گفت: دغدغه مستندسازان نابرابری مستند در تولید و عرضه نسبت به سینمای داستانی است و هنوز مستند به سبب فرهنگی خانواده‌ها اضافه نشده است. باید دغدغه مستندسازان را برطرف کرد. سینمای

مستند قابلیت و ظرفیت دارد که ویتترین اندیشه‌ها و آرمان‌های یک کشور را ارائه دهد.

وی اظهار داشت: من فیلم A۱۵۷ را در شرایط خطرناکی ساختم و چون در خارج از کشور و در منطقه‌ای مرزی میان سوریه و ترکیه که بسیار ناامن بود این فیلم را می‌ساختیم بارها به مراکز بیمه مراجعه کردم تا خودم و عوامل را بیمه کنم ولی هیچ موسسه بیمه‌ای ما را بیمه نکرد. باید بیشتر به دغدغه‌های مستند سازان اهمیت داده شود و حرف دل ما مستند سازان شنیده شود.

آخرین سخنران مراسم نادر طالب زاده بود. وی با اشاره به مغتنم بودن دیدار مستندسازان با مقام معظم رهبری گفت: خوشحالم که در این محفل هستم. این مسیر انقلاب است و برای آن جشن می‌گیریم. منشور مستند انقلاب اسلامی سیگنالی است که آقا ارائه دادند و همه فرازها را فرمودند. مستندسازان انقلابی میوه جدیدی هستند که به نوع مستند جدید خلق می‌کنند و بدینان هم مجبور هستند آن را ببینند این قدرت مستند است.

طالب زاده گفت: خواهش من از صداوسیما این است که مستندهای برتر مستندسازان انقلابی را در شبکه‌های مختلف به همراه نقد و بررسی برای مخاطبان نمایش دهند.

ور در پایان سخنانش اظهار داشت: ما هر چقدر در کشور بیشتر نیروهای انقلابی داشته باشیم بهتر است و هر چقدر فتنه ضدانقلاب را کور کنیم برنده‌ایم. جنگ نرم از جنگ سخت مهم‌تر و دشوارتر است. میدانم همه شما عزیزان جهادگرانی در همین راستا هستید و از خداوند متعال برایتان توفیق روز افزون خواستارم.

در بخش پایانی مراسم منشور مستند انقلاب اسلامی با حضور نادر طالب زاده از پنجره‌ای که براساس معماری اسلامی طراحی شده بود کتیبه منشور مستند انقلاب را رونمایی و متن منشور را برای حضار قرائت کرد.

شفیع آقامحمدیان تبیین کرد:

توجهات رهبری به سینما، راهگشایی اعتلای هنر هفتم



مدیرعامل سابق مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی گفت: مقام معظم رهبری بارها در دیدارهای خود با اهالی سینما تأکیدات راهگشایی برای اعتلای سینمای مستند بیان فرموده‌اند که باید از آن در جزء جزء سینما بهره برد.

دارم تا نیروهای انقلابی در سینما حضور فعال داشته باشند، زیرا اگر بخواهند سینماگران متعهد دستخوش ناامیدی شوند و به سمت گوشه‌نشینی روی آورند به تفکر غربی اجازه داده‌اند تا اندیشه‌های خود را در جای جای سینما رسوخ دهند.

کارگردان فیلم «تلفن» تأکید دارد: بخش‌هایی در سینما هستند که سعی می‌کنند قدم‌هایی در جهت رواج اندیشه‌های انقلابی بردارند. برای مثال از حوزه هنری نام می‌برم که با برگزاری جلساتی چون گردهمایی فیلمسازان مسلمان سعی می‌کند، انسجامی جدی در حوزه فرهنگ و هنر داشته باشند. این اقدام پسندیده است ولیکن باید به شکل همه جانبه دنبال شود. موضوع دیگر این که فیلمسازان متعهد و انقلابی به انسجام و گردهمایی‌های بیشتری نیاز دارند تا انسجامشان بیشتر شود، زیرا سدی که در مقابل آنهاست بسیار سخت و دشوار است.

وی در پایان سخنان خود به مستندسازان متعهد پیشنهاد کرد: برای آنکه سینماگران به ویژه مستندسازان در مقابل کارهای سیاه‌نما موفق باشند، نیاز است تا آنها آگاهی خود را کامل کنند. منظور این که خود با تفکرات کسانی که مروج موضوعات غربی هستند آشنا باشد و به لحاظ تئوریک آنها را بررسی کنند، چون برخی مواقع ما فکر می‌کنیم، تنها راه محکوم کردن است، در صورتی که این باور به نظرم اشتباه است و باید به شکلی علمی و سینمایی با آن برخورد کرد.

ارتقای وضعیت کشور حرکت کند. این مسئله را من به نوعی در دغدغه‌مندی هنرمند معنا می‌کنم.

مدیرعامل سابق مرکز سینمای مستند و گسترش و در پاسخ به این پرسش ایکنه که دغدغه‌مندی رهبر، نسبت به سینما برای همه آشکار است. ایشان بارها توصیه‌های ارزشمندی در این حوزه ارائه کرده‌اند، اما این رهنمودها در سینما به شکلی عملی دیده نمی‌شود، دلیل این اتفاق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اظهار کرد: پاسخ این مطلب پیچیده است، چون ما به لحاظ سیستماتیک در سینما دچار مشکل هستیم، چون در این حوزه مشکلات عدیده‌ای داریم که با دیدگاه‌های حضرت آقا فاصله جدی دارند.

آقامحمدیان ادامه داد: در فضای موجود به نظرم این سینماگران متعهد هستند که باید در این حوزه ورود کنند و بانی اقدامات لازم باشند، والا اگر غیر از این باشد ما به این زودی نخواهیم توانست سینما را به سویی هدایت کنیم که توصیه‌های امام(ره) و رهبری در آن ویژگی اصلی باشد. در همین رابطه برایم جای سوال است، چرا باید با گذشت تنها ۴ دهه فضا در سینما به گونه‌ای شود که فیلمسازان انقلابی تا به این اندازه به حاشیه رانده شوند؟

وی با بیان اینکه رواج تفکرات غربی یکی از آسیب‌های جدی در حوزه سینماست؟ گفت: متأسفانه در زمان حال یک آسیب جدی سینما را تهدید می‌کند، آن هم رواج اندیشه‌های غربی در جای جای سینماست، برای همین هم تأکید

شفیع آقامحمدیان کارگردان سینما با بیان این که رهبری سینما را با نگاه دقیق ارزیابی و پیگیری می‌کند، اظهار کرد: مقام معظم رهبری هفته پیش دیداری با اهالی سینما داشتند. در این دیدار رهبری تأکید کردند که سینمای مستند، محل مناسبی است تا بسیاری از موضوعات و معضلات جامعه در آن مد نظر قرار گیرد، حتی ایشان تأکید کرده بودند که کارهای مستند را تماشا می‌کنند و نسبت به آنها دقت نظر دارند.

وی افزود: حضرت آقا در دیدار اخیر خود با مستندسازان تأکید داشتند، مستند محل مناسبی برای پرداختن به موضوعات اجتماعی است؛ عرصه‌ای که در آن می‌شود به بسیاری از معضلات پرداخت. در ضمن تأکید رهبری این بود، همیشه به موضوعات اجتماعی به ویژه کارهایی که به معضلات می‌پردازند، باید به شکلی امید بخش پرداخته شود. منظور این که پرداختن به دردهای اجتماعی به نحوی نباشد که جامعه دستخوش ناامیدی شود، بلکه باید مسیری را نشان داد که علاوه بر تصویرگری دردها، آینده پیش رو روشن ترسیم شود.

این فیلمساز ادامه داد: یکی دیگر از تأکیدات مقام معظم رهبری این بود که مستندسازان تفکرات انقلابی را سرلوحه کارهایشان قرار دهند. منظور از انقلابی بودن نیز تنها این نیست که فیلمساز وابسته به نظام یا پیرو کامل آرمان‌های سال ۵۷ باشد، بلکه اندیشه سینماگر می‌بایست با داشتن اختلاف سلیقه در جهت

یزدی مدیر مرکز مستند سازمان سینمایی حوزه هنری:

بیانات رهبر انقلاب در دیدار با مستند سازان راه گشا خواهد بود



اشاره: محسن یزدی مدیر مرکز مستند سوره وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری یکی از هنرمندانی بود که در جلسه دیدار مقام معظم رهبری با مستند سازان حضور داشت. به بهانه این دیدار و رونمایی از منشور مستند انقلاب اسلامی با ایشان گفتگویی درباره مستند سازی در ایران و برنامه های مرکز فیلم مستند سوره برای سال آینده داشته ایم که در ادامه می خوانید.

هفته گذشته جمعی از مستند سازان به دیدار رهبر انقلاب رفته بودند و شما هم در بین شان بودید. کمی در مورد این جلسه و دیدار با رهبری بگویید.

بله خوشبختانه این توفیق را داشتیم که خدمت ایشان باشیم. حدود سی نفر از مستند سازان خدمت ایشان بودند و نقطه نظرات شان را مطرح کردند جلسه بسیار صمیمانه و خوبی بود. یکی از ویژگی های مقام معظم رهبری این است که شنونده بسیار صبور و خوبی هستند و حضار اگر نکته ای برای گفتن داشته باشند به اصطلاح جا نمی ماند و مطرح میشود. من جزو برگزیدگان جشنواره مردمی عمار هم بودم و آن زمان که با برگزیدگان خدمت ایشان رسیدیم همین جر حاکم بود و دوستان هر نقطه نظری داشتند مطرح کردند. مقام معظم رهبری خیلی خوب به حرفها گوش می کردند و حتی اگر راجع به سخن یا نکته ای، ابهامی داشتند سوال می پرسیدند؛ در این جلسه هم دوستان خیلی راحت مسائل شان را مطرح کردند، یعنی جو جلسه آنقدر صمیمانه بود که دوستان حرف هایشان را به راحتی بیان کردند. بعضی نقدها را ایشان قبول داشتند و برای بعضی از آنها از قبل دستور پیگیری یا تذکر داده بودند و مواردی را هم خودشان فرمودند.

شمارتیس مرکز مستند حوزه هنری هستید، صحبت هایی که رهبر انقلاب در این جلسه بیان کردند چقدر می تواند در روند کاری شما در آینده تاثیر بگذارد؟

اول اینکه ما به دور از هر تعارف و شعاری رهبری را ولی خودمان می دانیم. یعنی تمام عشق مان این است که کاری که انجام دهیم مورد رضایت ایشان باشد، شخص پرست هم نیستیم، ایشان را نائب امام زمان و انسانی صاحب اندیشه می دانیم. ما هم به جهت معنوی و هم به جهت شرعی به ایشان دلبستگی داریم و اینکه جلسه ای خدمت ایشان باشیم برایمان بسیار مغتنم است؛ اینکه اولین شخص مملکت برای مستند سازان وقت می گذارد برای ما خیلی مهم و حائز اهمیت است، ما چنین جلسه ای را حتی با وزیر ارشاد یا معاون وزیر ارشاد هم تجربه نکردیم ولی نزد رهبری می رویم و ایشان که شخص اول مملکت هستند با هزاران کار و گرفتاری و مشکلات برایمان وقت می گذارند. خوب این برایمان بسیار ارزشمند بوده به ما برای حرکت در مسیر انقلاب انژی مضاعف میدهد.

نکته دوم این است که ایشان توجه خاصی به مستند سازی دارند و پیامی که به مستند سازان دادند برای جامعه هنری کشور و مستند سازان بسیار ارزشمند

و راه گشا خواهد بود چرا که توجهات نسبت به مستند بیشتر خواهد شد و حداقل انتظار ما به عنوان کسانی که کار مستند می کنیم این است مثلاً تلویزیون قدری بیشتر به مستند توجه کند و به نظرم این اتفاق حتماً رخ خواهد داد.

حوزه هنری در سالی که گذشت در زمینه مستند سازی چقدر فعال بود و چه کارهای انجام شد و برای سال آتی چه برنامه هایی در نظر دارید؟

سال گذشته مجموعه «در برابر طوفان» را با مشارکت بسیج ساختیم، آقا یک قسمت از این مستند را دیده و پسندیده بودند و اظهار لطف کرده و فرموده بودند بحث حوزه تاریخ معاصر را ادامه بدهید و ما نیز این کار را کردیم و راجع به حوزه تاریخ با تمرکز بیشتری ادامه فعالیت دادیم. سال آینده نیز در این حوزه یعنی تاریخ معاصر فیلم خواهیم ساخت و حتماً توجه مان به تلویزیون بیشتر خواهد بود.

من معتقدم باید به مخاطب توجه کنیم. عمده مشکلی که مراکز مستند سازی دارند این است که برای مخاطب فیلم نمی سازند بلکه برای خوشایند مدیران و مافوق های خود فیلم می سازند و این اتفاق را ما ایزوله کرده و از مردم دور می کند. زبان فیلم های ما باید تا جایی که ممکن است به زبان مخاطب نزدیکتر باشد.

مثلاً وقتی جوانانی به خیابان می آیند به نفع رضاشاه شعار می دهند رضاشاهی که به استناد اسناد و حرف های افراد مطلق و تاریخ شناس یکی از مستبدترین شاه های ایرانی بوده و کارهایی کرده است که بعضاً بعضی از شاهان ایران نکردند، حالا در شعارها منجی ایران می شود! علت چیست؟ یک قدری از آن توطئه خارجی است و بخشی نیز بخاطر نا آگاهی آن جوان است. ما چه تعداد مستند ساختیم؟ چه تعداد فیلم ساختیم؟ چه کسی می تواند ادعا کند که من رضاشاه و دوره رضاشاه را می شناسم؟ همین می شود که جوانی که بخاطر گرانی شعار می دهد تصور می کند

فردی مانند رضاشاه می تواند منجی کشور شود! علت این است که ما نتوانسته ایم با مخاطب ارتباط برقرار کنیم. ما به تلویزیون به عنوان رسانه ای که مخاطب عام دارد توجه داریم و تعامل مان را با این رسانه ادامه خواهیم داد البته این به آن معنا نیست که به جشنواره ها بی اعتنا خواهیم بود. طبعاً در جشنواره ها هم شرکت خواهیم داشت اما تمرکز اصلی ما روی تلویزیون خواهد بود.

شما در حیطه مستند سازی به اصطلاح دستی بر آتش دارید و در این حیطه کارهای مدیریتی نیز انجام میدهید. به عنوان فردی که هم در حوزه مدیریت و هم در حیطه ساخت فیلم مستند تجربه دارد فکر میکنید چه موضوعاتی در سینمای مستند محجور مانده است؟

من معتقدم در حوزه اجتماعی ضعیف هستیم و به حوزه مستند های اجتماعی ورود نکردیم. اگر شما نقد مصلحانه نکنید یک نفر می آیند نقد سیاه نمایی می کند یعنی مخاطب را با بن بست مواجه می کند و راه اصلاح را می بندد، مستند اجتماعی مستند ماست مالی کردن نیست، مستند سیاه نمایی هم نیست، مستند نقد منصفانه و مصلحانه است، یعنی باید حرف را گفت و اینکه چگونه باید گفت مهم است. هنر مستند سازی این است که حرفش را به شکل ناصحانه و دلسوزانه بگویند که منجر به نتیجه شود، منجر به این شود که دستگاه هایی که غفلت کردند وارد شوند و مسئولانی که می توانند کمک کنند.

تفاوت نقد و سیاه نمایی این است که در سیاه نمایی مخاطب در بن بست قرار می گیرند یعنی فکر می کند دیگر دنیا تمام شده و کاری نمی شود انجام داد، اما مستند اجتماعی مصلحانه مستندی است که همان نقد را بیان می کند اما روزه امید را باز می گذارد و معتقد است می شود مشکلات را با کمک همدیگر حل کرد، چنین مستندی ممکن است راه حل ارائه کند و یا حتی راه حلی ارائه نکرده و تنها به ارائه پرسش بسنده کند

طالب زاده: بیانیه رهبر انقلاب به مستندسازان تأیید مستند انقلابی است



برنامه تلویزیونی «جهان آرا» یکشنبه شب با موضوع امروز و فردای مستند ایرانی و با حضور سه تن از مستندسازان کشورمان از شبکه افق پخش شد.

قسمت دیگری از برنامه گفت‌وگو محور «جهان آرا» با موضوع «امروز و فردای مستند ایرانی» ۱ بهمن ماه روی آنتن این شبکه رفت. به بهانه برگزاری مراسم رونمایی از منشور مستند انقلاب اسلامی، در اول بهمن سال جاری در تالار سوره حوزه هنری با حضور فعالان عرصه مستند، دست‌اندرکاران جهان آرا بر آن شدند تا این قسمت از برنامه را به بررسی ناگفته‌های سینمای مستند کشور اختصاص دهند.

مهمانان این برنامه نادر طالب‌زاده مستندساز، تهیه‌کننده و روزنامه‌نگار، محمدحسن روزی طلب پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی و محسن برمهانی مستندساز بودند. محسن یزدی مدیر مرکز مستند سوره در ارتباط تلفنی با برنامه همراه شد. محمدحسین بدری هم مجری کارشناس این قسمت از جهان آرا بود.

نادر طالب‌زاده در ابتدای صحبت‌های خود از حضور گروه جدید و متفاوتی از مستندسازان طی شش هفت سال اخیر ابراز امیدواری کرد و گفت: عده‌ای از بچه‌های انقلابی و مهندس در برنامه «ثریا» به‌طور خودجوش مستندهایی بعضاً جنگ نرم می‌سازند، چون می‌بینند کسی روی این موضوعات کار نمی‌کند. وی در ادامه افزود: جریان مستندسازی انقلابی با دوره‌های دوم و سوم جشنواره عمار شروع شد. این جریان خودجوش است و به تبیین زوایای ناگفته انقلاب اسلامی می‌پردازد.

این مستندساز به جلسه صمیمی جمعی از مستندسازان با مقام معظم رهبری در روز ۲۱ دی ماه سال جاری اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: رهبری با بیانیه پنج بندی خود جریان مستندسازی انقلاب اسلامی را تأیید کردند. وی مطرح کرد: نسل مستندساز انقلابی مسئله و راه حل را تلخ بیان و تحلیل نکند و مکمل آن باید جریان نقد فیلم مستند در رسانه ملی شکل بگیرد و مستندهای انقلابی نباید محدود به نمایش در جشنواره‌ها باشند.

محسن یزدی گفت: مراکز مهمی مثل سازمان اوج، روایت فتح و... به پیشرفت مستندسازی کمک کرده‌اند و در حوزه تولید اتفاقات خوبی افتاده است، اما در پخش پیشرفتی نکرده‌ایم و جای کار دارد. طالب‌زاده به نگاه جدیدی در مستندسازی اشاره کرد و افزود: برخی مستندسازان با دید انقلابی مصلح هستند که ذی‌قیمت است. وی در پایان صحبت‌هایش تأکید کرد: مستند در عین نقد نباید یأس‌آور باشد.

روزی طلب بیان کرد: بعد از سال ۱۳۸۸ به جبهه متوجه ریشه و هویت‌مان و مخاطرات انقلاب اسلامی و چگونگی دفاع از آن شدیم. شکل‌گیری جشنواره عمار در سال ۱۳۸۹ الهام‌بخش مستندسازان تاریخ انقلاب شد.

وی به اهمیت پژوهش و آرشیو در مستند تاریخ انقلاب اشاره و ابراز نگرانی کرد: عمده آرشیو در صدا و سیماست و دشمنان ما دسترسی بیشتری به آرشیوهایمان دارند تا مستندسازان انقلابی. روزی طلب اظهار کرد: صدا و سیما مهم‌ترین نقش را در پخش و تقویت محتوای مستندهای تاریخ انقلاب دارد و باید به مستندسازان اعتماد کرد.

برمهانی با اشاره به بیانیه رهبری تأکید کرد: مستندساز انقلابی باید جهت‌گیری انقلابی‌اش را حفظ کند. وی تأکید کرد: مبارزه با دروغ، تحریف، بایکوت و بدبینی موجب نشود مستندساز دچار آنها شود. گاهی مستندساز در نقد برخی شخصیت‌ها و جبهه مثبت آنها را در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ زیر سؤال می‌برد. برمهانی ضمن بیان محدودیت‌های ساخت مستند «به پشت تابلو نگاه کن» گفت: توصیه نادر طالب‌زاده مراد ر کشمیر نجات داد.

برمهانی ادامه داد: مستندسازی انقلاب اسلامی به نقطه تمجید رهبری از آن رسیده و این مطلوب است، اما در گام بعدی باید بین‌المللی شویم.

اما برای مخاطب بن‌بست درست نمی‌کند. من معتقدم امروز نقطه غفلت ما که البته آرام آرام توجه ما دارد به آن بیشتر می‌شود حوزه‌های اجتماعی است.

اتفاقاً امسال حوزه هنری چند فیلم اجتماعی خوب تولید کرد که پر از حاشیه و حرف و حدیث هم شد، گویا هنوز برای مردم جا نیفتاده است که یک چنین موضوعاتی موشکافه بررسی شود.

حاشیه‌پندانی نداشت. چند روزنامه به اصطلاح شلوغ کردند که دو علت داشت یک علت این بود که می‌خواستند حوزه هنری را بزنند. چون بعضی رسانه‌ها به هر دلیل و نادلیل علیه حوزه مطلب منتشر می‌کنند. من موافق نقد و معتقد هر دستگاه و هر سیستمی نقد نشود به بیراه کشیده می‌شود اما بعضی از رسانه‌ها منتظرند به هر دلیل موجه و غیر موجهی حوزه هنری را بکوبند.

نکته دیگر اینکه آنها فکر می‌کنند با تخریب حوزه می‌توانند امتیاز بگیرند و بعضی از فیلم‌هایی را که خودشان می‌پسندند و راه فیلم‌هایی که به نظر من سیاه‌نماست را باز کنند. من صادقانه معتقدم مخاطب باهوش است و اعتقاد دارم کسی که مخاطب را ساده لوح فرض کند درواقع خودش ساده لوح است. اگر به مخاطب دروغ بگویید یا بخواهید با شعار و به اجبار چیزی را به خورد او بدهید متوجه می‌شود و آن حرف یا فیلم را پس می‌زند.

من همیشه گفته‌ام که از آثارمان صد درصد دفاع نمی‌کنم. قاعداً این کارها باید نقد شود، ممکن است جایی اشتباه کرده باشیم و آنرا هم می‌پذیریم و همه سعی مان را می‌کنیم که آن اشتباه را تکرار نکنیم. از نقد‌های منصفانه نیز استقبال می‌کنیم. داعیه کار بی‌عیب و نقص نداریم. حرف مان این است که با مخاطب روراست و صادق هستیم و اگر اشکالی در کارمان است در صدد رفع آن بر خواهیم آمد.

به عنوان سوال پایانی فکر می‌کنید بزرگترین چالشی که مستندسازان ما برای تولید فیلم‌هایشان با آن روبرو هستند چیست؟

ایزوله شدن، جدا افتادن از مخاطب و سرگرم شدن با مسائل غیرمهم، به نظر من اینها جزء چالش‌هایی است که ما با آنها مواجه هستیم. من معتقدم باید برای ساخت فیلم خوب زحمت کشید و هیچ تلاشی بی‌پاسخ نخواهد ماند. ما معتقدیم باید برای رضای خدا کار کنیم. حتی مستند هم برای رضای خدا می‌سازیم پس کاری که برای رضای خدا باشد زحمتش هم باید بیشتر باشد. بنظر من بسیار مهم است یک مستندساز رسالتی را برای خود قائل باشد. اینکه تصمیم داشته باشد مشکلی را از روی دوش مردم بردارد رسالت است و باید در همین راستا کوشش کند. تفاوت بسیاری بین مستندسازی که برای رضا خدا و در راستای رسالتش فیلم می‌سازد و مستندسازی که برای پول یا جایزه فیلمسازی می‌کند وجود دارد. نفسانیت ممکن است از جایی یقه هنرمند را بگیرد که این موضوع بسیار منحرف کننده است. من امیدوارم مستندسازان ما با وجود همه مشکلات و محدودیت‌ها برای مردم و در جهت رضایت مردم فیلم بسازد و در مسیر کارشان همواره به یاد داشته باشد که فیلمسازی نیز یک رسالت است و وظیفه خطیری بر عهده دارند.



نشست مستندسازان استان‌های مختلف کشور با رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری

حمزه زاده: رهنمودهای رهبری چراغ راه مستندسازان

نشست مشترک مستندسازان استانی با رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری انقلاب اسلامی، مدیر شبکه مستند و مدیر مرکز مستند سوره حوزه هنری برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، بعد از دیدار صمیمانه برخی مستندسازان با مقام معظم رهبری؛ مسئولان حوزه هنری بر آن شدند تا نتایج این ملاقات را با مستندسازان جوانی که در استان‌های مختلف به این حرفه مشغولند سهیم شده و همراهی شان را با جوانان این حوزه مسجل‌تر کنند. بر این اساس نشست ترتیب داده شد تا محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری انقلاب اسلامی، محسن یزدی مدیر مرکز مستند سوره حوزه هنری و سلیم غفوری مدیر شبکه مستند سیما؛ به نقطه نظرات و دغدغه‌های جوانان فعال شهرستانی توجه کرده و نکاتی که مقام معظم رهبری فرمودند را در اختیارشان قرار دهند.

در ابتدای این نشست محمد حمزه زاده عنوان کرد: در دیدار صمیمانه‌ای که میسر شد تا برخی مستندسازان با مقام معظم رهبری داشته باشند ایشان به بیان مواردی پرداختند که محتوای آن چراغ راه و پشتوانه‌ای مهم برای مستندسازان است. سینمای مستند با همه فراز و نشیب‌ها و رویش‌هایی که طی این سال‌ها داشته است اما در دنیای هنر بعد از انقلاب همیشه به عنوان جنس دسته دوم نگاه شده و از منظر کسانی که در این عرصه فعالیت می‌کنند در حاشیه قرار می‌گیرد اما با توجهاتی که از سوی رهبرمان به سینمای مستند شد بعد از این می‌توان

موازنه را تغییر داد و شاهد اولویت سینمای مستند بر سینمای داستانی باشیم.

وی بیان کرد: جلسه امروز محفلی صمیمی برای همفکری درباره فعالیت‌هایی است که بعد از این قرار است در سینمای مستند رقم بخورد. با گذشت چهار سال پر فراز و نشیب از پیروزی انقلاب اسلامی امروز رهبرمان با تاکید بر تولید مستندهایی بر پایه نشان دادن حقیقت ضرورت و اهمیت بالایی پیدا کرده که در نتیجه این هم‌اندیشی می‌توان به آن دست پیدا کرد.

در ادامه این نشست سلیم غفوری مدیر شبکه مستند نیز با اشاره به ملاقات با مقام معظم رهبری، اظهار کرد: باید نکاتی که در این ملاقات مطرح شد را جدی بگیریم. ایشان به نکته مهمی درباره تاریخ پهلوی اشاره کردند مبنی بر اینکه این روزها مستندهایی ساخته شده که تاریخ پهلوی و زندگی رضاخان را تحریف کرده و حقیقت را به شکل دیگری جلوه می‌دهند. تاکید مستند در بیان تاریخ است چون به واقعیت نزدیک‌تر است.

وی افزود: نکته دیگری که به آن اشاره کردند بحث امیدآفرینی بود. ایشان تاکید کردند که مخالفتی با نقد اجتماعی ندارند اما گاهی برخی آثار انسان را از زندگی ناامید می‌کند و شما با این زاویه نگاه انگیزه تان را به همه چیز از دست می‌دهید. در صورتی که برخی مستندات اجتماعی اگر چه به نقد برخی عملکردها می‌پردازد اما راه گشاست و در مخاطب ایجاد انگیزه می‌کند. به طور کلی نقد نباید غیر منصفانه باشند و ایشان فرمودند که با نقد مصلحانه بسیار هم موافق هستند.

غفوری گفت: ایشان جمع را مورد تفقد قرار دادند و دست پدري بر سر ما کشیدند. تاکید جدی شان بر این بود که همه باید تلاش برای حفظ روحیه انقلابی تلاش کنند و مستند را فقط از جنبه هنر نبینند چون مستندی که صرفا به یک جنبه توجه کند حسنی ندارد. نکته دیگری که نظر همه ما را جلب کرد اینکه ایشان در پایان سخنان شان هیچ پیشنهاد و یا سفارشی ندادند و تنها فرمودند هر کاری که

خودتان صلاح می‌دانید و فکر می‌کنید درست است همان را به نحو احسن انجام دهید.

وی همچنین به شرح آنچه در شبکه مستند سیما می‌گذرد پرداخت و عنوان کرد: ما در این شبکه استانداردهایی مد نظر داریم که بر اساس می‌توانیم آثار مستند را روی آنتن ببریم. شبکه مستند HD است و فعالان حوزه مستند باید در نظر داشته باشند که ما نه تنها در پخش بلکه هنگام تولید مستند هم باید در استفاده از تجهیزات استانداردهایی رعایت کنیم که قابلیت پخش با این کیفیت را داشته باشد. البته به این معنی نیست که ما تولیدات با درجه کیفی پایین‌تر حمایت نکنیم و راه‌هایی هم پیش پای این عزیزان قرار داده‌ایم.

سلیم غفوری توضیح داد: جشنواره مستند تلویزیونی یکی از بهترین فرصت‌هاست تا مستندسازان بتوانند آثاری که امکان پخش HD ندارند را شرکت داده و تولیدشان را در معرض نمایش قرار دهند. علاوه بر این اثری که همه جوانب را رعایت کرده باشد می‌تواند به طرق مختلف مورد حمایت شبکه مستند قرار بگیرد و خریداری و پخش شود.

مدیر شبکه مستند همچنین بیان کرد: بسیاری از فعالان این حوزه در صدد دسترسی به آرشیو صدا و سیما هستند اما این نکته را فراموش نکنید بسیاری از موضوعات و سوژه‌ها وجود دارد که هنوز کسی سراغشان نرفته و اتفاقاً منابع آرشیوی قابل دسترسی هم دارند. یکی از مهمترین نکات در ساخت مستند خلاقیت مستندساز است. اما اگر واقعا سوژه‌ای باشد که به آرشیو نیاز پیدا کنید ما تلاش می‌کنیم تا پل ارتباطی خوبی بین شما و سازمان باشیم. آقای انبارلویی رییس آرشیو سازمان صدا و سیما در سال‌های اخیر همکاری سخاوتمندانه‌ای با فیلمسازان داشته و همکاری‌شان را دریغ نمی‌کنند.

دغدغه‌های که مستندسازان در این نشست مطرح کردند چگونگی ارتباط گرفتن و جلب حمایت مسئولان بود که در پاسخ به این سخنان یزدی اظهار کرد: همیشه باید یک درخواستی وجود داشته باشد تا ما با بررسی آن امکان پیگیری را برای شما فراهم کنیم. دوستان بسیاری به ما مراجعه کرده و همانطور که اشاره کردم در بخش‌هایی غیر از حمایت مالی توانستیم قسمتی از موانع را از سر راه‌شان برداریم. ما تلاش داریم تا ارتباط نزدیکی با سایر استان‌های کشور برقرار کنیم و علاوه بر شهرهایی که ذکر شد به تازگی با استان لرستان و کردستان نیز وارد تعامل شده‌ایم که امیدواریم نتیجه‌های خوبی را از آن شاهد باشیم اما تعامل یکسویه به جایی نمی‌رسد و امیدواریم سایر استان‌ها هم همکاری کرده و بتوانند تلاش بیشتری در راه تولیدات با کیفیت داشته باشند.

محسن یزدی مدیر مرکز مستند سوره در این نشست عنوان کرد: در دیدار با رهبری معظم انقلاب برخی مستندسازان و مدیران مراکز حضور داشتند که قطعا از فرمایشات رهبری در فعالیت‌های‌شان بعد از این بهره خواهند برد. یک زمانی مطرح می‌کردیم که مستندساز

از کدام طیف است چون طبیعتاً همه فعالان این حوزه از نظر فکری همسو و هم عقیده با یکدیگر نیستند و ما نیز با برخی از این افراد اختلاف سلیقه و نظر داریم. آنها افراد خوبی هستند که اتفاقاً اولویت‌شان هم مستند سازی است اما به لحاظ شغلی و کاری فهمیدیم که امکان همکاری وجود ندارد اما گاهی دیگر سلیقه‌ای نیست و اختلافات اصولی وجود دارد.

وی ادامه داد: خوشبختانه در هشت سال گذشته جبهه انقلاب قوت گرفته و اگر در گذشته فقط در عرصه بین الملل فیلم می‌ساختیم امروز در ژانرهای مختلف تاریخی، اجتماعی و ... فعالیت داریم که هم از لحاظ کمی و هم از جنبه‌های کیفی رشد داشته‌ایم. در نتیجه این تلاش‌ها امروز در حوزه سیاسی مستندهای جدی ساخته شده و بارقه‌امیدی در حوزه اجتماعی پدیدار شده است. جسارتی که دوستان ما در پرداخت به موضوعات مختلف و حساس پیدا کرده‌اند قابل تقدیر است و ما تکیه بر زحمات کسانی کرده‌ایم که در گذشته سختی‌ها را پیموده و می‌توانیم بگوییم که جبهه‌ای رو به جلو داریم.

یزدی عنوان کرد: در جلسه‌ای که با مقام معظم رهبری داشتیم نکات خوبی مطرح شد و فضا به قدری صمیمی بود که کسی خود را سانسور نکرد و همه دغدغه‌های‌شان را مطرح کردند. ایشان هم برخی نظرات را پذیرفتند، درباره برخی دیگر دستور پیگیری دادند و توضیحاتی هم درباره نقد بیان کردند. چنین رخدادی غنیمت بود چون تا کنون چنین جلسه‌ای را حتی با معاون وزیر هم نداشتیم و اینکه توانستیم در خدمت ایشان باشیم یعنی لطف بزرگی به ما داشتند. مدیر مرکز مستند سوره بیان کرد: این جلسه نقطه عطفی برای جریان مستند کشور است. ممکن است همه ما نقدهایی به تلویزیون و شرایط پخش مستند از رسانه ملی داشته باشیم اما بعد از این همه چیز بهتر می‌شود. امروز کیفیت تولیدات روبه رشد است و تاکید رهبری به تاریخ انقلاب که در آستانه ۴۰ سالگی آن قرار داریم ما را بر آن می‌دارد تا نسبت به کارهای با کیفیت قدم‌های بلندتری برداریم.

وی در ادامه اظهار کرد: یکی از برنامه‌هایی که در سال آینده جدی‌تر به آن خواهیم پرداخت تولید مستندات آرشیوی است. چون علاوه بر اینکه از نظر تاریخی اهمیت دارد؛ برای همه جذاب است و امکان حمایت از آثار بیشتری وجود دارد. از هم‌اکنون باب خوبی در این زمینه باز شده چون بازخورهای خوبی شاهد بودیم و الان هم اگر کارهایی که از نظر کیفی بتوانند نظر مرکز را جلب کنند پیشنهاد شود برای همکاری کاملاً آماده هستیم.

یزدی در این نشست که جمعی از مستندسازان شهرستانی حضور داشتند افزود: قزوین، بیرجند، مشهد، اصفهان، یزد و ... برخی شهرهایی است که با آنها در تعامل بوده و سعی داریم در آینده این همکاری را گسترش دهیم. در ۴ سالگی که از آغاز فعالیت مرکز مستند سوره می‌گذرد سعی داشتیم محصولاتی با کیفیت عرضه کنیم به همین خاطر اگر چه ممکن است

از نظر کمی تولیدات زیادی نداشته باشیم اما سعی کردیم به حفظ کیفیت بیشتر توجه نشان دهیم و در قالب‌های بلند، کوتاه، انیمیشن و ... فعالیت کنیم.

مدیر مرکز مستند سوره گفت: اگر چه هیچ وقت به جشنواره‌ها بی توجه نبودیم اما اولویت اصلی ما بر نمایش‌های تلویزیونی است چون مخاطبان بیشتر مد نظر ما هستند و ما کار را برای مردم می‌سازیم. خوشبختانه در نتیجه این تلاش‌ها ۲ سال برنده جایزه بهترین فیلم از جشنواره سینما حقیقت شدیم و یکسال نیز از جشنواره فجر جایزه بهترین اثر را کسب کردیم. برخی آثارمان مثل «A157» هم به خوبی در جشنواره‌های خارجی دیده شد و مجموعه مستند «در برابر طوفان» با موضوع زندگی محمدرضا شاه پهلوی هم که سال گذشته از تلویزیون پخش شد نظر مخاطبان‌شان را جلب کرد.

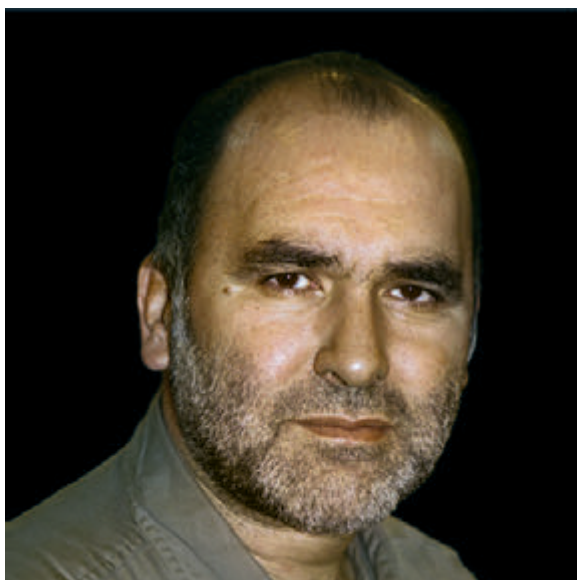
وی افزود: امسال نیز یک مجموعه مستند ۱۶ قسمتی با موضوع زندگی رضاشاه آماده کردیم که برای ایام فجر از تلویزیون پخش خواهد شد. البته همه هدف ما بر تولید مستندات تاریخی متمرکز نیست و ما به سوژه‌های متنوعی ورود کرده‌ایم. مباحث مربوط به کاغذ، مد و لباس و ... تا کنون مورد توجه قرار گرفته و بعد از این هم هر سوژه‌ای که از دغدغه‌های کشور باشد در اولویت ما نیز قرار خواهد گرفت. برای ما پرداختن به مراسم آیینی خیلی دغدغه نیست چون پیش از ما افراد و نهادهای زیادی به آن پرداخته‌اند و مسائلی مثل نذر و تعزیه متأسفانه فقط شکل نمادین آن را به تصویر می‌آورند و اگر اندیشه جدیدی درباره این موضوعات به ما پیشنهاد شود که حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشد حتماً از آن استقبال خواهیم کرد.

یزدی اشاره کرد: دایره موضوعات وسیعی در حوزه تولید مستند وجود دارد که بخشی از آن را علاقمندان به این حوزه می‌توانند در مشارکت با دیگر سازمان‌ها جامعه عمل ببوشانند. ضمن اینکه کمک به مستندساز صرفاً در مشارکت و حمایت تولید خلاصه نمی‌شود و اتفاقاً حمایت اصلی باید در پخش و دیده شدن زحمات یک مستند ساز متبلور شود. با مثلاً سوژه‌هایی دغدغه یک فرد است که به دلیل حساسیت‌های بالای آن نیاز به اخذ مجوزهای گوناگون دارد و کارگردان به تنهایی نمی‌تواند به آنها دست پیدا کند. اینجا است که نقش سازمان‌ها در این همکاری پررنگ‌تر می‌شود.

مدیر مرکز مستند در پاسخ به درخواست یکی از مستندسازان شهرستانی مبنی بر چگونگی حمایت حوزه هنری از مستندسازان خارج از تهران بیان کرد: من همیشه گفتم این مرکز برای حمایت از آثاری که درجه یک و قابل دفاع باشند آماده است به شرطی که سوژه و پرداخت واقعا در درجه‌ای از کیفیت باشد که بتواند نظر ما را جلب کند. یادمان باشد در وهله اول کار خودش باید از خودش دفاع کند. ضمن اینکه ما در برخی موضوعات ورود نمی‌کنیم چون اولویت سازمان‌های دیگر است و دوستان ما در سایر نهادها به خاطرش زحمت می‌کشند. از طرفی مستندهای داستانی و بازسازی حقایق در حال حاضر اولویت ما نیستند. این قالب بسیار پرهزینه است و نیاز به ریسک بالایی دارد و احتمالاً اینکه کیفیت آن تضمینی باشد کم است.

رضا برجی:

سینمای مستندمان تازه راه رفتن را یاد گرفته



تک قسمت در آورديم بعد از جنگ هم یکسری حاشیه‌های جنگ و اتفاقاتی که در جنگ اتفاق افتاده بود را گرفتند. در قصه‌ی داعش به عراق و سوریه می‌توانم بگویم ما نرمال بودیم از نرمال هم پایین‌تر بودیم، یعنی از ایران نیرو برای جنگیدن رفته است، از ایران به عنوان مدافعین حرم چند هزار نفر حضور دارند ما به ازای این چند هزار نفر حداقل باید مثلاً صد تا فیلم در این ۵ سال جنگ سوریه داشته باشیم ولی به ضرر س قاطع بگویم ۵۰ تا هم ندارم.

هنوز تا رسیدن به ایده آل خیلی فاصله داریم چون تفکر مسئولین فرهنگی ما و هنری ما به مقوله‌ی فرهنگ یک نگاه درجه ۲ است یعنی سینمای مستند یک سینمای درجه ۲ است در صورتی که در خیلی از کشورهای دنیا و کشورهای اروپایی اگر نگوئیم به عنوان درجه ۱ نباشد شانه به شانه سینمای داستانی شان حرکت می‌کند و یک جاهایی هم جلوتر از سینمای داستانی شان حرکت می‌کند یعنی یکسری فیلم می‌سازند بعد بر اثر فیلم‌هایی که مستندسازان آوردند یک فیلم‌های داستانی می‌سازند یعنی قصه‌های جنگ را که می‌خواهند بسازند قصه‌هایشان را از مستند می‌گیرند و بعد تولید می‌کنند.

متأسفانه در ایران و جمهوری اسلامی این اتفاق نیفتاده است، متولی ندارد، البته این را بگویم خوشبختانه امسال هم من هم در جشنواره حقیقت داور بودم و هم در جشنواره‌ی عمار یک چیزهایی به گوش می‌رسد که روی مستند یکسری کارهای تحقیقی و پژوهشی می‌کنند و از درون آن فیلم بیرون می‌آید.

اینطور می‌شود استنباط کرد که نسلی که جوانتر هستند و وارد سینمای مستند شدند آینده سینمای مستند را در جهت مثبت تغییر خواهند داد.

از یک جهت بله و از یک جهت نه چون که اگر بخواهند بدون مرز زندگی بکنند یعنی مرز زندگی‌شان را سینمای مستند بگذارند، من فکر نمی‌کنم کسی بتواند با این شمایل زندگی‌اش را به لحاظ مالی اداره بکند؟ مگر یک مستندساز چقدر می‌گیرد؟ ما الان دو سال سه ماه است داریم یک مستند می‌سازیم و دقیقه‌ای ۱ میلیون به ما می‌دهند، برای من در ماه ۲ میلیون هم نمی‌شود! بالاخره ما باید یک طوری کاری کنیم که جلو برود از آن زمان هم من زمان برگشت پول نداشتم بیایم دوربینم را فروختم و برگشتم! من و آقای جعفریان ۴۵ روز در کابل مجروح شده بودیم در جنگ داخلی تاجیکستان، تا ۲۰ روز خودمان را به کابل رساندیم، یک هیأت ایرانی از وزارت خارجه بود، یک هواپیما برای هیأت ایرانی بودند که می‌توانست ۷۰ نفر مسافر ببرد اینها بیست و چند نفر بودند و در نهایت به ما گفتند شما را نمی‌بریم چون به پرستیژ هیأت برمی‌خورد، حسین جعفری روی برانکار بود و من هم عصا به دست و پای راست من از ۶ جا شکسته بود.

اشاره: رضا برجی از مستندسازان پیشکسوت عرصه فیلمسازی است. او ۳۵ سال است که در حیطه کار میکند و تابلال در ۷۵ کشور عکاسی و در کشورهای بسیاری مستندهایی در ارتباط با جنگ ساخته است. در ادامه گفتگوی ما را با این فیلمساز با تجربه را می‌خوانید.

شما یکی از مستندسازان پیشکسوت عرصه مستندسازی محسوب می‌شوید، با جوان‌ترها که صحبت کردم معتقد بودم که در دهه‌ی اخیر مستندسازی به ویژه مستند انقلاب رشد و شکوفایی داشته و بهتر شده است، نظر شما چیست؟

مستند انقلاب یعنی مستنداتی که در ارتباط با سال ۵۶ تا پیروزی انقلاب باشد یا در برهه‌ی انقلاب باشد اما کل مستند در ارتباط با انقلاب اسلامی شامل مستند جنگ و دفاع مقدس هم می‌شود و سوریه و عراق را هم در برمی‌گیرد؛ خوشبختانه اتفاقی که در این دهه افتاد نسبت به دهه‌ی قبل این بود که یک مقدار نگاه بعضی از سازمان‌ها و ارگان‌ها به مستند بیشتر شد، سابق وضعیت برای مستندسازان بسیار سخت‌تر بود. مثالی می‌زنم، در حمله‌ی آمریکا به عراق در بغداد نبودم من و آقای غفوری و آقای کلهر بودیم و دنبال بچه‌های ایرانی بودیم که ببینیم آنها کجا مستقر هستند آدمیم آنجا در سه هتل بغداد خبرنگاران مستقر بودند یکی هتل فلسطین، یکی هم الرشید، هتل فلسطین دو هتل بود فلسطین ۱ و فلسطین ۲ که اینها با هم در یک مجتمع بودند هر دو هم ۳۰ طبقه و در هر طبقه هم بیش از ۲۰ اتاق و سوئیت بود و در یکی از این هتل‌ها دنبال بچه‌های ایرانی بودیم چون برای ما جا نبود و گفتیم از آنها کمک بگیریم ما آنها را پیدا نکردیم تا اینکه یکی از مسئولین هتل به ما یک لیستی داد و گفت ببینید در این لیست هستند یا نه و ما یکی از اتاق‌ها را پیدا کردیم که بچه‌های ایرانی آنجا بودند، من به آقای غفوری - که الان مدیر شبکه مستند است و می‌تواند شهادت بدهد- گفتم فرانسوی‌ها را در این هتل بشمار ببین چند نفر هستند؟ یک هتل از یک شهر، ۶۶ خبرنگار از فرانسه فقط در یک هتل بودند! حالا شهرها و هتل‌های دیگر را نمی‌دانم ولی فکر می‌کنم نزدیک ۳ هزار نفر خبرنگار از فرانسه به عراق آمده بودند اما خبرنگاران ایرانی چند نفر بودند؟ هیچ کس نبود من و آقای غفوری و آقای کلهر بودیم هیچ کس نبود و این جای تأسف بود! تأسف از این جهت که ما کنار کشور خودمان و در کشور هم‌مرز خودمان یعنی عراق جنگ شده و کشوری به نام آمریکا به عراق حمله کرده است ما در بغداد خبرنگار نداریم که اتفاقاتی که در بغداد دارد رخ می‌دهد را به تصویر بکشیم و این برای دنیای مستند ایران فاجعه است، برای سینما و تلویزیون ایران فاجعه است.

اما در جنگ ۳۳ روزه هم باز به همین شکل بود یعنی باز هم سریال‌انطور کار نشد چند نفر از خبرنگاران آمدند یک تک‌قسمت بلند من ساختم به نام «سواحل اشک و زیتون» چند تا هم بچه‌ها کار کرده بودند که این تک‌قسمت ۸۵ دقیقه بود رفته بودیم سریال بسازیم که آن را یک

امسال چند فیلم خوب بین‌المللی دیدم که در دنیا حرفی برای گفتن دارد و مستندهایی که با مستندهای گردن کلفت دنیا شانه به شانه حرکت کند اما اینکه بگوئیم پنجره‌ی جدیدی می‌خواهد برای مستند باز شود من چیزی نمی‌بینم لاقل در این اقتصادی که برای این کارها دیدم، چیزی نمی‌بینیم، من فکر می‌کنم مستند ما تازه دارد از تاتی تاتی کار کردن خارج می‌شود و آهسته شروع به حرکت می‌کند و خیلی مانده تا مسئولین ما به جوانان مستندساز ما نگاه دیگری داشته باشد، و به مستند نگاه راز بقایی نداشته باشند.

الان ما هر جا می‌رویم می‌گوئیم سینمای مستند کار می‌کنیم می‌گویند نه راز بقا! دیدگاه آنها این است که ما نمی‌توانیم فیلم داستانی بسازیم و به سمت سینمای مستند رفته ایم.

شما در جشنواره‌های مختلفی حضور داشته‌اید هم به عنوان فیلمساز و هم به عنوان مخاطب. کار مستندسازان جوان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

مستندسازانی به اندازه‌ی انگلستان یک دست به میدان آمدند و دارند کارهای خیلی خوبی می‌سازند و من به این بچه‌ها امیدوارم، ولی به شرطی که نگاه مسئولین فرهنگی ما از نگاه ساتیمانتالیسم از سینمای مستند بیرون بیاید، بگذارند سینمای مستند برود در لایه‌های جامعه و حرف برای گفتن داشته باشد و برود لایه‌های جامعه را بشکافد و بالاخره اتفاقاتی که در این کشور دارد رخ می‌دهد بگوید و به نوعی باید برای نظام اطلاعات جمع کند تا مسئولین یک راهکاری پیدا کنند، متأسفانه هنوز به این مرحله نرسیده ایم.

فکر میکنید چه موضوعاتی در سینمای مستند مه‌جور مانده است؟

موضوعات بسیاری وجود دارد. مسئولین از مستندسازان بخواهند مثلاً در مورد اعتیاد ۱۰ مستند بسازند ولی هنوز این اتفاق از سوی مسئولین رخ نداده است. این اتفاق هنوز در آموزش و پرورش و آموزش عالی رخ نداده است، فکر می‌کنید الان دانشگاه‌های ما بدون مشکل هستند؟ فقط کافیتش شما دوربین را ببرید در خوابگاه و لایه‌های مختلف دانشگاه می‌بینید که چه اتفاقی دارد رخ می‌دهد. در خیلی جاهای دیگر که مسئولین می‌توانند از بچه‌های مستندساز کمک بگیرند.

نقویان:

حرف های بسیاری برای گفتن داریم



ما انقلاب کردیم؟ این حرفهایی است که برای دنیا جذاب است.

وقتی این موضوعات ساخته شود مخاطب بین المللی را هم پای کار می کشد. این ظرفیت درونی وجود دارد ولی فیلم سازان استفاده نمی کنند چون به نظر من دغدغهای ندارند، وقتی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد ما موظف بودیم هنرمندانی مرتبط با انقلاب تربیت کنیم اما این اتفاق نیفتاد. البته خوشبختانه پس از سال ۸۸ ضرورت حضور هنرمندان انقلابی بیش از پیش حس شد و دانشجویانی که رشته شان هنر نبود هم پا به میدان گذاشتند و آثار خوبی تولید کردند. من گروه هایی از دانشگاه های مختلف دیده ام که بسیار مستعد هستند و با انگیزه به ساخت فیلم های مستند و داستانی با محوریت انقلاب اسلامی مشغولند. می توانیم مدعی شویم در چند سال اخیر مستندهایی ساخته شده اند که می توانند با جریان مستند سازی ۴۰ ساله ما بعد از انقلاب برابری کند.

فکر می کنید مهمترین نقطه قوت ما در مستند انقلاب و دفاع مقدس چیست؟

به نظر من مهمترین نقطه قوت در بحث مستند حرف هایی است که برای گفتن داریم و شنیدن آن برای کل دنیا جذاب است، چون بسیاری از مسائلی که ما از درون با جزئیاتش می توانیم به آنها بپردازیم، غربی ها خیلی کلی و از دور دارند به آن می پردازند. از مسایل سیاسی و اجتماعی گرفته تا سبک زندگی همه موضوعاتی هستند که می توانیم در مستند هابمان به آنها بپردازیم و با پخش مناسب به مخاطبان وطنی و خارجی ارائه کنیم.

بنظر من پاشنه آشیل و نقطه ضعف ما این است که حرف و مضمون خوب را با تکنیک ضعیفی بیان می کنیم و تاثیر آن سوژه از بین می رود. باید در زمینه تکنیک و ساختار پیشرفت کنیم. مستند سازان جوان مان حرف های بسیار مهم و ارزشمندی برای ارائه دارند اما وقتی نتوانند هنر مستند سازی را یاد بگیرند، نخواهند توانست مستندهایی ماندگار و تاثیر گذار بسازند. به نظرم به این ضعف باید توجه شود و آسیب شناسی ای که در این چند سال در حوزه سینمای انقلاب شده است این است که حرف خوب را با بیان بد می گوئیم و تاثیر گذاری آن را از بین می بریم و به نظرم این نکته خیلی مهم است.

مورد ساخته و پخش شود خیلی از شبهات و مسائل حل می شود. از این جهت سینمای مستند بسیار حائز اهمیت است.

مستند سازان در کشور ما با چه چالش هایی روبرو هستند؟

مستند سازان کار خودشان را انجام میدهند و انرژی و وقت لازم را میگذارند و یک مستند خوب آماده پخش تولید میکنند ولی کار اینجا تمام نمیشود. مساله اصلی پخش درست و اصولی فیلم است. مستند می تواند از تلویزیون پخش شود، در جشنواره های داخلی اکران شود و یا به صورت دی وی دی در شبکه نمایش خانگی توزیع شود که تقریباً همه ابتر هستند. یعنی نه تلویزیون خیلی در تولید مستند با این موضوعات به صورت جدی ورود می کند نه در پخش آن، نمی دانم ایراد از تهیه کنندگان است یا از تلویزیون که کارها را پخش نمی کند. بالاخره باید عیب یابی شود که چرا این اتفاق رخ نمی دهد؟ به جشنواره های داخلی هم امیدی نیست چرا که اغلب شان بسیار محتوا زده هستند و تنها به محتوای یک فیلم توجه دارند و اگر محتوا مورد سلیقه شان نباشد آنرا انتخاب نمیکنند. مثلاً با موضوعاتی که درباره تاریخ معاصر یا انقلاب ساخته می شود مشکل دارند. دعوت میکنم از همه مخاطبان که مستند «پرزیدنت؛ آکتور سینما» را ببینند و از آن ایراد هنری یا تکنیکی بگیرند، مستندی که به نظر من بی نظیر است. چرا این مستند نتوانسته به جشنواره حقیقت راه پیدا کند؟ ادعای جایزه گرفتنش را هم نداریم (که به نظر من باید جایزه بگیرد) اما این فیلم حتی به جشنواره حقیقت راه پیدا نکرد. خداراشکر جشنواره عمار این خلاء را یک مقدار پر کرده است اما حرف ما این است که در جمهوری اسلامی که ۴۰ سال انقلاب شده است و ادعایش انقلاب فرهنگی است چرا فیلم های کارگردان هایی که در حوزه تاریخ معاصر ساخته می شوند به جشنواره ها راه پیدا نمی کنند؟

مستندهای شما معمولاً داستان های روزی دارند و معمولاً روی سوژه هایی دست میگذارید که حساسیت برانگیز هستند و کسی قبلاً به آنها نپرداخته است. فکر می کنید چه موضوعاتی در سینمای مستند ما در حیطه ای که شما کار می کنید مغفول مانده و به آن توجه نشده است؟

من چون پیشتر در حیطه تاریخ معاصر کار می کنم به نظرم کلاً در مورد تاریخ معاصر خیلی کم کسند ساخته است. درباره وقایع انقلاب کار جدی نشده است، اگر مرور تاریخی بکنیم اکثر اتفاقاتی که در این چندین ساله رخ داده است به اصطلاح خیلی دراماتیک هستند و میتوان در موردشان فیلم ساخت. یا مثلاً در مورد امام خمینی (ره) چه کار جدی و خوب مستند یا داستانی می توانید نام ببرید؟ درحالی که ما مدعی هستیم میخواهیم انقلاب مان را صادر کنیم و صدای انقلاب را به گوش جهانیان برسانیم. سینمای مستند یک کار جدی در مورد انقلاب نساخته که در آن توضیح داده شود اصلاً چه شد که

اشاره: مهدی نقویان از مستند سازان جوان کشورمان است که آثارش در بسیاری از جشنواره ها موفق به کسب جایزه شده اند. در کارنامه هنری او آثار زیادی دیده می شود که از جمله آنها می توان به مستندهای «برادران»، «رمز و راز ملکه»، «گاو خشمگین»، «بازی»، «زخم تازه» و... اشاره کرد. در ادامه گفتگو با این کارگردان جوان رami خوانید.

به عنوان یک مستند ساز جوان که سالهاست در این عرصه دارید کار می کنید فکر می کنید وضعیت سینمای مستند ما به ویژه در بخش انقلاب چگونه است و شما آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

به نظر من سینمای مستند ما در دنیا حرف برای گفتن دارد و میتواند با آثار خارجی رقابت کند. برخلاف سینمای داستانی که شاید حرفی برای گفتن نداشته باشد ولی توان چندان برای رقابت ندارد. پیشرفت سینمای مستند کاملاً مشهود است و خیلی مواقع جلوتر از سینمای مستند دنیا بوده است به خاطر اینکه تکیه گاه و پایه سینمای مستند تکنیک نیست، می توان با ابزار آلتی که در ایران وجود دارد مستند های جدی و خوب ساخت اما سینمای داستانی اینگونه نیست. سینمای داستانی کاملاً به تکنیک وابسته است و چون از نظر تکنیکی از سینمای دنیا عقب هستیم رقابت کردن با آنها سخت است.

بنظرم ضعفی که سینمای انقلاب با آن دست به گریبان است این است که خیلی موضوعات تاریخ معاصر و موضوعات قبل از انقلاب در سینمای مستند نمودی نداشته است. البته این ضعف در ۵، ۴ سال اخیر به نظرم تا حدی از بین رفته است. مستندهایی هستند که می توانیم آنها را در مستند های حوزه انقلابی تعریف کنیم و در سالهای اخیر رشد قابل توجهی داشته اند.

مستند هایی مانند «قائم مقام»، «آقای نخست وزیر»، «در برابر طوفان» توانسته اند جوی را ایجاد کنند و حتی بین قشر عام پربیننده باشند. در کشور هایی که صاحب سینما هستند مستند ها می توانند اثر گذار باشند، فکر می کنید ما به مرحله ای رسیدیم که مستند بتواند در کشور مان اثر گذار یا حتی جریان ساز باشد؟

به نظرم باری که روی دوش مستند است همین است که جریان سازی کند. سینمای مستند میتواند که اگر سوال یا شبهه ای بین مردم وجود داشته باشد پاسخ دهد و تاثیر عمیقی بر افکار عمومی بگذارد. یعنی وقتی مستند خوب ساخته شد توزیع درست هم شود کاملاً می تواند افکار عمومی را هدایت کند و بعداً شبهاتی که رخ داده و سوالاتی که در ذهن وجود دارد را از بین ببرد. مثلاً در حال حاضر مردم سوالات بسیاری در مورد کشتی سانچی در ذهن دارند. بالاخره شبهاتی در ذهن مردم ایجاد می شود و از یکدیگر می پرسند چه شد که این کشتی عظیم تصادف کرد و علتش چه بوده؟ اگر تا یک ماه آینده مستندی در این



مدیر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی:

سخنان رهبر انقلاب درباره مستند را عمل می‌کنم نه بیلورد و بنر

ناامید کننده‌ای ایجاد شده بود که خود ما ایجاد کردیم. دشمن و رسانه‌ی بیگانه از یک طرف بذر ناامیدی می‌پاشد و از طرف مقابل، خودمان در رسانه‌هایمان، از رسانه ملی گرفته تا مستندساز و روزنامه‌نگار و... با این کلاه بزرگ که خودمان بیاییم از عیب‌هایمان سخن بگوییم، ناامیدی را ترویج دادیم.

اگر فیلمی از تلخی‌ها حرف می‌زند و به گونه‌ای آن را بیان می‌کند که در انتهای آن فقط با ناامیدی مواجه می‌شویم، عذرخواهی می‌کنم و می‌گویم که نمی‌خواهیم از فیلم ناامیدکننده حمایت کنم و آن را بسازم.

به‌نظرم تمام آن چیزی که در پیام رهبر انقلاب به مستندسازان بیان شد، یک نگاه کارشناسانه و ناصحانه است و چراغ راهنما است. من این حرف‌ها را به‌عنوان یک مدیر نمی‌گویم بلکه به‌عنوان یک مستندساز و یک ایرانی می‌گویم. کجای صحبت‌های ایشان به‌نظر یک فرد منصف محل نقد است؟ ایشان اشاره‌ی مستقیم به جشنواره‌ها نداشتند اما اشاره کردند که مبدا نام و شهرت ما را از صفای انقلابی دور کند. این همان مستند اشرافی است که همه اهل معرفت از آن صحبت می‌کنند. چرا مستندهای شهید آوینی هنوز هم تأثیرگذار است و اگر اکنون هم آن را ببینید اثر می‌گیرید؟ آیا تکنیک ویژه‌ای داشت؟ خیر، اما یک حال خوش و صفای باطن پشت آن حرف‌ها بود که فیلم را اثرگذار می‌کرد. این مستند اشرافی است، اکنون جای چنین مستندی خالی است.

همه تکنیک‌زده شده‌ایم و در جشنواره‌هایمان فیلمی که تکنیک بهتری دارد جایزه می‌گیرد و اصلاً به حال آن فیلم فکر نمی‌کنیم. به‌نظرم این موضوعات برای من مدیر هم تذکر است. این را باید بگویم که در همین چند روز می‌توانستم که در مرکز مصاحبه کنم و حرف بزنم اما پرهیز داشتم. هیچ گفتگویی با مرکز نداشتم برای این که همیشه منتقد رفتار مدیران نسبت به فرمایشات رهبری هستم. بلافاصله یک موضع مدیریتی می‌گیرند، چند بنر و تابلو به در و دیوار می‌چسبانند و به اصل ماجرا عمل نمی‌کنند. با خود عهد کردم و به دوستان گفتم که نباید این چنین موضع بگیریم. در جلسه امروز مدیران به آقای حیدریان گفتم که این چنین موضع‌گیری خواسته رهبری نیست، بلکه خواسته ایشان این است که به فرمایش ایشان عمل کنیم. ما قصد داریم که به این فرمایشات عمل کنیم. راحت می‌توان دست‌خط ایشان را قاب کرد و برای

را حفظ کنید.»، این موضوع راهگشای سینمای مستند ما در سال‌های آینده خواهد بود. البته این که جهت انقلابی چه تعریفی دارد، خود مهم است. جهت انقلابی به معنای خدمت به مردم و تلاش برای ساختن آینده‌ی بهتر است. جهت انقلابی یعنی توجه به نقص‌ها در عین توجه به بیان داشته‌ها. این که بخواهیم فقط سیاهی‌های جامعه را ببینیم و به خوبی‌ها، رشد‌ها و داشته‌هایی که به‌برکت انقلاب اسلامی به دست آمده است توجه نکنیم، جفا کرده‌ایم.

در بخش دیگری از این پیام با صحبتی دقیق از ایشان مواجه می‌شویم. رهبر انقلاب فرمودند که «مبدا تکنیک شما را از صفای باطن دور کند». وقتی از سینمای مستند اشرافی حرف می‌زنیم، همین معنا را دارد. در حقیقت مستندساز حال خود را فدای تکنیک نکند. به‌نظرم این صحبت ایشان ارجاعی به مستند اشرافی است. هم‌چنین بیان داشتند که انتقاد لازم است اما باید ناصحانه باشد. این منطق درستی است که جای آن در فیلم مستند است. فیلمی که از دردها سخن می‌گوید باید چنین ویژگی‌ای داشته باشد. فیلمی که تصویر چرک و نادرستی از جامعه عرضه می‌کند، به هیچ وجه ناصحانه نیست چرا که یک مستند ناصحانه، محاسن را هم می‌بیند. اگر از یک نقص صحبت می‌کند ناصحانه است.

تسنیم: موضوعات مهمی در این پیام بیان شده بود. به‌نظر شما کدام یک از کلیدواژه‌های مطرح‌شده عملیاتی‌تر بوده و برای جریان مستندسازی کاربردی‌تر است؟ یک موضوع مهمی که در این پیام بیان شده است، موضوع امیدآفرینی است. چرا مملکت ما به جایی رسیده است که همه‌ی ما متفقاً زبان به نقد باز کردیم؟ از صدا و سیمای جمهوری اسلامی گرفته تا خود ما به‌عنوان بخشی از دولت، یک صدا شده‌ایم و از عیب‌ها حرف می‌زنیم. هیچ کس نیست که بگوید در این جامعه خدمت می‌شود و تلاش صورت می‌گیرد. چرا همه دست به دست هم می‌دهیم که بذر ناامیدی و یأس را در جامعه تزریق کنیم؟ انگار که ید واحد شده‌ایم که ناامیدی ایجاد شود. در این دیدار رهبر فرمودند که «حرف‌ها باید امیدوارکننده باشد، فیلم باید امیدآفرین باشد». این موضوع پاسخ به همین ایجاد ناامیدی است. دقت کنید که در اتفاقات و ناآرامی‌هایی که اخیراً رخ داد، یک بخشی واقعی بود و فارغ از موضوع تحریکات دشمن، اعتراضات مردم بود اما بخش دیگری از آن غیر واقعی بود و تحت تأثیر فضای

مدیر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به تسنیم می‌گوید مثل بقیه مدیرهای دولتی نیست که یک خط از رهبر انقلاب را پیدا کند، قاب بگیرد و به همه دیوارها آویزان کند. طباطبایی‌نژاد می‌گوید متأسفانه امروز همه تکنیک‌زده شده‌اند اما دیگر بی‌تعارف مقابل فیلم سیاه می‌ایستند.

هنرمندان مختلفی در طول سال و حتی در برنامه‌های منظم مثلاً در ماه مبارک رمضان با رهبر انقلاب دیدار می‌کنند. چه اتفاقی باعث شده تا توجهات به‌سمت مستندسازان جلب شود؟

در ابتدا باید مراتب قدردانی و سپاس خودم و همه مستندسازان را به مقام معظم رهبری تقدیم کنم که عنایت فرمودند و ما را به سخنان راه‌گشایشان مفتخر کردند. دیدار رهبری با هنرمندان، مدت‌ها است که اتفاق می‌افتد اما هیچ کدام از این دیدارها منجر به این نشده است که پیام مکتوبی بعد از دیدار منتشر شود. به‌نظرم من این نکته حائز اهمیت است و نشان از اهمیت فیلم مستند در نگاه ایشان دارد. البته این موضوع وظیفه‌ی ما را مهم‌تر و سنگین‌تر از قبل می‌کند و باید جدی‌تر از قبل به این کار توجه کنیم. به‌نظرم این موضوع خیلی مهم است که از منظر عالی‌ترین شخصیت نظام، فیلم مستند دارای جایگاه ویژه و اهمیت فراوان نسبت به دیگر ابزارهای اثرگذاری دارد.

همه تکنیک‌زده شده‌ایم و در جشنواره‌هایمان فیلمی که تکنیک بهتری دارد جایزه می‌گیرد و اصلاً به حال آن فیلم فکر نمی‌کنیم. به‌نظرم این موضوعات برای من مدیر هم تذکر است.

نکته‌ی مهمی که وجود دارد این است که در بسیاری از موارد، فرمایشات مقام معظم رهبری مورد جفای مدیران واقع می‌شود اما برای خودمان باید به این موضوع توجه کنیم. متأسفانه ما مدیران، صحبت‌های ایشان را تبدیل به چند بیلورد و بنر و مراسم رونمایی می‌کنیم و عامل به صحبت‌هایشان نیستیم. واقعاً در سینمای مستند با خود عهد کرده‌ایم و اراده داریم که نسبت به فرمایش ایشان سطحی نگاه نکنیم و خودمان را عامل به فرمایش ایشان بدانیم. این صحبت، موضع ما نسبت به منشور مستند انقلاب اسلامی است. قطعاً برای ما چراغ راه خواهد بود. به‌نظرم همه‌ی صحبت‌های ایشان در آن نامه، عملیاتی و اجرایی است و باید نصب‌العین ما قرار بگیرد. در بخشی از این نامه ایشان فرمودند که «جهت انقلابی

یادداشت جبار آذین به مناسبت رونمایی از
منشور مستند انقلاب در حوزه هنری:

منشور سینمای مله ایران!



به مناسبت رونمایی از منشور مستند انقلاب اسلامی در حوزه هنری
جبار آذین یادداشتی منتشر کرد.

هسته و محور و رکن اصلی سینمای پس از انقلاب، مضامین انقلابی، دفاع مقدسی، مقاومتی و ارزشی دینی و اجتماعی است. عناصری که به دلیل اهمال و غفلت و دوری جماعتی از متولیان فرهنگ و هنر از ارزش ها، کم کاری هنرمندان، کوتاهی ها و کارنا بلدی عده ای از مدعیان و مدافعان ارزش ها، نفوذ منحرفان و حلقه بگوشان فیلمفارسی و سینه چاکان سینمای غرب، شکل یابی ویکه تازی مافیای سینمای ایران، منزوی و بایکوت کردن هنرمندان متعهد و سلامت اندیش، تاکنون نتوانسته اند تمام قد در عرصه های سینما و هنر ظاهر شده و سینمای ملی ایران اسلامی را قوام بخشند.

دیروز طی مراسمی در حوزه هنری با حضور مدیران و سینماگران مستند ساز و جمعی از خانواده هنر و فرهنگ و رسانه کشور از منشور مستند سینمای انقلاب اسلامی رونمایی شد. مراسمی که جدا از برگزاری مبتکرانه آن، از نظر توجه به مضمون و محتوای منشور حایز اهمیت تاریخی است. چندی قبل گروهی از مستندسازان و مدیران این حوزه به حضور مقام معظم رهبری رسیدند و از بیانات و راهنمایی های ایشان مستفیض شدند. رهبر معظم انقلاب در این دیدار با اشراف بر اوضاع هنر و سینما، بیاناتی خطاب به آن ها ایراد فرمودند که در واقع خطاب به سینما و نه فقط سینما که تمام اهالی فرهنگ و هنر کشور بود. ایشان بخشی از شاخص ترین نگرش خود در باره سینما را در پنج فراز به رشته قلم درآوردند که در مراسم یاد شده توسط نادر طالب زاده قرائت شد.

گرچه پیشتر و بارها مقام رهبری خطاب به هنرمندان، نکات ارزشمند بسیاری را متذکر شده بودند، ولی تقریر برجسته ترین آن ها در نامه ای خطاب به سینماگران، ویژگی تاریخی مهم دارد و آن، ارائه رهنمودهای راهبردی در شرایط سلطه کجروی در سینما، ایجاز در نوشتار و اشاره به مهم ترین سرفصل های نیاز امروز جامعه هنر و سینمای ایران است. جا دارد تا وفاداران به سینما و فرهنگ و هنر کشور با توجه به رهنمودها و پیام مقام معظم رهبری، این منشور را کانون تهیه و تدوین اساسنامه سینمای ملی کشور و آیین نامه های سینمای مستند و سایر حوزه ها قرار دهند و مانند برخی موارد گذشته به علت اجرایی نشدن، آن را موزه ای نکنند. منشور مستند انقلاب اسلامی، منشور سینمای ملی و فرهنگ و هنر ایران اسلامی است. امید که این نکته اساسی، سرفصل حرکت های جدید احیایی، تاثیرگذار و تعیین کننده مسوولان و مدیران و هنرمندان کشور باشد.

همه ای اتاق ها فرستاد / عدم صدق در رفتار مدیران جفا به مقام معظم رهبری است نمی خواهیم ادا و اطوار مدیریتی در بیاوریم. می توانیم خیلی راحت دست خط ایشان را قاب کنیم و برای همه اتاق های مرکز، خانه های مستند و این طرف و آن طرف بفرستیم و بگوییم که این را به عنوان منشور مستند انقلاب اسلامی به دیوار اتاق هایتان نصب کنید. این رفتاری است که خیلی اوقات مدیران از روی عدم صدق انجام می دهند.

چرا مستندهای شهید آوینی هنوز هم تأثیرگذار است و اگر اکنون هم آن را ببینید اثر می گیرید؟ آیا تکنیک ویژه ای داشت؟ خیر، اما یک حال خوش و صفای باطن پشت آن حرف ها بود که فیلم را اثرگذار می کرد، این مستند اشرافی است، اکنون جای چنین مستندی خالی است.

باید عامل این صحبت باشیم. به جای رفتارهایی که در جمهوری اسلامی ما مدیران باعث و بانی آن شدیم و بیشترین جفا را به فرمایشات مقام معظم رهبری داشتیم، قصد داریم تا رفتار دیگری را پیش بگیریم. ما مستندسازان قصد نداریم تا این صحبت ها را بنر و تابلو کنیم و به دیوار اتاق بچسبانیم اما این ها را نصب العین خود قرار می دهیم و همواره جلوی چشمانمان نگه می داریم تا عامل به آن باشیم. مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، وظیفه ای تولید بخش مهمی از سینمای مستند را به عهده دارد. شما اشاره کردید که متأسفانه همه به شدت تکنیک زده شده اند و حتی در جشنواره ها کسی برگزیده می شود که تکنیک بهتری داشته است. به نظر می رسد سیاست گذاری های شما قطعاً دچار تغییر و تحولاتی جدی شود، درست است؟

ما به عنوان مدیریت تولید آثار مستند، همواره این موارد را باید در فیلم هایمان در نظر داشته باشیم. اگر فیلمی تولید می شود، جهت انقلاب داشته باشد و همان طور که گفتم جهت انقلاب به این معنی نیست که فیلم ذیل گفتمان انقلاب اسلامی باشد. معتقدم که فیلم محیطز یستی که راجع به یک مشکل مثلاً بحران آب در کشور هم ساخته می شود، فیلم انقلاب است و باید درست حمایت و هدایت شود. فیلمی که ناصحانه و امیدآفرین است باید مورد حمایت قرار گیرد.

اگر کسی بخواهد فیلم سیاه بسازد، عذرخواهی می کنم و حمایت نمی کنم یکی از بزرگ ترین معضلات جامعه ما هم دستی همه ای ما برای ناامید کردن ملت است و این موضوع بزرگترین ضربه ای است که به مردم می زنیم. نباید مردم را ناامید کنیم. اگر فیلمی از تلخی ها حرف می زند و به گونه ای آن را بیان می کند که در انتهای آن فقط با ناامیدی مواجه می شویم، عذرخواهی می کنم و می گویم که نمی خواهیم از فیلم ناامیدکننده حمایت کنیم و آن را بسازم. برآیند کلی اثر باید مثبت باشد. نکته ای که رهبر انقلاب راجع به نقد فرمودند به این موضوع اشاره دارد. بیان داشتند که نقد در یک جا توهین است و در جای دیگر نصیحت است. باید در یک فیلم وجه توهین در نیاید و با وجه دوم آن سروکار داشته باشیم. در حقیقت نگاه انتقادی مان باید نصیحت و شفقت داشته باشد نه توهین.

اگر رضایت خدا در کار مهم شود، خودبه خود تمام موضوعات قبلی به وجود می آید. اگر می خواهیم یک کار سفارشی به مستندساز بدهیم، در ابتدا مستندساز حال فیلم را درک کند و با نگاه اشرافی به سمت آن برود، این موضوع را بدون تعارف می گویم.

رهبری در جایی فرمودند که زبان طنز می تواند مؤثر باشد. در همین سال های اخیر دیده ایم که مستندهایی که در سالیان اخیر، در کشور مطرح شدند و تأثیر گذاشتند، از این زبان استفاده کردند. می بینید که ظرافتی که در صحبت هایشان وجود داشت، اجرایی بود. حال جالب است که این ها سفارشات ایشان برای مستندسازان جوان بود اما به نظر من جوان و پیشکسوت مهم نیست و همه ی مستندسازان باید به آن توجه کنند. وقتی نگاه با حال خوش در کار مستندساز با سابقه نباشد و فقط به فرم و تکنیک بپردازد، مشخص است که کارش اثرگذار نیست. آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. علاوه بر این ها، فرمایش پایانی نیز خود بسیار مهم است. در نظر گرفتن رضایت خدا بسیار مهم است، البته این بدین معنی نیست که مستندساز بیاید و بگوید که من در راه رضای خدا فیلم می سازم. او برای معیشت خود کار می کند و به عنوان مستندساز حرفه ای کار تولید می کند تا پول بگیرد اما چه خوب است که در تمام رفتارهایش رضایت خدا را در نظر داشته باشد. وقتی این موضوع را رعایت کرد خود به خود تمام موضوعات قبلی اتفاق می افتد، یعنی تقدش ناصحانه می شود، نگاهش امیدبخش می شود و... چنین شخصی نمی تواند از ناامیدی حرف بزند.



مرتضی شعبانی:

سینمای مستند از نظر سرمایه‌های انسانی دست‌پری دارد

اشاره: مرتضی شعبانی از سال ۶۵ با دستیاری فیلمبرداری در گروه روایت فتح مشغول به کار شد. از جمله آثاری که او در یکی دو سال اخیر کارگردانی یا تهیه‌کنندگی کرده است می‌توان به مستندهای «ابوزینب»، «مدافعان نیل و الزهرا»، «خط تماس» و... اشاره کرد. در ادامه گفتگوی ما با این مستند ساز را می‌خوانید.

آقای شعبانی به عنوان یک فیلمساز، وضعیت فعلی مستند انقلاب را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خوشبختانه در سال‌های اخیر مستندسازان آموزش‌های خوبی دیده‌اند و سینمای مستند پیشرفت داشته است. همچنین سینمای مستند از نظر سرمایه‌های انسانی دست‌پری دارد و افراد خوش ذوق و مستعدی در این سال‌ها به مجموعه فیلمسازان سینمای مستند انقلاب اضافه شده‌اند. درواقع ما از نظر نیروی انسانی و تا حدی از نظر کلیت سینمای مستند پیشرفت داشته ایم.

فیلمسازان جوان معتقدند هر چند در سال‌های اخیر نیروی انسانی خوبی به این گونه سینمایی اضافه شده اما مدبران به حد کافی از این مجموعه حمایت نمی‌کنند. نظر شما چیست؟

من هم با این گفته موافقم. متأسفانه هیچوقت به شکل جدی از سینمای مستند حمایت نمی‌شود. درواقع مسئولین و متولیان فرهنگ به مستند خیلی اهمیت نمی‌دهند و مستند سازی بعضاً در سطح مستند سازی تلویزیونی باقی می‌ماند. به این معنا که بین مستند سازی به شکل بسیار جدی و حرفه‌ای‌اش با مستند سازی ساده تلویزیونی فرقی قائل نمی‌شود و به همین خاطر مستند کار کرد اصلی خود در جامعه را ندارد.

ما مستندسازان حرفه‌ای و مستعد و موضوعات بسیار بکر و نابی در اختیار داریم و دلیل اینکه سینمای مستند به حدی که انتظار می‌رود پیشرفت نکرده بی‌توجهی مسئولین به مستند سازی است. این بی‌اعتنایی باعث می‌شود این گونه سینمایی دیده نشود و مخاطب پیدا نکند. جای اصلی پخش مستند ها تلویزیون است اما این رسانه به دلایل مختلف به مستند اهمیت نمی‌دهد. در شبکه‌های خارجی شاهد هستیم که مدیران حتی برای مستند هایشان تبلیغ می‌گیرند ولی در کشور ما مستند به عنوان برنامه‌ای وقت‌پرکن استفاده می‌شود. این نوع

نگاه به مستند جفا در حق مستند و مستند ساز است. درواقع مهم‌ترین خواست یک مستند ساز این است که فیلمش دیده شود و این امکان در کشور ما محدود است.

بله دقیقاً همینطور است. ما پتانسیل و ظرفیت ساخت مستند های بسیار خوبی را داریم اما به دلیل عدم همکاری تلویزیون جای خالی چنین مستند هایی را در برنامه های تلویزیونی حس می‌کنیم. اگر تلویزیون مانند سریال سازی یا تولید تله فیلم ها به مستند ها اهمیت بدهد بی شک قضیه فرق خواهد کرد. تلویزیون باید برای ساخت مستند های حرفه‌ای و جذاب هزینه کند، تبلیغات داشته باشد و در باکس زمانی مناسبی آنها پخش کند اما این اتفاق نمی‌افتد. جای پخش مستند تلویزیون است چون مردم برای تماشای مستند به سینما نمی‌روند. یعنی در همه جای دنیا مهم‌ترین رسانه‌ای که سینمای مستند در اختیار دارد شبکه‌های تلویزیونی است ولی در کشور ما صداوسیما چندان اهمیتی به آثار مستند نمی‌دهد.

به نظر شما در حال حاضر چه موضوعاتی باید بیشتر مورد توجه فیلمسازان قرار بگیرد؟

موضوعات درباره انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و همچنین اتفاقات اخیر که در منطقه رخ داده فراوان است. ایکاش ما مستند سازان می‌توانستیم با همکاری و حمایت مسئولان در مورد این موضوعات فیلم بسازیم و در شبکه‌های برون مرزی و شبکه‌های غیر ایرانی نمایش دهیم. ما این پتانسیل را داریم که بتوانیم انقلاب اسلامی و حوادث منطقه را به آن صورت که واقعا وجود دارد به مردم دنیا نشان دهیم. سال‌ها در این زمینه غفلت کرده ایم و دیگران آنطور که دل‌شان می‌خواسته درباره این موضوعات فیلم مستند ساخته و پخش کرده‌اند.

بنظر من در دوره‌ای هستیم که باید نگاه ویژه‌ای به مردمی که خارج از مرزهای کشورمان زندگی می‌کنند داشته باشیم. انقلاب اسلامی و کشورمان ایران در دنیا خوب معرفی نشده و دشمنان مان که رسانه‌های مختلف و قدرتمند را در اختیار دارند عمدتاً تصویری از ایران و انقلاب اسلامی ارائه کرده‌اند که غیر واقعی است. این تبلیغات به حدی مخرب است که وقتی تورپست‌های

کشورهای مختلف وارد ایران می‌شود تعجب می‌کنند چرا که هرگز در رسانه‌های شان تصویر واقعی از ایران ندیده‌اند و ذهن‌شان پر است از تصاویر مخدوش و غیر واقعی از کشورمان. درواقع تصویری که از ایران در رسانه‌های آنها ارائه می‌شود به حدی با واقعیت فاصله دارد که این افراد به محض ورود به ایران متعجب شده و دلیل حیرت‌شان را ابراز می‌کنند و حس می‌کنند قدم به کشور دیگری گذاشته‌اند. ما باید در سینمای مستند به معرفی دقیق و درست کشورمان بپردازیم و از نظر من این مهم‌ترین رسالت یک مستند ساز است.

بنظر تان نقد در یک مستند باید چگونه باشد و چطور میتوان موضوعات مختلف را در یک مستند به بوت‌نقد کشید؟

بزرگان همیشه تأکید داشته‌اند که اگر نقد منصفانه باشد کار ساز خواهد بود. همه ارگان‌ها و افراد را می‌توان نقد کرد به شرطی که مستند منصفانه و واقع‌گرایانه باشد. درواقع نقد، کار یک مستند ساز است و بخشی از جامعه را که مردم کمتر می‌بینند یا کمتر به آن دسترسی دارد با تلاش مستند ساز می‌تواند مطرح شده و مردم نیز با این بخش‌ها آشنا شوند. مستند ساز می‌تواند توجه جامعه و مسئولان را به بخش‌های جلب کند که شاید کمتر به آنها توجه شده است.

به این نکته هم اشاره کنم که واقع‌گرایی در مستند بسیار با سیاه‌نمایی فاصله دارد و منظور من از مستند اجتماعی یا سیاسی مستند واقع‌گرایانه است. مستندهای یک سویه و سیاه‌نماییانه فرصت و مجال نقد ندارند اما مستند هایی که منطبق با واقعیت باشند با نگاه نقادانه‌شان می‌توانند راه‌گشا باشند. نقد دلسوزانه است اما سیاه‌نمایی قطعاً مغرضانه است.

آقای شعبانی مهم‌ترین نقطه قوت سینمای مستند کشورمان را در چه می‌بینید؟

ما کشوری هشتاد میلیونی با جمعیت جوان هستیم و سرمایه‌های انسانی بسیار خوبی داریم. خوشبختانه در زمینه مستند سازی هم شاهد ورود جوانان مستعد و با انگیزه به این حیطه هستیم و من امیدوارم بتوانیم بخوبی از این سرمایه بزرگ استفاده کنیم. مهم‌ترین نقطه قوت سینمای مستندمان ورود جوانان با انگیزه و خلاق به حرفه مستند سازی است.

وحید فرجی:

جسارت و انگیزه فیلمسازان بزرگترین نقطه قوت سینمای مستند است



مورد مسایل اقتصادی اطلاعات میدهد و دیگر شاهد چنین مواردی نخواهیم بود. با سرپوش گذاشتن روی معضلات آنها خود به خود حل خواهند شد.

چشم انداز تان از آینده سینمای مستند چیست؟
خوشبختانه در کنار مشکلاتی که عرض کردم اتفاق های خوب هم برای سینمای مستند رخ داده است. همین که شبکه ای تلویزیونی به نام مستند داریم اتفاق فرخنده ای است. مردم با تماشای برنامه های این شبکه متوجه می شوند فیلم مستند فقط در مستند های حیات وحش خلاصه نمی شود و مستندها ژانر های مختلف اجتماعی، سیاسی و... دارند. همچنین وجود جشنواره هایی مانند جشنواره سینما حقیقت به معرفی فیلم ها و ایجاد انگیزه در فیلمسازان کمک می کند.

بنظر تان نقطه قوت سینمای مستند کشورمان چیست؟

جوانان مستندساز بانگیزه و مستعد بزرگترین نقطه قوت سینمای مستند و سرمایه اصلی این ژانر در سینمای ما هستند. فیلم هایی که در سال های اخیر در جشنواره های سینمایی دیده ام واقعا مرا شگفت زده کرده اند. از تماشای اینهمه انرژی و انگیزه و جسارت مستند سازان مان لذت برده ام. مستند سازان در سالهای اخیر به فضاهایی ورود کرده اند که فیلم ساختن در مورد آنها به حدی سخت است که در توان هرکسی نیست.

سال گذشته فیلمی را دیدم که مستند ساز مدت ها در کنار یک سری خلأ فکر زندگی کرده بود تا بتواند در موردشان فیلم بسازد! بسیار عجیب و سخت است که شما به عنوان کارگردان عده ای سارق را راضی کنید که با آنها همراه شده و در موردشان فیلم بسازد. آنهم فیلمی که به سیر تقریباً پنج ساله از زندگی این افراد می پردازد. مجموعه ای از جسارت، روانشناسی، جامعه شناسی و سخت کوشی را می توان در این فیلم که نامش «متهمین دایره بیستم» دید. یا همکاری هستند که خارج از مرزهای کشور و به سختی در حال مستند سازی هستند. دوستانی که در عراق، لبنان، سوریه و افغانستان فیلم می سازند و با به خطر انداختن جان شان این کار را انجام می دهند. همکارم آقای اسلام زاده تک و تنها به مدت سه هفته در کنار طالبان زندگی کرده و در مورد آنها فیلم ساخته و یا مستند سازانی مانند سید هاشم موسوی و وحید فراهانی که در خط مقدم جنگ با داعش حضور داشتند و در کنار نیروهای نظامی و با وجود همه مشکلات و ناامنی ها در مورد وقایع منطقه فیلم ساخته اند. این جسارت و انرژی قطعاً بزرگترین نقطه قوت سینمای مستند ما است.

مشکلات کم نیست از کمبود بودجه گرفته تا کمبود امکانات اما بنظر من مشکل اصلی فیلمسازان مستند ترس و محافظه کاری مسئولان از باز شدن بحث درباره یک سری موضوعات و معضلات است. در سطوح مختلف جامعه همه مدام می خواهند به جای حل کردن مساله، صورت مساله را پاک کنند و آن را نادیده بگیرند. درواقع درباره طرح یک سری مسائل نگرانی های وجود دارد که حتی این نگرانی ها هم جای طرح دارد و اینکه درموردشان علت یابی شود. در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، خانواده و... مشکلاتی وجود دارد که می توان با مطرح کردن و به اصطلاح جراحی آنها به برطرف کردن شان اهتمام ورزید. تا وقتی مشکلات جراحی نشوند نمی توان برایشان درمانی در نظر گرفت و کار مستند ساز جراحی و نشان دادن مشکلات و حتی ارائه پیشنهاد در مورد روش حل کردن مشکلات است. یک پزشک هم تا وقتی نقطه آسیب را باز نکند نمی تواند برای درد بیمار راه حلی بیاید.

بنظر تان راه چاره چیست و چطور می توان مسائل مختلف را بدون آنکه مدیران با پرداختن به آن سوژه ها مخالفت کنند تولید کرد؟

در قدم نخست باید یاد بگیریم موضوعات مختلف را به بحث بگیریم و از باز شدن بحث درمورد مشکلات و معضلات ترس نداشته باشیم. ترس مسئولان از مطرح شدن برخی مسایل جدی ترین مشکل فیلمسازان مستند است من شخصا بارها با این مشکل مواجه بوده ام. بارها برایم پیش آمده در مورد موضوعات مختلف دست به پژوهش و تحقیق زده ام اما وقتی برای ساخت فیلم آماده شده ایم با این جواب روبرو شده ام که بهتر است به این مساله نپردازید! من فکر می کنم اگر این مشکل حل نشود بخش بزرگی از مشکلات کارگردان های مستند ساز حل می شود. بحث پول و امکانات با سختی های مختلف و زحمت بسیار مرتفع می شود اما وقتی با محافظه کاری مدیران مربوطه روبرو می شویم درواقع مثل این است که به بن بست خورده باشیم. برای مثال تا وقتی که درباره بیماری ایدز فیلمی ساخته نشود و به جامعه آگاهی داده نشود افرادی که سالم هستند درباره این بیماری آگاه نخواهند شد و یا مثلاً آیا به ما اجازه میدهند درباره افرادی که در ماه های اخیر بخاطر سپرده گذاری در موسسات مالی متضرر شده اند فیلمی بسازیم؟ در میان این افراد هستند کسانی که تمام سرمایه زندگی شان را به این موسسات سپرده بودند و حق دارند بدانند چه اتفاقی افتاده است. ضمن اینکه ساخت چنین فیلمی به کل افراد جامعه در

اشاره: وحید فرجی دانش آموخته رشته عکاسی است اما از همان دوران تحصیل فعالیت در زمینه مستند سازی را نیز آغاز کرده است. در کارنامه این کارگردان و تهیه کننده آثار مستند فیلم های مانند «غزال ایرانی»، «زندگی در خط نبرد»، «تولد در زمین سوخته» و... دیده می شود. در ادامه گفتگوی ما را با این فیلمساز جوان می خوانید.

آقای فرجی از چه زمانی مستند سازی را آغاز کردید؟

در دوره دانشجویی همزمان با تحصیل به عکاسی و تدوین فیلم می پرداختم و پس از اتمام تحصیلاتم در کنار تدوین شروع به ساخت فیلم کردم. حدود ده سال است که در زمینه مستند فعالیت می کنم و در کنار ساخت فیلم مستند به تصویر برداری، تدوین و تهیه هم مشغولم.

یک دهه است که مشغول ساخت و تهیه فیلم مستند هستید و در این کار با تجربه محسوب می شوید. با توجه به سابقه کاری تان بفرمایید وضعیت مستند انقلاب را چطور ارزیابی می کنید؟

تا پیش از دهه اخیر و حتی پیش از انقلاب هم مستند های خوبی تولید می شد و کارگردانان مستعدی در این زمینه کار می کردند اما مستند در کل ژانری مهجور بود و مشکل اصلی مستندسازان همین مهجور بودن سینمای مستند بود. اما در پانزده سال اخیر توجه به فیلم های مستند هم در جهان و هم در ایران بیشتر شده است. خوشبختانه هم از کمی و هم از لحاظ کیفی شاهد رشد خوبی در ژانر مستند هستیم. در دهه اخیر هم در حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و هم در حوزه های دیگر مستند های ماندگار و خوبی ساخته شده است. اگر آثار سال های اخیر را جشنواره سینما حقیقت دیده باشید متوجه منظورم خواهید شد.

ضمن اینکه در سال های اخیر شاهد اکران مستند ها در سینما بوده ایم که اتفاق بسیار خوشحال کننده ای است. برای مثال در حال حاضر مستند «صفر تا سکو» در سینماها اکران شده است و استقبال خوبی از این فیلم شده و حتی از تعداد قابل توجهی از فیلم های داستانی فروش بهتری داشته است. اینکه فیلمی مستند در سینما اکران شود و مورد توجه مخاطب قرار بگیرد و به فروش خوبی دست پیدا کند بنظر من موفقیت بسیار بزرگی است.

به عنوان یک فیلمساز جوان برای تولید آثار تان با چه محدودیت ها و چالش هایی روبرو هستید؟

تماشای عصر پهلوی بدون آرایش و تزئینات اضافه

محمدصادق عابدینی

هنوز زمان زیادی از تولید و پخش مستندهای آرشیوی در شبکه‌های «بی‌بی‌سی» و «من و تو» درباره تاریخ انقلاب اسلامی نمی‌گذرد...

هنوز زمان زیادی از تولید و پخش مستندهای آرشیوی در شبکه‌های «بی‌بی‌سی» و «من و تو» درباره تاریخ انقلاب اسلامی نمی‌گذرد؛ مستندهایی با تصاویر کمتر دیده شده از انقلاب و اتفاقات پیش از سال ۵۷ هجری شمسی که روایت‌های یک سویه و همراه با اسطوره‌سازی از دوران پیش از انقلاب را به دنبال داشت. مستندهای تولید شده با تصاویری از آرشیو صداوسیما که در داستان خروج آنها از ایران خود داستانی سینمایی دارد، ولی خروجی آنها باعث شد تا در داخل ایران نگاهی دوباره به لزوم ساخت و مستندسازی از وقایع منجر به انقلاب اسلامی شود.

از انفعال اولیه تا شروعی مؤثر

پخش مستندهای متعدد از زندگی پهلوی‌ها از رضاخان گرفته تا محمدرضا و از تاجگذاری گرفته تا جشن‌های ۲۵۰۰ ساله که با رنگ و لعابی خاص و البته گفتارهای متن همدمند به دنبال نمایش یک دوران باشکوه از تاریخ معاصر ایران را داشتند، در داخل کشور با برخوردهای مقطعی و منفعلانه‌ای همراه شد. بعضاً مورخان مصاحبه می‌کردند و یادداشت می‌نوشتند و ادعاهای مستندهای «من و تو» را زیر سؤال می‌بردند، ولی جادوی تصویر و جاذبه سینمای مستند چیزی نبود که با یادداشت‌های خشک تاریخی بشود به آن پاسخ داد. بهترین روش برای روشن‌سازی در مقابل تحریف تاریخ استفاده از ابزار مشابه یعنی سینمای مستند بود؛ جوابی که خیلی زود به ذهن مستندسازان جبهه انقلاب فرهنگی رسید؛ مستند پاسخ به مستند، سیاستی استراتژیک برای خنثی‌سازی فضا سازی رسانه‌های وابسته به بازماندگان پهلوی‌ها.

در برابر طوفان

یکی از اولین گام‌ها درباره نشان دادن چهره پهلوی‌ها، ساخت مجموعه «در برابر طوفان» بود که در دهه فجر سال گذشته از تلویزیون پخش شد؛ مستندی به کارگردانی «مهدی نقویان» که متخصص ساخت مستندهای آرشیوی است و سبک کاری‌اش در میان مستندسازان هم نسلش، شاخص و شناخته شده است. این کار محصول مشترک مرکز مستندسازی حوزه هنری و مرکز تخصصی فرهنگی بسیج تولید شده است. محسن یزدی، مدیر مرکز مستند سوره، حوزه هنری در اواخر سال گذشته در مصاحبه‌ای از سیاست تولید مستند درباره پهلوی‌ها خبر می‌دهد و می‌گوید: نظر رهبر انقلاب بود که به تاریخچه حکومت پهلوی پرداخته شود، همانطور که همه می‌دانیم یکی از فاسدترین و وابسته‌ترین خاندان پادشاهی کشور خاندان

پهلوی بودند که بسیاری از مردم ما در مورد نحوه حکومت آنها چیزی نمی‌دانند، به همین منظور ما مستند پهلوی دوم با نام «در برابر طوفان» را در ۱۰ قسمت با تصاویر آرشیوی دیده نشده و بی‌بدیل ساختیم که دهه فجر از تلویزیون پخش شد و با استقبال خوبی هم همراه بود، بازخوردهای مثبت خوبی هم داشت و مورد توجه بزرگان نظام هم قرار گرفت. به نظر من «در برابر طوفان» می‌تواند آغاز یک جریان برای تولید جدی‌تر مستندهای تاریخی باشد. یزدی در همان مستند از ساخت مستند «رضا خان» خبر می‌دهد؛ مستندی که اکنون آماده شده و در آستانه دهه فجر قرار است از تلویزیون پخش شود.

رضا خان میر پنج

زمانی که هنوز مستند «من و تو» درباره رضاخان پخش نشده بود، در یکی از شبکه‌های تلویزیونی متعلق به صداوسیما، صادق زیباکلام شروع به تعریف و تمجید از رضا خان کرد؛ تعریف و تمجیدهایی که حتی در مستند یک سو نگر «من و تو» هم چنین غلوآمیز بیان نشد. احتمالاً درباره شخصیت واقعی قزاق بلند قد و خشنی به نام رضا پالانی که پله‌های ترقی را تا سردار سپهی طی کرد و دست آخر نسخه قاجارها را در پیچید، سؤالات زیادی در ذهن کسانی که اطلاعات تاریخی‌شان زیاد نیست، به وجود آورد. اکنون بعد از یک سال از گفت و گوی محسن یزدی، مستند رضاخان آماده پخش شده است.

مهدی فارسی، کارگردان این مستند می‌گوید: «جنبه‌های اجتماعی دوران پهلوی اول برای ما بسیار مهم بود و به همین علت تصمیم به آوردن این قسمت از تاریخ در مجموعه مستند «رضا خان» گرفتیم. البته در مسیر تولید این فیلم از راهنمایی‌های سیروس سعدوندیان که ۴۰ سال سابقه فعالیت در حوزه تاریخ معاصر دارد و تخصص اصلی او بررسی دوران قاجار و پهلوی اول است، استفاده کردیم.» این مستندساز می‌افزاید: برای ساخت مجموعه مستند «رضا خان» تصاویری را از تبعیدگاه رضاخان در جزیره موریس و همچنین از ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی تهیه کردیم که بعید می‌دانم تا به حال مستندسازی چنین کاری را انجام داده باشد. برای نخستین بار در آرشیو ملی ژوهانسبورگ ۵۰۰ صفحه سند از مرگ رضاخان پیدا کردیم که تا امروز حتی ترجمه هم نشده است، گواهی فوت رضاخان را هم در بین این اسناد پیدا کردیم؛ کاری که مستندسازان «من و تو» زحمت آن را نکشیده بودند و با همان تصاویر آرشیوی غنیمتی کارشان را انجام داده بودند.

حالا نوبت بچه‌های انقلاب است

تولید مستند پرت‌تر از زندگی رجال شناخته شده عصر پهلوی مانند «اعلم» و «هویدا» یا ساخت مستند درباره زندگی «اشرف پهلوی» خواهر شاه و یکی از

بحث برانگیزترین چهره‌های تاریخ معاصر ایران، بخش دیگری از فعالیت جوانان مستندسازی در یکی دو سال اخیر بوده است. مهدی نقویان که امسال «خارج از دید» را با نگاهی به وقایع سال ۸۸ ساخته است، می‌گوید: امروز اما نسل جدید، نسل ما، با باری بسا سنگین‌تر از دیروز به میدان آمده است. امروز جبهه‌های جنگ رسانه‌ای تا محیط شخصی فرد در مردم ایران رسوخ پیدا کرده و حملات دشمن، نفوذی بی‌سابقه یافته است. عمده بار این جنگ نرم رسانه‌ای بر عهده فیلم‌های مستند است. کمتر به خاطر داریم که یک فیلم داستانی از سوی جبهه دشمن تأثیرات گسترده‌ای در روایت مجدد تاریخ انقلاب و مردم داشته باشد. فیلم‌های مستندی که پیاپی از سوی جبهه مقابل ساخته و توزیع شده، تاکنون کوشیده‌اند تا ابعاد گوناگون حیات شجره انقلاب اسلامی را در میان مردم تحریف کنند و ریشه‌های آن را بخشکانند، اما در میان این ظلمت فراگیر، نسل جدید به فانوسی روشن‌تر از دیروز مسلح است.

میثاق با یک منشور

اهمیت کار مستندسازان جوان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی باعث شد تا آنها در یک دیدار صمیمی در محضر مقام معظم رهبری حاضر شوند؛ دیداری که به گفته حاضران در آن به بحث و تبادل نظر درباره ساخت مستند پرداخته شد. حاصل این جلسه و دیدار دوستانه، پیام رهبر انقلاب خطاب به مستندسازان بود که هفته پیش با عنوان منشور مستندسازان رونمایی شد. احمد زائری، مستندساز جوان کشورمان می‌گوید: وقتی این نامه را خواندم با توصیه‌های بسیاری از سوی ایشان مواجه شدم. ایشان فیلمساز و به ویژه مستندساز را به با خدا بودن دعوت می‌کنند. ایشان ما را به راستگو بودن و واقع‌گرایی دعوت می‌کنند. توصیه‌های ایشان واقعیات است و باید حواسمان باشد که وقتی دوربین به دست می‌گیریم، مسئول هستیم و وظیفه داریم. به نظر من ایشان به عنوان یک پدر توصیه‌هایی به فرزندان دارند که باید به آن عمل کنیم. این مستندساز تصریح می‌کند: مطمئناً واکنش سریع مستندسازان به اتفاقات و بحران‌های کشور و منطقه در توجه رهبری به این ژانر تأثیرگذار بوده است. هر هنرمندی دغدغه‌های خودش و آنچه پیرامونش رخ می‌دهد، دارد.

به نظر می‌رسد یکی از واکنش‌های سریع جوانان مستندساز، پرداختن به دوران پهلوی بود، به خصوص اینکه در فضای شبکه‌های مجازی عده‌ای با سوءاستفاده از ناآگاهی تاریخی برخی از کاربران، شایعات زیادی را جهت تظہیر وقایع پیش از سال ۵۷ منتشر می‌کنند و هرچه بر میزان تولید مستندهای روشنگر در خصوص عصر پهلوی افزوده شود، راه برای شایعه‌سازان بیش از پیش بسته می‌شود.

محسن برمهانی:

واکنش مستندسازان به اتفاقات ایران و منطقه از دلایل توجه رهبر انقلاب به این هنر بود



محسن برمهانی کارگردان سینمای مستند معتقد است که هنرمندان مستندساز واکنش درست و به موقعی نسبت به اتفاقات پیرامون خود داشته‌اند، به همین خاطر این کارها مورد توجه رهبر انقلاب قرار گرفته است. او می‌گوید حالا نوبت اثرگذاری درست بین‌المللی است.

محسن برمهانی مستندساز جوان کشورمان درباره نامه رهبر انقلاب سخن گفت. او تصریح کرد: نامه‌ی ایشان ۵ بند بود. به‌نظر متفاوت از محتوا و عمق این پیام، رخداد آن و نوشته شدن چنین نامه‌ای از سوی رهبر انقلاب خطاب به مستندسازان است. این که توجه ویژه‌ای به این مقوله شده است بسیار لذت‌بخش است. میان صحبت‌های رهبری باید به اصول مهمی هم چون نقد درست موضوعات، نشر نگاه امیدوارانه و با صدای بلند فریاد انقلابی زدن اشاره کنم. دقت کنید که مقام معظم رهبری دیدارهای مختلفی در طول سال دارند و این دیدارها تکرار می‌شود، برای مثال دیدار با شاعران و یا سینماگران همه‌ساله برگزار می‌شود، حال بعضی از آنان خصوصی است و بعضی دیگر عمومی است،

برای مثال یکی دو هفته گذشته، برخی کارگردانان سینمای ایران هم مهمان ایشان بودند. در این دیدار آقایان کمال تبریزی، میرکریمی، حقیقی، معتمدی و... حضور داشتند. اما دیدار مستندسازان با رهبر انقلاب برای اولین بار است که رخ می‌دهد. به‌نظرم جریان مستندسازی انقلابی در ۶۷ سال گذشته با قدرت شروع شد، با جدیت دنبال شد و نهایتاً به بلوغ رسید. این بلوغ و شکوفایی باعث شد که یک مهر تأییدی از سوی رهبر انقلاب به آن زده بشود، در حقیقت این جلسه صمیمی با حضور مستندسازان، مهر تأییدی بر شکوفایی مستند در چند سال اخیر است.

وی گفت: این اتفاق یک بسته جامع است، یک بخش از آن به بلوغ مستند در سالیان اخیر برمی‌گردد، یک بخش آن مربوط به نخبه شدن کسانی است که این آثار را تولید می‌کنند، در حقیقت می‌بینیم که کیفیت و ساختار آثار به مرحله‌ی بالایی رسیده است و دیدار آقایان این قشر، مهر تأییدی بر این موضوع است. به‌نظرم یکی از پارامترهای جدی برای توجه رهبر انقلاب به مستندسازان، واکنش سریع آنان به اتفاقات کشور و منطقه بوده است. اگر چه پارامترهای دیگری نیز در این میان دخیل بوده است.

برمهانی به تغییر در عملکرد مدیران سینمای مستند به‌واسطه‌ی این دیدار اشاره کرد و گفت: مدیران سینمای مستند در ارگان‌های مختلفی در حال فعالیت هستند. هر کدام از آنان واکنش‌های متفاوتی دارند. طبیعتاً نمی‌توان انتظار زیادی از بخش‌های دولتی داشت چرا که متأسفانه بخش‌های دولتی خود را همراه و هم‌سوی مستند انقلابی نمی‌داند. البته شاید بتوان به آنان حق داد چرا که مستندساز انقلابی در اکثر موارد دولت را نقد کرده، چه در حوزه‌های سیاسی و چه در حوزه‌های معیشتی سیاست‌های آنان را نقد

کرده است. واقعیت این است که مدیران ما باید نگاه جدی به مستندسازان داشته باشند. این قشر مشکل جدی نقدی و پول و بودجه دارند. تصور کنید که بی‌کیفیت‌ترین اثر داستانی، هزینه‌ی تولیدی به‌میزان چند برابر تولید یک مستند خوب دارد. کافی است تا پرخرج‌ترین و بهترین مستند امسال را کنار یک تله‌فیلم ضعیف صدا و سیما بگذارید و به هزینه‌هایشان نگاه کنید. توقع می‌رود که بودجه‌ی بیش‌تری به مستند اختصاص داده شود. علاوه بر این، مدیران مستند باید جسارت داشته باشند و از موضوعات مختلف نترسند چرا که مردم دوست دارند حقیقت را بشوند. این مدیران باید نسل جدید مستندسازی را پرورش بدهند.

او گفت: هم‌چنین مستندسازان نباید فکر کنند که اکنون مهر تأیید رهبری را دارند، جایگاه ویژه دارند و به آخر خط رسیده‌اند. این گونه نیست بلکه این قله‌ی پیشرفت، قله‌های بزرگ‌تری را نشان می‌دهد. به‌نظرم در حال حاضر، ورود به عرصه‌ی بین‌المللی فتح قله‌ی بعدی است. میان مخاطبان ایرانی خوب و فعال بودیم و به همین واسطه مهر تأیید گرفتید اما باید فضا را برای حضور در عرصه‌ی بین‌المللی آماده کنید، لحن باید بین‌المللی باشد. با همان ادبیاتی که برای مخاطب ایرانی صحبت می‌کنیم، قطعاً نمی‌توانیم برای مخاطب خارجی صحبت کنیم. در جایی این ادبیات باید محافظه‌کارانه‌تر باشد و تقیه داشته باشد و در مقابل در جای دیگر برنده باید باشد. هم‌چنین موادی که در مستند استفاده می‌شود، باید درست و متناسب باشد به این معنی که حق رایت داشته باشد. خاطرم هست که در توزیع یک سری مستند، از ۵۰ مستند فقط ۳ مستند می‌توانستند توزیع شوند، این بد است. کار خوب بسیار تولید می‌کنیم اما حیاف است که نمی‌توانیم منتشر کنیم.

مهدی شامحمدی مستندساز:

یکی از مهمترین اولویتهای مستندساز انقلابی بیان مسایل اجتماعی است



سراج فلان موضوع برود زیرا همه موضوع‌ها مهم هستند از جمله فیلم‌های اجتماعی.

وی افزود: یک اختلاف نظری مبنی بر این وجود دارد که مستندساز انقلابی دنبال مسایل اجتماعی نمی‌رود و به‌نظرم این موضوع خیلی اشتباه است. در مرحله اول مستندساز باید بدانند کارش نشان دادن نقاط تاریک است البته منظورم آن سیاه‌نمایی نیست که برای دیده شدن خود و خودنمایی در خارج از مرزها استفاده می‌شود.

این مستندساز تأکید کرد: یکی از مهمترین اولویتهای مستندساز انقلابی مسایل اجتماعی است تا مسیر را مشخص کند. شامحمدی درباره بازنمایی برخی مسایل در سینمای مستند گفت: کم‌کاری‌های زیادی در طول این سال‌ها اتفاق افتاده است زیرا مردم ما در برخی مسایل خیلی محروم بوده‌اند و این محرومیت‌ها به دلیل کوتاهی ما و رسانه‌ها دیده نشده است. وی ادامه داد: یکی از وظایفی که مستندساز دارد این است

مهدی شامحمدی تهیه‌کننده و کارگردان سینمای مستند درباره منشور مستند انقلاب اسلامی به مهر گفت: وقتی ما در مورد مستند انقلابی حرف می‌زنیم باید اول یک شناخت درست در مورد انقلاب داشته باشیم زیرا بزرگ‌ترین اشتباهی که یک مستندساز می‌تواند دچارش شود این است که انقلاب را یک واقعه صرفاً تاریخی ببیند که زمان از آن عبور کرده است.

وی افزود: انقلاب یک جریان است و این جریان باید با همه مختصاتش به روز شود زیرا مستند انقلابی ذاتاً باید یک جریان و مساله روز باشد از همین رو مستندساز انقلابی هم به تبع آن همین خصوصیات را دارد. بزرگ‌ترین مشکل این است که برخی از مستندسازانی که ما می‌شناسیم و در فضای سینمای مستند آنها را استاد خطاب می‌کنیم در حاشیه هستند و در جریان روز قرار ندارند.

شامحمدی در پاسخ به اینکه اولویت مستند انقلابی چیست، گفت: من نمی‌توانم اولویت بندی کنم و بگویم مثلاً مستندساز

که تصاویری از سطوح اجتماعی مختلف را درست نشان بدهد تا همه قشرها بدون موضع‌گیری، مطلع باشند که اطرافشان چه می‌گذرد.

شامحمدی در پایان با اشاره به اهمیت پژوهش در مستند گفت: مستندساز باید نقد کند، راهکار بدهد و کارش پژوهش محور باشد از همین رو وقتی او با پژوهش درست وارد بشود می‌تواند مسئولان را بیدار کند.

یک مستندساز و منتقد سینما:

در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به سینمای مستند شده



اشاره: زهرا مشتاق نویسنده، منتقد و تهیه‌کننده سینمای مستند است و تابحال آثاری مانند مجموعه سیزده قسمتی «یک روز یک زن»، مجموعه هشت قسمتی «بانو» و مجموعه هفت قسمتی «خورشیدواره‌ها» را تهیه کرده و در برخی از آنها به عنوان نویسنده نیز حضور داشته است. مشتاق و همسرش سعید زارع زاده سالهاست در زمینه تولید آثار مستند در زمینه جنگ مشغول به فعالیت هستند. در ادامه گفتگوی ما با زهرا مشتاق را می‌خوانید.

در زمینه روستاییان مستند های کمی تولید کرده ایم تا جایی که نمی دانیم وضعیت روستانشین ها امروزه به چه شکل است و آنها با چه مشکلاتی و معضلاتی روبرو هستند. اینها حوزه هایی هستند که به نظر من جای شان در سینمای مستند مان خالی است.

به عنوان یک نویسنده و تهیه کننده سینمای مستند و البته یک منتقد سینمایی نقاط قوت و ضعف سینمای مستند کشورمان را در چه می بینید؟

واقعیت این است که ابزار ساخت فیلمسازی آنقدر در دسترس قرار گرفته است که همه به راحتی می توانند فیلم مستند بسازند اما هر تصویری به معنای فیلم مستند نیست و هر فیلم مستندی یک اثر مستند به معنای حرفه ای اش محسوب نمی شود. ممکن است آن تصاویر یک گزارش خبری باشند و نه یک مستند.

یکی از معایب فراگیر شدن فیلمسازی این است که هر کسی فکر می کند با در دست گرفتن دوربین می تواند فیلمساز شود. بهترین سوژه دنیا هم در اگر در اختیار فردی نباشد قرار بگیرد که نمی داند چگونه آنرا ساخته و ارائه دهد در نهایت تبدیل به یک فیلم خوب و یا حتی یک اثر مستند نخواهد شد. متأسفانه در میان آثار مستند فیلم های ضعیفی می بینیم که سوژه های بسیار خوب را زخمی کرده اند چون آن سوژه را بسیار ضعیف و بد ارائه کرده اند و به اصطلاح سوژه را سوزانده اند.

جایگاه سینمای مستند در کشورمان را بخصوص در

سال های اخیر چگونه می بینید؟

بسیار خوشحالم که در سال های اخیر توجه ویژه ای به سینمای مستند شده است و جشنواره های خوبی مانند جشنواره سینما حقیقت و جشنواره فیلم شهید آوینی به صورت حرفه ای و منحصراً به سینمای مستند اختصاص دارند. خیلی خوشحالم با وجود تمام خطوط قرمزی و محدودیت هایی که در تلویزیون وجود دارد حالا ما شبکه ای تلویزیونی به نام شبکه مستند داریم. بسیار خوشحال خواهیم شد که شرایطی فراهم شود که مردم بیشتر فیلم مستند ببینند. ایکاش صداوسیما در بین برنامه های مختلف به بخش آثار مستند برتر بپردازد. سینمای داستانی ما برگرفته، غنی شده و حتی متأثر از سینمای مستند است و باید به این گونه سینمای توجهی بیش از پیش نشان داده شود.

تر و موشکافانه تری به جنگ و حواشی آن داشته باشیم. آقای مرتضی سرهنگی می گویند بعد از جنگ نیاز به بازنگری داریم نه به به کلیشه سازی و این جمله فوق العاده گویا و راه گشاست. در حال حاضر دیگر نیاز به قهرمان پروری نداریم بلکه باید از زاویه دید دیگری به جنگ نگاه کنیم که برای مخاطب تازه باشند.

این اتفاق تا حدی محقق شده است و سینماگرانی داشته ایم که با زاویه دید تازه در مورد دفاع مقدس فیلم ساخته اند.

بله همینطور است. چه در حیطه فیلم های مستند و چه در زمینه آثار داستانی فیلم های بسیار خوبی پس از جنگ تولید شده است که از نگاه کلیشه ای دور بوده اند. مثلاً فیلم های ابراهیم حاتمی کیا در بخش داستانی و آثار سعید زارع زاده، محمدعلی فارسی و وحید چاووش در حیطه مستند، آثار بسیار خوبی هستند که نمی توان نادیده شان گرفت. در این آثار به جنگ بازنگری شد و به همین خاطر این فیلم ها توانستند مخاطب را جذب کنند. در حوزه نشر هم می توان به انتشارات روایت فتح اشاره کرد. مجموعه کتاب هایی که توسط این انتشارات منتشر شده اند آثاری بسیار پیشرو هستند. در این آثار با نگاهی زمینی به قهرمانان جنگ نگریسته شده است و این شهیدان قهرمانانی نیستند که ما در کتاب های نهادهای دولتی در زمان جنگ می دیدیم که بسیار آسمانی و غیر قابل دسترس بودند.

بنظر تان جای چه سوژه هایی در سینمای مستند ما خالی است و باید به آن توجه شده و در موردشان فیلم ساخته شود؟

مهاجران، کودکان و زنان موضوعاتی هستند که بسیار کم به آنها پرداخت شده است و جای کار بسیاری دارند. ما درباره مهاجرانی که در کشورمان زندگی می کنند چه مهاجران افغان تبار و چه مهاجران عراقی و طلبه هایی که از کشورهای دیگر به کشورمان آمده اند و بعضاً ماندگار شده اند چیز زیادی نمی دانیم. طبعاً این افراد با خود خرده فرهنگ هایی را وارد کشورمان کرده اند و حضورشان هنجارها و نابهنجاری های به همراه داشته است که می توانند سوژه های بسیار جذابی برای ساخت آثار مستند باشند. مستند سازی ما در زمینه کودکان و زنان نیز بسیار منفعلانه عمل کرده است. همچنین ما

خانم مشتاق شما و همسرتان سالهاست در زمینه سینمای مستند فعالیت می کنید. به عنوان یک تهیه کننده و نویسنده آثار مستند، در حال حاضر وضعیت سینمای مستند در بخش انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را چگونه ارزیابی می کنید؟

من جواب شما را در دو قسمت عرض می کنم چرا که جواب به این سوال را می توان به دو بخش تقسیم کرد. بخشی مستندهایی هستند که درباره جنگ تولید می شود و رسانه شان تلویزیون است. این مستند ها با خطوط قرمز فراوانی روبرو هستند و باید بسیار دست به عضا ساخته شوند و سازندگان به اصطلاح خودشان را با قوانین صداوسیما هماهنگ کنند. بخش دیگر مستندهایی هستند قرار است خارج از قاب تلویزیون پخش شوند و اینجا دست فیلمساز باز است و می تواند بهتر روی سوژه و ایده اش کار کند. وقتی برای نهادهایی به جز تلویزیون فیلم می سازیم می توانیم به جنگ حتی نگاه انتقادی نیز داشته باشیم و راجع به آن با آسودگی بیشتری صحبت کنیم بدون اینکه نگران ممیزی ها باشیم. به همین دلیل وقتی در جشنواره ها فیلم هایی مرتبط با جنگ می بینیم با مستندهایی که در تلویزیون درباره جنگ دیده ایم به کلی متفاوت هستند. وقتی صداوسیما مستند هایی درباره جنگ پخش می کند اغلب مخاطبان کانال تلویزیون را عوض می کنند چرا که این آثار بسیار کلیشه ای و شعارزده هستند و رغبتی را در مخاطب برای تماشا ایجاد نمی کنند. هنوز و بعد از اینهمه سال که از پایان جنگ گذشته است دیدگاه تلویزیون همان نگاه کلیشه ای دهه شصت به جنگ و رزمندگان باقی مانده است.

در زمان جنگ هم نویسندگان و هم فیلمسازان باید وقتی قرار است فیلمی بسازند به جنبه های قهرمان پروری و حس وطن پرستی اشاره داشته باشد. در این آثار چه مستند و چه داستانی باید سعی شود میل به حضور در جنگ و دفاع از خاک و وطن نمود داشته باشد ولی بعد از جنگ اوضاع فرق می کند و می توان به شکل دیگری نیز به جنگ نگاه کرد. درواقع با فاصله گرفتن از بطن جنگ به لحاظ زمانی دیگر نیاز نیست دقیقاً همان نگاه را داشته باشیم و همان موضوعات را تکرار کنیم بلکه می توانیم نگاهی خلاقانه تر، منصفانه

پناه بر خدا رضایی:

پیشرفت تکنولوژی مستند سازی را تسهیل کرده است

اشاره: پناه بر خدا رضایی کارگردانی را با ساخت آثار مستند آغاز کرد اما در سالهای اخیر دو فیلم داستانی نیز ساخته است. در کارنامه این کارگردان جوان سینمایی چراغی در مه و گهواره‌ای برای مادر، مجموعه مستند قهرمانان، سرداران روستا، نامی از هزاران نام، عید شهادت، نامیرا، کلام خدا، شیر صحرا، آگه رییس جمهور بشم، فصل وصل، به زلالی آب، آوای خاک به چشم میخورد. رضایی معتقد است هر چند تمایل مخاطبان به سینمای داستانی بیشتر است اما می‌توان با ساخت مستندهای جذاب مخاطبان را به تماشای آثار مستند نیز ترغیب کرد. در ادامه گفتگوی ما را با این کارگردان می‌خوانید.



آقای رضایی برخی مستند سازان معتقدند سینمای مستند کشورمان نتوانسته است به حد سینمای داستانی مان پیشرفت کند. نظر شما چیست؟

سینمای مستند تعریف متفاوتی با سینمای داستانی دارد. عموم مردم چه مخاطب عام و چه مخاطب خاص تمایل به تماشای آثار سینمای داستانی دارند. حتی افرادی که فیلم بین هستند هم تمایل شان به سینمای داستانی بیشتر است. اما اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم باید بگوییم هم در تاریخ سینمای جهان و هم در تاریخ سینمای ایران مستندهایی تولید شده اند که بسیار دیده شده اند و اثر گذار بوده اند. این فیلم ها حتی بر سینما داستانی نیز اثر گذاشته اند. اگر بخواهیم در مورد سینمای ایران در حال حاضر صحبت کنیم باید بگوییم توجه و هزینه‌ای که برای سینمای داستانی میشود هرگز برای سینمای مستند نمی‌شود. خیلی واضح است که این سینما کمتر دیده شود و اگر مستندهای تولید میشوند که به نوعی دیده می‌شود بخاطر پشتکار فیلمساز و عوامل فیلم است که دوست دارند فیلم شان در گنجینه نامند و شروع می‌کنند به رایزنی و تلاش برای پخش آثارشان و فیلم هایشان را در سایت های مختلف پخش می‌کنند تا دیده شوند. خوشبختانه شبکه های مجازی این امکان را تا حدی فراهم کرده اند که فیلمسازان بتوانند آثار شان در محیط مجازی به مخاطب ارائه کنند. در سینمای داستان علاوه بر بودجه های هنگفت و سرمایه های فراوان، سوپرستارها حضور دارند و پخش کننده و سینما داران از این آثار استقبال می‌کنند. این آثار همچنین تبلیغات تلویزیونی و محیطی در اختیار دارند که سینما مستند فاقد این امکانات است. درواقع اگر هزینه هایی که برای سینمای داستانی میشود و پول هایی که برای پیش تولید، تولید و پس تولید این آثار خرج میشود در ابعاد کوچکتر برای سینمای مستند هم هزینه شود می‌توانیم شاهد دیده شدن آثار مستند در بین مخاطبان باشیم.

وضعیت سینمای مستند کشور را در حال حاضر چطور می‌بینید؟

قطعا امسال به نسبت مثلا پنج سال پیش از نظر موضوعات مختلف، به روز بودن و تکنیک سینمایی، مستندسازی پیشرفت هایی داشته است. زمان خود به خود می‌تواند باعث شود در همه رسانه ها از جمله سینمای مستند تغییرات مثبتی را شاهد باشند. خوشبختانه در سال های اخیر مستند های بسیار موافی ساخته شده اند و توانسته اند اثر گذار و حتی جریان ساز باشند.

اگر قرار باشد در مورد نقاط قوت سینمای مستند

داشته ها و تجربه هایش به تنهایی شروع به تحقیقات کرده و در کمترین زمان فیلمی را با در اختیار داشتن کمترین عوامل بسازد.

نکته دیگری که در سینمای مستند وجود دارد این است که فیلمساز در مرحله فیلمبرداری به کشف و شهود میرسد در حالی که در کارهای داستانی قرار نیست کارگردان در حین فیلمبرداری سناریو را بنویسد و همه چیز از پیش آماده و برنامه ریزی شده است اما در سینمای داستانی روال به این شکل نیست و در حین ساختن فیلم اتفاقات جالب و جدی تری میفتد. یعنی فیلمساز با سوژه و تحقیقات وارد میدان فیلمسازی می‌شود اما در حین فیلمبرداری است که این تحقیقات بسط و گسترش پیدا می‌کند. در زمان فیلمبرداری مصاحبه هایی انجام می‌شود، فضاهایی خلق می‌شود و در نهایت کارگردان با شرایطی روبرو می‌شود که می‌تواند مدام به داشته های فیلم اضافه کند و اثرش خود به خود در زمان فیلمبرداری تکمیل تر می‌شود. از این جهت شاید بتوان حتی اذعان کرد سینمای مستند مهیج تر و پویاتر از سینمای داستانی است.

به عنوان یک مستند ساز که سال هاست در این زمینه فعالیت می‌کنید فکر می‌کنید کدام موضوعات و سوژه ها در گونة سینمای مستند مغفول مانده است؟

موضوعات بسیاری وجود دارد که هنوز کسی به آنها نپرداخته است. مهم ترین مشکل عدم جسارت افرادی است که شرایط ساخت مستند را فراهم می‌کنند. ارگان ها به شدت به دنبال آثار شعار زده و از پیش تعریف شده اند. اگر طرح متفاوتی به آنها ارائه شود که حرفی متفاوت داشته باشد که نیاز امروز جامعه است و به لحاظ ساختار متفاوت با آثار دیگری است که ساخته شده اند با مخالفت روبرو می‌شود چرا که ارگان ها به کلیشه های رایج، نوع نگاه رایج، ساختار رایج و... عادت کرده اند و دوست ندارند نگاه های نو و حرف های تازه در مستند گفته شود. به همین خاطر هم شاهد هستیم که مستندها غالبا حرف های کلیشه می‌زنند و شوق انگیز نیستند.

باید زمینه ای ایجاد شود که دست مستند سازان باز باشد و بتوانند آثاری خلق کنند که ماندگار شوند. ارگان هایی که مسئول تولید مستند هستند شورهایی دارند که متاسفانه تنها تفکرات کلیشه ای را می‌پسندند و بسیار محافظه کارانه فکر می‌کنند. مستند ساز در نهایت شاید بتواند یک یا دو فیلم را با هزینه شخصی بسازد اما بعد از آن باید از ارگان و نهادهای سفارش کار داشته باشد و بزرگترین مشکل مستندسازان نیز طرف شدن با تفکراتی است که نوگرایی را دوست ندارند.

کشورمان صحبت کنید به چه مواردی اشاره می‌کنید؟

یکی از نقاط قوت سینمای مستند در سال های اخیر این است که بخاطر پیشرفت تکنولوژی شما به عنوان فیلمساز دیگر لازم نیست پروداکشن آنچنانی داشته یا نیاز به حضور عوامل متعدد داشته باشید. شما به عنوان یک فیلمساز هر زمان اراده کنید می‌توانید دوربین تان را برداشته و با داشتن اندیشه و ایده به سراغ سوژه مورد نظر تان رفته و با کمترین امکانات و هزینه فیلم بسازید. تکنولوژی جدید به فیلمسازان کمک می‌کند که دیگر نیازمند به بازیگر و وسایل فنی و... نداشته باشد و تنها با در اختیار داشتن یک فیلمبردار و صدابردار خوب و حرفه ای و با کمترین هزینه به سراغ سوژه رفته و فیلم مستند خوبی بسازد. این بزرگترین حسن و نقطه قوت سینمای مستند در تعریف گسترده است. یعنی هروقت شما بخواهید می‌توانید بدون طی کردن پروسه سخت تولید که در گذشته وجود داشت فیلم تان را بسازید.

البته این موضوع می‌تواند در برخی موارد به ضرر سینمای مستند تمام شود چون سهولت در فیلمسازی باعث می‌شود نیروهای غیر حرفه ای هم به این عرصه وارد شوند.

من در گفته هایم به این نکته اشاره کردم که فیلمسازی برای کارگردانی که اندیشه دارد تسهیل شده است. کسی که قبلا هم در سینمای مستند کار کرده یا با دیدگاهی حرفه ای وارد این گونه سینمایی شود طبعاً به تحقیقات و پژوهش نیز اهمیت میدهد. فیلمسازی با شیوه های جدید باعث شده است دیگر نیاز به تعدد عوامل نداشته باشیم یعنی اینکه سه نفر در کنار کارگردان باشند یا بیست نفر فرقی با هم ندارد. یک فیلمساز به عنوان تفکر و هسته اصلی فیلم می‌تواند با

محمد حسن یادگاری:

مستندسازی دینی و انقلابی طی دوره ای ده ساله توانست جریان ساز شود



اشاره: محمد حسن یادگاری امسال با فیلم «بهت میاد» توجه منتقدان و دوستداران سینمای مستند را به خود جلب کرد. این مستند ساز جوان فعالیت اش در زمینه فیلمسازی را از سال ۹۱ و با ساخت مستندی در مورد مصرف گرایی در جامعه آغاز کرد و در ادامه مستند های «به وقت مادری»، «به ایران خوش آمدید»، «بار دیگر مردی که دوست میداشتیم» و... را با مشارکت حوزه هنری و سایر نهادهای فرهنگی ساخت. در ادامه گفتگوی ما را با این فیلمساز جوان و با انگیزه می خوانید.

آقای یادگاری مستند سازی را از چه سالی آغاز کردید؟

از سال ۹۱ به صورت جدی وارد عرصه مستند سازی شدم. البته قبل از آن هم به شکل آماتوری و غیر حرفه ای کارهایی در این زمینه داشتم. سال ۹۲ مستند «داوطلبین عزیز» درباره مصرف گرایی در ایران ساختم و بعد از آن مستند «به وقت مادری»، کلیپ «به ایران خوش آمدید» (در مورد نامه مقام معظم رهبری به جوانان اروپایی و آمریکایی) و مستند «بار دیگر مردی که دوست میداشتیم» درباره مرحوم نادر ابراهیمی را تولید کردیم. آخرین کارم هم «بهت میاد» درباره تاریخ مد و مدگرایی در ایران بود که امسال ساختم.

به عنوان یک مستند ساز جوان، وضعیت مستند به ویژه مستند های انقلاب را چطور می بینید؟

مستند سازی با ادبیات دینی و انقلابی با ایران اسلامی بسیار منطبق است. به همین دلیل این نوع سینما به سرعت در طی دوره ای ده ساله توانست جریان ساز شود. اعتقاد من این است که حتی در سینمای داستانی هم قصه هایی ماندگار شده و در ذهن تماشاگران مانده اند که استنادی به واقعیت داشته باشند.

اگر به لیست پر فروشترین فیلم های ایرانی نگاهی بیندازید به صدق گفته من پی خواهید برد. ساز فیلم های تاریخی و اجتماعی و انیمیشن های تاریخی گرفته تا ژانر های عامه پسند همواره آثاری مورد توجه قرار گرفته اند که نگاهی به واقعیات تاریخی داشته اند. برای مثال حتی فیلم پر مخاطب «خراجی ها» که در گونه فیلم های عامه پسند قرار میگیرد هم به تاریخ استناد داشت. همچنین پر فروش ترین و پر مخاطب ترین سریال تاریخ سینمای ایران «یوسف پیامبر» بود که در بسیاری از کشور های جهان به نمایش در آمد و برای ایران بسیار درآمد زا بود. این فیلم نیز بر اساس استناد های تاریخی بوده است. پس مردم همواره به فیلم هایی که بر اساس واقعیت های تاریخی باشند اقبال نشان میدهند و سینمای مستند در ذات این ویژگی را دارد. از این بُعد بنظر من سینمای مستند با کمترین هزینه و مدیریت درست میتواند راه خود را باز کرده و مخاطب جذب کند و خدایا شکر در طی سالهای اخیر این اتفاق افتاده است.

پس وضعیت سینمای مستند را از جهت تولید و جذب مخاطب مثبت ارزیابی می کنید.

قطعاً کمبود هایی وجود دارد و شرایط تار سیدن به ایده آل ها راه درازی در پیش دارد. کار مستند به گونه ای است که یک فیلمساز باید همه زندگی اش را وقف آن کند و وقتی می تواند تمام هم و غم و تمرکز خود را روی یک کار بگذارد که از جهت مالی تامین باشید و از نظر معیشتی در تنگنا نباشد اما عملاً این اتفاق نمیفتند. من این توان را دارم که سالی ۳ مستند خوب بسازم اما سازمان ها و نهادهای همکاری لازم را ندارند. در کنار مشکلات اقتصادی مساله عدم اعتماد

نهادهای نیز وجود دارد. یک سری حرف ها را فقط در سینمای مستند می توان عنوان کرد و باید این حرف ها گفته شوند. اگر ما کم کاری کرده و این حرف ها را از نیم دیگران به قالب مستندهای شان آنها را به

نحوی که از واقعیت دور است خواهند گفت. مدیران ما هنوز به این باور نرسیده اند که در سینمای مستند می توان دست روی هر سوژه ای گذاشت و فیلم ساخت چون مستند است و فقط قرار است در آن واقعیات عنوان شوند. اگر ما روی فلان موضوع حساس یا فلان خط قرمز دست نگذاریم و در موردش فیلم نسازیم دیگران روی آن موضوع دست خواهند گذاشت و در موردش فیلم خواهند ساخت و بر جامعه نیز اثر گذار خواهند بود.

برای مثال این اتفاق در مورد خانواده پهلوی و رضاشاه افتاد و مستندهایی در مورد این افراد و فرح دیبا ساخته شد که از واقعیت دور بود و این افراد را حتی بین عده ای محبوب کرد. خب ما می توانستیم خیلی زودتر در مورد این افراد و تاریخ پهلوی فیلم مستند بسازیم و دست مان هم پر است و کلی اسناد تاریخی در اختیار داریم اما متأسفانه همانطور که گفتم نهادهای به ما اعتماد نمی کنند. نکته دیگر این است که جریان سازی های ما در سینمای مستند عکس العملی است. ما آینده نگری نمی کنیم تا ببینیم ۵ سال دیگر یا ۱۰ سال دیگر چه اتفاق هایی رخ خواهد داد تا متناسب با آن مقطع تولید داشته باشیم.

مشکل این است که همیشه وقتی یک مستند مثلاً مانند مستند رضا شاه ساخته شد و تأثیرش را گذاشت به فکر چاره جویی میفتیم. یعنی اجازه میدهیم شبکه های ماهواره ای و جریانات انحرافی داخلی روی موضوع کار کنند و فیلم بسازند و بعد از پخش آن به این فکر کنیم که چرا ما زودتر به فکر تولید فیلم مستند در زمینه آن موضوع نیفتاده بودیم؟ این مساله در مورد موضوعات اجتماعی و اقتصادی نیز صدق می کند.

به نظر تان در حال حاضر مهم ترین موضوعی که باید در سینمای مستند مورد توجه قرار گیرد چیست؟

من فکر می کنم باید در ابتدا الویت های مان را مشخص کنیم. مثلاً از الویت یک تاسی درباره فلان موضوع باشد و... چنین الویت بندی ای در زمینه تولید سریال های درجه الف تلویزیون وجود دارد. همچنین چنین لیستی در مورد فیلم های سینمایی نیز در بنیاد سینمایی فارابی وجود دارد. ما هم در سینمای مستند نیاز به چنین لیستی داریم. باید بدانیم الویت های مان کدامند و قرار است چقدر هزینه کنیم. به این صورت خواهیم دانست برای چند سال آینده فلان تعداد فیلم با فلان موضوعات تهیه خواهیم کرد و طبق برنامه جلو میرویم. اما متأسفانه مدیریت خوبی در این زمینه وجود ندارد و همچنین بودجه ای به این کار تعلق

نمی گیرد. مشکل دیگر این است که با تغییر مدیران، برنامه ها نیز دستخوش تغییر می شوند. باید خط مشی و برنامه این تدوین شود که حتی با تغییر مدیران نیز ادامه پیدا کند. حتی برنامه های جریانات انقلابی مانند حوزه هنری و بسیج و... نیز با جابجایی مدیران تغییر می کنند و برنامه مشخصی برای سال های آینده در زمینه تولید آثار مستند نداریم.

بحث دیگری که در سینمای مستند بسیار حائز اهمیت است میحث تولیداتی است که بتوانیم مخاطب بین المللی داشته باشیم و این موضوع وابسته به پخش مناسب و بین المللی است. ما حرف های جهانی بسیاری برای گفتن داریم اما در زمینه پخش بین الملل ضعیف عمل می کنیم و تنها شبکه جهانی که در دست داریم پرس تی وی است که هر چند وقت یکبار دسترسی اش برای پخش برنامه در خارج از کشور تحریم میشود. ما نمی دانیم این شبکه چقدر مخاطب دارد چرا که با ما تعاملی ندارد و سراغ ما مستند سازان نمیداد. متأسفانه بازار پخش فیلم مستند نیز نداریم و به شدت به افراد کار شناس و مدیرانی که در زمینه متخصص باشند نیازمندیم تا بتوانند فیلم هایمان را به شبکه های خارجی بفروشند. در دنیای امروز پخش خوب حتی مهم تر از محصول خوب است.

به نقاط ضعف مان در سینمای مستند اشاره کردید. حالا بنظر تان مهم ترین نقطه قوت در سینمای مستند مان چیست؟

در جامعه ما همیشه سوژه های خوب برای فیلمسازی وجود دارد و اگر کسی فکر و اندیشه ای داشته باشد قطعاً می تواند سوژه های خوبی برای فیلمسازی پیدا کند. ما تاریخ بسیار کهن و دین بزرگی مانند اسلام داریم و در جریان تقابل بین سنت و مدرنیته به اصطلاح گیر کرده ایم و ایده ها و سوژه های نابی برای فیلمسازی در اختیار داریم. ضمن اینکه مردمی داریم که بسیار پویا و فعلا هستند و در هیچ زمینه ای منفعل عمل نمی کنند. همه اینها می تواند به سوژه های خوب و ایده های بکر و در نهایت به نقطه قوت سینمای مستند مان تبدیل شوند.

درواقع به زعم شما نقطه قوت سینمای مستند کشور مان تنوع مضامین و موضوعات است.

بله همینطور است. در جامعه ما به واسطه تعدد قومیت ها، تنوع جغرافیایی، پیشینه تاریخی و... همیشه موضوعات بسیاری برای تولید آثار مستند وجود دارد. همچنین در زمینه مستند انقلاب نیز سوژه های دینی و انقلابی بسیاری برای وجود دارد که هنوز در موردشان فیلمی ساخته نشده است.

وحید چاووش کارگردان:

نکات رهبر انقلاب به مستندسازان جدید نبود؛ ما گوش شنوا نداشتیم



است، مسیر قبلی‌اش را ادامه می‌دهد. بعضی اوقات موضوعاتی وجود دارد که آیا شرایط فیلم‌سازی فراهم است یا خیر؟ برای مثال فتنه ۸۸، آشوب سال ۹۶ و ... موضوعات مهمی است که باید در مورد آن فیلم ساخت. چرا در مورد این موضوعات فیلم نمی‌سازیم؟ آیا توانایی تکنیکی آن وجود ندارد؟ جراتش را نداریم؟ نکته‌ی مهم این جاست. چرا جرات ساخت چنین آثاری را نداریم. باید این سوال را از خود بپرسیم که از چه کسانی جرات ساخت آثار نداریم؟ از روشن فکرها یا برادران حزب‌اللهی خودمان؟ باید این سوال را بپرسیم که چه شرایطی باعث شده است که این دست آثار تولید نشود. من در مورد فیلمی حرف می‌زنم که خودم دوربین به دست بگیرم و در خیابان فیلم بسازم تا بتوانم روایت خودم را از واقعه‌ی ۸۸ داشته باشم. چه کسی نمی‌گذارد این کار را انجام بدهم؟ من از برادران حزب‌اللهی خودم گله دارم.

وحید چاووش از حس و حال خود در این دیدار صحبت کرد و گفت: من نگاه اغراق‌آمیز به آن جلسه ندارم. خوش حال هستم که به عنوان یک سرباز فرهنگی نظام توانستم از میدان جنگ فاصله بگیرم و فرماندهان را از نزدیک ببینم، رخ به رخ و زانو به زانو در کنارش بنشینم و از محضر ایشان استفاده کنم. هدف من از این جلسه کسب آرامش روحی بود. من سرباز راه تو هستم و حالا خوش حال هستم که فرمانده ام را از نزدیک می‌بینم. به نظر می‌آید ایشان راه را ترسیم کرده و ما وظیفه داریم که این راه را درست طی کنیم. کم کاری ما باعث می‌شود که ایشان به جزئیات وارد شوند. حس و حال سربازی را داشتم که کار خود را به اندازه‌ی سهمش در میدان انجام داده و آمده است تا در این جلسه تجدید قوا و روحیه کند. همان طور که سربازان ما در ۸ سال دفاع مقدس، به دیدار امام می‌آمدند تا خستگی از روح و جان‌شان بیرون برود و دوباره به میدان برگردند. ما موظف به جنگ در این حوزه هستیم. هر کس که در این جنگ خوب کار کرده است، خیالش راحت است و هر کس هم که خوب عمل نکرده است، می‌نشیند و فقط شعار می‌دهد. من با شعار دادن مخالفم با کسانی که همه‌جا هستند و فقط حرف می‌زنند، مساله دارم. کسانی به اسم مستندساز هستند که در همه‌جا حضور دارند، حرف می‌زنند اما خروجی ندارند.

نگاه ویژه‌ای به این ژانر داشته‌اند، اشتباه است و آدرس غلط دادن است. ایشان حرف‌هایش را بارها در گذشته زده است. وقتی ایشان از انتقاد حرف می‌زند و می‌فرماید که انتقاد باید منصفانه و دلسوزانه باشد و راهکار داشته باشد، فقط در مورد سینمای مستند نیست، در مورد سینمای داستانی، نشر و مطبوعات و ... نیز هست. در حقیقت این صحبت‌ها سالیان زیادی است که از طرف ایشان مطرح می‌شود اما از آن جا که ما درست این سخنان را نشنیده‌ایم، دوباره تکرار می‌کنند. معتقد هستم که فرمایشات رهبری در این جلسه، صحبت جدیدی نبود و حرف‌هایی بود که در تریبون‌های مختلف از سوی ایشان و خطاب به همه‌ی مردم شنیده‌ایم. اگر گوش شنوایی وجود نداشته است، تقصیر ایشان نیست و ما مقصر هستیم.

چاووش گفت: نکته‌ای که در منشور اخیر مستندسازی دیدم برای من بسیار قابل توجه بود. ایشان در بند پایانی گفتند که رضایت خداوند را در نظر داشته باشید. این فراز جمع همه‌ی صحبت‌های قبلی ایشان است و از همه مهم‌تر است. این فراز فقط خطاب به مستندسازان نیست. اگر من فیلم‌ساز در حرفی که به مردم می‌زنم رضایت خداوند را در نظر بگیرم، خود به خود به آن حرف متعهد می‌شوم. اگر وقتی که انتقاد می‌کنم، رضایت خداوند را در نظر گرفته باشم، با تقوا نگاه می‌کنم و شرایط را می‌سنجم. این موضوع لازمه‌ی مستندسازی در همه جای دنیا است. اولین شرط برای یک مستندساز صداقت و انصاف او است. این کارگردان و مستندساز بیان داشت: خیلی معتقد به این نیستم که بعد از این جلسه باید تحول عظیمی رخ بدهد. اگر کسی تاکنون کارش را درست انجام داده

وحید چاووش کارگردان جوان کشورمان یکی از هنرمندانی است که در دیدار مستندسازان با رهبر انقلاب حضور داشته و صحبت کرده است. او می‌گوید حرف‌های رهبر انقلاب جدید نبوده اما اگر گوش شنوایی وجود نداشته است، تقصیر ایشان نیست و مقصر «خودمان» هستیم.

وحید چاووش مستندساز با سابقه‌ی کشور است که تاکنون آثار زیادی تولید کرده و بسیاری از این آثار از تلویزیون پخش شده است. او یکی از حاضران در دیدار با رهبری بوده است. چاووش که خود در دیدار مستندسازان با رهبر انقلاب حضور داشته در گفت‌وگو با تسنیم تصریح کرد: این دیدار در ابتدا خوش سلیقگی دوستان در حوزه هنری بود که این فضا را فراهم کردند تا مستندسازان با رهبری دیدار داشته باشند.

او در پاسخ به این سوال تسنیم که واکنش مستندسازان به اتفاقات پیرامونی در سالیان اخیر، به موقع بوده است گفت: من چنین اعتقادی ندارم. به نظرم ما مستندسازان واکنش سریعی به حوادث پیرامونی رخ داده نداشتیم. نمونه‌ی آن هم اتفاقات مهمی است که در سال ۸۸ در کشور رخ داد اما هنوز هم کار زیادی در این حوزه انجام ندادیم و مستندهای کمی ساخته‌ایم. هم چنین چندی پیش، اتفاقات دیگری رخ داد. مگر چند مستندساز در مورد این آشوب فیلم ساختند؟ سوال اصلی این است که آیا اساساً شرایط ساخت فیلم در این زمینه‌ها فراهم است؟ من معتقد هستم که این شرایط فراهم نیست. وی اضافه کرد: من به دیدار مستندسازان با رهبری، نگاه دیگری دارم. این که بگوییم حضرت آقا اکنون

یک مستندساز:

مستند انقلاب اسلامی در سال های اخیر رشد چشم گیری داشته است



به عقیده من سینمای مستند کشورمان چشم اندازی بسیار خوب خواهد داشت و در آینده نزدیک شاهد درخشش بیش از پیش فیلمسازان مان در عرصه های جهانی خواهیم بود.

به عنوان یک مستند ساز جوان برای تولید فیلم هایتان به چه چالش هایی روبرو هستید؟

فضای تولید آثار مستند و فعالیت در این ژانر سینمایی خالی از مشکل و دردسر نیست. در نگاهی کلی مشکلات ما فیلمسازان به دو بخش تقسیم می شود. یک سری مشکلات همیشگی هستند و به قول معروف جزو مشکلات پایدار عرصه مستند سازی هستند و یک سری مشکلات هم هستند که مقطعی اند. مشکلات مقطعی می تواند مربوط به میزان بودجه در یک مقطع زمانی باشد یا اینکه جریان خاص سیاسی حاکم شده و مدیران عوض شوند و... این مشکلات مقطعی و گذرا هستند اما یک سری مشکلات همانطور که عرض کردم همیشگی هستند. مثلاً دوستانی که در حوزه تاریخ معاصر کار می کنند همیشه با موانع و خطوط قرمز روبرو هستند. من شخصا همواره سعی می کنم در فیلم هایم بی طرفانه قضاوت کنم و به موضوعات بپردازم و این موضوع باعث شده است که از طرف جریان های مختلف مورد نقد و حتی پیگرد قضایی قرار بگیرم. این مسائل واقعا برای یک فیلمساز آزار دهنده هستند. ما کارهایی را انجام داده ایم که باعث آگاهی بخشی حتی برای رجال سیاسی کشور بوده است اما متأسفانه به آثارمان به شکلی نگاه شده است که منصفانه نیست. سینمای مستند اگر دچار خودسانسوری شود نه تنها کمکی نکرده و گره ای را باز نمی کند بلکه مشکلات را دوچندان خواهد کرد.

برای آگاهی بخشی به مردم اگر در خط انقلاب اسلامی قدم برداریم به نظر من خط قرمزی وجود ندارد. اگر ما با حقانیت و صداقت کاری انجام دهیم دیگر خط قرمز معنا نخواهد داشت. اگر ما تاریخ انقلاب مان را روایت نکنیم دیگران روایت خواهند کرد و اگر ما در جواب این فیلم ها ده ها فیلم دیگر بسازیم دیگر اثر گذار نخواهد بود.

اشاره: ایمان گودرزی، کارگردان و مستندساز کشورمان از سال ۸۳ کار مستندسازی را آغاز کرده است و در حال حاضر در رشته فیلم سازی مشغول تحصیل است. مستندهای «بهمن ۶۰»، «سال های خاکستری»، «فردای دیروز»، «بر مدار تباهی»، «رویای سیاه» و «عطش ثانیه ها» برخی از آثار مستند این فیلمساز هستند. در ادامه گفتگوی ما با این کارگردان جوان را می خوانید.

وضعیت سینمای مستند انقلاب را سال های اخیر چطور می بینید؟

به نظر من فضای سینمای مستند انقلاب اسلامی رشد خیلی خوبی داشته است و ما شاهد هستیم که در یک دهه گذشته به بلوغ رسیده است. حتی می توانم ادعا کنم که در سال های اخیر رشد این گونه سینمایی تصاعدی بوده است چرا که شاهد ورود فیلمسازان جوان، تازه نفس و البته بسیار با استعدادی به این عرصه بوده ایم. این نسل بسیار با انگیزه و دغدغه مند هستند و ورودشان به دنیای سینما باعث شد سینمای مستند انقلاب اسلامی با قدرت بیشتری پا به عرصه بگذارد.

در یک دهه گذشته که خودم دست به دوربین شده ام و در این حوزه فعالیت می کنم شاهد تولید آثار بسیار خوبی در این حیطه بوده ام تا جایی که می توان مدعی شد کیفیت این آثار اصلاً قابل قیاس با آثار تولید شده در سه دهه پیش نیستند و از نظر محتوا و ساختار و تکنیکال بودن بسیار بهتر هستند. در مورد سوژه یابی نیز بسیار پیشرو تر و خلاقانه تر عمل کرده ایم. مستند سازان امروز می دانند که باید در پی سوژه های خوب باشند و چراغ قوه شان را به دل سوژه ها برده و زوایایی را که کمتر دیده شده است را به مخاطب نشان دهند. در کل اگر بخواهیم به سینمای مستند در سال های اخیر نمره بدهیم به امتیازی قابل دفاع خواهیم رسید. یکی از دلایل اینکه شاهد رشد و شکوفایی سینمای مستند در سال های اخیر هستیم هم ورود جوانان با فکرهای و ایده های تازه و شوق انگیز است و هم اینکه برخی از مدیران که دیدگاهی بسیار محافظه کارانه داشتند جای خود را به مدیران جوانتر، جسورتر و خلاق تر داده اند و این موضوع فیلمسازی را برای جوانان تسهیل کرده است.

پس به اعتقاد شما در سال های اخیر فضا برای فیلمسازی در ژانر مستند باز تر شده است.

بله خوشبختانه این اتفاق افتاده است. البته همچنان مشکلات در زمینه فیلمسازی مستند زیاد است و اگر بخواهم نیمه خالی لیوان را نگاه کنم جای انتقاد و گله بسیار است اما اگر بخواهیم در مقایسه با سال های قبل و شرایطی که مثلاً ده سال قبل وجود داشت صحبت کنیم قطعاً گام هایی به جلو برداشته ایم و سینمای مستند رو به رشد بوده است و شاهد فضای بازتری در حیطه فیلم مستند انقلاب اسلامی هستیم. اگر به فیلم هایی که در فضای گفتمان انقلاب اسلامی تولید می شود نگاه کنید خواهید دید هم به لحاظ کمی

و هم از نظر کیفی این آثار بسیار موفق تر از آثاری هستند که قبل از دهه اخیر تولید شده اند.

خوشبختانه در حال حاضر ما چندین جشنواره داریم که به حوزه فیلم های انقلاب اسلامی می پردازند. جشنواره هایی مانند جشنواره مردمی فیلم عمار و جشنواره فیلم مقاومت. چندین سال است که آثارم در این جشنواره ها به نمایش در می آیند و من شخصا مخاطب این جشنواره ها هستم و آثاری که در این جشنواره ها به نمایش در می آید را مشتاقانه دنبال می کنم. به همین خاطر می توانم بگویم کیفیت آثار این جشنواره ها در هر دوره به نسبت دوره قبل پیشرفت چشم گیری داشته است. گاهی در این جشنواره ها فیلم هایی را دیده ام که به لحاظ سوژه و ساختار بسیار عالی بوده اند و با خود فکر کرده ام که حتماً کارگردان این آثار فیلمسازانی حرفه ای هستند که سال ها سابقه کارگردانی دارند اما در کمال تعجب دیده ام که جوانانی این آثار را ساخته اند که به تازگی پا به عرصه فیلمسازی گذاشته اند.

فکر می کنید دلیل اشتیاق جوانان به فیلمسازی در حیطه مستند در سال های اخیر چه بوده است؟

به نظر من پس از سال ۸۸ فضای فرهنگی کشور احساس کرد باید جریانی به فضای فرهنگی و سینمایی کشور دمیده شود که کمبود آن به شدت احساس میشد و این اتفاق به صورت خودجوش و از طرف هنرمندان رخ داد که نتیجه مثبت و پربار آن حالا و کمتر از یک دهه بعد دیده می شود. خوشبختانه این جریان خیلی زود به بلوغ رسیده است.

بنظر تان جای چه سوژه های و مضامینی در سینمای مستند مان به ویژه سینمای مستند انقلاب خالی است؟

بنظرم نیاز مخاطب امروز تولید آثاری است که بتواند بصیرت زایی کرده و به مخاطب آگاهی ببخشد و شبهاتی که در ذهن دارد را مرتفع کند. حوادث و اتفاقاتی که در منطقه وجود دارد و سوژه های که در کشور داریم دست مستندسازان را برای انتخاب موضوع بسیار باز گذاشته است. خداراشکر آثار هم به لحاظ نوع پرداخت و هم از نظر موضوع و تکنیک با فیلم های خوب بین المللی برابری می کنند و اگر اخبار سینمای مستند را رصد کنید خواهد دید که بچه های فیلمساز در دهه اخیر ده ها جایزه معتبر بین المللی را از جشنواره های مختلف کسب کرده اند.

روح الله رحیمی مستندساز:

جایگاه پژوهش در سینمای مستندمان محکم نیست

اشاره: روح الله رحیمی را اغلب دوستداران سینمای مستند با مجموعه ۵۰ قسمتی «پازل» میشناسند که در جشنواره های مختلف خوش درخشیده است. در کارنامه رحیمی مستندهایی ماند «از کلو تا احمد»، «صدای پای آشنا»، «این روایت خیلی محرمانه نیست»، «ساخت ایران» و... به چشم میخورد. در ادامه گفتگوی ما را با این کارگردان جوان می خوانید.



آقای رحیمی وقتی به عنوان یک علاقمند به فیلمسازی در حیطه مستندسازی خواستید وارد این عرصه شوید با چه مشکلاتی روبرو شدید؟

جذابیت کار در حیطه مستند و در کل سینما بسیار بالاست و افراد بسیاری مایل هستند وارد عرصه فیلمسازی شوند. طبیعتاً اولین مشکل هر جوان تازه وارد پیدا کردن نهاد یا ارگانی است که به آنها سفارش کار بدهد. یک علاقمند به مستندسازی نهایتاً می تواند یک یا دو فیلم را با هزینه شخصی بسازد اما بعد از آن نیازمند به حامی مالی و سفارش دهنده دارد. من اولین فیلم ام را با سرمایه شخصی ساختم و چون حدود سی جلسه فیلمبرداری داشتیم در اواخر کار واقعاً به لحاظ مالی به مشکل برخوردیم و به سختی توانستم کار را تمام کنم. هر جوان فیلمسازی که وارد رشته مستندسازی میشود آروز دارد که نهاد یا موسسه ای به او سفارش کار بدهد چون فیلمسازی با سرمایه شخصی بسیار سخت است. ضمن اینکه هنرمند مستند ساز هم مانند همه مردم باید برای کارش پولی دریافت کند و بتواند از نظر معیشتی تأمین شود. البته من به نهادها نیز حق میدهم که ابتدا باید یک کار از هنرمند ببینند تا بتوانند به او اعتماد کرده و سفارش ساخت فیلم بدهند.

به عنوان یک مستندساز وضعیت سینمای انقلاب را چطور می بینید؟

سابقاً تا قرار بود از سینمای انقلاب و دفاع مقدس حرفی به میان بیاید همه از مستندهای روایت فتح مثال میزدند و کار شاخص دیگری تولید نشده بود حتی تا سال های حدود ۸۵ و ۸۶ هم هنوز مستند شاخص دیگری تولید نشده بود اما از این سالها به بعد جریانی به وجود آمد و هنرمندان جوان پا به عرصه فیلمسازی گذاشتند و شاید بتوان گفت تحولی در این عرصه به وجود آمد. از آن سال به بعد ما شاهد تولید مستندهای خوبی در زمینه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس هستیم. تا پیش از نیمه دهه هشتاد هنوز مستند به ویژه مستندهای انقلاب جدی گرفته نمیشد اما بعد از آن مستند های خوبی ساخته شد و مستندسازان سراغ افرادی رفتند که در جریان انقلاب یا جنگ حضور مستقیم داشتند و درباره آنها فیلم های ارزشمندی ساخته شد. خوشبختانه در حال حاضر آنقدر جوانان مشتاق در عرصه مستند سازی زیاد شده اند که کار سوزه یابی برای مان سخت شده است. خیلی از سوزه ها یی که باید در موردشان فیلم ساخته شود توسط همین جوانان کشف شده اند و دیگر کار در حیطه مستند سازی به آسانی گذشته نیست. درواقع در سالهای اخیر آنقدر مستند در حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس کار شده است که من به عنوان مستند ساز اگر بخواهم

مستند هم طیف وسیعی از مخاطبان را پوشش نمی دهد چرا که برای آثار مستند در سایر شبکه ها تبلیغی صورت نمی گیرد. کاش تیزر مستندهای برتر که قرار است از این شبکه پخش شوند به صورت روزانه در شبکه های دیگر پخش میشد تا مخاطبان تلویزیون با این شبکه بیشتر آشنا شوند. متأسفانه ما برای تولیدات مستند مان جامعه هدف نداریم و اگران اغلب آثارمان به جشنواره ها محدود می شود.

بنظر تان نگاه نقادانه در یک اثر مستند باید چگونه باشد و وظیفه یک مستند ساز وقتی می خواد یک فیلم انتقادی بسازد چیست؟

بنظر من جان و خمیرمایه هر مستند به زمان پژوهش و تحقیقت برمی گردد که پیش از فیلمبرداری انجام شده است. به این معنا که آنقدر باید ملات پژوهشی کار غنی باشد که بتوانید در حین کار آنرا شکل دهید نه اینکه در میانه فیلمبرداری ملات پژوهشی ته بکشد و ندانید با سوزه چه کار کنید. مثلاً اگر گل کافی برای ساخت یک کوزه نداشته باشید مجبور خواهید شد کوزه را بدون دسته بسازید. در کار مستند هم اگر در بخش پژوهشی کم کاری صورت گرفته باشد نمی توان انتظار تماشای فیلم کاملی را داشت. اگر پیش از تولید فیلم تمام جوانب کار را نسنجیده باشیم نمی توانیم یک اثر انتقادی بسازیم چرا که دست مان پر نبوده. ما مستند سازان نباید تحت تأثیر جریانات سیاسی باشیم چرا که در آثارمان تأثیر منفی می گذارد. باید به هر مساله ای از تمام زوایا و بدون جهت گیری سیاسی نگاه کنیم. فقط در این صورت است که می توانیم نگاه نقادانه و بی طرف داشته باشیم.

فیلمسازان چقدر به مقوله پژوهش در سینمای مستند اهمیت و بها میدهند؟

جایگاه پژوهش در سینمای مستند چندان محکم نیست و به آن توجهی نمی شود و برای آن هزینه نمی شود. من به عنوان یک مستندساز اگر بخواهم برای ساخت یک فیلم مثلاً دو سال پژوهش و تحقیق کنم آیا سرمایه ای برای این کار در اختیارم قرار خواهد گرفت؟ طبعاً جواب منفی است. یعنی اگر بگویم که می خواهیم دو سال را صرف پژوهش کنیم با این جواب مواجه می شویم که چه خبر است مگر قرار است چه کار کنید؟! سینمای مستند سینمای سرگرمی و فان یا مسابقه تلویزیونی نیست و اگر بخواهد بر جامعه هدف اثر بگذارد باید پشتوانه تحقیقاتی داشته باشد. ما قرار است روی ذهن مخاطب تأثیر بگذاریم و این موضوع مستلزم پژوهش است تا تبدیل به مستندی فاخر و ماندگار شود.

به دنبال سوزه بروم باید خیلی زحمت بکشم تا سوزه ای بکر پیدا کنم (میخندد)

فکر می کنید سینمای مستند در کشورمان این قدرت را دارد تا بر افکار عمومی تأثیر بگذارد؟

من قبول دارم که ما مستند های شاخص کم داریم اما مساله اصلی ما بازار مصرف است. یعنی اگر مستند بسیار خوبی هم تولید شود تا وقتی که پخش مناسب نداشته باشد و به دست مخاطب نرسد عملکرد و تأثیری نخواهد داشت. ما هر ساله کلی مستند تولید می کنیم که برخی از آنها کارهای خوبی هستند اما آیا پیش از تولید این فیلم ها به جامعه مصرف آنها فکر کرده و برنامه ریزی کرده ایم؟ جواب منفی است.

بخشی از تولیدات ما به سفارش تلویزیون ساخته می شود که تکلیف شان مشخص است و قرار است در این رسانه پخش شوند اما سایر مستند ها تکلیف شان چیست؟ من امسال در جشنواره سینما حقیقت حضور داشتم و فیلم ها را دیدم. خوشبختانه استقبال بسیار بالا بود و برای اغلب فیلم ها سالن ها پر می شدند و حتی گاهی علاقمندان ایستاده فیلم ها را تماشا می کردند اما مگر کل تماشاگران جشنواره سینما حقیقت چند نفر هستند؟ نهایتاً در هر سالن هفتصد نفر حضور داشته باشد و فیلم را ببیند. آیا این تعداد مخاطب برای یک مستند که شاید یکسال برایش زحمت کشیده شده کافیست؟

اگر از شبکه مستند بگذریم جای دیگری برای عرضه آثار مستند وجود ندارد. ما نمی توانیم توقع داشته باشیم مخاطب برای تماشای فیلم مستند به سینما بیاید و برای این ژانر سینمایی بلیت فروشی شود و در هیچ جای دنیا هم این اتفاق نمیفتد. حتی همان شبکه

تحلیل فضای رسانه‌ای کشور در گفت و گو با «مهدی نقویان»

بسیاری از مستندهای انقلابی خارج از رسانه ملی ساخته می‌شود



مردم ایران و جمهوری اسلامی را نمی‌دانند و هر بار که چنین مسائلی پیش می‌آید، دچار این توهم می‌شوند که به آرزوی خود می‌رسند و این نظام آسیب می‌بیند، اما این آرزو را به گور خواهند برد.

یکی از خطوط آشکار و مشخص این رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌هایی که از انگلیس پخش می‌شوند، تپه‌یر رژیم پهلوی و تحریف تاریخ به سود سلطنت است. آنها معمولاً چه تکنیک‌هایی را برای این منظور به کار می‌برند؟

تصاویری که از دوران قبل از انقلاب نشان می‌دهند با تصویری که بعد از ۴۰ سال از انقلاب نمایش می‌دهند کاملاً متفاوت است. یعنی ۴۰ - ۵۰ سال قبل را بسیار مدرن و درخشان معرفی می‌کنند اما هر چه از جامعه امروز ایران نمایش می‌دهند تصاویر زشت و بد است. در صورتی که قبل از انقلاب به غیر از مناطق محدودی در تهران، هیچ نشانی از پیشرفت و آبادانی در ایران نبود. فقر، فساد، بیسوادی و گرفتار بودن اکثریت مردم به نان شب فضای غالب بر ایران قبل از انقلاب بود. کدام یک از روستاها در ایران قبل از انقلاب برق داشت؟ اما این رسانه‌ها فقط همان چند نقطه محدود را به عنوان کل ایران در دوران پهلوی نمایش می‌دهند. طبیعی است که یک جوانی که از وضعیت کشور در آن دوره بی‌خبر بود با دیدن این تصاویر شیفته آن دوران شود.

یکی از ترفندهایی هم که به کار می‌برند، القای این مسئله است که قبل از انقلاب مردم در رفاه اقتصادی زندگی می‌کردند و همه چیز ارزان بوده! صد در صد غیر واقعی است. چون به درآمد و

ترفندهای اصلی این رسانه‌ها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخل کشور چیست؟
مستند، ابزار اصلی رسانه‌های معارض برای شبهه افکنی در ذهن مردم است. هیچ گاه نشده که با یک فیلم سینمایی یا سریال داستانی، این کار را کنند، اما همیشه فیلم‌های مستندی که می‌سازند و پخش می‌کنند، عامل ایجاد شبهه است.

برخی می‌گویند این بی‌بی‌سی و صدای آمریکا هستند که راست می‌گویند. واقعاً راست می‌گویند؟
کاملاً آشکار است که رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی و صدای آمریکا، رسانه‌هایی دولتی هستند و طبق تکالیفی که دولت‌های انگلیس و آمریکا برای آنها تعیین کرده‌اند عمل می‌کنند. ما وقتی برای حفظ امنیت کشور خودمان در عراق و سوریه با تکفیری‌ها و داعش مبارزه می‌کنیم، رسانه‌هایی مثل بی‌بی‌سی فارسی می‌گویند چرا شما پول مردم خود را خرج جنگ در سوریه و عراق می‌کنید! اما هیچ کس نمی‌پرسد که آقای بی‌بی‌سی! شما چرا با پول مردم کشور خودتان علیه ملت ایران کار می‌کنید؟ یک نفر باید یقه خودتان را بگیرد. اتفاقاً طبق تکالیفی که برای آنها تعیین شده، این رسانه‌ها راست می‌گویند. به طور مثال طبق تکالیف آنها محمدرضا پهلوی دیکتاتور نبود، کودتا نکرد و اگر هم کودتا کرد برای منافع مردم بود. اما اینکه حقیقت چیست، این است که آنها هیچ گاه حقیقت جمهوری اسلامی را درک نمی‌کنند و به همین دلیل هم همیشه اشتباه می‌روند، مثل همین اغتشاشات اخیر که دم خروس آنها بیرون زد و با شادی و خوشحالی فکر کردند که کار جمهوری اسلامی تمام شده. برای این است که حقیقت

مهدی نقویان گفت: مستند «خارج از دید» بعد از چهار قسمت توسط «جریان نفوذ» از آنتن سیما پائین کشیده شد.
«خارج از دید» مجموعه مستند جدیدی است که به ریشه‌ها و منشأهای بسیاری از فعل و انفعالات سیاسی کشور در سال ۸۸ می‌پردازد. اما این مستند به کارگردانی مهدی نقویان در میانه راه از پخش بازماند. این در حالی است که امروز در شرایطی قرار داریم که ساخت آثار و برنامه‌های روشنگر درباره مسائل سیاسی بیش از پیش احساس می‌شود. به همین دلیل با مهدی نقویان درباره تحلیل عملکرد رسانه‌های غربی در مواجهه با آشوب‌های اخیر ایران و رسالت امروز رسانه‌های داخلی گفت و گو کردیم. نقویان را می‌توان پرکارترین مستندساز درباره حوادث سیاسی در ایران دانست. او همچنین جایزه ویژه هشتمین جشنواره عمار را از دست مادر یک شهید دریافت کرد.

آشوب‌های اخیر کشورمان باز هم رسانه‌های غربی را به تلاطم انداخت. نظر شما درباره بازتاب وقایع اخیر در شبکه‌های تلویزیونی ضدایرانی چیست؟
مشخص است که این رسانه‌ها بسیار با برنامه و سیاست به چنین مسائلی می‌پردازند. حتی ادبیاتی که درباره حوادث مختلف به کار می‌برند هم حساب شده است. یادم هست که چند سال قبل وقتی ناآرامی‌های مشابهی در انگلیس رخ داد، بی‌بی‌سی از عبارت «آشوبگران» درباره آنها استفاده می‌کرد. اما وقتی در ایران چنین مسئله‌ای پیش می‌آید از ادبیات متفاوتی استفاده می‌کنند و عباراتی چون معترضان و تظاهرکنندگان و مردم را به کار می‌برند. این موضوع بسیار ساده به نظر می‌رسد اما روی افکار عمومی به شدت تأثیر می‌گذارد.

محتوای اخبار نیز دچار همین تحول شود. اما هنوز این تحول محتوایی اتفاق نیفتاده است و هنوز هم جنس اخبار گویی صداوسیما مثل دهه‌های ۶۰ و ۷۰ است. به یاد دارم در یکی از دیدارهایی که جمعی از اهالی صداوسیما اوایل دهه ۷۰ با رهبر انقلاب داشتند، حضرت آقا هم بر لزوم تغییر ادبیات و لحن اخبار صداوسیما تأکید کرده بودند. اگر این تحول محتوایی انجام شود، اتفاقات مثبتی رخ خواهد داد.

* در زمینه مستند چطور؟

به نظر من صداوسیما از جریان مستندسازی که در جبهه انقلاب مرسوم شده، عقب افتاده است. بسیاری از فیلم‌های مستند انقلابی خارج از مجموعه رسانه ملی ساخته می‌شود. مثل مستند «قائم مقام» و حتی مجموعه‌ای که خود من سال گذشته با عنوان «در برابر طوفان» ساختم و از سیما پخش شد، خارج از رسانه ملی تولید شد. وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که بعد از گذشت ۴۰ سال هنوز هم صداوسیما یک مجموعه مستند درست و حسابی درباره رژیم پهلوی نساخته است. خیلی بعید است که به ذهن مدیران سیما نرسیده باشد که چنین اثری بسازند. چون ایده‌ای نیست که پنهانی باشد و بخش مهم تاریخ معاصر ماست. پس دلیل این خلأ چیست؟ چرا درباره شخصیت‌های برجسته تاریخ معاصر خودمان فیلم مستند نداریم؟ همین کم کاری‌ها باعث می‌شود که برخی از جریان‌ها، شخصیت‌های ما را مصادره کنند. اینکه جریان شبه روشنفکری شخصیت‌هایی چون شهید آوینی و حتی مطهری را به سود خودش مصادره می‌کند به خاطر این است که ما درباره آنها کار رسانه‌ای جدی انجام نداده‌ایم. این در حالی است که خارج از چارچوب صداوسیما، در جبهه انقلاب و در عرصه مستندسازی، اتفاقات بسیار مثبتی در حال وقوع است. همین امروز فیلم‌های مستند بسیار درخشانی داریم که نمی‌توان از آنها گذشت. فقط جای افسوس است که چرا این جریان هنوز به تلویزیون وصل نشده است و این آثار مستند کمتر در سیما بازتاب پیدا می‌کنند؟ برخی از آثار مستند بچه‌های انقلاب پیش می‌آید که دو سه ساعت قبل از پخش، از آنتن پایین کشیده می‌شود! چرا برخی از مدیران رسانه‌ای ما از اینکه آثار انقلابی را از آنتن سیما پخش کنند، می‌ترسند؟

* مثل اتفاقی که برای کار خود شما، یعنی «خارج از دید» پیش آمد؟

بله، این مستند بعد از چهار قسمت توسط «جریان نفوذ» از آنتن سیما پایین کشیده شد. یا خود سیما باید چنین آثاری را تولید کند و یا اگر خودش در ساخت مستندهای انقلاب نقش ندارد و دیگران تولید می‌کنند باید در پخش آنها حمایت کند. اما متأسفانه در هر دو مورد ضعیف عمل می‌شود.

منبع: سینماپرس

ضدانقلابی است. این باید جدی گرفت شود. اینکه برخی از نهادها و سازمان‌ها که از بودجه حکومتی و دولتی برخوردار هستند اعلام می‌کنند که در طول سال فلان تعداد اثر تولید می‌کنند چندان مهم نیست، اینکه چه تعداد نیروی انقلابی و متعهد و توانمند تحویل جامعه می‌دهند مهم‌تر است. به لحاظ کمی، وقتی مدیریت رسانه‌های جهان دست جریانات معارض ماست، اگر تمام ظرفیت جبهه مقاومت و جریان انقلاب هم جمع شود، باز هم برای مقابله با جبهه مقابل کم است.

* پس ما چطور می‌توانیم تأثیر بگذاریم؟

ما از طریق بالا بردن کیفیت آثار خودمان می‌توانیم تأثیرگذار باشیم. یعنی در مقابل حجم گسترده آثار آنها ما می‌توانیم با یک اثر با کیفیت، ۱۰۰ اثر جبهه مقابل را خنثی کنیم. چون ذات حقیقت و اسلام طوری است که به راحتی در دل‌ها رسوخ می‌کند. اگر مدیران فرهنگی و رسانه‌ای ما به این حقیقت ساده توجه کنند، بسیاری از گره‌ها باز می‌شود.

* به نظر شما الان اولویت اصلی فعالان رسانه‌ای در کشور ما در مواجهه با حوادث اخیر که پیش آمد باید چه موضوعات یا مسائلی باشد؟

به نظر من اولویت اصلی رسانه‌های ما بزرگ‌ترین نقطه ضعف آنها هم هست. ضعف بزرگ رسانه‌های ما این است که شبهات رایج بین مردم را برطرف نمی‌کنند. به خیلی از شبهات اصلاً پرداخته نمی‌شود و برخی از شبهات هم که هدف رسانه‌های ما قرار می‌گیرند، چون پرداختن به آنها به لحاظ کیفی ضعیف است باز هم در ذهن بعضی از مردم ادامه پیدا می‌کند و بلکه شبهات جدیدتری هم ایجاد می‌شود. وقتی سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که این سخنرانی‌ها تبیینی هستند. منبر هم یک رسانه محسوب می‌شود اما وقتی سایر منابر را با بیانات حضرت آقا مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که قدرت تبیین ندارند. بحث تبیین در رسانه بسیار جدی است اما اتفاق نمی‌افتد.

* اما سیما همیشه به وقایع واکنش نشان می‌دهد و گزارش‌هایی کار می‌کند.

گزارش‌های سیما - که نمونه‌های خوب و قابل توجه هم در میان آنها وجود دارد - بیشتر جنبه تهییجی دارد تا تبیینی. به نظرم گزارش‌های تلویزیونی ما باید به سمت تبیینی شدن برود. یعنی باید بتوانند شبهاتی که در ذهن برخی از مردم به وجود می‌آید را پاسخ دهند. در این صورت، تأثیرگذاری صداوسیما از این رو به آن رو خواهد شد. شما وضعیت برنامه‌های خبری صداوسیما از سال ۸۸ به بعد را با قبل از آن مقایسه کنید. تا قبل از آن زمان، فرم اخبار تلویزیونی قدیمی بود. اما از سال ۸۸ فرم و ساختار اخبار در سیما متحول شد که شکل امروزی پیدا کرد. این اتفاق، یک شوک به رسانه ملی بود و تأثیر گذاشت. انتظار می‌رفت که

حقوق مردم هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند. مثلاً ممکن است بگویند قبل از انقلاب قیمت گوشت فلان مقدار بود و امروز به فلان میزان رسیده است. اما اشاره نمی‌کنند که حقوق اقشار متوسط به پایین جامعه در آن زمان چقدر بود و با آن میزان درآمد چقدر می‌توانستند گوشت بخورند. روش شبکه‌های ماهواره‌ای در پرداختن به این مسائل کاملاً عوام فریبانه است. به همین دلیل هم در حال ساخت یک مجموعه درباره دوران پهلوی هستیم که در ۱۰ قسمت به این گونه مسائل می‌پردازد. اقتصاد هم یکی از قسمت‌های این مجموعه است. به نظرم اگر درباره این گونه مسائل کار رسانه‌ای شود، بسیاری از این ترفندهای عوام فریبانه رسانه‌های معاند برطرف می‌شود. این تصویری که بین برخی وجود دارد به خاطر ضعف ما در بیان حقایق است نه واقعی بودن حرف‌های رسانه‌های معاند. اما رسانه‌های ما در برخورد با این گونه مسائل هیچ راهبردی ندارند. به نظر من نیروهای تلویزیون ما و به ویژه بخش‌های خبری باید آموزش ببینند که وقتی در سطح شهر و بین مردم می‌روند تا گزارش و مصاحبه مردمی تهیه کنند، به زیبایی شناسی توجه کنند. چون گاهی می‌بینیم که در پس زمینه تصاویر گزارش‌های مردمی تلویزیون، زباله و آلودگی به تصویر کشیده می‌شود! این تصاویر روی ذهن مردم تأثیر می‌گذارد.

* مهم‌ترین مشکل ما در جنگ رسانه‌ای به نظر شما چیست؟

نکته مهم این است که در داخل، نیروهای توانمندی حضور دارند. اما رسانه‌های ما از این ظرفیت به خوبی استفاده نمی‌کنند.

* این ظرفیت را چگونه می‌توان بالفعل کرد؟

اول صداوسیما، بعد هم نهادهای فرهنگی عریض و طویل باید این ظرفیت را به کار گیرند. من احساس می‌کنم این نهادها در زمینه بالفعل کردن این ظرفیت کم کاری می‌کنند. فکر می‌کنم برای صداوسیما استعدادیابی کار چندان دشواری نباشد. به طور مثال جشنواره عمار یکی از جاهایی است که می‌توان از دورن آن استعدادهایی را پیدا کرد و به کار گرفت؛ این کار پیچیده‌ای نیست. اما جای سؤال است که در این هشت دوره‌ای که از برگزاری جشنواره عمار می‌گذرد، کدام یک از مقامات عالی رتبه صداوسیما به این جشنواره رفته و آثار آن را دیده و استعدادیابی کرده است؟ وقتی با این مدیران صحبت می‌کنیم، اولین حرفی که می‌زنند این است که در زمینه نیروی انسانی دچار مشکل هستند و آدم نتوانمند کم دارند. این در حالی است که یکی از وظایف رسانه ملی این است که به طور جدی باید به تربیت نیروی انسانی بپردازد. همان طور که شهید آوینی هم در دهه ۶۰ گفته بود که اگر نیروی انسانی تربیت نکنیم مجبور می‌شویم که کارهای مرتبط با انقلاب را به عهده افراد بی‌اعتقاد به انقلاب و گذار کنیم. متأسفانه به خاطر کم کاری‌های صورت گرفته در زمینه تربیت نیرو شاهد هستیم که عرصه رسانه در تسخیر جریان‌های غیرانقلابی یا

در گفت‌وگو ویژه خبری مطرح شد:

حال مستندسازی کشور خوب است



صداوسیما و مدیران چه میزان به مستندسازان اعتماد کرده و می‌کنند جای بحث دارد.

این مستندساز گفت: امروز که کشور بیش از ۶۴۰ مستندساز دارد که حداقل یک فیلم ساخته‌اند نشان می‌دهد کارهای خوبی صورت گرفته است.

وی افزود: آمار بازدید مردم از مستندها در جشنواره‌ها نشان می‌دهد این روزها کارهای حقیقی در مستندسازی کشور ساخته می‌شود.

در ادامه برنامه مطهر درباره کمک بخش خصوصی به مستندسازان اظهار کرد: در حوزه مستندسازی بخش دولتی کمک‌های بسیار خوبی کرده چرا مستندسازی حوزه‌ای نیست که بخش خصوصی بتواند به آن وارد شود.

این مستندساز کشور درباره مسائل حوزه کاری خود گفت: ما امروز در کشور فیلم و سریال می‌سازیم و می‌خواهیم با آن‌ها جواب مستندسازی شبکه‌های معاند را که مدت‌هاست مخاطب جذب کرده‌اند، بدهیم که نمی‌شود.

مهدی نقویان در ادامه برنامه با اشاره به اینکه در نقد مستند اجتماعی و سیاسی باید به صورت هوشیار عمل کرد، گفت: از جامعه هنرمندان این انتظار است که راه‌های درمان زخم را بگویند، هنرمند با مردم عادی متفاوت است.

وی با اشاره به اینکه باید راه‌های درمان زخم را هنرمند بگویند، افزود: باید راه حل هر چیزی گفته شود و این تلخی و سیاهی کار را بر می‌دارد.

این مستندساز با اشاره به مقوله هنر برای هنر و هنر سفارشی اظهار داشت: زمانی که فیلم ساز کار تبلیغاتی مثلا در مورد پفک نمکی انجام می‌دهد، این به معنای سفارش پذیری است.

نقویان با اشاره به جسارت سینمای مستند در چند سال اخیر افزود: تلویزیون و جشنواره داخلی دو جایی است که پخش از طریق آن‌ها صورت می‌گیرد، از

وی با بیان این که برخی مدیران فرهنگی ظرفیت مستندساز را نمی‌شناسند، گفت: کشور امروز با طیف جوان و جسوری در مستندسازی روبه‌رو است و مدیران هم باید در موضوع پخش جسور باشند.

یزدی افزود: مستندسازان کشور تا امروز زحمت زیادی در تولید یک مستند کشیده‌اند و خوشبختانه مستندهایی با تکنیک خوب ساخته شده است.

در ادامه برنامه نقویان با بیان این موضوع که در گذشته خیلی از مستند مطلبی شنیده نمی‌شد، اظهار کرد: بعد از انقلاب در بعد کمیت مستندها کارهای زیادی انجام شده اما در حوزه کیفیت باید پیش‌تر کار کرد.

این مستندساز کشور افزود: حال مستندسازی کشور خوب است و ما قادر هستیم با جهان رقابت کنیم، اما سوالی که باید پرسید این است که چرا بعد از انقلاب در حوزه مستند با تمام ظرفیت کار نشده است.

وی گفت: ما نمی‌خواهیم در مستندسازی برای انقلاب طرح جدیدی ارائه کنیم چرا که انقلاب سرشار از سوژه است و هر مستندسازی تشنه این سوژه‌ها است.

نقویان ادامه داد: متأسفانه ما با تمام ظرفیت در مستندسازی کار نکردیم و در گذشته خلایه‌هایی وجود داشته و همین موضوع فرصت را به برخی رسانه‌های معاند داده تا روی این موضوع کار کنند؛ همین موضوع باعث شده تا مستندهایی که ما بر اساس واقعیت می‌سازیم، باور نشود.

این مستندساز با اشاره به پیام مقام معظم رهبری گفت: پیام رهبر معظم انقلاب هم برای مستندسازان راهگشاست و هم به مسئولان گوشزد می‌کند به موضوع مستند و مستندسازی توجه بیش‌تری کنند.

در ادامه برنامه اسلام زاده نیز اظهار کرد: مستندسازان کشور بارها برای کار روی موضوعات جدی، چون سیاست اقدام کردند، اما این که

برنامه گفت‌وگو ویژه خبری یکشنبه ۱ بهمن با حضور محسن یزدی مدیر مستند حوزه هنری، مهدی نقویان، محسن اسلام‌زاده و مهدی مطهر از مستندسازان به بررسی سینمای مستند و چالش‌ها و فرصت‌های این حوزه پرداخت.

در ابتدای برنامه یزدی با بیان این موضوع که در کشور هم مستندساز حرفه‌ای و هم مستندساز تقنی داریم، اظهار کرد: برخی مستندسازان از این راه درآمد کسب می‌کنند و در حال حاضر تعداد مستندسازی حرفه‌ای که از این راه امرار معاش می‌کند؛ زیاد شده است.

مدیر مستند حوزه هنری با تأکید بر این موضوع که حال امروز مستندسازی کشور از ۷ یا ۸ سال گذشته بهتر شده است، افزود: در گذشته وضعیت مستندسازی کشور وخیم بوده است، اما در چند سال گذشته در ایران نیز مانند سایر کشورهای دنیا که مستندسازی را مورد توجه قرار داده‌اند؛ توجه شده است.

وی درباره تعداد مستندسازهای کشور که گفته شده بیش از ۶۴۰ نفر هستند، گفت: اگر منظور فقط مستندساز باشد تعداد آن‌ها بیش‌تر از این عدد است، اما مستندسازان حرفه‌ای کشور کمتر از ۶۴۰ نفر هستند.

یزدی با طرح این مثال که در سینمای هالیوود هم هر سال بیش از هزاران فیلم ساخته می‌شود، اما فقط چند فیلم دیده می‌شود، افزود: امروز در کشور نه مشکل تولید، نه مشکل مستندساز و نه مشکل سوژه داریم بلکه مشکل اصلی پخش است و اگر کمی با جسارت بیش‌تر بر موضوع پخش متمرکز کنیم اتفاقات بهتری در مستندسازی کشور رخ خواهد داد.

مدیر مستند حوزه هنری ادامه داد: البته برخی مواقع ما در نقد صداوسیما زیاده‌روی می‌کنیم؛ در چند سال اخیر همان گونه که در بخش سریال و فیلم کار شده در حوزه مستند هم کارهای زیادی انجام شده است.

کمیل سوهانی:

گاهی انصاف در فریاد زدن است

کمیل سوهانی مستندساز گفت: ما در این مدت دچار یک اشتباه شدیم و آن این بود که مسائل فرهنگی را جدا از مسائل زیست و زندگی خود دیدیم مسائل فرهنگی دائماً با اقتصاد و جامعه در ارتباط است.

کمیل سوهانی، مستندساز جوان کشور که او را با آثاری مانند «جای خالی» و «مادر کشی» می‌شناسیم به مناسبت رونمایی از منشور مستند انقلاب اسلامی با فارس گفت و گویی داشت که در زیر می‌خوانید



کمیل سوهانی در تعریف مستندساز انقلابی گفت: برای تعریف مستندساز انقلابی باید ابتدا تعریف درستی از یک انسان انقلابی پیدا کنیم تا به این موضوع برسیم. از نظر بنده در شرایط امروزی انسانی که علیه آمریکایی بودن و آمریکایی زیستن مبارزه می‌کند، انسان انقلابی است. البته منظور از آمریکا فراتر از موقعیت جغرافیایی است و انسان انقلابی باید تلاش کند تا در این مسیری که زیست آمریکایی پیدا نکند؛ یعنی طوری نباشد که از یک طرف دشمنی با آمریکا را اظهار کند و از طرف دیگر خون آمریکایی در رگ‌هایش جاری باشد.

سوهانی با برشمردن برخی جنایت‌های آمریکا، گفت: مثلاً آمریکا بزرگترین آلوده کننده محیط زیست است و یک انسان انقلابی با کسانی که محیط زیست را آلوده می‌کنند مبارزه می‌کند.

همین دلیل باید اولویت بچه‌های انقلابی به سمت زیست اجتماعی بیاید چون انسان آنگونه می‌اندیشد که زندگی می‌کنید.

در ادامه کارگردان مستند مادر کشی و جای خالی با اشاره به اینکه انسان‌های انقلابی از با انگیزه ترین افراد جامعه هستند، گفت: به نظر من انگیزه نیاز به ایده دارد ما در تشخیص اولویت‌ها مشکل داریم و گاهی انرژی را صرف مسائلی می‌کنیم که مهم نیست و البته اتفاقاتی که هر روزه می‌افتد و ضرورت‌هایی که پیدا می‌شود، باعث این است که اولویت‌ها را بهتر بشناسیم.

کمیل سوهانی در پایان با پاسخ به این سوال که نقد منصفانه به چه معناست، گفت: نقد منصفانه به این معنی نیست که نقدی کنید که کسی ناراحت نشود بعضی اوقات انصاف در این است که شما فریاد بزنید.

وی افزود: مستندساز طبق رسالتی که دارد باید تمام تلاشش را بکند مسئله‌ای که به سراغش رفته است و در لایه‌هایی از روزمرگی و ناآگاهی جامعه پنهان شده است را جلوی چشم مردم بگذارد.

این مستندساز ادامه داد: گاهی اوقات بیرون کشیدن مسائل خارج از دید ایجاب می‌کند که مستندساز کمی تند حرف بزند و من مثال بیشتر زدن رو بیان میکنم که با تیزی که دارد سموم را از بدن جامعه بیرون می‌کند.

این مستندساز ادامه داد: آمریکا بزرگترین سردمدار سرمایه داری جهان است و انسان انقلابی باید با این تفکر سرمایه داری مبارزه کند و خیلی خوب شاخص‌ها را بشناسد و تلاش کند که زیست آمریکایی در جامعه رواج پیدا نکند و در واقع از ورود این سم به خون جامعه جلوگیری کند.

وی با اشاره به اینکه انقلابی بودن دو جنبه سلبی و ایجابی دارد، تصریح کرد: به نظر من راه طولانی داریم که دقیقاً بفهمیم چگونه باید باشیم و ایده قطعی بدهیم برای آینده جامعه، اما در حال حاضر می‌توانیم مبارزه کنیم در برابر آن چیزی که می‌دانیم ناحق است.

مستند انقلابی سلطه جریان غالب جهانی را برچیند کمیل سوهانی در پاسخ به این سوال که اولویت‌های مستند انقلابی چیست گفت: اولویت مستند انقلابی اولویت‌های جامعه‌ای است که می‌خواهد سلطه جریان غالب جهانی را بر دارد و این در موارد زیادی مانند اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... تجلی پیدا می‌کند.

اولویت مستندسازان انقلابی باید زیست اجتماعی باشد وی ادامه داد: ما در این مدت دچار یک اشتباه شدیم و آن این بود که مسائل فرهنگی را جدا از مسائل زیست و زندگی خود دیدیم مسائل فرهنگی دائماً با اقتصاد و جامعه در ارتباط است و اگر بخواهیم به مسائل فرهنگی به صورت انتزاعی پردازیم راه به جایی نخواهیم برد به

جشنواره بین‌المللی سینمای حقیقت انتظار فیلم‌های مستقل مستند را داریم.

وی با اشاره به اینکه باید کارهای پژوهشی را جدی گرفت، گفت: بعد از وقایع سال ۸۸ جشنواره‌ها سکوی پرتاب بودند، برای تلویزیون کاری ساخته بودم که در آرشیو قرار داشت، اما



در جشنواره عمار مورد توجه قرار گرفت. محسن یزدی مستندساز در ادامه برنامه با اشاره به اینکه تمام کسانی که فیلم‌های سیاه می‌سازند نیت بدی ندارند، اما برخی درد فروشی می‌کنند اظهار داشت: مخاطب را نباید به بن بست رساند.

وی با تأکید بر اینکه فیلم سیاه، فیلم جبر است خاطر نشان کرد: باید بین سیاه نمایی و نقد تفکیک قائل شد، مستندسازان باید بحث‌های نظری انجام دهند.

این مستندساز با اشاره به اینکه برای مستندسازی مخاطب مهم است و اینکه کارش مورد توجه قرار بگیرد، گفت: سیر پیشرفت شبکه مستند ادامه دارد.

یزدی با اشاره به اینکه خیلی‌ها دغدغه برای ساخت فیلم دارند، گفت: فیلم‌هایی که مستندسازان در حوزه‌های اجتماعی می‌سازند جسورانه است.

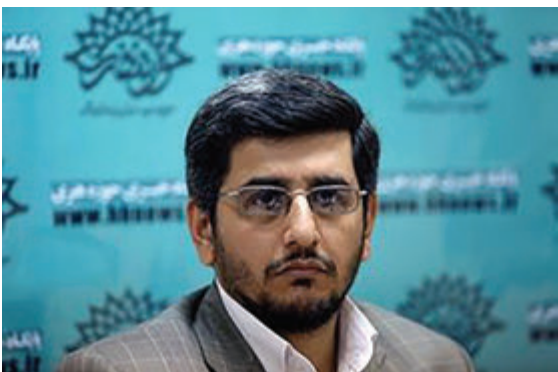
وی با اشاره به اینکه در نقد می‌توان راحت‌تر و مناسب‌تر به بیان دیدگاه‌های خود پرداخت، اظهار داشت: در حوزه نمایش خانگی هنر پیشه و صداپیشه به زحمت دو سوم پول خود را در می‌آورد.

یزدی با اشاره به اینکه نمی‌توان همه چیز را به گردن پخش انداخت، افزود: اخیراً مستندسازان به مخاطب خود توجه می‌کنند و این مسئله حائز اهمیت است.

این مستندساز با اشاره به اینکه در برخی جاها در آرشیو تلویزیون به روی فیلم ساز باز است، اما در دادن سندها ما را اذیت می‌کنند، گفت: در حال ساخت مستند شهید مدرس هستیم، به طوری که اجازه فیلم برداری از کاخ گلستان را به بنده ندادند و این مسئله از جمله موانع کاری محسوب می‌شود.

پاسخ رئیس مرکز مستند حوزه هنری به نقد سه گانه پهلوی‌ها؛

برخی نقدهای فعالان فرهنگی را وارد می‌دانم



می‌دانیم حساسیت پرداختن به دوره پهلوی تاجه میزان بالا است و این حوزه، حوزه سختی است و ظرافت‌های خودش را می‌طلبد. اما این حساسیت نباید آنقدر پررنگ باشد که خودش تبدیل به مانعی برای تولید کار شود.

دهه فجر امسال، رسانه ملی برنامه‌های متنوعی را به ویژه در بخش مستند تدارک دیده بود که از جمله آن، مستندهای رجال پهلوی بودند که از شبکه مستند و (دیگر شبکه‌ها به روی آنتن رفت). از قضا، این سری از تولیدات خانه مستند انقلاب اسلامی، مورد انتقاد برخی چهره‌های منتقد و دانشگاهی قرار گرفت. منتقدان این مجموعه مستند بر این باور بودند که آنچه درباره هویدا و اشرف گفته شد، بیشتر در جهت تطهیر عملکرد آنان بوده و نتوانسته ظلم و فساد و جنایات خاندان پهلوی و دربار محمدرضا را به درستی روایت کند.

نقدهای منتشر شده درباره این مجموعه را در ادامه بخوانید:

در چهل سالگی انقلاب، خاندان سلطنت مظلوم شد!

نقد سه مستند تاریخی «هویدا»، «اشرف» و «اسدالله علم» از نگاه «محمدصادق کوشکی»

به عنوان مثال، «محمدصادق کوشکی» عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در این رابطه در گفتگویی با مشرق گفت: «در مورد مستند هویدا متأسفانه چند تا مشکل جدی وجود دارد که این مشکلات باعث می‌شود یک مقداری این سری آثار جدی تر نقد بشود. چون عوامل سازنده و چهره‌های موثر در این سه اثر افراد مشابهی هستند. در واقع این سه اثر نوعی سه گانه است. چهره‌هایی که برای گفتگو در این سه مجموعه انتخاب شدند، چهره‌های شاخص دوران پهلوی هستند. منتها این سه اثر و مشخصاً اثری که در مورد هویدا ساخته شده است از چند ناحیه رنج می‌برد و مشکلاتی دارند.» کوشکی اما تیغ نقدش را تیزتر هم کرده و صراحتاً مطرح می‌کند: «من می‌خواهم در مورد قضیه ساخت این مستند خوشبینانه نگاه کنم و بگویم مسئولان ساخت این آثار درک درستی از تاریخ پهلوی ندارند. در نتیجه مستندی که به نام هویدا ارائه می‌شود که به نوعی به تطهیر هویدا می‌انجامد و از سوی دیگر به تطهیر حکومت پهلوی منجر خواهد شد. سازندگان این مجموعه آقای احسان ناظم بکایی و همسرشان (سعیده نیک اختر) هستند که گفته‌اند ما در مورد اشرف خیلی اسناد و مدارک نداشتیم و مجبور شدیم برویم روی روانشناسی اشرف کار کنیم. این حرف غلط است و دقیق نیست. مگر می‌شود ما در مورد اشرف

اشاره: ایمان گودرزی، کارگردان و مستندساز کشورمان از سال ۸۳ کار مستندسازی را آغاز کرده است و در حال حاضر در رشته فیلم سازی مشغول تحصیل است. مستندهای «بهمن ۶۰»، «سال‌های خاکستری»، «فردای دیروز»، «بر مدار تباهی»، «رویای سیاه» و «عطش ثانیه‌ها» برخی از آثار مستند این فیلمساز هستند. در ادامه گفتگوی ما با این کارگردان جوان را می‌خوانید.



اسناد و مدارک نداشته باشیم. دوستان قصد دارند اشرف پهلوی را روانکوی کنند؛ اشرف پهلوی معایب و نواقصش بدین صورت مطرح می‌شود که ایشان از لحاظ روانی یک مشکلات روحی داشته است. کسی که شریک جرم محمدرضا پهلوی در بسیاری از جنایت‌هایش بوده است به عنوان بیماری روانی قابل ترحم مطرح می‌شود که اختلال روانی داشته است. این جور نگاه کردن به صورت جدی خاندان پهلوی را تطهیر می‌کند و اصلاً فلسفه انقلاب را در نهایت زیر سؤال می‌برد.»

اما احمد میراحسان منتقد سینما و مستندساز، درباره این مجموعه مستند با ادبیات خاص خود، اینگونه نوشته است: «فیلم سراپا ستایش فضایل فرهنگی درون‌خواران بی فرهنگ بود و چنان وانموده‌ای فریب آمیز و برساخته‌ی نگرشی بس ناهموار از دربار شاه را پیشکش مخاطب جوان از همه جا بی خبر می‌کرد که تو گوئی، شبکه‌ی سلطنت طلبان فیلم تحریف آمیزی آمیخته به عکس‌ها و فیلم‌های مستند، همراه تفسیری نامستند سراپا یاه و کلام و آگاهی و روایتی دروغین و اغواآمیز آماده کرده است برای به فراموشی سپردن نقش شیطان‌ی زنی به نام اشرف و برادرش که فساد همه سویه در سرزمین ایران برپا داشتند و آن را اصلاح و نوسازی و پیشرفت نام می‌نهادند. بخشی که من مشاهده کردم بر کارهای اشرف استوار بود و دوستان متذکر شدند که این فیلم درباره امیرعباس هویدا هم حسی از مظلومیت می‌پراکند. در همان دقایقی که فیلم را تماشا کردم؛ اشرف بانویی معرفی می‌شد منورالفکر، سخت نگران سرنوشت ایران، یاری دهنده برادر، فعال در امور فرهنگی و رابط‌ی دموکراتیک با مطبوعات و ژورنالیسم که دیوار و در نفوذ ناپذیر دربار را به سوی روزنامه‌نگاران گشود. و اموالش را وقف بنیاد پهلوی کرد که کارش انتشار کتب فخیم بود. و آنچنان برجستگی داشت که اگر انقلاب سال ۵۷ رخ نمی‌داد، احتمال داشت دبیر کل

سازمان ملل شود...

محسن یزدی، فعال فرهنگی-رسانه‌ای و رئیس مرکز مستند حوزه هنری در یادداشتی به برخی از این انتقادهای پاسخ داده است

یزدی یادداشت خود را اینگونه آغاز می‌کند که: «سالهای سال است که با حسرت در جشنواره‌های داخلی و شبکه‌های فارسی زبان خارجی پای مستندهایی نشسته‌ایم که همه باورهای ما را در حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی به چالش کشیده است. عادت داشتیم آنها بسازند و ما حرص بخوریم و بی‌امان فریاد بزنیم. البته فریاد زدن هم داشت. صراحت و جسارت این مستندها، دل هر دلسوزی را به درد می‌آورد. غیر از این کار دیگری از دستان ساخته نبود»

وی در ادامه نوشته است: «اما امروز زمان تغییر کرده است. فضا دارد به سمت دیگری حرکت می‌کند. حالا ما می‌سازیم و آنها فریاد می‌کشند. چند سالی هست که به یمن فعالیت مراکز انقلابی و سازمان‌های تازه تاسیس و صد البته تکیه بر تجربه و تلاش بی‌وقفه پیشکسوتان، مستند بچه‌های انقلاب تکان اساسی خورده است. آنها جسارت پیدا کرده‌اند و با ساخت مستندهای سیاسی و تاریخی، طرف مقابل را نگران کرده‌اند. این رشد دلگرم کننده را «آقا» هم می‌دانستند و در نشست اخیرشان با مستندسازان به آن اشاره کردند. البته طبیعی هم بود چون بدون تعارف این فضا را خود ایشان با صبر و حوصله و نگاه دراز مدت و غیر هیجانی ایجاد کردند. ایجاد گفت‌وگو فرهنگ انقلابی و ورود جدی سپاه به حوزه فرهنگی حتما یکی از این اتفاقات مهم و مبارک در این عرصه است که جز با تدبیر ایشان انجام نمی‌شد. حالا آرام آرام نتیجه کارهای بزرگان و عرق جبین دلسوزان و تلاش بچه‌های مخلص، دارد خودنمایی می‌کند. یکی از مظاهر این اتفاق مبارک، کار موسسات و بچه‌های انقلابی در حوزه تاریخ و خصوصا پهلوی است. جسارت ورود در این حوزه بعلاوه کمک تلویزیون در ارائه آرشپوها حالا منجر به اتفاقات خوبی در این عرصه شده و به نظر می‌رسد باید منتظر اتفاقات مهم‌تر نیز باشیم.

اما چند وقتی است که برخی فعالان فرهنگی دلسوز نقدهایی را به برخی محصولات موسسات انقلابی در حوزه تاریخ پهلوی وارد دانسته و آن را بیان کرده‌اند. برخی نقدها البته منصفانه‌تر و در قالب تحلیل مستندهای مورد نقد بود اما برخی مطالب هم شکل دیگری داشت که در ادامه به آن اشاره می‌شود. نگارنده با احترام به نظر این عزیزان نکاتی را قابل ذکر می‌داند. همه ما می‌دانیم حساسیت پرداختن به دوره پهلوی تا چه میزان بالا است و این حوزه، حوزه سختی است و کار در این باره ظرافت‌های خودش را می‌طلبد. اما

این حساسیت نباید آنقدر پررنگ باشد که خودش تبدیل به مانعی برای تولید کار شود. همه می‌دانیم که امروز به دلیل عدم کارکرد درست همه ما و تولید ممتد شبکه‌های معاند، سوالات زیادی در ذهن مردم درباره دوره پهلوی وجود دارد. آش آنقدر شور می‌شود که برخی افراد فریب خورده در خیابان شعار رضاشاه می‌دهند. حالا با این شرایط دو کار می‌توان کرد؛ اول اینکه طبق سنوات گذشته آنهم تنها در دهه فجر در شبکه‌های خبری و نمایشی با چند موسیقی انقلابی ۴۰ سال پیش و چند گزارش خبری و مستندهایی که معلوم است برای بستن دهان مدیر بالادستی ساخته شده کار را جمع و جور کرد. دوم اینکه ماجرا را کمی جدی‌تر بگیریم و با یک سرو شکل بهتر و درست‌تر درباره دوره پهلوی، کارهای موثرتری انجام دهیم که مخاطب را با خود همراه کند.

حساسیت پرداختن به دوره پهلوی تا چه میزان بالا است و این حوزه، حوزه سختی است و کار در این باره ظرافت‌های خودش را می‌طلبد. اما این حساسیت نباید آنقدر پررنگ باشد که خودش تبدیل به مانعی برای تولید کار شود.

من می‌دانم که منظور منتقدان محترم هم همین است و آنها هم دلشان می‌خواهد درباره این دوره کارهای خوب و با کیفیت تولید شود. اما نکته این است که این شکل نقد کردن ما را به همان شرایط گذشته باز می‌گرداند. یعنی جسارت را از سازندگان می‌گیرد و همه با استرس و ترس تنها می‌خواهند تنها منتقدان را ساکت کنند. زیر سوال بردن تمام و کمال کار موسسات انقلابی که دوستان به نیت درونی مدیرانشان آگاه هستند و فقط و فقط نقد کردن آنهم با لحن‌های غیردوستانه نتیجه مثبتی را به دنبال نخواهد داشت. ندیدن کارکرد موسسه‌ای مثل اوج در بالا بردن توان مستندسازان انقلابی (با در نظر گرفتن اشکالات آن که بر کسی پوشیده نیست) و تنها نقد کردن و کنایه زدن کمی از انصاف دور است. حرف نگارنده مطلقاً ناظر به نظر دوستان منتقد درباره مستندهای هویدا و اشرف و... نیست. اساساً ممکن است حتی در برخی موارد اشتباهاتی ولو فاحش رخ داده باشد اما راه مواجهه با اشتباه یک موسسه جوان و پرکار و دغدغه‌مند نمی‌تواند غیر متلک و زیر سوال بردن کارها و اتهام باشد؟ بعلاوه اینکه «سلیقه» را در این جا را نباید از نظر دور داشت. یادمان باشد که برخی از دوستانی که اتفاقاً در حوزه تاریخ انقلاب صاحب نظر بودند مستند «قائم مقام» را به نفع آقای منتظری تحلیل کردند یا برخی از پخش مستند «پرزیندن آکتور سینما» به دلیل توهین به رهبری جلوگیری کردند و از این دست مثال‌ها که فراوان است.

نگارنده معتقد است راه درست این بود که دوستان ابتدا با بانیمان کار تماسی برقرار می‌کردند و از

کارهایشان مطلع می‌شدند و بعد نکاتشان را در این باره گوشزد می‌کردند. حتماً در روند کاری ساخت این مستندها ضعف‌هایی وجود دارد اما وقتی نگاه برادران ما اصلاح‌گر باشد که می‌توان شهادت داد که هست پس چرا راهی انتخاب می‌شود که ضررش بیش از فایده آن است.

یزدی در پایان تأکید می‌کند: «دوستان باید یک نکته مهم را در نظر بگیرند. نهال مستند انقلاب و اساساً نهال هنر انقلاب نوظاست و امروز به برکت تدبیر «آقا» و دلسوزان انقلاب روبه بالندگی است. همه باید به این فکر کنیم که چطور می‌توانیم به بارور شدن بیشتر آن کمک کنیم. نوشتن پشت سر هم و



زیر سوال بردن کل کار موسسات انقلابی چقدر به این روند کمک می‌کند؟ بعنوان کسی که دستی در تولید دارد باید بگویم این روش تنها باعث این می‌شود که سازندگان این آثار عطایشان را به لقایش ببخشند.

امروز چرخ تولید مستندهای خوب درباره پهلوی راه افتاده و آرام آرام در حال چرخیدن است. می‌توان با صراحت و لحنی که دشمنان را می‌زنییم با اشکالات دوستان مواجه شویم و از حرکت این چرخ جلوگیری کنیم یا اینکه با صبر و سعه صدر اشکالات برادرانمان را در طول مسیر اصلاح کنیم و به بالندگی آن کمک کنیم.»

مومنی شریف رئیس حوزه هنری:

دستیابی به یک مکتب ادبی هنری بومی بزرگ‌ترین دستاورد حوزه هنری است



این عرصه، دستیابی به یک مکتب ادبی هنری بومی بود. رئیس حوزه هنری این مکتب را مختص انقلاب دانست و گفت: اگر امروز سینمای ایران را در دنیا به رسمیت می‌شناسند، چراکه از این مکتب پدید آمده است. حوزه آموزش از کارهای اصلی ما در سال‌های اخیر است و جوانان فعال در این عرصه روزگاری در حوزه آموزش دیده‌اند. برای سال آینده از همکاران بخش‌های مختلف خواسته ایم که درباره تاریخچه بخش‌های مختلف کتابی را تالیف کنند؛ خاصه در عرصه نظری هنر که صاحب تفکر جدیدی شده ایم که باید تبیین شود.

مومنی شریف در پایان گفت: هنرمندان عموماً علاقه‌مند به تولید آثار هنری هستند و از این رو بخش پژوهش عموماً مظلوم واقع می‌شود. بودجه پژوهشی سال آینده در کشور بسیار ناامید کننده است و امیدوارم مجلس شورای اسلامی به این مهم توجه بیشتری کند!

رئیس حوزه هنری گفت: انقلاب جز با لطف خدا اتفاق نمی‌افتاد؛ بنابراین هیچ یک از تحلیلگران سیاسی در دنیا پیروزی انقلاب اسلامی را پیش بینی نکرده بود. به گزارش سوره سینما، محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در گفتگو با برنامه رادیویی «خیابان انقلاب» با اشاره به شکل‌گیری حوزه هنری گفت: این نهاد توسط رهبران انقلاب و هنرمندان عزیز کشورمان تأسیس شد.

وی مهم‌ترین اقدام حوزه هنری در آن دوران را مبنی بر آشتی دادن مردم مومن و انقلابی با هنر دانست و افزود: هنر قبل از انقلاب در مقابل دین بود؛ در حالی که اصل هنر در راستای دین بوجود آمده است؛ خاصه هنرهای نمایشی که برای تبیین مناسک دینی ایجاد شدند. سینمای قبل از انقلاب خوشنام نبود، اما فیلم‌هایی که بعدها در حوزه هنری ساخته شد، در مساجد به نمایش درآمد که اتفاقی بزرگ بود؛ اما بزرگ‌ترین دستاورد حوزه هنری و هنرمندان

محسن یزدی:

«خارج از دید» پاسخ دقیقی برای ابهامات تاریخی دارد



دارد و مخاطب جذب می‌کند آقایان در پخش آن دچار تردید شده و جسارت لازم را برای پخش ندارند و یا اگر هم پخش کنند تکه پاره پخش می‌کنند. یزدی با اشاره به پخش نشدن قسمت پایانی «خارج از دید» گفت: متأسفانه این اتفاق در مورد همین مستند هم افتاد و بدون اینکه به سازندگان اعلام شود قسمت آخر را پخش نکردند. وی گفت: چرا هیچکس در این باره پاسخ نمی‌دهد و آیا تا به حال مسئولین با سازندگان کار تماس گرفتند تا برایشان توضیحی بدهند؟ کاری که تولید می‌شود قطعاً زحمات فراوانی برایش کشیده شده است و باز هم اشکالی ندارد شاید موانعی برای پخش بوده اما باید برای سازندگان توضیح دهند.

یزدی در ادامه گفت: امروز مطالبه مستندسازان پخش است چراکه کار خوب تولید می‌شود و ما در پخش دچار مشکل می‌شویم. به نظرم مدیریت‌ها در پخش همای مستندسازان جسور و دلسوز ما حرکت نمی‌کنند و اتفاقاً همین است که ضرب‌ت‌های زیادی به مخاطب را می‌گیرد. ② منبع: فارس

نشان دهید که بی‌قانونی یک عده آدم‌های سیاسی که صاحب قدرت و تریبون هستند می‌تواند مملکت را به کجا برساند.

مدیر مرکز مستند حوزه هنری در ادامه گفت: ما درباره قاجار و پهلوی دوره‌های مختلف تاریخی داشتیم. امروز در منطقه و کشورهایی مثل سوریه، افغانستان، عراق و ... را هم داریم و می‌توانیم متوجه شویم که چطور با بی‌کفایتی یک عده، کل یک ملت سالها وارد یک جنگ داخلی می‌شود.

یزدی ادامه داد: ما به مردم هیچی نمی‌گوییم و برایشان توضیح نمی‌دهیم و استدلالی نمی‌آوریم. اینطور نمی‌شود و برخی‌ها ممکن است شبهه پیدا کنند. در مورد فتنه ۸۸ برخی‌ها شبهه پیدا کرده بودند که واقعا در انتخابات تقلب شده و باید به سوال‌های اینها پاسخ داده میشد و راهش کار رسانه‌ای درست بوده و هست.

وی با انتقاد از پخش نامناسب مجموعه خارج از دید در تلویزیون گفت: یکی از کارهای درست در این حوزه‌ها مجموعه «خارج از دید» است که متأسفانه تلویزیون با آن برخورد مناسبی نداشت.

یزدی ادامه داد: ما سالها دلمان می‌سوخت و منتظر بودیم که مجموعه‌ها و مستندهایی درباره مسائل کشور ساخته شود و همیشه آقایون من و تو و بی‌بی سی را تو سر ما می‌زدند که نگاه کنید و ببینید که این شبکه‌ها چه تولیداتی دارند، حالا که بالاخره مستندهایی ساخته می‌شود که سطح کیفی مناسبی

مدیر مرکز مستند حوزه هنری گفت: امروز مطالبه مستندسازان پخش است چراکه کار خوب تولید می‌شود و ما در پخش دچار مشکل می‌شویم، مانند آنچه که برای مستند «خارج از دید» اتفاق افتاد.

«محسن یزدی» مدیر مرکز مستند حوزه هنری گفت: مستند «خارج از دید» در ادامه مستندهای خوبی است که در این مدت اخیر از اتفاق‌های کشور و حوزه‌های تاریخ معاصر و تاریخ انقلاب دیدیم.

وی با اشاره به ویژگی‌های این مجموعه مستند گفت: ویژگی این مستند اطلاع‌رسانی است؛ یعنی اینکه تاریخ را از ابتدا روایت می‌کند و مسائل را یکی به یکی بیان کرده و سعی در رفع ابهامات مخاطب دارد. این یکی از نیازهای مهم ما درباره اتفاق‌های مهم کشور است. افرادی در آن زمان بودند که از لایه‌های اتفاق‌ها با خبر نبودند، یا افرادی بودند که بعداً متولد شده و یا آن موقع‌ها را درک نکردند حق دارند که ابهاماتشان برطرف شود. خصوصاً اینکه آن اتفاق‌ها آنقدر مهم باشند که در سرنوشت کشور موثر باشند.

یزدی ادامه داد: این مستند خیلی خوب و روان یک اتفاق را بیان می‌کند و سعی دارد تا سوال‌های مخاطب را درباره آن دوره پاسخ دهد.

وی با اشاره به اینکه تولید این دست مستندها تا چه میزان می‌تواند در روشنگری وقایع تاریخی به ویژه اغتشاشات سال ۸۸ تأثیر داشته باشد، گفت: تاریخ همیشه تکرار می‌شود. تا به حال از این اتفاق‌ها در تاریخ زیاد افتاده است و شما به خوبی می‌توانید

روایت درست قضاوت‌ها را تغییر می‌دهد



محیا رضایی

سازندگان انیمیشن سینمایی «فیلشاه» معتقدند رقابت یک اثر پویانمایی در کنار ۲۲ فیلم سینمایی شرایط سختی دارد برای اینکه بتواند در بخش‌های مختلف خود را نشان دهد.

سی و ششمین جشنواره فیلم فجر برای اولین بار یک اثر پویانمایی را در کنار ۲۲ اثر نمایشی بخش مسابقه قرار داده است تا در عین بی‌رقیب بود «فیلشاه» در بخش انیمیشن، هم رده با ملودرام‌های رئال قرار گرفته و این اثر را در یک فضای رقابتی چالش برانگیزتری قرار دهد. این انیمیشن سینمایی به کارگردانی هادی محمدیان و تهیه‌کنندگی حامد جعفری پس از «شاهزاده روم است» که با سرمایه‌گذاری گروه هنر پویا به عنوان یک کمپانی کاملاً خصوصی، بنیاد سینمایی فارابی و مؤسسه تصویر شهر تولید شده است.

همانطور که پیش از این در رسانه‌ها مطرح شد قصه «فیلشاه» در جنگلی در آفریقا رقم می‌خورد. رئیس گله فیل‌ها صاحب فرزندی می‌شود که همه انتظار دارند جانشین رئیس گله باشد، اما برخلاف تصور همه «شادفیل» بسیار دست و پا چلفتی است و هیکل گنده‌اش همیشه سبب تخریب و خرابکاری می‌شود. این خلاصه‌ای است از آنچه که قرار است اصحاب رسانه در اولین روز جشنواره فیلم فجر شاهدش باشند و بعد از تماشای کامل آن پی خواهند برد که چه پیام‌های ناگفته‌ای روی پرده نقره‌ای در انتظارشان است.

به این بهانه سوره سینما در گفتگویی با هادی محمدیان کارگردان و حامد جعفری تهیه‌کننده انگیزه‌شان برای آغاز دومین همکاری مشترک و هر آنچه که به تولید «فیلشاه» مرتبط است جویا شد که در ادامه می‌خوانید:

*** نکته‌ای که به عنوان دومین اثر سینمایی شما در فضای انیمیشن توجه من را جلب کرد اینکه یک پیام کاملاً آشنای قرآنی را در جغرافیا و فرهنگی روایت می‌کنید که در ابتدا به نظر می‌رسد وجوه مشترک زیادی با مخاطب ایرانی ندارد اما هر چه پیش می‌رویم این نقطه نظر بیشتر می‌شود. این نگاه سینمایی از کجا نشأت گرفت و پایدار شد؟**

هادی محمدیان: دغدغه همیشگی ما در انجام کار کودک و به خصوص انیمیشن همیشه این بود که قبل از ارائه هر پیامی برای بچه‌ها قصه و داستان بگوییم. خود قرآن هم در بیان هر نکته و تذکر ابتدا با یک حکایت و داستان شروع می‌کند و آخرش تو را به سمتی می‌برد که با استدلال بتوانی به یک نتیجه‌ای برسی. به نظر من ارائه یک پیام مستقیم نه تنها خیلی شعارگونه به نظر می‌رسد بلکه تأثیرگذاری کمتری هم دارد. از طرفی در ارائه یک پیام، گستره فرهنگ وسیع‌تر از جغرافیاست به همین دلیل سرزمین‌های مختلف با ارائه پیام‌های گوناگون از یکدیگر تأثیر می‌گیرند. ضمن اینکه این فیلم در کشورهای دیگر هم قرار است اکران شود و ما از روز اول نگاه مان جهانی بود. به همین خاطر سعی کردیم یک سبک مشخص برای تولیدات مان در نظر بگیریم و بر همان رویه پیش برویم.

*** روایتی که شما در آخرین ساخته خود مطرح کردید اگر چه برای همه آشناست اما خیلی کم به آن پرداخت شده است. چه شد که سراغ این حکایت رفتید؟**

محمدیان: اسطوره‌ها و قهرمان‌هایی که پیش از این به آن پرداخت شده است محدود به چند شخصیت خاص است و با

خیال راحت به ارتقای کیفی دیگر بخش‌های نمایشی آن بپردازیم.

*** نزدیک کردن ذهن کارگردان به نویسنده در آثار رئال هم کار راحتی نیست. شما در این پروژه که بخش اعظم آن بر پایه تخیل و تصور استوار است یک کارگردان بودید در مواجهه با تیم نویسندگی. چه راهی را برای همسو کردن ذهن تان برگزیدید؟**

محمدیان: در کارگاه نویسندگی ما ۱۴ نفر حضور داشتند که از این تعداد ۴ نویسنده و بقیه در مقام مشاور و کارشناس ما را همراهی می‌کردند. من هم سعی می‌کردم به طور ثابت در جلسات شان حضور داشته باشم تا ذهنیت یکدیگر را بهتر درک کنیم و در خروجی برخی از این جلسه‌ها کار طراحی و دکوپاژ هم انجام می‌دادم. اساساً وقتی نگاه تان صنعتی باشد سعی می‌کنید بیشترین توجه را به مخاطب داشته و بهترین فیلم تان را بسازید. شناخت مخاطب امروزی کار یک نفر نیست روانشناس و جامعه‌شناس باید پای کار بیاید. این نگاه‌ها است که کمپانی‌های بزرگ دنیا در پیش گرفته و موفق شده‌اند. ما هم اگر بخواهیم در تولیدات مان به یک استاندارد برسیم باید به جای آزمون و خطا کردن راه‌های پیموده شده از تجربه آنها استفاده کنیم.

*** «فیلشاه» در نگاه یک مخاطب، انیمیشنی است پر از وقایعی که با شتاب یکی پس از دیگری به هم پیوست می‌شود. چه دلیلی برای کات‌های نزدیک به هم و بالا بردن ریتم روایت داشتید؟**

محمدیان: یکی از مواردی که در مطالعات اولیه به آن واقف شدیم این بود که بچه‌های این عصر و زمانه ریتم‌شان از بزرگ‌ترها تندتر است.

احترام به همه کسانی که در حوزه کودک فعالیت می‌کنند اما ما احساس کردیم در غالب این آثار به حدی پرداخت‌ها بد بوده که بچه‌ها دیگر تمایلی به دیدن رستم و سهراب و ... ندارند. متأسفانه به دلیل تولیداتی با کیفیت پایین از نظر بصری و محتوایی ظرفیت‌های قهرمان‌گونه این شخصیت‌ها امروز از بین رفته و کمتر کسی است که به معنای واقعی کلمه یک تصویر باشکوه برگرفته از یک اثر نمایشی از این کاراکترها در ذهن داشته باشد. ضمن اینکه می‌خواستیم به لحاظ قصه بکر باشیم و به همین خاطر سراغ داستان‌هایی رفتیم که در درام کمتر به آن پرداخته شده است. این قصه در کتاب‌ها روایت شده و هیچ بچه‌ای نیست که آن را نشنیده باشد اما ذهنیت تصویری از آن ندارد. در کارهای بعدی هم قطعاً این روند را ادامه می‌دهیم و سراغ داستان‌های آشنایی می‌رویم که در بخش نمایشی کمتر روی آن‌ها کار شده است.

*** در کشورهای پیشرفته صنعتی خلق قهرمان‌های جدید کودکان بسیاری را در سراسر دنیا به خود علاقمند کرده است. آیا زمان آن نرسیده که ما هم به جای وام گرفتن از قهرمان‌هایی که پیش‌تر خلق شده‌اند خودمان حرفی برای گفتن داشته باشیم؟**

محمدیان: ما معتقدیم قهرمان‌هایی که در تاریخ محبوبند الگوهای مناسب‌تری نسبت به قهرمان‌هایی هستند که از نو بخواهیم خلق‌شان کنیم. در خلق یک کاراکتر جدید هزاران عیب و نقص ممکن است داشته باشد که با آزمون و خطا در چند پروژه و صرف زمان در مراحل مختلف اصلاً می‌شوند اما در قصه قهرمان‌های قبل این مشکل حل شده است و زمان آن رسیده که با

احساس کردیم باید گاهی از خودمان فاصله بگیریم تا به دنیای آنها نزدیک تر شویم. در بحث فنی و کارگردانی هم خودخواسته بر آن شدیم تا حدی منطقی سرعت اتفاقات به گونه ای باشد که بیننده احساس کند اگر یک لحظه چشم بردارد از ماجرا عقب می افتد. این ها ترندهایی است که در همه جای دنیا استفاده می شود و اتفاقا نه تنها حواس بیننده را پرت نمی کند بلکه باعث تمرکز بیشتر می شود. از طرفی اگر از بعد روانی به آن نگاه کنید به نظر می رسد دیدن این انیمیشن نود دقیقه ای برای تان حد اقل بیست دقیقه زودتر می گذرد. البته همه اینها در ذهن ماست و تا زمانی که بازخورد اصلی

محمدیان: تا زمانی که هزینه ساخت یک انیمیشن ایرانی برابر با نمونه خارجی موفق نباشد نمی توانیم توقع داشته باشیم که از هر لحاظ خودمان را با آنها مقایسه کنیم. ما یک دوپستم آنها هزینه نمی کنیم با این حال می توانیم مدعی باشیم که ۶۰ درصد به آنها نزدیک شدیم. برای آغاز هر اتفاق تازه باید هزینه کرد. ما در بعضی بخش های مربوط به نیروی انسانی و حتی تکنیکی امکان هزینه کردن داریم اما از یک جایی به بعد این شرایط محدود می شود. «فیلساه» بارزولوشن ۲K رندر شده و ما برای ارتقای چند پیکسل بالاتر در ایران امکان خروجی گرفتن نداشتیم. به نظر من الان

بتوانیم در آینده برداشت کنیم. به هر حال نگاه مان اقتصادی است و شاید هزینه هایی در کار اول صرف کنیم که به نظر زیاد باشد اما چون قرار است در کارهای بعدی نیز آن بهره ببریم پس درواقع کاری منطقی انجام داده ایم. بنابراین اگر ابزاری در مجموعه ایجاد می کنیم مختص یک کار خاص نیست و در آینده حتما از آن بهره می بریم. کارهای بعدی نیز ساخته شده و پله پله جلو برویم و با توجه به این نگاه روبه جلو فکرمان این نیست که این هزینه زیاد است و ... چون نگاه مان اقتصادی است.



را از کودکان نگیریم مطمئن نمی شویم چقدر کارمان درست است.

هم با توجه به بضاعت مان خیلی از استاندارد جهانی دور نیستیم.

* در همان قدم اول به نظرتان تولید انیمیشن نسبت به تولید کار رئال در ژانر کودک و نوجوان مقرون به صرفه است؟

جعفری: انیمیشن در کشور ما نسبت به سایر کشورها مزیت مطلق دارد چون هزینه نیروی انسانی به نسبت بقیه کشورها پایین تر است و در اختیار داشتن ابزارهای تکنیکی یکبار مصرف نیست. پس در مراحل اولیه این اطمینان را داریم که کمپانی ما در جای درستی واقع شده است فقط اینکه برای تبدیل شدن به کمپانی باید فرایند کاملی طی کند و راه توسعه بازار را بیابد.

* «شاهزاده روم» در خارج از ایران اکران شد و به عنوان اولین انیمیشن ایران مورد توجه قرار گرفت. برای «فیلساه» نیز نمایش جهانی خواهید داشت؟

جعفری: بله حتما. این هم جهتی دیگر از نگاه کمپانی محور است. مخاطب ایرانی در اولویت ما است اما نه به این معنی که کودکان سراسر دنیا را از یاد ببریم. به هر حال اگر قرار باشد به عنوان یک شرکت پایدار در حوزه تولید انیمیشن فعالیت کنیم باید به نمایش های خارج از کشور حتما توجه ویژه داشته باشیم.

* پرداخت به دو قصه مذهبی و قرآنی چه گستره ای از مخاطب جهان را در اختیار تان قرار می دهد؟ جعفری: کودک یک ادبیات جهانی دارد و اتفاقا بر خلاف تصور عامه گاهی دنیا نسبت به خط قرمزهایی که ما قائلیم سختگیرتر است. ما باید بتوانیم در عرضه جهانی

* به طور کل انیمیشن ساختار پر هزینه ای دارد و در شرایط اقتصادی کشور ما این هزینه ها بیشتر جلب توجه می کند. از آنجا که «فیلساه» بیشتر از «شاهزاده روم» نیازمند صرف اعتبار بود. نگران واکنش های رسانه ای نبودید؟

حامد جعفری: شرکت هنر پویا نگاهی کمپانی محور دارد و بر اساس آن برنامه های بلندمدتی را در سیاست های خود مدنظر گرفته است. اگر غیر از این باشد ما هم می شویم یکی از آن گروه های تولید انیمیشن که بعد از انجام یک کار به هر دلیلی زحمات شان بی نتیجه مانده و دیگر ادامه نداده اند. شما زمانی می توانید به جریان تولیدات مکرر فکر کنید که با یک برنامه سازمان یافته روبه رو باشید. این برنامه به شما اجازه می دهد به تجربیات خود افزوده و در کارهای بعدی از آن بهره ببرید.

ما در «شاهزاده روم» ضعف جدی در فیلمنامه داشتیم و به همین خاطر سعی کردیم در مجموعه مان یک سازوکار ایجاد کنیم تا برای کارهای بعدی این مشکل رفع شود. به همین خاطر تصمیم گرفتیم تا کارگردان هم در کارگاه ها حضور داشته باشد و همسو جلو برویم. اگرچه ارتقا دادن یک ابزار یا اضافه کردن نیروی انسانی شامل هزینه است اما همه اینها در یک مجموعه متصل به هم هستند و بر این اساس هزینه هایی می شود که

* شما در انیمیشن «شاهزاده روم» تجربه ای به سینما آوردید که پیش از آن تکرار نشده بود. چقدر از خروجی اولین فیلم تان در «فیلساه» استفاده کردید؟ محمدیان: «شاهزاده روم» اولین تجربه زیربنایی ما بود و با همه نواقصش همیشه سعی داشت یادش بماند که کار برای مخاطب کودک و نوجوان ساخته شده است. ما به تمام اشکالات و نواقصی که در کار اول مان وجود داشت آگاهیم و تمام تلاش مان را کردیم تا دوباره تکرار نکنیم. مخاطب کودک و نوجوان واقعا بیرحم است و با شما شوخی ندارد. مثل بزرگترها نیست که اگر کار را دوست نداشته باشد بگوید چون پول داده ام تا آخر می نشینم. باید تمام توان تان را به کار گیرید روی صندلی میخکوب شود. به همین خاطر در فیلمنامه، دکوپاژ، شخصیت سازی، گرافیک و ... تلاش کردیم هر چه در کار اول کم داشتیم اینجا جبران کنیم.

* به نکته خوبی اشاره کردید. شخصیت سازی و طراحی کاراکترها هم یکی دیگر از نقاط ضعف ماست که هنوز نتوانستیم یک چهره و گرافیک جدید خلق کنیم. غالب شخصیت های به کار رفته در انیمیشن ها نمونه اش را در کارهای قبلی ایرانی و خارجی دیده ایم. در این بخش کی می توانیم به خلاقیت های مان تکیه کنیم؟

است را با روش درستش پیش ببریم. البته کار کودک دیر بازده است باید تلاش کنیم که این گل را درست بکاریم تا بچه ای که امروز تماشاگر کار ما می شود تا ده سال دیگر همچنان دنبال کننده کار ما باشد.

محمدیان: مخاطب کودک ما هنوز ذهنیتش شکل نگرفته و اتفاقا اگر روایت درستی بشنود و ببیند برای همیشه در خاطرش ثبت می شود. در این بین اعجاز سینما را نباید نادیده گرفت چرا که اگر به کودکی خود رجوع کنید حتما یادتان می آید که تماشای فیلم در سالن تارک سینما برای کودکان یک اتفاق خاص و به یاد ماندنی است و تاثیر عجیبی می گذارد. شما در این فضا هر پیامی دهید می پذیرد و اگر جذاب باشد که بیشتر استقبال می کند.

* «فیلشاه» تنها انیمیشن حاضر در جشنواره است که اتفاقا رقبای عجیبی دارد. این اتفاق را چگونه ارزیابی می کنید؟

جعفری: در فضای حاکم این جسارت کمتر بین اهالی سینما به چشم می خورد که اثری خارج از جنس کار خودشان را بپذیرند. در این فضای توانیم مدعی باشیم که بخش موسیقی، تدوین، صداگذاری، کارگردانی و ... نسبت به خیلی از کارهای رئال قابل اعتنا تر است فقط جسارت می خواهد تا مورد توجه قرارش دهند. این هم یک فیلم است و می کنددر کنار ۲۲ اثر دیگر رقابت کند و کارش سخت تر است چون باید آنقدر خوب باشد تا همه آنها را کنار بزند و بتواند خودش را نشان دهد.

* در ایران چطور؟

جعفری: در ایران قضاوت های فرامتنی اجازه نمی دهد که برخی طیف ها مخاطب برخی آثار باشند. اتفاقا من اصلا به دنبال پر جسته کردن یک قصه قرآنی نیستیم چون عده با به دست گرفتن همین یک جمله کل کار را زیر سوال می برند و اینها همان کسانی هستند که پیش از این با ارائه یک کار بی کیفیت اعتمادشان را از دست داده اند و دیگر حاضر نیستند برای چنین فیلم های وقت بگذارند.

محمدیان: من هم قبول دارم که قضاوت های بسیاری درباره ما وجود دارد اما مطمئن هستم درست می شود هر چند که خیلی زمان می برد. طی این سالها با در اختیار داشتن بودجه های بسیار و رایگان افرادی که هیچ دغدغه ای نداشتند شروع کردند به بد ساختن آثاری که اتفاقا بین افکار عمومی بسیار تاثیر گذار هستند. حال باید زمان و انرژی صرف کنیم تا ما را بشناسند و بدانند همه تلاش مان بر این است که پول را جای درستش هزینه کنیم تا قضاوت ها کم کم درباره ما تغییر کند. ضمن اینکه در هر کاری اگر اعتقاد وجود داشته باشد شما همه سعی تان را برای زیبا نشان دادن آن انجام می دهید و مخاطب به این مهم حتما پی می برد.

* در راستای اعتقاد تان پیش بینی می کنید کی به نتیجه برسید؟

جعفری: الان فضایی به وجود آمده که هر دو طرف تلاش می کنند در راستای اهداف خود گام های جدی بردارند. ما هم سعی میکنیم موضوعی که برای مان مهم

هم تلاش کنیم و کار استاندارد ارائه دهیم تا همه این قضاوت ها شکل منطقی تری به خود بگیرد. سینمای کودک در گستره جهانی زبان مفاهمه دارد و اگر بر اصول آن پایبند باشید بیش از اینکه وارد حواشی رسانه ای که اینجا وجود دارند بشوید به خود قصه و کیفیت کار توجه می کنید.

* نگران نیستید در قالب یک کمپانی تک بعدی به دنیا معرفی شوید؟

جعفری: «شاهزاده روم» به یک موضوع خاص توجه داشت و در عین حال درآمد خارجی خوبی هم داشت. ممکن است در این مورد وجه مذهب بیشتر به چشم بیاید اما در «فیلشاه» خیلی موافق نیستیم چون محفلی نیست. ما در این انیمیشن ساختار درستی رعایت کردیم که اتفاقا موضوعش بر اساس یک ساختار داستان گو پیش می رود و برای همه قابل فهم است. حتی کسی که نسبت به کعبه هم شناخت قبلی نداشته باشد و بدون پیش زمینه ذهنی فیلم را ببیند کار را تا آخر دنبال می کند.

این نگاه دقیقا به یک عقبه ذهنی برمی گردد اما وقتی ما سراغ کشوری میرویم که چنین تصویری از ما ندارد داستان فرق می کند. در حال حاضر برای اکران «فیلشاه» با کره جنوبی مذاکره کردیم و به زودی در این کشور نمایش خواهیم داشت. مخاطبی از کشور کره که می خواهد تصمیم بگیرد این انیمیشن را برای مردمش به نمایش بگذارد یا نه اول قصه را نگاه می کند و اگر خوش ساخت باشد قبول می کند.



جشنواره فجر آینه نآرامی‌های منطقه



جشنواره‌ها افتخار آفرین بوده بلکه با اتکا بر ارزش‌های انسانی توانسته است نظر مردم سراسر دنیا را به خود جلب کند و پخش کننده‌های مطرح بین‌المللی فیلم‌های ایرانی را در سینما کشورهای مختلف به نمایش بگذارند.

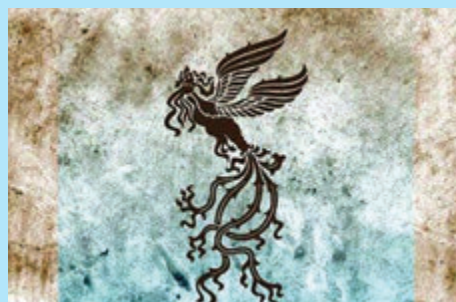
در این میان تاثیر حضور برخی فیلم‌ها در جشنواره ملی و بین‌المللی فجر را نباید نادیده گرفت. چرا که این جشنواره توانسته است تریبون اتفاقات مهم منطقه باشد و از این نظر جایگاه مهمی بین کشورهای همسایه پیدا کند. جشنواره فیلم فجر با نمایش آثاری در حوزه مقاومت و دفاع مقدس فضای متفاوتی از جنگ را روایت می‌کند و کاری می‌کند تا بیننده خود را جای مردمی بگذارد که در برابر ظلم طالبان، داعش، افرایون و ... ایستادگی کرده و مجبور شده اند برای حفظ زندگی شان دست به انتخاب‌های سختی بزنند.

امسال نیز در سی و ششمین دوره از برگزاری این فستیوال آثاری چون «به وقت شام» ساخته ابراهیم حاتمی کیا، «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر، «تنگه ابوقریب» ساخته بهرام توکلی، «امپراطور جهنم» به کارگردانی پرویز شیخ طادی و فیلم مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی» آمده‌اند تا قصه انسانی دیگری را در مقابله سینمای ایران با هالیوود و غرب روایت کنند.

از دیرباز تا کنون در هالیوود و سینمای غرب تلاش زیادی می‌شود تا با استفاده از مهمترین ابزار فرهنگی یعنی سینما، فیلم‌هایی علیه افتخارات، ارزش‌ها و موفقیت‌های کشور ما تولید شود. اگر چه تا کنون آثار زیادی به منظور فاصله گرفتن از ارزش‌های اسلامی و ایرانی روی پرده کشورهای غربی رفته و برای تبلیغاتش هزینه‌های فراوانی شده اما این سکه دو رو دارد و روی دیگر آن تولیداتی است که توسط فیلمسازان ایرانی با نگاهی واقع بینانه و صادقانه ساخته می‌شود و با اینکه جشنواره‌های مطرح دنیا ایدئولوژی‌های شان اجازه نمی‌دهد به سینمای ایران آنطور که شایسته است بپردازند.

اما در سال‌های اخیر به دلیل بیان روشنی که کارگردان ایرانی در زمینه ارتباطات انسانی و فرهنگی در فیلم‌های شان به نمایش گذاشته اند قدرتمندترین فستیوال‌های سینمایی هم نتوانستند نسبت به این آثار چشم پوشی کنند. حضور موفق فیلمسازانی چون مجید مجیدی کارگردان «بچه‌های آسمان» و «آواز گنجشک‌ها»، اصغر فرهادی کارگردان «در باره الی» و «جدایی نادر از سیمین»، رضا میرکریمی کارگردان «یه حبه قند» و «دختر»، و حیدر جلیلووند کارگردان «بدون تاریخ، بدون امضا» و ... نشان می‌دهد سینمای ایران نه تنها در

جشنواره فیلم فجر پل ارتباطی سینمای ایران با جهان است



حضور بین‌المللی سینمای ایران و تاثیرات موضوعی آن بر دیگر کشورها باعث شده تا امروز کارگردانان پیشکسوت و جوان ایرانی با پیشنهادهای همکاری متعددی از سراسر دنیا مواجه شوند و هالیوود و بالیوود میزبان سینماگران ایرانی باشند. تولید مشترک فیلم سینمایی «سلام بمبئی» از آن دست اتفاقاتی بود که ما را با سینمای هندوستان وارد تعامل کرد و امروز با تولید تازه‌ترین اثر سینمایی مجید مجیدی به نام «پشت ابرها» راه برای همکاری‌های بعدی باز تر شد.

البته با اعتباری که فیلمسازان ایران در دنیا به دست آورده‌اند سینمای اروپا نیز بیش از پیش به تولیدات مشترک و همکاری با سینمای ایران رغبت نشان داده است. نمونه بارز این مثال اصغر فرهادی است که ابتدا با تولید فیلم سینمایی «گذشته» در کشور فرانسه و به تازگی با فیلم سینمایی «همه میدانند» در اسپانیا توجه سینمای غرب را به خود معطوف کرده است. در این میان نهادهای سینمایی چون بنیاد سینمایی فارابی نیز وارد عمل شده و با انجام مذاکرات اولیه قرار است این روابط در مقیاس گسترده‌تری به اجرا در بیایند. بر این اساس چین، ایتالیا، آرژانتین، ارمنستان و فرانسه کشورهایی هستند که اعلام همکاری کرده و برای تولیدات مشترک بین‌المللی یک فضای جدید به وجود آورده اند که به زودی شاهد اخبار تازه‌ای خواهیم بود.

از طرفی سینمای ایران که در سال‌های اخیر بیشتر با درام‌های اجتماعی در دنیا شناخته می‌شود توانست توجه سینماگران بین‌الملل را به ژانر کودک و نوجوان جلب کند تا جایی که کشور فرانسه در تولید فیلم سینمایی «جنجال در عروسی» به کارگردانی سیدرضا خطیبی اعلام همکاری کرد و این فیلم به صورت سه بعدی در سینماها به نمایش درآمد. هر چند که فرانسه پیش از این در آثار متعددی با ایران وارد تعامل شده و با برگزاری هفته‌های فرهنگی خشنودی خود را از این همکاری نشان داده است.

بر این اساس جشنواره فیلم فجر هم در بخش ملی و هم در بخش بین‌الملل که میزبان سینماگرانی از سراسر دنیا خواهد بود بار دیگر این فرصت را در اختیار دارد تا ویتترین افتخار آفرین سینمای کشور را به رخ بکشد و به عنوان یک پل ارتباطی بین سینمای ایران و جهان عمل کند.

به بهانه حضور پررنگ تولیدات سینمای استراتژیک در جشنواره فیلم فجر؛

سینمای ایران چگونه استراتژیک می‌شود؟

محمد بحرینی



مقوله‌ی آخرالزمان

یکی دیگر از مسایل راهبردی و بسیار با اهمیت مسأله آخرالزمان است. در آمریکا بیش از ۲۵۷ کالج و دانشگاه به صورت تخصصی در این باره فعالیت می‌کند. تعداد فیلم‌های سینمایی ساخته شده در غرب در باره ظهور و منجی گرایی و پایان تاریخ بیش از ۶۰۰ عنوان است. پر هزینه ترین و پر فروش ترین فیلم تاریخ سینمای غرب (فیلم ۲۰۱۲) که هنوز سینماصامت است فیلم ۳ دقیقه‌ای راجع به آرماگدون ساخته‌اند. یا فیلم جنگ جهانی Z در سال ۲۰۱۷. اما گویی سینمای ما دغدغه‌ای به نام آخرالزمان و ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) ندارد. حال آن که از طرفی تبیین این موضوع و به ویژه پیوند آن با انقلاب اسلامی و همچنین تبیین وظایفی که انسان شیعه در این شرایط دارا می‌باشد و همچنین مواجهه با تحریفات و شبهات و خرافات متعددی که امروز با آن‌ها مواجه هستیم از طرف دیگر، باید یکی از اصلی ترین دغدغه‌ها و وظایف سینماگران ما باشد. برای این مسأله حتی جا دارد که جشنواره‌ها و محافل تخصصی نیز پیش بینی شود.

آن چه امروز به عنوان خلأ اساسی در مدیریت سینمای ایران شاهد هستیم نبود بینش و افق صحیح در راستای اهداف ملی و انقلابی در کشور ماست. سال‌ها از انقلاب می‌گذرد اما هنوز اغلب مدیران سینمای ما دیدگاه شناخت چندانی از سینمای استراتژیک ندارند و تعریف و شناخت صحیحی از سینمای استراتژیک ندارند. حتی اهداف استراتژیک کشور و انقلاب را به درستی نمی‌شناسند و این مسأله موجب هدر رفت زمان، هزینه‌ها، نیروی انسانی فراوانی که در این عرصه داریم و ... شده است. با این همه امید است حالا که گروهی از سینماگران ما با حمایت نهادهایی همچون سازمان اوج و حوزه هنری به تولید آثاری در راستای سینمای استراتژیک پرداخته‌اند و اتفاقاً به واسطه کیفیت بالای این آثار شاهد حضور پر تعداد آن‌ها در جشنواره فیلم فجر هستیم، نگاه سایر مدیران سینمایی کشور نیز نسبت به تولید این قبیل آثار تغییر کند.

می‌شود که برای یک سال آینده چه مسیری را باید طی کند و به سمت تولید چگونه آثاری باید برود تا مورد قبول واقع شود و جایزه دریافت کند. در کشورهای غربی به ویژه آمریکا این مسأله مورد توجه جدی قرار دارد. اما در کشور ما یا مدیران ما از این ظرفیت عظیم بی‌اطلاع اند و یا دقیقاً در راستای ضدیت با ارزش‌های انقلابی و ملی حرکت می‌کنند.

بازار منطقه‌ای

شاید بهتر باشد قبل از آن که بخواهیم اهداف جهانی برای سینمایمان تعریف کنیم به سراغ نقش آفرینی در سطح منطقه باشیم. تا ابتدا داشتن افق‌های فراسرزمینی را تمرین نموده باشیم و سپس به دنبال افق‌های جهانی باشیم. ما در منطقه‌ای زندگی می‌کنیم که اشتراکات فرهنگی و اندیشه‌ای بسیاری با کشورهای همسایه خود داریم. پس می‌توانیم به جای ملاک قرار دادن جشنواره‌های غربی و مورد پسند و تأیید آن‌ها قرار گرفتن، به کشورهای مجاور خود بیندیشیم. گرفتن یک جایزه در یک جشنواره اروپایی برای سینمای ما چقدر منفعت دارد؟ اما داشتن بازار منطقه‌ای علاوه بر اهداف فرهنگی و هنری، منافع اقتصادی بسیاری برای سینمای ما خواهد داشت که نباید از آن غافل بود.

سینما و پیامبران

یکی از اهداف استراتژیک هالیوود پیامبران هستند که همه ساله فیلم‌ها و انیمیشن‌های بسیاری برای آن می‌سازند. فاسد نشان دادن پیامبران و عصمت زدایی و تقلیل آن‌ها به انسان‌های عادی و خطاکار یکی از این اهداف استراتژیک است. ناچورالیسم و طبیعی انگاری معجزه‌های پیامبران یکی دیگر از این اهداف است. همچنین تحریفات در جهت اهداف استراتژیک همچون ذبح اسحاق به جای اسماعیل را شاهد هستیم. چرا که پیامبر اسلام (ص) از نسل اسماعیل بوده اما پیامبران یهود از نسل اسحاق هستند. تمسخر و حرمت زدایی مانند آن چه در انیمیشن‌های متعددی که راجع به حضرت نوح (ع) ساخته‌اند نیز وجه دیگری از این پروژه است.

امید است حالا که شاهد حضور پر تعداد آثار سینمای استراتژیک در جشنواره فیلم فجر هستیم، نگاه مدیران سینمایی کشور نسبت به تولید این قبیل آثار تغییر کند. یکی از وظایف اصلی سینما در هر کشوری تبیین اهداف ملی و راهبردی آن کشور است. مسأله‌ای که سال‌هاست توسط دولت‌ها پذیرفته شده و تا آن جا که می‌توانند در راستای آن قدم بر می‌دارند. این مسأله به ویژه در سینمای آمریکا به طور جدی و دقیق مورد توجه است. مسئولین و سیاست‌گذاران در کشور آمریکا به خوبی به این نکته واقف هستند در حالی که مسئولین فرهنگی و سینمایی ما آن گونه که باید به این موضوع اشراف ندارند. هر ساله فیلم‌های متعددی در هالیوود تولید می‌شود که پس از دیدن آن‌ها به این نتیجه می‌رسیم که مدیریت سینما در کشور ایالات متحده کاملاً در جهت اهداف استراتژیک و امپریالیستی این کشور است و مدیران هالیوود دقیقاً می‌دانند که چه دارند می‌کنند. اما مدیران ما نمی‌دانند. برای مثال چندی پیش فیلم جشن تولد - فیلمی با اهداف استراتژیک - ساخته شد اما مورد بی‌مهری و بی‌توجهی کامل مسئولین سینمایی قرار گرفت.

یکی از نکاتی که در جهت تولید آثار استراتژیک باید مورد توجه باشد این است که سینمای استراتژیک لزوماً به معنای تولید بلاک باستر و هزینه‌های بسیار نیست. گاهی یک اثر ساده اما ظریف و هنرمندانه می‌تواند در تبیین مفاهیم چنان تأثیر شگرفی از خود بر جای گذارد که ممکن است صدها اثر پر هزینه آن تأثیر گذاری را نداشته باشند. در این نوشته به مهم ترین نکاتی که در راستای رسیدن به سینمای استراتژیک اهمیت دارد پرداخته ایم.

جشنواره‌ها

یکی از مهم ترین ابزارها برای مدیریت سینما جشنواره‌ها هستند. جشنواره‌ها در تعیین استراتژی یک سال آینده و خط دهی به فیلمسازان نقشی اساسی دارد. به این معنا که هر سال که آثار مشخصی برگزیده می‌شوند و جایزه دریافت می‌کنند، جامعه هنری متوجه



گزارش نشست خبری فیلم «سرو زیر آب» در فجر

باشه آهنگر گفت: من اگر سرمایه گذار خصوصی داشتم که شش سال برای ساخت این فیلم صبر نمی کردم...! نگران پول بیت المال نباشید. من اگر دستم به جایی بند بود و حمایتی داشتم، تهیه کننده ام ماشینش را نمی فروخت برای ساخت!

زرین دست هم در ادامه در مورد هلی شات ها گفت: این بخش توسط گروه دیگری زیر نظر حمید باشه آهنگر به ما کمک کردند.

خبرنگار دیگری در مورد موسیقی فیلم پرسید مگر قرار نبود عزیزانه موسیقی را کار کند، چه شد؟

باشه آهنگر گفت: همین طور بود و قرار بود او بسازد اما به مشکلاتی برخوردیم و این همکاری میسر نشد. تصمیم گرفتیم بهزاد عبدی کمک کند موسیقی انتخابی به ما بدهد اما او گفت شاید بتواند موسیقی متن بسازد و به ما برساند و شبانه روزی تلاش کرد تا موسیقی به ما برسد.

خبرنگار دیگری از مینا ساداتی پرسید که در چهار کار آخر با بابک حمیدیان کار کرده اید. چه دلیل دارد؟ ساداتی گفت: این سوال ربطی به فیلم ندارد و ما هم از این مسئله عصبانی هستیم که چرا همیشه ما را باهم دعوت می کنند.

خبرنگار ایسنا در ادامه از کارگردان پرسید: این فیلم را دو منظوره ساختید و قرار است سریالی از آن بسازید؟

باشه آهنگر گفت: من درخواستی برای تهیه نسخه سریال این فیلم داشتم و برای سریالی که فقط یک داستان این داستان است، تصمیم به ساخت سریالی دارم که البته هنوز آن را به هیچ جاذبه ندادیم.

فیلم یعنی سیاهوش و جهانگیر را می گفتند باید عوض کنیم. من نمی دانم چرا باید این کار را بکنم؟ مسئله دیگر کار بحث ادیان ما بود. من شش سال قبل هم بحث ادیان در کشور را مطرح کردم. این کشور برای همه ما است. در یک نسبت بندی مربوط به آن زمان شهادی زرتشتی ما خیلی زیاد بودند. شهادی کلیمی و مسیحی کم نداشتیم. اما به من می گفتند زرتشتی ها را بردار و اهل سنت را به جای آنها بگذار! از این دست مشکلات واقعا خیلی در ساخت فیلم داشتیم. فکر می کردند بازار مکاره پیکر شهدا می خواهیم بگذاریم... در پلانی که شهدا را با طناب می بندیم، این متن در فیلمنامه را دیدند و گفتند می خواهید شهدا را با طناب ببندید؟! من خطاب به چهار نفری که مقابل ما نشسته بودند گفتیم شما قطعاً اگر در طول عمرتان فیلمنامه نوشته بودید، این حرف را نمی زدید. گفتند می نوشتی با روبان آنها را به هم ببند!

خرم دل از تابناک در ادامه پرسید: در مورد بودجه فیلم توضیح دهید که چند نهاده شدن برای ساخت فیلم برای شما مشکلی ایجاد نکرد؟ سوال دوم: در مورد فیلمبردای فیلم توضیح دهید.

حامد حسینی تهیه کننده اثر در ادامه گفت: فیلم ما خیلی هم گران تمام نشد. اگر آن را با سایر آثاری که در این زمینه در سال های اخیر تولید شده است مقایسه کنیم؛ دکور سنگین و پروداکشن سنگینی داشتیم اما با توجه به اشل فیلم، بازهم ارزان تمام شد. ما یک لوکیشن داشتیم که ریل قطار بود و ما قطار را در کوچه آوردیم و فیلمبردای کردیم و این اصلاً آسان نبود. زمان تولید هم طولانی نبود و عاقلانه کار کردیم.

نشست پرسش و پاسخ فیلم سینمایی «سرو زیر آب» با حضور؛ محمدعلی باشه آهنگر؛ کارگردان فیلم، سید حامد حسینی؛ تهیه کننده، مسعود رایگان، رضا بهبودی، مهتاب نصیرپور، مینا ساداتی، ستاره اسکندری؛ بازیگران فیلم، علیرضا زرین دست؛ فیلمبردار، عباس بلوندی؛ طراح صحنه و لباس، حمید باشه آهنگر؛ تدوینگر، امیرحسین قاسمی؛ صداگذار و با مدیریت محمود گبرلو عصر امروز چهارشنبه ۱۷ بهمن ماه در پردیس سینما گالری ملت برگزار شد. به گزارش سوره سینما، در ابتدای جلسه آنتونیا شرکا از ماهنامه فیلم درباره ساختار فیلمنامه پرسید که باشه آهنگر درباره قصه و اثرگذاری هر داستان بر داستان های دیگر توضیح داد. او گفت: قصه ما، قصه معراجی است که این اتفاق در آن رخ می دهد. خبرنگار دیگری در ادامه گفت: آیا ادامه مسیر کاری محمدعلی باشه آهنگر همین خواهد بود؟ باشه آهنگر گفت: به من قوت قلب می دهید و من در ادامه راهم مصمم می شوم. او گفت: در حین ساخت این فیلم من را بسیار اذیت کردند به طوری که می خواستند ببینند من بیشتر ملی گرا هستم یا شیعه؟! این مسیر را دوست دارم و امیدوارم بتوانم خوب کار کنم و مجبور نشوم هر ۶ سال یک بار فیلم بسازم...

باشه آهنگر گفت: ما مجبور شدیم ۱۶ بار فیلمنامه را بازنویسی کنیم و این دشوار است...

علی دهبان از خبرگزاری فارس در ادامه پرسید: چرا باید ساخت این فیلم این قدر زمان می برد و چرا سازمان ها و... با شما همکاری نمی کردند؟ باشه آهنگر در پاسخ گفت: واقعا نمی دانم بگویم یا نه. دو تا از اسامی



کشف عرصه‌های نو در سینمای دفاع مقدس

آصف سعادت‌ی

و بوم بخصوص تاریخ انقلاب و جنگ تحمیلی را کشف کنند. دفاع مقدس ما مالا مال است از این قصه‌های دراماتیک که قابلیت سینمایی شدن دارد و موید همین ماجرا می‌شود تنگه ابوقریب!

نگاه شریف و قابل تحسینی که در فیلم دیده می‌شود، روایت جنگ برای نوجوانانی است که شاید درک مفهوم جنگ در حالت عادی برایشان سخت است. فیلم خیلی خوب و با رعایت انصاف به روایت جنگ می‌پردازد و در عین حال زشتی‌ها و زیبایی‌هایش را از نزدیک ترین فاصله ممکن به تصویر می‌کشد. این دغدغه که پاسخگوی نوجوانان و جوانان وطن در این عرصه باشی به اندازه‌ی خود ساخت چنین فیلم گرانبهائی، بالارزش است.

حال که امثال توکلی و ملکان مسیر جدید و پر امیدی را آغاز کرده‌اند، می‌توان انتظار داشت تا اگر قصد پیشرفت در سینمای ایران، در ذهن سینماگران ایرانی وجود دارد باید این حرکت قابل تقدیر در مسیر دفاع مقدس که یک کار خودخواسته و دلی است، الگو قرار گیرد. تنگه ابوقریب نشان داد که اگر معتقد هستیم سینمای ایران از نبود داستان و فیلمنامه خوب رنج می‌برد، این معدن دفاع مقدس گنجینه خوبی است برای نشان دادن هنر فیلمنامه نویسانی که به دنبال سوژه‌های خوب و سینمایی می‌گردند.

متعهدانه است.

اما چرا او دفاع مقدس را به عنوان موضوع فیلم‌هایش برگزیده است. مگر عده‌ای از سینماگران ایران سال‌ها سرو صدا به پا نکرده‌اند که این حوزه دیگر جای کار و سوژه ندارد، چطور این جسارت را به خود داده که وارد این حوزه شود و در این وادی کار کند؟ اصلاً توکلی به عنوان یکی از کارگردانان جوان و امروزی چگونه ریسک ورود به سینمای بی رفق شده‌ی دفاع مقدس را پذیرفته است؟ خروجی «تنگه ابوقریب» به ما پاسخ این سوال را خواهد داد. یک فیلم تمام و کمال که در عین دارا بودن از داستانی جذاب و پر محتوا، توانسته است با بهره‌گیری از تکنیک‌های ناب و به روز سینمایی، یک فیلم ارزشمند را در کارنامه کاری توکلی و بالاتر از آن یعنی سینمای ایران قرار دهد.

تلاش این دو رفیق یعنی ملکان و توکلی تنها در نمایش یک روز از جنگ بوده است. آنها در لابلای خاطرات خاک گرفته جنگ گشته‌اند و سوژه خود را پیدا کرده‌اند. بچه‌های گردان عمار لشکر ۲۷ محمد رسول الله در آخرین روزهای جنگ در یک عملیات یک روزه رشادت‌هایی به خرج می‌دهند که در تاریخ آن روزها گم می‌شود و به نوعی به فراموشی سپرده می‌شود. هنر امثال این دو عزیز کشف و پرداخت به این سوژه است. سینمای ایران به این دست از کاشفان نیاز دارد که سوژه‌های بکر و قابل پرداخت سینما در تاریخ این مرز

«تنگه ابوقریب» نشان داد دفاع مقدس گنجینه خوبی است برای نشان دادن هنر فیلمنامه نویسانی که به دنبال سوژه‌های خوب و سینمایی می‌گردند.

یک نکته ناگفته در تاریخ جنگ! این عنوان میشود شروع به تلاشی همه جانبه برای بازسازی مجاهدت‌های رزمندگان اسلام در برهه‌ای حساس از تاریخ جنگ که سرنوشت دفاع مقدس را رقم می‌زند و اتفاقاً قابلیت‌های نمایشی بالایی هم دارد. دست‌اندرکاران فیلم می‌گویند که «تنگه ابوقریب» با چنین ایده‌ای از طرف سعید ملکان که سال‌ها آن را در ذهن داشته کلید خورده است. با اعتماد کاملی که در این سالیان همکاری با بهرام توکلی داشته است، او را بهترین گزینه برای پرداختن داستان و به تصویر درآوردن این سوژه تشخیص داده‌است.

آنچه که از فیلم تنگه ابوقریب بر پرده سینما دیده می‌شود، قرائت و روایت جدیدی از سینمای جنگ است که این عرصه را متحول کرده است. یعنی همکاری مبارکی که در این حوزه بین ملکان و توکلی رخ داده است، به خوبی نتیجه داده است. ملکان سال گذشته نیز فیلم ویلایی‌ها را برای جشنواره فجر داشت که آن هم به لحاظ مضمون و پرداخت کار متفاوت و قابل ستایشی در سینمای دفاع مقدس به شمار می‌رود. این روند نشان می‌دهد که او دانسته‌است وارد این ماجرا شده است و گرایشی که به عرصه دفاع مقدس احساس می‌کند

دفاع مقدس بخش کم فروغ سینمای این سال‌ها

حسین نوری

گاه‌ها خاص ممکن دانست.

بسیاری از فیلمسازها هم هستند که خود و یا خانواده شان تحت تاثیر وقایع جنگ بوده اند و برای ساخت آثاری در این ژانر تعصب خاصی دارند و یا داشته اند اما به دلیل تراکم حساسیت‌ها، خط قرمزها بر روی نوع روایت در این حوزه کار و ایده مربوطه را رها کرده اند و ترجیح داده اند تا بدون دردسر به فیلمسازی در آپارتمان‌هایی در شهر بپردازند و زحمت خود و گروه خود را مضاعف ندارند. فیلم‌سازی همچون رسول ملاقلی‌پور، احمد رضا درویش، حمید عزیز نژاد، محمد حسین لطیفی، کیومرث پور احمد، انیس شاه حسینی و حتی ابراهیم حاتمی کیا که پس از ساخت فیلم «به نام پدر» بسیار مورد انتقاد قرار گرفت.

لذا نمی‌توان عدم توجه و یا کم توجهی به سینمای دفاع مقدس در سال‌های اخیر را تنها تغییر نگرش فیلمسازی در سینما دانست و آن را به عبور و یا عدول سینماگران از ارزش‌ها و فراموشی فداکاری‌های بزرگ مردان این سرزمین دانست، بلکه با توجه به کم شدن رغبت فیلمسازان باید عوامل دیگر مانند محدودیت‌های بودجه‌ای و ممیزی برای تولید چنین آثاری را نیز در نظر گرفت. تنها موردی که برای تولید فیلم‌های دفاع مقدس دست خوش تغییر نشده است، مخاطب پای کار و مترصد تولید چنین آثاری است که با علاقه به تماشای آثار سینمای دفاع مقدس می‌نشیند.

لذا علاوه بر تشویق و میدان دادن به فیلمسازان علاقه مند به حوزه دفاع مقدس، علی‌الخصوص جوان‌ها، باید قوانین و قواعد پیرامون تولید چنین آثاری را نیز اصلاح کرد و همچنین توجه بیشتری از منظر بودجه‌ای به چنین آثاری داشت. همچون ابراهیم حاتمی کیا که پس از دو فیلم روشنفکرانه «دعوت» و «گزارش یک جشن»؛ باز هم مورد استقبال جریان حزب اللهی قرار گرفت و او نیز به ساخت فیلم «چ» در مورد شهید مصطفی چمران روی آورد و در ساخت و پرداخت شخصیت چمران نیز باز دست او را باز گذاشتیم تا آنجا که گاه چمران قصه با چمرانی که می‌شناختیم تفاوت داشت. اما این باعث می‌شود تا فیلمساز با عشق و علاقه کاراکتر چمران را طراحی کند و در عین حال خود مخالف خوان خود در اغراق‌ها و یا تحریف‌ها باشد.

جشنواره امسال می‌تواند سنگ محکی برای گرایش هم سینماگران، هم سیاست‌گذاران و هم مخاطبین در حوزه سینمای دفاع مقدس باشد. امسال بخش قابل توجهی از فیلم‌های جشنواره فجر به متن و یا حاشیه دفاع مقدس می‌پردازد. «تنگه ابوقریب»، «بمب»، «ماهورا» و «سرو زیر آب» چهار فیلمی است که مستقیماً در حوزه دفاع مقدس است و هر یک روایت گر بخشی از جنگ بوده است. از این میان البته «تنگه ابوقریب» فیلمی است که منتقدین آن را در سطح یک سینمای ژانر جنگ می‌دانند و سیاست‌گذاران با توجه به نگاه مخاطب به این فیلم می‌توانند بفهمند که سرمایه گذاری در این حوزه چقدر می‌تواند به اقبال مخاطب برای آمدن به سینما نیز کمک کند.

تولید یک فیلم سینمایی در ژانر دفاع مقدس برآستی امروزه جزو پروژه‌های بزرگ به حساب می‌آید و باید برای ساخت چنین فیلم‌هایی بودجه، امکانات، عوامل و تسهیلات خاص در نظر گرفت. البته ممکن است فیلمسازی بتواند با نگاهی خاص به مقوله دفاع مقدس فیلم خود را با هزینه‌های پایین تری به پایان ببرد مانند



فیلم «ویلاهی»‌های «منیر قیدی» که داستان خود را پیرامون خانواده‌های فرماندهان سپاه و ارتش که همسرانشان در جبهه مشغول به دفاع از میهن به سر می‌برند و آنها در یک شهر ک چشم انتظار آنان هستند. اما این را نمی‌توان برای همه فیلم‌ها و فیلمسازهای در حوزه سینمای دفاع مقدس تعمیم داد و تولید چنین فیلم‌هایی را خصوصاً با ورود تکنولوژی‌های جدید و جلوه‌های ویژه‌ای که هالیوود در فیلم‌های اکشن خود به کارگیری می‌کند، بدون بهره‌مندی از منابع بیشتر و

امسال بخش قابل توجهی از فیلم‌های جشنواره فجر به متن و یا حاشیه دفاع مقدس می‌پردازد. «تنگه ابوقریب»، «بمب»، «ماهورا» و «سرو زیر آب» چهار فیلمی است که مستقیماً در حوزه دفاع مقدس است و هر یک روایت گر بخشی از جنگ بوده است.

آثار سینمای دفاع مقدس همیشه دارای جذابیتی خاص بوده چه برای سازنده و چه برای مخاطب. خصوصاً این سال‌ها و با وارد شدن تکنولوژی‌های جدید و آموزش متخصصین برای تولید جلوه‌های ویژه فیلم‌های دفاع مقدس جذاب تر و ساخت آن‌ها به مراتب سخت تر شده است. چه از نظر تامین بودجه‌های مالی و چه از منظر آماده سازی، بکارگیری تجهیزات، عوامل خاص، لوکیشن‌ها و دکورهای مختص آن و همچنین توجیه و آموزش بازیگران برای بازی در دکورهای خاص دارای محدودیت‌ها و مشکلات مربوط به خود بوده است.

با شروع جنگ در سال ۵۹، ایده‌های نابی در برابر فیلمسازان داخلی برای ساخت فیلم قرار گرفت که در سال‌های جنگ و پس از آن میزان توجه فیلمسازان بیشتر جلب شد و این توجه دلایل روشنی من جمله درگیر و تحت تاثیر بودن زندگی خود فیلمسازان از جنگ بود.

در سال‌های اخیر توجه به سینمای دفاع مقدس در میان فیلمسازان کمتر از گذشته شده است. به طوریکه تنها می‌توان تعداد انگشت شماری از این دست فیلم‌ها را برشمرد. در این میان فیلم‌های مهمتری که نام آنها بیشتر بر سر زبان‌ها افتاده است فیلم «چ»، «ایستاده در غبار»، «اشنول» و «ویلاهی‌ها» هستند. این در حالی است که توجه سینمای ایران به دفاع مقدس و موضوعات مرتبط با این حوزه در سال‌های پس از جنگ بسیار بیشتر بود اما در ادامه تم روشنفکری سینما بر وجوه دیگر غالب گشته و بیشتر موضوعات را به داخل آپارتمان برده و مشکلات زندگی، خانوادگی، اجتماعی با موضوعات عموماً پیرامون خیانت، طلاق و تزویر همراه با کمی مواد افزودنی عشق‌های جوانی بدل کردند.

سینمایی که زمانی آوینی‌ساز را از غلبه آن بر حذر می‌داشت و در مقابل آن سینمای اشرافی را طرح نمود، اما با این حال چه جریان روشنفکری و چه جریان مقابل آن هر دو به آوینی تاختند، یکی از این باب که سینمای روشنفکری درست است و دیگر هیچ و دیگری از این باب که این نظر هنوز به نظریه تبدیل نشده است و آوینی نباید از خود عبارت خلق کند. درگیر و دار همین حرف‌ها غافل از رشد تفکر مقابل؛ امروزی را شاهد هستیم که ساخت فیلم‌های دفاع مقدسی در اولویت تقریباً هیچ یک از فیلمسازان ما نیست در حالی که رهبر انقلاب نیز بارها و بارها بر ظرفیت‌های دفاع مقدس و لزوم به کار گرفتن این ظرفیت‌ها در سینما تاکید کرده‌اند.

شاید بتوان علل عدم گرایش فیلمسازان به حوزه دفاع مقدس را در عوامل دیگری نیز جستجو کرد مانند هزینه‌های کلان برای تولید فیلم‌های فاخر در این حوزه و یا حساسیت‌های گوناگون پیرامون تولیدات در حوزه عملیات‌های مهم در دفاع مقدس.



«سرو زیر آب» اثری ممتاز در تاریخ سینمای جنگ

ابوالفضل ذوالفقاری

قابل مشاهده است. از جمله در فیلم «ملکه» که هم در جشنواره و هم از سوی منتقدان مورد استقبال قرار گرفته اما «سرو زیر آب» به لحاظ فرم و ساختار چند گام جلوتر از آثار قبلی این فیلمساز است.

فیلمی است که با توجه به گستردگی، تعدد و تنوع لوکیشن و کثرت بازیگران و ساخت و طراحی دکور و بازسازی صحنه‌های جنگ و معراج شهدا در کنار چشم اندازهای چشم نواز طبیعت و مناطق روستایی در لرستان و یزد یک اثری کم نظیر است.

مضمون فیلم با محوریت انسان و اخلاق و گذشت پیش می‌رود و حتی، به موضوعی فراتر از ایثار و شهادت می‌پردازد و عظمت نگاه و پیچیدگی قصه و درام در کنار تعلیق‌ها، جذابیت‌ها و بازی‌های زیبای بابک حمیدیان، ستاره اسکندری و مسعود رایگان از آن فیلمی ساخته که به طور قطع، در تاریخ سینمای جنگ ماندگار خواهد شد.

بدون شک، موضوع «سرو زیر آب» آنقدر ارزشمند و بالاست که مخاطب جشنواره به آن اقبال نشان دهد. اگر چه سال‌هاست که ذائقه در مدیریت فرهنگی، رویکرد داوران و سینماگران و مخاطبان تغییر کرده است ولی موضوع و محتوای این نوع آثار از اصالت جشنواره‌ها بالاتر است.

امیدواریم در ازدحام و هیاهو و جوسازی‌های گعده‌های پیدا و پنهان سر «سرو زیر آب» را زیر آب نکنند و در محاق قرارش ندهند.

زمینه فاقد آثار ارزشمند و ماندگار هستیم. بعد از گذشت حدود چهار دهه از دوران انقلاب و دفاع مقدس محمدعلی باشه آهنگر امسال با دستمایه قرار دادن یکی از حساس‌ترین موضوعات مرتبط با شهدای مجهول‌الهویه و مفقودالاثر به روایت و نمایش گوشه‌های از این بخش از جامعه در دوران دفاع مقدس پرداخته است که فارغ از ساختار و پرداخت و اجرای کار به نسبت مضمون و موضوع چند سر و گردن از بسیاری از آثار دفاع مقدس برتری دارد.

خوشبختانه فیلم «سرو زیر آب» با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از عوامل حرفه‌ای و شاخص سینما و با حمایت مراکز دلسوز و دغدغه‌مند، در این دوره جشنواره به یکی از فرازهای آن تبدیل شده است. فیلمی که نه فقط به روایت مضمونی ارزشمندی چون ایثار و شهادت می‌پردازد که این کار را با زبان تصویر و سینما بیان می‌کند. باشه آهنگر با انتخاب موضوعی جسورانه و چالش برانگیز یکبار دیگر، پرچم سینمای دفاع مقدس را به اهتزاز می‌آورد، فیلمی سراسر تعلیق، رنج، عشق و ایثار. برای نخستین بار در این فیلم با شهدای زرتشتی و نقش اقلیت‌ها در ترسیم و تحکیم تاریخ دفاع مقدس در کنار سایر اقوام ایرانی روبرو می‌شویم. آن هم با تلفیقی از آداب و رسوم و جلوه‌های فرهنگی و دینی خاص آن‌ها. سینمای باشه آهنگر سینمای متفاوتی است. وی سینماگری است که کمتر سراغ موضوعات خنثی و غیرچالشی می‌رود. این رویه، در اغلب فیلم‌های او

«سرو زیر آب» شاید تنها فیلم در تاریخ سینمای انقلاب و دفاع مقدس است که به موضوع شهادی زرتشتیان می‌پردازد.

مروری بر تاریخچه هشت سال دفاع مقدس گویای همبستگی اقوام و اقلیت‌های دینی در دفاع از میهن اسلامی است. اقلیت‌های دینی به اعتبار دلبستگی به میهن دوشاودش هموطنان مسلمان خود اعم از شیعه و سنی در صحنه‌های دفاع از عزت ایران تاریخ‌سازی کردند. بی‌گمان بازخوانی این برهه از تاریخ تابناک در جهت حرکت و نگه داشت پیوندهای ملی و دینی برای عبور از بحران‌های نوظهور نیز کارآمد است. از این رو، اگر چه هویت دینی و اسلامی به عنوان مبنای هویت ایرانی پذیرفته شد و گسترش یافت، اما ابعاد دیگر هویت ایرانی همچون حس میهن دوستی، علاقه به آداب و سنن ایران و... همچنان همراه هویت جامعه ایران حفظ شدند که تجلی آن را می‌توان در احساسات میهن پرستانه و ملی‌گرایانه در زمان جنگ تحمیلی و حضور یکپارچه اقوام ایرانی در دفاع از کشور مشاهده کرد. بی‌هیچ تردیدی، در دوران دفاع مقدس، شاهد اوج همبستگی و وحدت ملی درون جامعه بودیم.

در این راستا، برغم رشد و رونق سینمای دفاع مقدس و جنگ متأسفانه به موازات نقش و جایگاه اقلیت‌های دینی و زرتشتیان به نظر می‌رسد سینمای ایران در توجه به اقوام و اقلیت‌های دینی قصور داشته است. مروری بر تاریخ سینمای جنگ نشان می‌دهد در این

معرفی «سرو زیر آب» در دو قدم تا سیمرغ



دومین نشست معرفی فیلم‌ها در چهارمین روز از ویژه برنامه «دو قدم تا سیمرغ» با حضور ستاره اسکندری، سیدحامد حسینی، حسین فلاح و حسین باشه‌آهنگر به فیلم «سرو زیر آب» اختصاص داشت.

به گزارش سوره سینما، این ویژه برنامه با حضور سیدحامد حسینی تهیه‌کننده، علیرضا زرین دست فیلمبردار، ستاره اسکندری بازیگر، حسین فلاح دستیار کارگردان و برنامه‌ریز و حسین باشه‌آهنگر بازیگر این فیلم سینمایی در پردیس سینمایی ملت برگزار شد.

در ابتدا سیدحامد حسینی تهیه‌کننده این فیلم سینمایی اشاره کرد: محمدعلی باشه‌آهنگر کارگردان فیلم به دلیل روزهای فشرده قبل از جشنواره و رساندن به موقع اثر امکان حضور در این نشست را پیدا نکرد.

علیرضا زرین دست در ادامه این سخنان بیان کرد: حضور ما بدون کارگردان معنایی ندارد چون همه عوامل با ایشان قدم به قدم تا پایان راه آمده‌اند و رهبری یک گروه بزرگ را به عهده داشتند. این فیلم تاکنون برای تعدادی از اهالی سینما به نمایش درآمده و خوشبختانه بازخوردهای خوبی را شاهد بودیم.

ستاره اسکندری نیز درباره ویژگی‌های این فیلم سینمایی گفت: خاصیت کارگردانی که سابقه ساخت فیلم در زمینه جنگ دارد این است که جنگ را از نگاه صلح روایت می‌کند. این فیلم حکایت سربازانی از قوم و نژادهای گوناگون است اما نگاهی فرامرزی دارد.

حسینی نیز در تکمیل این توضیح عنوان کرد: «سرو زیر آب» قصه‌ای اتفاقاتی است و روزگاری است که بر شهدا و خانواده‌هایشان گذشته و اساس روایت در نبرد اهواز و جریان‌های اطراف آن است.

حسین باشه‌آهنگر نیز به غیبت پدر اشاره کرده و توضیح داد: عدم حضور ایشان را حمل بر کم‌اهمیتی یا جسارت نگذارید. پدر این روزها با توجه به زمان اندکی که تا شروع جشنواره باقی مانده به شدت درگیر انجام مراحل پایانی است تا فیلم را در بهترین شرایط به فجر برساند.

زرین دست در توضیح محتوای این اثر نیز گفت: یکی از مهمترین عناصر کلیدی فیلم خطای چند آدم است بدون اینکه خودشان تعمدی داشته باشند. اما به هر حال اشکالی در کار پیش آمده و به جایی می‌رسد که چند مدعی پیدا می‌شود و اینها برای بهبود اوضاع دست به کارهایی می‌زنند که خواست فیلمنامه است. در این مسیر مکان‌هایی برای فیلمبرداری انتخاب شده بود که کار را با همه آنچه پیش از این در سینمای ایران دیدیم متفاوت می‌کرد. در یکی از سکانس‌ها بیش از ۵۰۰ عدد چراغ استفاده کردیم و سیم کشی و برق کشی تصویر جالبی در پشت صحنه خلق کرده بود. البته تلاشی که برای این کار شد فقط از طرف یک عنصر نبود و تمام نیروها سعی کردند هر چه داشتند را به بهترین شکل ارائه دهند.

فلاح نیز در ادامه گفت: این فیلم یکی از سخت‌ترین و بهترین فیلم‌هایی است که از یک گروه واقعا حرفه‌ای تشکیل شده است. به نظر من تا زمانی که کار مقابل دید تماشاگران قرار نگیرد نمی‌توان درباره ابهت و زحماتی که دوستان کشیده‌اند صحبت کرد.

حسینی در پاسخ به اینکه هزینه‌های فیلم چقدر تمام شده عنوان کرد: سعی کردیم خیلی گران تمام نشود اما کار به گونه‌ای بود که برخی هزینه‌ها را می‌طلبید. از لحاظ لوکیشن ما در ۴ استان و ۸ شهر با یک تیم ۱۲۰ نفر باید جابه‌جا می‌شدیم و در یکی از لوکیشن‌ها در فضای ۹ هزار متری باید دکور می‌زدیم. ضمن اینکه پروداکشن یک کار جنگی با روایاتی از زوایای گوناگون به هیچ عنوان کم هزینه نیست.

ستاره اسکندری در ادامه گفت: شاید این سختی‌هایی که دوستان اشاره می‌کنند کمتر شامل من شده باشد من بخش‌هایی از فیلم در استان لرستان را بازی کردم و یک تجربه دوست داشتنی برایم رقم خورد اما روز اولی که سر صحنه آمدم و ترکیب نور و صحنه را دیدم انگار وارد تونل زمان شده و به سال‌های اول دهه ۶۰ رفتم. حال و هوایی برایم زنده شد که تاکنون در هیچ پروژه‌ای تجربه نکرده بودم.

تهیه‌کننده فیلم سینمایی «سرو زیر آب» درباره اکران این فیلم عنوان کرد: وقتی وارد یک اتفاق شکوهمند می‌شویم دیگر هدایتش دست ما نیست. بلکه طبیعت کار شما را به سوی مقصد می‌کشاند. همه این سختی‌ها ما را از حسی که داشتیم جدا نکرد و همه گروه بر هر دشواری که وجود داشت وفادار ماندند. ما در تولید سعی کردیم هر آنچه به اکران کمک می‌کند را لحاظ کنیم و امیدوارم نتیجه خوبی بگیریم.

وی افزود: در بخش طراحی صحنه و لباس کار یکی از جذاب‌ترین فیلم‌هایی است که مشاهده خواهید کرد. ما در این فیلم زیرساخت‌هایی تدارک دیدیم که تاکنون اتفاق نیفتاده بود به عنوان مثال در یکی از سکانس‌ها لوکیشن ما به ریل راه آهن و قطاری تبدیل شد که وزارت راه با آگاهی از این مساله بیان کرده بود تا به حال سابقه نداشته قطار و متعلقاش در جایی غیر از محل خودش بازسازی شود.

این تهیه‌کننده در پایان گفت: بهترین سیمرغی که ممکن است نصیب ما شود بهترین فیلم از نگاه مردم است این نتیجه یعنی زحمات همه اعضا دیده شده است.

در پایان این ویژه برنامه از پوستر فیلم سینمایی «سرو زیر آب» رونمایی شد.

این برنامه تا ۹ بهمن ماه به همت فیلم‌نت در پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود.

سرو زیر آب تجربه ای متفاوت در سینمای دفاع مقدس

رسول حسینی

«سرو زیر آب» تصویری از همدلی مردم ایران است؛ هر چند که این مردم هم زبان نیستند، اما آنها ریشه ای واحد با شاخه های مختلف دارند. این فیلم یکی از آثار شاخص در وحدت ملی است.

«محمدعلی باشه آهنگر» با آخرین ساخته خود «سرو زیر آب» در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. این فیلم مثل سایر آثار کارنامه باشه آهنگر در ژانر دفاع مقدس قرار می گیرد و به موضوع کمتر پرداخت شده تفحص شهدا پرداخته است.

«سرو زیر آب» در کارنامه باشه آهنگر یک نقطه عطف محسوب می شود. اگر پیش از این به دلایلی باشه آهنگر را فیلمسازی ضد جنگ قلمداد می کردند، وی با این فیلم ثابت کرد چنین نیست.

«سرو زیر آب» داستان روشن و واضحی دارد. جسد تفحص شهیدی به اشتباه به یک خانواده تحویل داده می شود و چند روز بعد خانواده اصلی شهید پیدا می شود و حالا باید قبر شهید نبش شود، تا به خانواده اش تحویل داده شود؛ همه داستان نیز حول همین موضوع می گردد.

همین داستان یک خطی به راحتی می توانست به یک ملودرام سطح پایین تبدیل شود. تسلط فیلمنامه نویسان این اثر (محمدعلی و حامد باشه آهنگر) به خوبی توانسته اند از این دام به سلامتی گذر کنند و داستان فیلم را خلق کنند. حداقل حسن این فیلم آن است که بیننده را فریب نمی دهد و تکلیف مخاطب با فیلم روشن است. حرکت داستان از یک نقطه عطف به نقطه عطف دیگر درست انجام می گیرد.

داستان گره های متعدد و شخصیت های متنوعی ندارد و این مهم ترین وجه «سرو زیر آب» است. البته در این فیلم یک داستان فرعی داریم که چندان به کار فیلم نمی آید. جهانگیر یکی از کارکنان معراج شهدا است که همسرش در سال ۱۳۶۶ در حادثه کشتار حاجیان در مکه به شهادت رسیده و بعد از یک سال هنوز جنازه او پیدا نشده است. همچنین از همسر جهانگیر یک سنگ به یادگار مانده که آن نیز در ساختار درام جایی ندارد. جز این موضوع که اشاره شد تقریباً فیلم به لحاظ داستانی مشکلی ندارد. به دلیل روایت درست، شخصیت ها نیز به خوبی شکل می گیرند. خلق شخصیت قابل باور به معنای این است که کارگردان در برگردان متن به تصویر درست عمل کرده است. وقتی شخصیت در فیلم از قواعد درام پیروی کند و صاحب اثر خود را به آن تحمیل نکند طبیعی است موتور فیلم با کمترین نقصی حرکت می کند. اگر مخاطب در باورپذیری شخصیت در مواردی با مشکل مواجه می شود به خاطر اجرای غلط بازیگران آن است. این نقص در شکل گفتن دیالوگ ها به زبان لری نمود پیدا می کند.

اگر بازیگران وقت بیشتری صرف ادای درست دیالوگ ها می کردند، یا از بازیگران محلی برای اجرای نقش ها استفاده می شد، این نقص نیز کمتر به چشم می آمد.

«سرو زیر آب» یکی از آثار قابل اشاره در ژانر دفاع مقدس است که دیدن آن، تجربه متفاوتی با سایر آثار این گونه است. دیدن این فیلم در روزگاری که فیلم های مبتذل و سخیفی را شاهد هستیم، توصیه می شود. (خبرگزاری دفاع مقدس)

سید حامد حسینی تهیه کننده:

فیلمنامه «سرو زیر آب» نوزده بار باز نویسی شد



حسینی گفت: فیلمنامه «سرو زیر آب» نوزده بار باز نویسی شد و برای تولید و تهیه سرمایه پروسه بسیار طولانی را سپری کرد.

سید حامد حسینی تهیه کننده سینما گفت: تمام عناصر فیلم «سرو زیر آب» بر پایه مستندات تاریخی و با پژوهش ساخته شده است.

وی در خصوص روند ساخت فیلم «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر تصریح کرد: حدود شش سال پیش طرح اولیه نوشته شد و حدود دو سال پژوهش را انجام دادیم و با تمام افراد مرتبط با داستان صحبت شد؛ البته بسیار از کسانی با داستان ما ارتباط داشتند، شهید شده بودند.

حسینی ادامه داد: فیلمنامه «سرو زیر آب» نوزده بار باز نویسی شد و برای تولید و تهیه سرمایه پروسه بسیار طولانی و پیچیده ای را سپری کرد و در نهایت موفق شدیم سه ارگان را برای ساخت این فیلم هماهنگ کنیم که این هماهنگی بسیار سخت بود.

وی تصریح کرد: قصه «سرو زیر آب» از اواخر جنگ تحمیلی شروع می شود و با محوریت معراج شهدای اهواز و به شکل اختصاصی شهدای گمنام جلو می رود. عنوان این فیلم هم بر پایه مستنداتی که ما داریم برای فیلم انتخاب شده که نمادی از شهادت است.

حسینی خاطر نشان کرد: هر چه اسناد بهتر و کاملتر جمع آوری شود ما می توانیم به فرم، روایت و حتی بازی باور پذیرتری برسیم و مخاطب را بهتر و محکم تر تحت تاثیر قرار دهیم و جذب کنیم. در «سرو زیر آب» تلاش کردیم به بهترین شکل ممکن کار کنیم تا بتوانیم بخشی از تاریخ این مملکت را به شکل و زبان سینمایی بسازیم و به شکلی تاریخ را مصور کنیم و به آن وفادار بمانیم.



«سرو زیر آب» وجوه انسانی ایرانی‌ها را باز نمایی می‌کند

دیالوگ‌ها و گفتگوهای بین کاراکترها خیلی مهم است و نشنیدن و توجه نکردن به این بزنگاه‌های فیلم یعنی از دست دادن قصه. به همین دلیل خاموش کردن موبایل‌ها به نوعی خدمت کردن به خودشان است.

سوال یکی مانده به آخر؛ بعد از اینکه فیلم اکران شد و همزمان با شبکه نمایش خانگی اگر شاهد دانلود کردن آن بودید یا در تلگرام لینک دانلود رایگان فیلم «سرو زیر آب» برای شما فرستاده شد، چه می‌کنید؟

وقتی تماشاگر متوجه باشد که یک فیلم با چه خون و دلی ساخته می‌شود، مطمئن هستم که دیگر و هرگز هیچ کس سراغ دانلود غیر مجاز فیلم نمی‌رود. به خصوص اینکه تولید فیلم «سرو زیر آب» ۶ سال طول کشید و یک گروه عظیم تولید کنارش ایستاده بود تا به سرانجام رسید. نه مطمئنم مردم ما منصف هستند.

حالا سؤال آخر بزرگترین دستاورد فیلم «سرو زیر آب» چیست؟

فکر می‌کنم واژه‌هایی مثل عشق، ایثار، داد و دهش از خصوصیات قابل ستایش مردم سرزمین‌مان است که غفلت کرده‌ایم. این فیلم همه آنچه در وجود انسانی ما ایرانی‌ها نهفته است بار دیگر برای ما بازنمایی و یادآوری می‌کند.

کردیم و اینقدر مشغول روزمرگی‌های بیپرده شدیم که موهبت‌های بسیاری که داریم را نمی‌بینیم. تنوع اقوام، زبان، ادیان و... چشم بر روی همه آنها بسته‌ایم. در هیچ جای دنیا به ادیان و اقوام اینگونه احترام نمی‌گذارند و علاوه بر همه این موارد، ما مردمی هستیم که احترام قلبی برای پرچم کشور قائل هستیم و پرچم یعنی غرور و غیرت ملی. «سرو زیر آب» از این غرور حرف می‌زند. با این اوصاف حس و حال متفاوتی دارد.

بله بسیار متفاوت است. این فیلم به فضای زندگی شهری امروز و دغدغه‌های اجتماعی مردم نزدیک‌تر است و مانند «ملکه» در فضای ایزوله روایت نمی‌شود. در این فیلم ۸ جابجایی جغرافیایی داشتیم از کویر گرفته تا زیر آب و کوه‌های افرشته لرستان. فکر می‌کنم مردم این فضاها را ببینند، متوجه تنوع اقوام، ادیان و زبان می‌شوند. بنابراین فکر می‌کنم با دیدن «سرو زیر آب» متوجه فراوانی نعمتی می‌شویم که از آن غافل هستیم.

آقای آهنگر چه توصیه‌ای می‌کنید که مردم هنگام تماشای فیلم تلفن‌های همراه خود را خاموش کنند؟

مگه می‌شه خاموش نکنند؟ حالا خدای نکرده اگر یک درصد خاموش نکردند. «سرور زیر آب» جریات بسیاری دارد و برخی

محمد علی باشه آهنگر در گفتگویی کوتاه سایت پردیس سینمایی کوروش درباره تازه‌ترین اثر سینمایی خود و تفاوت‌های این فیلم با سایر آثارش صحبت کرده است.

به عنوان کارگردانی که مخاطب از شما و آثار گذشته شما شناخت دارد آیا «سرو زیر آب» هم راستا با فیلم‌هایی چون «ملکه»، «بیداری رویاها» و... است؟

محمد علی باشه آهنگر: نمی‌خواهم درباره قصه صحبت کنم چون قرار است مخاطب در سینما کوروش اولین سانس از دومین روز جشنواره را به تماشای «سرو زیر آب» بنشینند. اما می‌خواهم این اطمینان را بدهم که مردم این فیلم را دوست خواهند داشت و ارتباط برقرار خواهند کرد. اما یک نکته را می‌خواهم یادآور شوم از نگارش فیلمنامه تا به مرحله تولید رسیدن ۵ سال طول کشید و یکسال هم مراحل تولید آن سپری شد و این مدت زمان برای من کشنده بود و به معنای واقعی عمرم گذشت. اما راضی هستم.

مهمترین نکته‌ای که فکر می‌کنید مردم با دیدن «سرو زیر آب» به وجد می‌آیند، چیست؟

غرور ملی. چطور؟

واقعیت این است که در سالهای اخیر واقعیت را گم

علیرضا زرین دست که در سومین همکاری خود با محمد علی باشه آهنگر فیلمبرداری فیلم سینمایی «سرو زیر آب» را به عهده داشته می‌گوید بدون شک از نظر فنی و فیلمبرداری با دنیا قابل رقابت هستیم و چیزی از سینمای جهان کم نداریم.

علیرضا زرین دست در گفتگو با سوره سینما بیان کرد: فیلم سینمایی «سرو زیر آب» سومین همکاری من با محمد علی باشه آهنگر است که از هر نظر در فیلمبرداری تفاوت‌های بسیاری با کارهای قبلی دارد. من از هما ابتدا در جریان این پروژه قرار گرفتم و این پروژه هر بار که قرار بود به جایی برسد متوقف می‌شد چون در بخش سرمایه به خوبی پیش نمی‌رفت. از طرفی مسایل اقتصادی گاهی فراهم می‌شد اما کسانی که حاضر به سرمایه‌گذاری بودند از ما می‌خواستند که مسیر فیلمنامه را به سمتی که دوست دارند هدایت کنند.



علیرضا زرین دست:

می‌توانیم با سینمای هالیوود رقابت کنیم



مهتاب نصیرپور:

ده سال است ترجیح دادم با تلویزیون کار نکنم

بخشی از هویت و فرهنگ ماست. این اصرار کارگردان بود و جلسات متعددی با دوستان زرتشتی داشتیم و یکماه قبل دوستان زرتشتی ما گویش زرتشتی را برای ما فرستادند و ما باید گوش می کردیم. خوشبختانه یک سکانس بیشتر نبود و نیاز به تمرین زیادی نداشت. نصیرپور در پاسخ به اینکه چرا کمتر با سینما کار می کنید، نیز گفت: حقیقت این است که من چندان پیشنهاد سینمایی نداشتیم و از بین پیشنهادها ترجیح می دهم فیلمنامه هایی که دوست دارم را انتخاب کنم و فکر می کنم می توانم در آن مفید باشم.

وی که امسال با فیلم «سرو زیر آب» در جشنواره فیلم فجر حضور داشت، در این باره نیز افزود: درباره اینکه چطور به زبان زرتشتی در فیلم «سرو زیر آب» رسیده است، گفت: دوست دارم حتماً واکنش هموطنان زرتشتی خود را در خصوص این فیلم ببینم. این اصرار کارگردان بود که به نظرم درست بود. وقتی به لرستان می رویم، گویش لرستانی می بینیم که بخشی از هویت و فرهنگ ماست و معمولاً باید با زبان همان خطه با آن ها ارتباط برقرار کنیم. اگر جنگی صورت گرفته و یک کشور با تمامیت خود دفاع کرده خیلی زیباست و زبان زرتشتی

مهتاب نصیرپور بازیگر سریال هایی چون نیمکت، توی گوش سالمم زمزمه کن و خودرو تهران ۱۱ سالهاست که در هیچ مجموعه تلویزیونی حضور نداشته است.

وی در گفت و گو با بانی فیلم در این باره عنوان کرد: ۱۰ سالی است که با تلویزیون ترجیح دادم کاری نداشته باشم و در هیچ کاری حضور نداشته باشم و از نظرم این رسانه اصلاً رسانه مردمی نیست و ایده و طرز تفکر همه مردم ایران را نشان نمی دهد و در خدمت بخشی از مردم ایران است.

وی عنوان کرد: سینما یک هنر است که شما باید هر سال با هر فیلمی که کار می کنید خودتان را اثبات کنید تا لذتش را ببرید. جشنواره یک محفل پرانرژی و انگیزه بخش است. به همین خاطر فیلم هایی که در این فضا پذیرفته نمی شوند ناراحتند چون احساس می کنند زحمت شان را کشیده و دوست دارند در این رقابت حضور داشته باشند. یادمان باشد سینما بین هنرمند و فیلمساز پیوند برقرار می کند پس باید آن را ارج بنهیم و برایش تلاش کنیم. روزگاری می آید که هیچکدام ما نیستیم و فقط آثار ما باقی می ماند.

مدیر فیلمبرداری با سابقه سینمای ایران درباره جایگاه فیلمبرداری ایران توضیح داد: بدون شک می توانیم از نظر فنی و فیلمبرداری با دنیا قابل رقابت باشیم چون از بهترین های سینمای جهان چیزی کم نداریم. در بسیاری از موارد با ترکیبات و امکاناتی کار می کنیم که کمتر از امکانات و تجهیزات غرب است اما از لحاظ فنی درخشان تر عمل می کنیم و این را به جرات می توان گفت که می توانیم با سینمای هالیوود رقابت کنیم.

کنتراست و سایه روشن زیاد داشتیم چون «سرو زیر آب» پتانسیل هایی داشت که لازم بود به جزئیات کار بیشتر دقت شود.

وی ادامه داد: جنگ یعنی آهن و فلزی که به عنوان سخت ترین عنصر بشر شناخته است. برای اینکه بتوانید از این عنصر تصویر به وجود بیاورید کنتراستی انتخاب می کنید که منظورتان را به درستی تفهیم کند. تا آنجا که امکان داشت از رنگ طبیعی محیط استفاده کردیم اما برای تکمیل وجهه بصری در نورپردازی و بعد از تولید هم تغییراتی ایجاد کردیم که بتوانیم تصاویر زیباتری در نگاه مخاطب خلق کنیم.

علیرضا زین دست در پاسخ به اینکه دریافت سیمرغ چقدر برایش اهمیت دارد گفت: من اهل ورزش هستم و سعی می کنم در هفته دست کم ۵ روز بازی کنم و با اینکه برایم جنبه سرگرمی دارد اما هر بار که می بازم ناراحت می شوم و سعی می کنم مهارتم را افزایش دهم تا دفعه بعدی برنده باشم. به نظر من رقابت اتفاق خوبی است.

وی افزود: سرانجام پس از ۵ سال بالاخره این مشکل حل شد و توانستیم ۶ ماه قبل از فیلمبرداری وارد پیش تولید شویم. من قبل از کلید خوردن کار جلسات متعددی با کارگردان داشتیم تا بتوانیم نقاط مشترک کافی برای تعیین نوع فیلمبرداری و نمایش بصری به دست آوریم. پس از آن به دنبال تجهیزات فیلمبرداری و نورپردازی رفتیم که در پشت صحنه تصاویر جالبی را ایجاد کرده بود. به عنوان مثال ما برای یکی از سکانس ها در سوله ای با وسعت بسیار زیاد و سقف بلند از نورهایی استفاده کردیم که به صورت ترکیبی از سقف به سمت پایین و از کناره به صحنه تابیده می شدند و به نظر می رسید بالای سر ما با این سیم و کابل ها یک تار عنکبوتی ایجاد شده است.

زین دست گفت: حدود ۵۷۰ چراغ در این سکانس ها استفاده شده بودند که همه با شدت نورهای مختلف قابل تنظیم بودند. اگر چه از منطقه برق شهری پست کمکی داده بودند اما بدون ژنراتورهای ۷۰۰ و ۳۰۰ کیلووات ممکن بود به مشکل بخوریم. در این کار

«سرو زیر آب» تکرار تجربه موفق «فرزند خاک»

«سرو زیر آب» جدیدترین فیلم محمدعلی باشه آهنگر است که در صدد است تجربه موفق «فرزند خاک» را در پرداختن به موضوع تفحص شهدا، تکرار کند.

محمدعلی باشه آهنگر با فیلمسازی در حوزه فیلم کوتاه کار خود را در هنر هفتم آغاز کرد. وی از همان ابتدای راه، نشان داد، دفاع مقدس دغدغه اصلی وی در سینماست، برای همین هم در اکثر کارهایش این موضوع را به صورت ویژه مد نظر قرار می‌دهد. این فیلمساز با ساخت فیلم تحسین شده «فرزند خاک» توانست نظر منتقدان و اهالی سینما را به سمت خود جذب کند. در این فیلم سینمایی به موضوع تفحص شهدا پرداخته می‌شد، البته به صورتی که تا به حال نظیر آن را در تولیدات سینمایی شاهد نبودیم.

بعد از «فرزند خاک» وی سراغ موضوعی درام و خانوادگی رفت که در آن به نوعی دیگر به دفاع مقدس پرداخته شده بود. این فیلم «بیداری رویاها» نام داشت؛ فیلمی که قصه‌اش بسیار جسرانده بود، اما بنا به دلایلی غیر سینمایی، این کار آنچنان که باید دیده نشد. در ادامه، باشه آهنگر باز هم به دفاع مقدس پرداخت. «ملکه» عنوان این فیلم سینمایی است. این کار توانست تحسین منتقدان و مردم را جلب کند، همچنین در جشن خانه سینما و جشنواره فجر، فیلم جوایز بسیاری را به خود اختصاص دهد.

بعد از «ملکه» این فیلمساز شش سال فرصت کار کردن پیدا نکرد، کم‌کاری که خود خواسته نبود، بلکه شرایط وی را به این سمت می‌کشاند. این فیلمساز در مصاحبه‌هایی گفته بود که سینمای دفاع مقدس ژانر مورد علاقه وی است، اما به شرطی حاضر به فیلم ساختن در این حوزه است که کار مورد نظر کیفیت لازم را دارا باشد. این خواسته نیز در گرو فراهم بودن امکانات است. باشه آهنگر بارها تاکید کرده بود که فیلم ساختن بدون امکانات در حوزه دفاع مقدس در حقیقت ظلم به دفاع مقدس است.

با توصیفات فوق باشه آهنگر بعد از شش سال با فیلم «سرو زیر آب» در جشنواره سی‌وششم فجر حاضر است؛ در این کار باز هم کارگردان نگاهی جدید به دفاع مقدس دارد. در ساخته جدید باشه آهنگر، فیلمساز علاوه بر کارگردانی نویسندگی را هم به همراه پسرش بر عهده دارد. تهیه‌کنندگی فیلم بر عهده حامد حسینی است و قصه فیلم به اتفاقاتی که در معراج شهدا و نورد لوله اهواز رخ داده مربوط می‌شود. از جمله امتیازات فنی این فیلم می‌توان به فیلمبرداری خیره‌کننده علی‌رضا زرین‌دست می‌توان اشاره کرد، به نحوی که می‌توان از هم اکنون وی را یکی از کاندیداهای اصلی سیم‌رگ در بخش فیلمبرداری دانست.

دیگر امتیاز این فیلم به جلوه‌های ویژه این فیلم مربوط می‌شود. محسن روز بهانی جلوه‌های ویژه این کار را انجام داده است. این کار سینمایی سعی کرده در موسیقی نیز از بهترین فرد سود ببرد، برای همین حسین علیزاده آهنگسازی کار را انجام داده است. درباره «سرو زیر آب» می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که فیلم در شهرهای مختلفی از جمله؛ تهران، یزد، لرستان و... جلوی دوربین رفته است.

در این فیلم سینمایی؛ بابک حمیدیان، مسعود رایگان، رضا بهبودی، مینا ساداتی، همایون ارشادی، مهتاب نصیر پور، هومن برق‌نورد، ستاره اسکندری، شهرام حقیقت دوست، فرخ نعمتی، هادی قمیشی، سیاوش چراغی پور، حسن نجاریان، حسین فلاح و امیر دلفانی نقش آفرینی می‌کنند. درباره بازیگران این فیلم می‌توان یک نکته را متذکر شد. آنهم این که باشه آهنگر سعی کرده فیلمی پرباز یگر داشته باشد. این ویژگی بر خلاف رویه همیشگی این فیلمساز است، بنا بر این باید منتظر بهمانیم تا ببینیم این رویکرد در فیلم باشه آهنگر چگونه جواب داده است.

سخن آخر این که؛ چرا سینمای دفاع مقدس رونق گذشته را ندارد و فیلم‌های خوبی در آن تولید نمی‌شود؟ جواب این سوال را باید آنجا جستجو کرد که فیلمسازانی نظیر باشه آهنگر در آن کم کار هستند، فیلمسازانی که از آنها باید به عنوان سند زنده جنگ نام برد، اما افسوس که باید هر شش یا هفت سال فیلمی از این دست فیلمسازان ساخته شود، در حالی که برخی کارگردانانی که کارهایشان ارزش نام بردن هم ندارد، سالی دو کار جلوی دوربین می‌برند.



«سرو زیر آب»؛ روایتی از سیاوشان ریشه در خاک

خونشان در راه راستی و آزادی بر خاک ایران ریخت، گویا چون سیاوشانی از جای این خاک باز روییدند. فارغ از همه نقاط قوت این فیلم از جمله طراحی صحنه درخشان، اعجاز در فیلمبرداری، بازی‌های بسیار خوب و موسیقی ماندگار آن، محمدعلی باشه‌آهنگر مثل همیشه حرفی تازه و از جنسی دیگر دارد، حرفی که از میان آتش و خون و مرگ، نوای مقدس عشق و غرور و ایثار را در گوش ما زمزمه می‌کند، زمزمه‌ای که هیچ نامی پشت آن نیست، گمنام است، ولی واقعا چه نامی مقدس‌تر از این گمنامی! فیلم «سرو زیر آب» را بارها خواهیم دید، می‌خواهم هر بار از این زمزمه، تازی از وجود بلرز و هر بار، آن ارزش‌های انسانی را که باشه‌آهنگر شش سال برای به تصویر کشیدنش جنگید، به خویش یادآور شوم.

فرزانه گشتاسب پژوهشگر زرتشتی در یادداشتی از فیلم سینمایی «سرو زیر آب» در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر سخن می‌گوید. به گزارش سوره سینما، در یادداشت فرزانه گشتاسب پژوهشگر زرتشتی آمده است: سرو زیر آب حکایتی است که حتی برای کسانی که در این سال‌ها لحظه‌ای از دفاع مقدس و حوادث جنگ تحمیلی هشت‌ساله فاصله نگرفتند، کمتر آشناست؛ حکایتی از «معراج شهدا»ی جنگ و مسئولیت سنگین و دشوارش. سرو زیر آب روایتی است از سیاوش‌های این سرزمین، که یاد و خاطره‌ی ایشان چون سروی همیشه سبز، فارغ از هر قومیت و دین و فرهنگی، در همه‌جای این مرز و بوم ریشه دارد. سرو زیر آب روایت پیکرهایی است که پس از آن‌که



حسین باشه آهنگر:

یک پلان «سرو زیر آب» ۳۰۰ هنرور داشت

کسانی که یکی از والدینشان در سینما حضور دارد، اظهار کرد: به نظر من سخت می‌شود از زیر سایه یک پدر یا مادر هنرمند درآمد و مدام ما را به عنوان پسر کارگردان یا تهیه‌کننده می‌شناسند. البته راه حل این است که ما به کار با پدران یا مادرانمان منحصر نشویم. گاهی موضوع نسبت خونی آزاردهنده می‌شود برای مثال گاهی متوجه نمی‌شویم کسانی که با ما دوست می‌شوند و ما را دوست دارند به خاطر خودمان است یا به خاطر خانواده ما؟ به ما به خاطر خودمان احترام می‌گذارند یا به خاطر خانواده‌ای که داریم؟ این موضوع بسیار آزاردهنده است به ویژه اینکه هر کسی که ما را می‌بیند ما را به عنوان پله‌ای برای رسیدن به یک دفتر سینمایی در نظر می‌گیرد.

و بپذیرید که سر صحنه یک کاراکتر دیگر باشید از سوی دیگر عوامل فیلم همیشه چنین افرادی را یک جور دیگر می‌بینند هر چند بعد از گذشت مدتی متوجه می‌شوند که آن کسی که با کارگردان یا تهیه‌کننده نسبت دارد از این اتفاق سوءاستفاده نمی‌کند.

پسر محمدعلی باشه آهنگر کارگردان سینما افزود: با همه این تفاسیر و با وجود همه این سختی‌ها احساس می‌کنم می‌توانم از لحاظ هنری خواسته پدرم را درک و او را کمک کنم البته اگر قرار باشد در یک گروه فیلمسازی دیگری کار کنم ترجیح می‌دهم فقط یک کار را انجام دهم، یعنی یا بازیگر باشم یا دستیار کارگردان زیرا انجام همزمان این ۲ کار با یکدیگر انرژی زیادی می‌گیرد.

وی در پایان با اشاره به سختی کار برای

حسین باشه آهنگر دستیار کارگردان و بازیگر فیلم «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر درباره این اثر و همچنین در دسرهایی که فرزندان سینماگران دارند، صحبت کرد.

حسین باشه آهنگر بازیگر و دستیار ۲ کارگردان و برنامه‌ریز فیلم سینمایی «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر درباره این اثر که به سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر راه یافته است به مهر گفت: من در این فیلم نقش یکی از بچه‌های معراج شهدا را ایفا می‌کنم و بابک حمیدیان، رضا بهبودی، مسعود رایگان و ... نیز نقش‌های این چنینی دارند. همچنین بازیگرانی چون لاله اسکندری، مهتاب نصیرپور، سیاوش چراغی پور، شهرام حقیقت دوست و ... در لوکیشن‌های دیگر باز هم نقش‌هایی اینچنین بازی می‌کنند.

وی با اعلام اینکه یک نقش مکمل در «سرو زیر آب» دارد، بیان کرد: تنها یک نقش اصلی با بازی بابک حمیدیان در فیلم داریم و بقیه بازیگران نقش‌های مکمل خوبی را بازی می‌کنند. در بین بازیگران خانم هم مینا ساداتی بازیگر اول زن فیلم است و درام را پیش می‌برد.

باشه آهنگر با اشاره به فیلمبرداری این اثر در شهرهای مختلف بیان کرد: «سرو زیر آب» در تهران، یزد، میبد، تفت، لرستان، سپیددشت، درود، دزفول و ... فیلمبرداری شد با این وجود ما پلان‌های زیادی در بین ۲ شهر هم داشتیم. پدرم به دلیل عقبه تئاتری که دارد در آثار سینمایی خود به صورت لانگ تیک به کار می‌پردازد به همین دلیل استمرار پلان هم برای بازیگر هم برای فیلم اتفاق خوبی است و نتیجه جذاب‌تری را به بار می‌آورد. باشه آهنگر با اشاره به سختی کار در «سرو زیر آب» عنوان کرد: به یاد دارم که در چند سکانس از «سرو زیر آب» به غیر از بازیگران نزدیک به ۳۰۰ هنرور داشتیم برای مثال در لرستان در یک پلان بالغ بر صد نفر از اهالی سپیددشت در کنار ۲۱ نفر از بازیگران فیلم حضور داشتند که در مجموع ۱۲۱ نفر تنها در یک پلان بازی داشتند و در کنار این موضوع عناصر دیگر صحنه هم داشتیم.

این بازیگر بیان کرد: من در این فیلم همزمان با بازی، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز هم بودم و مجموع این موارد کار را برایم دشوار می‌کرد. از طرفی کار کردن برای کسی که با او نسبت خونی دارید، دشوار است برای مثال باید این ۲ موضوع یعنی کار و نسبت خونی را از هم تمیز دهید



سید حامد حسینی:

«سرو زیر آب» نمایش شکوه انسانی



ها و تهیه کنندگان کمتر از قبل شده است؟ بعضی از کارگردان ها و تهیه کنندگان علاقه زیادی ندارند که به حوزه دفاع مقدس بپردازند، از طرفی هم می گویند اگر مسائلی نقد داشته باشم با ساخت یک فیلم اجتماعی به آن اشاره می کنم، اما به دلیل آن که بخش خصوصی اصلا به این موضوع ورود نمی کند، هزینه های زیاد فیلم و سرو کله زدن با بخش های دولتی شیوه خودش را دارد بسیاری سعی می کنند با ژانری غیر از دفاع مقدس فیلم سازی کنند.

تعامل با دستگاه های دولتی شیوه خاص خودش را دارد، از طرفی خود فیلم های دفاع مقدس هم با فیلم های دیگر فرق دارد، نمی توان توقع داشت که فیلم های این ژانر مانند فیلم های گیشه ای در ابتدا فروش بالایی داشته باشد بلکه باید به چشم یک فعالیت فرهنگی نگاه کرد، و عملا فیلم در دراز مدت به فروش می رسد. بسیاری حوصله چنین فرایندی را ندارد به همین دلیل سعی میکنند که شیوه کار خود را تغییر دهند.

مسئولیت ساخت فیلم دفاع مقدس و به طور کل فیلم هایی با موضوعات تاریخی بسیار بالا است، در آینده سینما بزرگترین مرجع شناخت رخدادهای گذشته است، و اگر ۵۰ سال دیگر بخواهیم اتفاقات را بررسی کنیم، سینما اصلی ترین شیوه برای بررسی رخدادهای گذشته است.

نسل های بعدی از روی فیلم ها گذشته را شناخته و نسبت به آدم های آن دوره قضاوت می کنند. مهمترین مرجع قابل ارجاع فیلم های تاریخی است. به همین دلیل تاکید دارد که بعضی از فیلم های دفاع مقدس به شدت بد هستند زیرا قرائتی متفاوت و گاه، غیر واقعی از جنگ دارند و اگر نسل های بعدی بخواهند جنگ را از روی این فیلم ها بشناسند قطعا تحریف و روایت نادرست وجود دارد.

چرا سرو زیر آب ۶ سال طول کشید؟ متأسفانه در سینمای ایران ۲۰، ۳۰ نفر هستند که قاعده سینما را بر اساس سلیقه خودشان بازتعریف می کنند، آنها به یک ادبیات رسیده اند و قابلیت اغفال مدیران سینما را هم یاد گرفته اند. هر جایی که می روی اثر و ردپایی از آنها وجود دارد، متأسفانه آنها خود را نخبه سینما می دانند و برای اثبات خود مدام ایرادهای عجیب و غریب از کار گرفته می شود. این ها آدم های خوبی هستند، اما وقتش رسیده که بازنشسته شوند، ما از ابتدای طرح سرو زیر آب به شدت در مسیر کار سنگ اندازی کردند، اگر مقاومتی در برابر تغییر فیلم نامه نبود قطعا فیلم چیز دیگری در آب در می آمد و همه چیز تغییر می کرد. به نظر من فیلم سرو زیر آب به اندازه ای باشکوه است که جشنواره ذیل آن تعریف می شود، سرو زیر آب نمایش شکوه انسانی است و به نظر من افتخار کسانی که در آن حضور داشتند این است که هر کدام برای ساخت این اثر فاخر گوشه ای از کار را گرفتند. سیمرغ گرفتن برای ما مهم نیست بلکه این فیلم بسیار والاتر از هر چیزی خواهد بود.

که دارد و مدیریت همه بخش ها پیر می کند، از طرفی فیلم های جنگی و دفاع مقدسی خود زحمتی دوچندان دارد و بسیار بسیار سخت تر است. نکته ای که باید به آن اشاره کرد این است که سرو زیر آب نزدیک به ۶ سال طول کشید، همان طور که می دانید، کارهای بلند و طولانی ریسک بسیار زیادی دارند، و پروسه طولانی وجود دارد اما اگر تیم درست باشد و کارگردان را خوب انتخاب کرده باشی مشکلات به مراتب کمتر و ریسک کار نیز پایین تر است. مانند سرو زیر آب که آقای آهنگر با هوش و درایت خود هم مراقب گروه بود و هم با پشتیبانی فکری درست به خوبی از من حمایت کرد.

کار که تمام شد و آن را دیدید از فیلم راضی بودید؟ به قول یک بزرگی از او پرسیدند که از اثری که خلق کردی راضی هستی، گفت خدا راضی باشد. من هم می گویم خدا راضی باشد، این که فیلم را من ببینم و بگویم خوب بود کافی نیست، باید در درجه اول خدا رضایت داشته باشد و بعد مخاطبین در سالن از دیدن فیلم راضی بیرون بیایند.

تخصص کار من ساخت مستند است و این اولین تجربه تهیه کنندگی من در کار بلند و به ویژه در حوزه دفاع مقدس بوده، انتخاب چنین پروژه ای طبیعتا ترس دارد، زیرا با مشکلات و مسائل مختلفی باید دست و پنجه نرم کنی، در سینمای ایران، باید بیش از پیش بررسی زیرا ممکن است آدم هایی که می خواهند به تو کمک کنند ممکن است به تو ضرر برسانند لاجرم هر چه تیم تو قابل اعتماد تر باشند نگرانی و ترس تو کمتر است، ساخت فیلم دفاع مقدس خیلی سخت است، در ابتدای ساخت سرو زیر آب همه موها و محاسن من مشکلی بود و امروز همه آنها سفید شده است، خود گواه سختی کار در حوزه دفاع مقدس است.

برای ورود به حوزه دفاع مقدس چرا تمایل کارگردان

تهیه کننده فیلم «سرو زیر آب» گفت: ساخت فیلم درباره دفاع مقدس وظیفه سنگینی است؛ زیرا نسل های بعد ایران را با دیدن این فیلم ها و روایت ما خواهند شناخت.

سید حامد حسینی، تهیه کننده فیلم «سرو زیر آب»، همزمان با حضور این فیلم در جشنواره فجر در گفت و گویی به اهمیت این فیلم و شرایط تهیه و تولید آن گفتگو کرد. متن این گفتگو را در زیر می خوانید:

آقای حسینی «سرو زیر آب» در مرحله اکران در جشنواره است و شما به عنوان تهیه کننده مسئولیت بسیار سنگینی داشتید، برای ورود به بحث، تهیه کننده چه مسئولیتی در ساخت فیلم بر عهده دارد؟

با عرض سلام و ارادت خدمت همه عزیزان، تهیه کننده مسئولیت بسیار زیاد و البته سنگینی بر دوش دارد و عملا از زمان تولد یک ایده تا پایان اکران فیلم، تهیه کننده باید حضوری پر رنگ و مسئولانه داشته باشد. از انتخاب فیلم نامه طرح و ایده تا نتایج اکران تهیه کننده مدیریت تمام و کمال کار را بر عهده دارد. تهیه کنندگی عملا در دو بخش تعریف می شود، نخست آن که همانند یک رهبر و لیدر کارگردان را انتخاب می کند و با آن وارد مذاکره می شود و از انجا مدیریت ذهنی و هوشمندان تهیه کنندگی کار را پیش می برد، دوم آنکه بسته به نوع پروژه به تامین اعتبار یا پیدا کردن اسپانسر می پردازد که هر پروژه ویژگی خاص خودش را دارد.

کار با موضوع دفاع مقدس کاری دشوار است، شما به عنوان نخستین تجربه به سمت تهیه کنندگی چه دورانی را سپری کردید؟

تهیه کنندگی به خودی خود کاری سنگین و پر مشغله است و عملا انسان را به خاطر مسئولیت هایی

سرو جهانگیر و سنگ جهانبخش

مهدی شیخ صراف



«سرو زیر آب» یک چالش عمیق دارد. دغدغه سرنوشت پیکر شهدا و شناسایی شهیدان گمنام هنوز هم باشه آهنگر را رها نمی کند تا در «سرو زیر آب» هم نخ قصه فیلم را به همین مسئله گره بزند و یک فیلم شریف و انسانی بسازد. او زاویه ای از جنگ را روایت می کند که از بازگشت پیکر شهدا آغاز می شود و به روستاهایی کیلومترها دورتر در لرستان، یزد یا هر جای دیگر این کشور که جوانانش را برای دفاع از آن داده اند، ختم می شود. بر خلاف آنچه پیش از جشنواره درباره فیلم پخش شده بود «سرو زیر آب» اصلا ضد جنگ نیست. ماجرای تعاون رزم است؛ جهانگیر و جهانبخش که دو برادر با دو نگاه متفاوت در همین بخش خدمت می کنند. آن هم در سال ۱۳۶۷، درست همان سالی که جنگ تمام می شود. ماجرا بر سر گمنامی است. آیا حق آنهايي که خواسته اند با گمنامی بروند از جح است یا حق آنهايي که به دنبال عزیزانشان همه جا را زیر پا می گذارند؟ فیلم در پایان به این چالش پاسخ مناسبی می دهد. درست جایی که صاحبان این دو دیدگاه در گیر اتفاقی مشابه می شوند.

در پس تمام اینها «سرو زیر آب» ساختارهای نادیده تعاون را برای مخاطب به خوبی ترسیم می کند. ساز و کارهای رسمی، روال اداری و قانونی، روش شناسایی پیکرها و جزئیات نشانه یابی در آنها، عکس گرفتن از شهدا و تفاوت پلاک دو تکه و یک تکه و حتی کسانی که در معراج وظیفه شان جیب بری است! در کنار اینها نحوه مواجهه با خانواده معظم شهدا و مفقودین. این ها همه تلاش های مجاهدانه ای است که کمتر کسانی از آن اطلاع داشته و دارند ولی حالا در یک فیلم سینمایی نمایش داده می شود.

با تمام این اوصاف و گره اصلی درگیر کننده، فیلم زیادی کند و کشدار است، دیر تمام می شود و بخش زیادی از آن صرف نمادپردازی های اضافی می شود که واقعا نیازی به بخش زیاد از آنها نیست. انگار فیلم چند پایان دارد که کارگردان نتوانسته از هیچ کدام آنها دل بکند. همچنین نماهای لانگشات و هلی شات بسیار زیبا که از جایی به بعد حوصله را سر می برند. جز این ها می شود درباره برخی از اشکالات روال منطقی قصه هم سوال هایی پرسید، اما «سرو زیر آب» حال خوبی دارد که باید به آن حس زیبا دل بسپاریم و در پایان فیلم به احترام آن، صلواتی به شهدای هشت سال دفاع مقدس هدیه کنیم.

«سرو زیر آب» فیلمی شریف و شاعرانه است



جعفر گودرزی منتقد سینما معتقد است که فیلم سینمایی «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر اثری شریف، ارزشمند، شاعرانه و با مخاطب خود رو راست است.

متن یادداشت جعفر گودرزی درباره فیلم سینمایی «سرو زیر آب» به شرح زیر است:

مهمترین ویژگی و خصیصه فیلم «سرو زیر آب» به کارگردانی محمد باشه آهنگر این است که از دریچه تازه ای به جنگ نگاه کرده است. چیزی که در سینما به شدت به آن نیاز داریم تا از کلیشه و تکرار رهایی یابیم. پرداختن به تبعات جنگ هم ارزشمند است و هم نیاز سینمای امروز ماست که آهنگر متعهدانه و خالصانه به آن پرداخته است.

شهدای گمنام و فضیلت گمنامی و پرداختن به حضور اقوام ایرانی و جغرافیای متعدد ایران که درگیر جنگ بوده اند و آرمانگرایی که بطن و باطنش ایثار است در تک تک سلول های فیلم حس می شود و به جرات می توان گفت «سرو زیر آب» یکی از بهترین فیلم های دفاع مقدس است. فیلمی شاعرانه و با شعور که از مفاهیم انسانی و اخلاقی سخن می گوید.

فضیلت گمنامی مساله ای است که در روزگار آشفته زندگی مانه فضیلت است و نه ارزش و در عوض میل به دیده شدن و شهرت به هر قیمتی خریدار دارد، مهمترین و اساسی ترین تلنگر فیلم به مخاطب است و در روزگار قحطی ایثار و آرمانگرایی، این مقام و شهرت و ثروت اندوزی است که هر روز ما را از گمنامان این سرزمین بیشتر و بیشتر دور می کند. جهانگیر هم در طول فیلم گوشزد می کند که گمنام بودن فیض است و با شهادت مظلومانه و غریبانهاش این جمله را معنایی دیگر می بخشد.

مهمتر این که فیلم شاعرانه نمی دهد و با مخاطبش رو راست است. شاید برای اولین بار هم باشد که نام کاراکترهای یک فیلم جنگی کلیشه ای نیست و نام های علی، حسن، یاسر و حسین روی کارا کترها نیست، نگاه کنید به نام های کاراکترها در فیلم: جهانگیر، بهرام، گودرز، کرامت، جهانبخش و ... و این همان احترام به شعور مخاطب است که از هر طیف و خانواده و قومی در جنگ حضور داشتند و باور پذیرترشان می کند.

فیلمنامه پر از تعلیق و پیچ و تاب است از قضیه شعید گمنام خانواده زرتشتی گرفته تا شهادت برادر کرامت و دلبستگی و علاقه برادر شهید روستا به زن برادرش و ...

باشه آهنگر چقدر در «سرو زیر آب»، دوست داشتنی، منطقی و با احترام به حضور اقوام و ادیان مختلف در جنگ پرداخته و این حس هم به درستی به مخاطب منتقل می شود و به خوبی تاثیرش را می گذارد و در سوگ سیاوش های جنگ کلاه از سر بر می دارد و به احترام شان می ایستد.

نکته آخر: به دلیل اینکه احساسات فیلم بهتر و ارزشهای بیشتر نمایان شود به یک مونتاژ مجدد نیاز دارد و به محمد باشه آهنگر و حامد حسینی خداحوت و دست مرزاد می گویم.

همه برای وطن علی رضایی

فیلم «سرو زیر آب» واجد یک کلیت جذاب است. محور اصلی فیلم بر جستجو استوار است. جستجو برای یافتن یک شهید. شهیدی که نمادین است، می تواند مسلمان باشد و اهل دشت های سرسبز لرستان یا زرتشتی باشد و در دل کویر بالیده باشد. هر چه هست، سیاوش است، فرزند ایران. فرزند دو مادر که پاره تن خود را نثار وطن کرده اند. محمدعلی باشه آهنگر کوشیده رویه انسانی جنگ را ببیند و به چالش بکشد، رزمنده به عنوان عنصری مهم در این فرایند، گاهی اشتباه می کند، گاهی داوری می کند و گاه خود در معرض آزمونی دشوار قرار می گیرد. مشکل فیلم این است که در لانگ شات باقی می ماند و به شخصیت هایش مثل مناظر زیبایی که به تصویر می کشد، نگاهی توریستی و از دور دارد. در حالی که خلوت مادر سیاوش زرتشتی، مادر سیاوش لرستانی یا همسر او می توانستند کاراکترهایی جان دار و موثر در پیشبرد قصه باشند. در شکل فعلی، محمدعلی باشه آهنگر در فیلمی شریف و انسانی باز هم کوشیده بخشی از ناگفته های جنگ را روایت کند و به همه ما یادآوری کند که سروهایی جوان در دل این خاک خفته اند.

تینا پاکروان کارگردان و بازیگر سینما:

این فیلم در ژانر سینمای دفاع مقدس کرداری نیک بود

تینا پاکروان بازیگر و کارگردان سینما در صفحه اینستاگرامش ضمن دعوت مردم به تماشای فیلم «سرو زیر آب» تاکید کرد: دیدنش را از دست ندهید.

فیلم «سرو زیر آب» نه تنها از جنس سینما بود با قاب های درخشان علیرضا زرین دست عزیز، که پر بود از گفتار نیک و پندار نیک و ساخت این اثر در ژانر سینمای جنگ و دفاع مقدس به حق کرداری نیک بود. صحنه ای از جنگ نداشت اما غم غریبانه ی سروهای زیر آب مانده ی جنگ را تاریشه در خاک دل می کوفت.

من که هنوز اشکم بند نیامده است. دیدنش را از دست ندهید. تبریک به آقای باشه آهنگر نازنین برای ساخت این اثر خوب و ستودنی تبریک به همه بازیگران و عوامل خوب فیلم خسته نباشید.

نگاه کوتاه به فیلم سرو زیر آب

با مشقت فراوان ناگفته های جنگ را به تصویر کشیده است و مهمترین و حیاتی ترین ویژگی اس این است که فیلمنامه دارد و قصه گو است، از الف تا ی قصه اش را به سبک خود فیلمساز با زبانی پُر از درد و رنج بیان می کند، باشه آهنگر فیلمساز سختی است که، سخت فیلم می سازد اما حرفش را می زند، در سرو زیر آب هم ناگفته هایی را مطرح می کند، روح و روان ات را به هم می ریزد، مضمون اش ضد جنگ است و در لایه های پنهان فیلمنامه طعنه های سیاسی اش را با زبانی تند و تیز به خوبی مطرح می کند، سرو زیر آب فیلم فیلمبردار اش است که با قاب های کارت پستالی اش، مخاطب را در گیر می کند، ویژگی مهم فیلم، قصه دار بودن و لحن روایت است اما در بعضی از لحظه های فیلم، ریتم می افتد اما دوباره جان می گیرد، بازی ها به اندازه است و اگر بابک حمیدیان اش در بعضی از پلان ها مدیریت می شد و بازی اش از چار چوب بیرون نمی زد، فیلم سربا تر بود.

سام بهشتی



«سرو زیر آب» مهمان زلزله زدگان کرمانشاه شد

عوامل فیلم سینمایی «سرو زیر آب» برای اولین اکران مردمی این فیلم در شهرستان ها به استان زلزله زده کرمانشاه سفر کردند.

عوامل فیلم سینمایی «سرو زیر آب» برای اولین اکران مردمی این فیلم در شهرستان ها به استان زلزله زده کرمانشاه سفر کردند و در کنار زلزله زدگان این استان به تماشای فیلم نشستند و اولین اکران مردمی این فیلم را به مردم مصیبت زده این استان تقدیم کردند.

محمدعلی باشه آهنگر کارگردان فیلم «سرو زیر آب» در اولین اکران فیلمش در کنار مردم زلزله زده کرمانشاه به تماشای این فیلم نشست.

در این اکران علاوه بر محمدعلی باشه آهنگر، سید حامد حسینی تهیه کننده، علیرضا زرین دست فیلمبردار، مهتاب نصیرپور بازیگر و عباس بلوندی طراح صحنه و لباس فیلم نیز حضور داشتند.

در خلاصه داستان «سرو زیر آب» که فیلمنامه آن توسط محمد علی باشه آهنگر و حامد باشه آهنگر نوشته شده، آمده است: راز جهانبخش کرامت فاش می شود؟ این راز خواب چیستان، ماهرو، گودرز، بهرام، جهانگیر و سرگرد پوشیاس را آشفتنه خواهد کرد. جهانبخش برای اثبات بی گناهی و بازگشت آرامش سفر بلندی را آغاز می کند؛ سفری که پایش زندگی بسیاری از آنها را تغییر می دهد.



اختتامیه سی و ششمین جشنواره فیلم فجر برگزار شد؛ سه سیمرغ روی شانه‌های «سرو زیر آب» نشست

موضوعات مهم را برای گروه‌های متنوع جامعه فراهم می‌کند و این آغاز هر نوع بهبودی در زندگی و حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ماست.

مردم در عمق داستان‌های سینمایی به دنبال زندگی، هویت، رؤیایها، رنج‌ها، شادی‌ها و امیدهای خود می‌گردند. شاید این وجه سینما، از علل مهم جذابیت‌های مردمی‌اش باشد. سینما می‌تواند چنین بستری را برای جستجوی جمعی با هدف کمک به یافتن پاسخ‌های مردم ما فراهم کند. سینمای ما هر گاه که به ایفای چنین نقش و مسئولیتی نزدیک شده، توانسته است به جای تقلید، بر نوآوری‌های خودش تکیه زند و آوازش را در جهان منتشر کند.

سینما یکی از کارآمدترین ابزار فرهنگی و هنری است که بشر امروز برای معرفی و انتقال پیام‌ها و موارث و دست‌آوردهای تمدنی خود کشف کرده است. اما تمدنی می‌تواند امید به ماندگاری، باروری و بازتولید ارزش‌هایش داشته باشد که فرآیند انتقال توأم با ارتقاء خود

ایستاده و آنها را تشویق کنید.

سپس عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پیام حسن روحانی رئیس‌جمهور را اینگونه قرائت کرد: «امروز، اهل نظر دیگر فرهنگ را فقط زیربنا یا صرفاً روبنای توسعه جوامع نمی‌دانند. امروز، فرهنگ هم زیربنا و هم روبنا است. ما در جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ را به عنوان مهمترین مقصد و غایت برنامه‌های توسعه می‌شناسیم.

ظهور همزمان سه پدیده اینترنت، تلفن‌های همراه هوشمند، شبکه‌های اجتماعی که جمع آنها سودای غلبه بر نظام رسانه‌ای و قلب و روح و فکر تمامی ساکنان کره خاکی را دارند، دست‌اندرکاران سینمای ما را بر آن می‌دارد تا به مثابه محتوای فکری و هنری، این ابزار و امکانات را به کمال به خدمت بگیرند و سینمای مقتدر ما در این عرصه، ابتکار عمل را در دست خود داشته باشد! عرصه‌ای که جامعه در آن آگاهی خودش را جست‌وجو می‌کند. سینما امکان نقد و گفتگو درباره مسائل و

مراسم اختتامیه سی و ششمین جشنواره فیلم فجر با حضور اهالی دعوت شده هنر و رسانه و جمع کثیری از افراد غیر مرتبط که فضا را برای مدعوین سخت‌تر کرده بودند در برج میلاد کاخ سابق جشنواره فیلم فجر و با اجرای رضا رشیدپور برگزار شد. به نظر می‌رسد این افراد که غالباً جایگاه خبرنگاران را اشغال کرده بودند از ارگان‌های مختلف بوده که طبق گفته خودشان از طریق دبیرخانه به این جشن دعوت شده بودند.

ابراهیم داروغه زاده دبیر جشنواره در ابتدای این مراسم به اتفاقات اخیر اشاره کرد و اظهار داشت: شهریور سال ۵۹ دشمن به خاک کشور حمله شد و ۸ سال طول کشید تا دشمنان را از کشور خارج کردیم. چند سال پیش نیز داعش با پشتیبانی اسرائیل و آمریکا تلاش کرد تا ایران را تجزیه کند اما جوانان ما با هوشیاری اجازه ندادند دشمنان به خاک کشور وارد شوند. از شما می‌خواهم یک دقیقه به خاطر شهدا



سینما را بخش مهمی از راه حل های مسائل و مشکلات امروز و فردای ایران و جوانان عزیزمان می دانم و نه مشکل!

پس از پخش گزیده تصویری از ۱۰ روز برگزاری جشنواره رضا رشیدپور با یک نظر سنجی تشویقی ۵ فیلم برتر آرای مردمی را به چالش کشید که در این بین «مغزهای کوچک زنگ زده» بیشترین تشویق را از آن خود کرد.

رشیدپور با تشکر از مسئولانی که سخنرانی موجزی داشتند در اشاره به نامه رییس جمهور پیشنهاد داد که بهتر است آقای روحانی جلسات بیشتری با هنرمندان بگذارند تا صحبت ها اینقدر طولانی نشود و از دوری و دوستی فاصله بگیریم. بعد از این صحبت ها محمدمهدی حیدریان رییس سازمان سینمایی نیز از روی متن به ایراد سخنرانی پرداخت. متن سخن به شرح زیر است.

«به رغم رشد سیصد درصدی استقبال از سینما هنوز راه زیادی داریم و برای تحقق این امر ما و مجلس باید تلاش کنیم. برنامه جامع سینما تهیه شده است و به زودی تصمیم های اجرایی را ترسیم می کنیم.

زمین، ریشه در خاک و سر بر آسمان ساید. اشتغالزایی عظیم سینما، توانمندی آن در ایجاد نشاط و امید در جامعه و آموزنده بودن از ویژگی های این سینما است. سینمای ما با بیان علمی و هنری مشکلات جامعه و نقد سیاستها، رویکردها و عملکرد دولت و مؤسسات تأثیرگذار جامعه، می تواند عامل پیشرفت، توسعه و رفع موانع پیش روی جامعه باشد. امام (ره) فرمودند: در جمهوری اسلامی همه باید با انتقادات و طرح اشکال ها، راه را برای سعادت جامعه باز کنند (صحیفه نور، جلد ۱۴، صفحه ۲۴).

سینما با بیان و طرح مسائل و نظریات جدید می تواند جامعه را برای مواجهه با آنها آماده سازد. با رفتن به فضاهای طبیعی و تاریخی سرزمین مان و نیز بازتاب و معرفی هزاران رسم و واقعه آیینی، دینی و ملی به کمک پیشرفت صنعت گردشگری بشتابد و با نگاه دانش بنیان باعث پیشرفت فناوری و توسعه استارت آپ ها شود. این سینما قادر است آرامش روانی به جامعه ببخشد، به حفظ ثبات اجتماعی و التیام گسستها مهم باشد، بانشاط و نشاط آفرین باشد، قانون و اخلاق را که مؤلفه های تنظیم کننده روابط اجتماعی هستند، تحکیم بخشد، احساس امنیت، استقلال و اقتدار ملی را تقویت کند، اما خود نیز باید از امنیت و آرامش خاطر درونی برخوردار باشد و جهان را عرصه پرواز خود بداند. من

را مدیریت کند، آن را حیاتی بداند، نسبت به نقاط قوت و ضعف خود از منظری استراتژیک، احاطه یابد و آنی از تزریق «امید» به جامعه غافل نشود. سینمای ما باید حوزه فرهنگی و تمدنی خود را مجدداً بشناسد و در عین اینکه همواره «فرهنگ دینی و ملی» و «مسائل ایران» مهم ترین محور و موضوعش است، به دنبال کسب سهمی هر چه فزون تر از میدان فرهنگ و هنر دیگر سرزمین ها و نیز اقتصاد جهانی صنعت تصویر باشد! برای نیل به این منظور، باید امکانات، قابلیت ها و ظرفیتهای ملی و بین المللی خود را هر روز ارتقاء بخشیم. در این زمینه، توسعه نیروی انسانی، توسعه سازمانی، توسعه منابع سرمایه، توسعه فناوری، فراهم سازی زیرساختهای حقوقی و تجهیزاتی، فعال شدن در صحنه دیپلماسی فرهنگی جهان، پرندسازی، بازسازی و توسعه خلاق بازار و سرانجام طراحی و تدوین استراتژی های عرضه محصولات از مهمترین برنامه های سینمای ایران ما خواهد بود. سینمایی که دیگر با مجموعه ای از سالن های نمایش تعریف نمی شود، بلکه وبسایت ها، شبکه های اجتماعی و بسیاری از تصویرافزارها که امکان پخش تصویر متحرک را دارا هستند، به نوعی در حیطه صنعت تصویر و سینما واقع می شوند. سینمای ما باید با جذب انبوه جوانان با استعداد، خوش قریحه و اندیشمند از گستره ایران

طبق آمار سی کشور در جهان صاحب صنعت تولید فیلم هستند و کشور ما در این میان جایگاهی مطلوب دارد اما ما باید سهم خود را از جغرافیای فرهنگی و طبعاً از اقتصاد ده‌ها میلیارد دلاری صنعت تصویر بیش از پیش مطالبه کنیم. باید برای تحقق آینده مطلوب به کمک سینما در عرصه‌های مختلف، خلق فرصت کنیم. این خلق فرصت‌ها، ایجاد جریانات اجتماعی می‌کند که به طور طبیعی آسیب‌پذیری و غافلگیری ما را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی امنیتی به حداقل می‌رساند.

لازمه این کار پایداری تصمیم‌های کلان و ثبات در سیاست‌هاست که به یاری خدا و مسارکت صاحبان هنر و اندیشه برنامه جامع سینما تهیه شده و من بعد چارچوب تصمیمات اجرایی را تعیین و تنظیم می‌کند. آثار عرضه شده در سی و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر، حکایت از آن دارد که این سینما حرکت خود را به سوی حرفه‌ای‌تر شدن، به خوبی استمرار بخشیده است و این پیام را به مخاطبین خود می‌دهد که سینمای ما زنده است، چون جامعه ما زنده است و سینمایی به‌روز را طلب می‌کند.

حضور فیلم‌های خوش ساخت با مضامین اجتماعی، کمدی، دفاع مقدس و مقاومت، در قالب‌های داستانی، انیمیشن و مستند - مجموعه متنوعی را به جامعه عرضه داشت که امید به آینده درخشان این سینما را بیش از پیش نمایان می‌سازد. فیلم‌های اجتماعی این دوره، ضمن نگاه نقادانه به مسائل و معضلات جاری، هم از سیاه‌نمایی‌های مرسوم فاصله گرفته‌اند و هم با بیان سینمایی حرفه‌ای‌تر و هنرمندانه‌تر امیدآفرینی کرده‌اند.

کسی از دیدن فیلم‌های کمدی خجالت‌زده نمی‌شود. فیلم‌های کمدی این دوره را خوش ساخت و محترمانه - در عین پرداختن به موضوعات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌بایم. فیلم‌های «دفاع مقدس» نگاه و تاریخچه‌بدیعی را به مردم - خاصه جوانانی که آن روزها و آن واقعه خطیر را ندیده‌اند - با هنرمندانه‌ترین بیان و فنی‌ترین و جوه، عرضه کرده‌اند. در موضوع دشوار «انیمیشن» نیز توانسته‌ایم تا بخش عظیمی از عقب‌ماندگی تاسف‌بار خود از جهان انیمیشن را جبران و راه ده-پانزده ساله‌ای را جهش‌وار با موفقیت طی کنیم و به مرزهای استاندارد جهانی بسیار نزدیک شویم. در موضوع فیلم‌های سینمایی موصوف به «مقاومت» نیز مضمون تازه‌ای را تجربه می‌کنیم که باید شاهد آثار آن، هم در افق پیش روی سینمای کشورمان و هم در سطح سینمای جهان باشیم.

اما جوانان و فیلم‌اولی‌های این دوره، هم حرفه‌ای‌وارد صحنه شده‌اند و توقع جامعه سینمایی و مخاطبین را از خود، ارتقا بخشیده‌اند. سینمای آینده ایران سینمایی است متکی به نیروی جوان و ذهن خلاق آنان. به یاری پروردگار، برآنیم تا از سال آینده جشنواره مستقل فیلم‌های اول را نیز برپا کنیم.

از منظر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، نکته بسیار مهم در این باره این است که رشد سینمای ما در تمامی ابعاد آن صورت گرفته است و منحصر به یک بخش از این صنعت و هنر بزرگ نبوده. این‌ها پیش درآمد است، امیدوارکننده است، اما کافی نیست.

این سینمایی قدرتمند بیش از پیش با احساس مسئولیت اجتماعی وارد عرصه‌ها و شئون اجرایی کشور خواهند شد. تلاش خواهد کرد تا با پرهیز از تنش‌ها، مانع فرسایش فرهنگی و اجتماعی جامعه شود و در صدد خواهد بود تا از طریق بازخوانی مجدد نقش نهادهای اصلی تولید کننده ارزش در جامعه، مرجعیت «فرهنگی» را احیاء کند و ظرفیت‌های خود را برای گفت‌وگوی درون تمدنی و نیز با جامعه جهانی ارتقا بخشد. طبعاً چنین سینمایی با نگاه به آینده و نقد عالمانه - منصفانه و در چارچوب منافع ملی می‌رود تا کابوسهای آفریده شده برای جوانان را به «امید» و «امیدواری» تبدیل کند. کابوس زدگی، دشمن خلاقیت، نشاط، کار و تلاش، ایده و ابتکار و هر گونه انگیزه بهبود است. درست





برعکس «امید» و «امیدواری». اگر ما «امید» در جامعه نیافرینیم، مرتباً آن را باز تولید نکنیم و براساس آن، آینده خود را ترسیم و معنا نماییم، یقیناً بدانید روز بیگانگان برای جامعه ما»

در ابتدای بخش اهدای جوایز سی و ششمین جشنواره فیلم فجر نیز با حضور رسول صدرعاملی یکی از اعضای هیات داوران، سیمرغ بلورین بهترین فیلم کوتاه به فیلم «حیوان» بهمن و بهرام ارک اهدا شد.

سپس با اعلام هر بخش داوران یک به یک به صحنه اضافه شدند. دیگر برندگان نیز عبارتند از:

بهترین جلوه‌های بصری: فرید ناصر فصیحی برای «چهارراه استانبول»

بهترین جلوه‌های میدانی: محسن روزبهانی برای «تنگه ابوقریب»

بهترین چهره پردازی: سعید ملکان برای فیلم «تنگه ابوقریب»

بهترین طراحی صحنه: عباس بلوندی برای فیلم «سرو زیر آب»

بهترین طراحی لباس: سارا خالدی زاده برای فیلم «بمب»

بهترین صداگذاری: علیرضا علویان برای فیلم‌های «به وقت شام» و «مغزهای کوچک زنگ زده»

بهترین صداپردازی: رشید دانشمند برای فیلم «تنگه ابوقریب»

بهترین موسیقی متن: کارن همایونفر برای فیلم «به وقت شام»

بهترین تدوین: بهرام دهقانی و محمد نجاریان برای فیلم «عرق سرد»

بهترین فیلمبرداری: علیرضا زرین دست برای فیلم «سرو زیر آب»

بهترین فیلم از نگاه هنر و تجربه (کاندیدانداشت) و اهدا شد به هومن سیدی برای فیلم «مغزهای کوچک زنگ زده»
او بعد از دریافت جایزه اش گفت: نمیدانستم این جایزه وجود دارد. کلیشه‌ای ترین جمله الان صدق می‌کند من جایزه‌ام را از شما مردم گرفتم.

بهترین فیلم اول (کاندیدانداشت) و اهدا شد به رضا مقصودی برای فیلم «خجالت نکش»

در بین اهدای جوایز سیمرغ، دبیر جشنواره روی صحنه آمد و از خانواده شهید معز غلامی دعوت شد تا پدر و مادر این شهید بزرگوار که عکس فرزندشان را در دست داشتند و همچنین جلیل شعبانی تهیه کننده مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی» به این جمع اضافه شدند تا از نور الحلی بانوی خبرنگار که سوژه این مستند بود تقدیر شود.

سپس سالار عقیلی به همراه گروهش به اجرای موسیقی پرداختند.

بخش دوم اهدای جوایز قبل از آغاز رشیدپور اشاره کرد در برخی بخش‌ها ممکن است دو سیمرغ در برخی حوزه‌ها اهدا شود.
بهترین نقش مکمل زن: سحر دولتشاهی برای فیلم‌های «چهارراه استانبول» و «عرق سرد»

بهترین نقش مکمل مرد: جمشید هاشم پور برای فیلم «دارکوب»

بهترین نقش اول زن: سارا بهرامی برای فیلم «دارکوب»



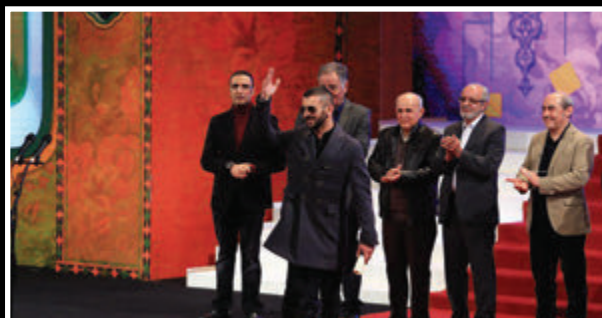
بهترین نقش اول مرد (دیپلم افتخار): امین حیایی.
(سیمرغ بلورین): امیر جدیدی برای فیلم های «تنگه ابوقریب» و «عرق سرد»

بهترین فیلمنامه: کامبوزیا پرتوی برای فیلم «کامیون» و هومن سیدی برای «مغزهای کوچک زنگ زده»
 کامبوزیا پرتوی هنگام دریافت جایزه گفت گویا داوران بازی خوب سعید آقاخانی را ندیدند. وی از این بازیگر دعوت کرد روی صحنه بیاید و جایزه خود را به او تقدیم کرد. پرتوی اشاره کرد این فیلمنامه پیش از این در سال نود جایزه گرفته است. هومن سیدی نیز بیان کرد که احساس می کردم جشنواره را اشتباهی آمدم. او

من از صدا و سیما و شبکه ۳ شکایت می کنم که فیلم های من را ۳۰ بار پخش می کند اما وقتی می خواهند کسانی را دعوت کنند تا این فیلم ها حرف بزنند ژست اپوزسیون میگیرند. حاج قاسم با این فیلم گریه می کند و اوف دارد به کسی که این فیلم را کمدی خواند.

بهترین فیلم: سعید ملکان برای فیلم «تنگه ابوقریب»
 سعید ملکان همه اعضای گروه خود را برای ثبت عکس یادگاری روی صحنه دعوت کرد.

بهترین فیلم از نگاه ملی: سید حامد حسینی برای فیلم «سرو زیر آب»
بهترین فیلم برگزیده تماشاگران: هومن سیدی کارگردان و سعید سعدی تهیه کننده «مغزهای کوچک زنگ زده»



منوچهر شاهسواری پیش از اعلام رای مردمی گفت: به همه کسانی که پیگیر آرای مردمی بودند باید بگویم فاصله فیلم ششم تا اول ۳۸ صدم درصد بود و باعث خوشحالی است که بگویم فیلمهای مستند در میانه آرا به چشم می آمدند.

با این حساب فیلم های «تنگه ابوقریب» ۶ سیمرغ، «مغزهای کوچک زنگ زده» ۴ سیمرغ، «سرو زیر آب» ۳ سیمرغ، «به وقت شام» ۳ سیمرغ، «عرق سرد» ۳ سیمرغ، «بمب، یک عاشقانه» ۲ سیمرغ، «چهارراه استانبول» ۲ سیمرغ، «دارکوب» ۲ سیمرغ و «کامیون» یک سیمرغ را از آن خود کردند.

اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور و سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد مهدی حیدریان رئیس سازمان سینمایی، علیرضا تابش مدیر عامل بنیاد سینمایی فارابی، بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه، محمود صادقی نماینده مجلس از جمله چهره های مطرح این مراسم بودند.

از همه بازیگران و تهیه کنند فیلمش تشکر کرد.
جایزه ویژه هیات داوران: پیمان معادی برای فیلم «بمب»

بهترین کارگردانی: ابراهیم حاتمی کیا برای فیلم «به وقت شام» و بهرام توکلی برای فیلم «تنگه ابوقریب»

حاتمی کیا بعد از دریافت جایزه اش گفت: من فیلمساز وابسته ام. فیلمساز این نظام، سی سال است روی این سن می آیم و می روم و بار اولم نیست. تشکر می کنم از سازمان اوج و کسانی که سربازان گمنام امام زمان هستند. متأسفم وقتی نام اوج به میان می آید حرف های معناداری می زنند. افتخار می کنم به فیلمی که از مدافعان حرم ساختم و برایش از حاج قاسم سلیمانی جایزه گرفتم. ممنون از سپاه که امثال من را رشد دادند. من از کارهایی که تا الان انجام دادم شرمند نیستم. امثال رضا رشیدپور واژه هایی می سازند که به شدت منتقدشان هستم به آن اعتراض دارم.





در برنامه «پاتوق فیلم برداشت کوتاه» ۱۷ بهمن ماه، مراسم رونمایی و اکران مستند «تارهای» به کارگردانی مهران رحمانی و تهیه کنندگی حوزه هنری خراسان شمالی در سالن سوره برگزار شد. در این برنامه به بازخوانی وقایع انقلاب در چنورد پرداخته شد.

روایت داستان «ضامن آهو» در انیمیشن تولیدی حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد

انیمیشن «محراب آرامش» که روایتی از داستان «ضامن آهو» است به همت واحد هنرهای تصویری حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد تولید شد. مدیر واحد هنرهای تصویری این مرکز گفت: نویسندگان این انیمیشن «زیبا ارژنگ» است که با حمایت این مرکز تولید شده است. اسحاق آقایی افزود: این انیمیشن روایتی از داستان «ضامن آهو» است که با استفاده از نقش و نگار گبه و فرش ایرانی به عنوان نمادی از زندگی ایرانی ساخته شده است. وی اظهار داشت: این مرکز در حوزه ساخت انیمیشن در ابتدای راه قرار دارد ولی با توجه به اثرگذاری این ژانر و استقبال جامعه از آن برنامه جدی و اساسی برای حمایت از تولیدات فاخر در بخش انیمیشن دارد.



پشت صحنه تولید فیلم کوتاه «عکس برتر» به کارگردانی نوح امانی، تهیه شده در کارگاه تولید فیلم حوزه هنری خراسان شمالی

کارگاه تخصصی فیلم مستند حوزه هنری استان همدان پیرامون مرور آثار «فرهاد ورهرام» با حضور وی برگزار شد.

چهار تندیس دومین جشنواره ۱۸۰ ثانیه ای پاسارگاد به حوزه هنری خراسان جنوبی رسید



آثار تولیدی واحد هنرهای تصویری حوزه هنری خراسان جنوبی موفق به حضور در بخش نهایی داوری دومین جشنواره فیلم ۱۸۰ ثانیه ای پاسارگاد شدند و ۴ تندیس این جشنواره را در این مرحله از رقابت به خود اختصاص دادند. ۸ اثر از استان خراسان جنوبی برای شرکت در جشنواره به دبیرخانه ارسال شده است که تعداد هفت اثر محصول حوزه هنری خراسان جنوبی و یک اثر تولید صدا و سیما استان خراسان جنوبی می باشد. این آثار با موضوعات مختلف نظیر تکریم خانواده و حقوق اجتماعی، سبک زندگی، اعتیاد و ... محمد مهدی شیروانی، سینا فایده و محمد براتی، مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان تولید شده است. از مجموع ۱۳۳۳ اثر ۲۵۰ فیلم در این مرحله انتخاب شده اند و به کلیه آثار پذیرفته شده در این مرحله تندیس جشنواره و هدیه ای به رسم یادبود تقدیم خواهد شد. گفتنی است مراسم اختتامیه و اعلام نفرات برتر پنجم اسفند ماه سال ۹۶ در سالن همایش های صدا و سیما در تهران برگزار خواهد شد.

فیلم کوتاه «تا فردا...» در بخش مسابقه اولین جشنواره آپادانا

اسلامی چهارمحال و بختیاری است که عشق به اهل بیت (ع) را در نگاه مردمان ایران زمین و سربازان مدافعان حرم به نمایش گذاشته است و سعی در برقراری نوعی ارتباط میان آن‌ها دارد.

باقری اظهار داشت: جلال نجفی، اسفندیار اکبری، محمد مهدی توکلی، صاحب جان ابراهیمی در این فیلم داستانی ایفای نقش می‌کنند و امین محمدی تصویربرداری، نوذر عسگری صدابرداری، داود امینیان طراحی صحنه، محمد توکلی مدیریت تولید، علی احمدی عکاسی، سجاد شیرازی و رضا کاظمی صداگذاری، مهدخت اصغریان و جواد شفیعی تدوین این فیلم را عهده‌دار بودند.

به گزارش روابط عمومی حوزه هنری چهارمحال و بختیاری، نخستین جشنواره ملی فیلم کوتاه آپادانا با همکاری استانداری خراسان رضوی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، انجمن سینمایی جوانان ایران، شرکت آب و فاضلاب مشهد، حوزه هنری خراسان رضوی، پردیس سینمایی گلشن و موسسه سینمایی آپادانا برگزار می‌شود.

فیلم کوتاه «تا فردا...» به نویسندگی و کارگردانی علی توکلی زانیانی و تولید حوزه هنری چهارمحال و بختیاری به بخش مسابقه اولین جشنواره آپادانا راه یافت.

محسن باقری دستگردی مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری چهارمحال و بختیاری گفت: نخستین جشنواره ملی فیلم کوتاه آپادانا با هدف دعوت به خردورزی در جهت رفع فقر محتوا در دو وجه تعلیمی و آرمانی سینما در مسیر بهتر زیستن در مشهد مقدس برگزار می‌شود.

باقری افزود: از اهداف این جشنواره می‌توان به موضوعاتی همچون «تثبیت جایگاه فیلم کوتاه به عنوان سینمای مستقل و خردورز، فرهنگ‌سازی فرهنگ صرفه‌جویی و سبک درست زندگی در مصرف آب، توسعه گردشگری معنوی و تعمیق و ترویج فرهنگ رضوی در سینماگران و معرفی شهر مشهد و توانمندی‌ها و پتانسیل‌های آن به عنوان پایتخت معنوی جهان اسلام در سال ۱۴۰۲» اشاره کرد.

او گفت: «تا فردا...» ساخته علی توکلی زانیانی و تولید حوزه هنری انقلاب

نشست مدیران واحد هنرهای تصویری استانهای: فارس، آبادان و کهگیلویه و بویراحمد در خصوص تولید برنامه‌های مشترک بهمن ماه در شیراز

حجت الاسلام والمسلمین عباس محسنی
متولد ۱۳۴۴ در تهران
کارشناس فرهنگی در حوزه سینما
مسئول سابق دفتر نشر آثار سید مرتضی آوینی



استاد محسنی پس از اخذ مدرک دیپلم تجربی در تهران در ابتدای سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شده و دروس سطح و مقدماتی را در مدرسه علمیه امام علی (ع) و مدرسه معصومیه (س) سپری کرد. ایشان همچنین از ابتدای سال ۱۳۷۸ به‌طور مستمر شاگرد درس خارج حضرات آیات شبیری زنجانی، عبدالعزیز همدانی و صادق آملی لاریجانی بوده است.

وی از سال ۱۳۷۶، به مدت یازده سال مسئولیت دفتر نشر آثار سید مرتضی آوینی در موسسه روایت فتح را عهده دار بود. از دیگر مسئولیت‌های ایشان می‌توان به عضویت در هیئت مدیره موسسه فرهنگی ولاء منتظر قم و همچنین تدریس دروس معارف تطبیقی در دانشکده صدا و سیما قم نام برد.

ایشان تا کنون دوره‌های متعددی درباره اندیشه‌های شهید آوینی در سراسر کشور راه اندازی کرده است

دوره‌های استاد عباس محسنی:
استاد حکمت غرب شناسی

استاد نقد و بررسی آثار شهید آوینی - آینه جادو ۱

استاد سینمای اشرافی از نگاه شهید آوینی

استاد مطالعات سینما

استاد سینمای اشرافی از نگاه شهید آوینی (با بررسی مقاله تکنیک در سینما)

منشور مستند انقلاب

اسلامی روز چهارشنبه ۱۱

بهمن با حضور استاد عباس

محسنی در سالن سوره

حوزه هنری خراسان شمالی

بازخوانی شد.

گشایش خانه فیلمنامه نویسان جوان



طی مراسمی ساده و صمیمانه خانه فیلمنامه حوزه هنری فارس با حضور جمعی از علاقمندان هنر هفتم و فیلمنامه نویسان جوان افتتاح شد. در ابتدا بیژن کیا، کارشناس واحد هنرهای تصویری به تشریح وضعیت فیلمسازی در استان فارس پرداخت و ضعف فیلمنامه را یکی از چالش‌های اصلی در این عرصه دانست. وی در ادامه گفت: بدون شک همگرایی، همدلی و همیاری اهالی هنر میتواند نتایجی درخشان به همراه داشته باشد و خانه فیلمنامه می‌تواند محفلی باشد برای گردهم آمدن فیلمنامه نویسان مستعد و جوان تا در کنار هم به تبادل تجربه و تولید بپردازند. در ادامه ی برنامه دو فیلم کوتاه «دنیای درون» و «عقیق» به نمایش درآمد و حاضران در جلسه به ارائه نظرات خود پرداختند.

در برنامه «برداشت کوتاه» ۹ بهمن ماه واحد هنرهای تصویری حوزه هنری انقلاب اسلامی آبادان دو فیلم «برفک» و «با او» به کارگردانی فیلمساز اردبیلی «نقی نعمتی» نمایش، تحلیل و نقد و بررسی شد.

عکاس اردبیلی در جمع ستارگان جهانی هنر ایران



مجموعه عکس جشنواره و دریافت بورسیه کارشناسی ارشد رشته هنر دانشگاه ویستولا ورشو لهستان، منتخب حضور در ورکشاپ بین‌المللی عکاسی دیجیتال و آنالوگ دانشگاه ویستولا ورشو لهستان، فینالیست و منتخب چاپ اثر در جشنواره بین‌المللی عکس مجله واندر لایت انگلیس، منتخب نمایش پروژه عکاسی دریاچه من گم شده است مربوط به دریاچه ارومیه در نهمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر در موزه هنرهای معاصر، منتخب نمایش آثار در گالری آگوستاساوج مرکز فاین آرت دانشگاه ماساچوست آمریکا، منتخب چاپ اثر در کتاب سالانه مرکز هنری لوسن آرت ایتالیا، منتخب چاپ آثار در مجله A۵ بریتانیا، منتخب نمایش آثار و دریافت دیپلم افتخار از جشنواره بین‌المللی عکاسی پلوودیف بلغارستان، منتخب نمایش آثار و جزو ده عکاس برتر جشنواره بین‌المللی عکاسی فتو موزینگ هندوستان به مناسبت روز جهانی عکاسی، منتخب کمیته داورى جهت نمایش آثار در دومین دوسالانه فلورانس ایتالیا، منتخب نمایش آثار در جشنواره جایزه بزرگ امارات، منتخب نمایش اثر در جشنواره بین‌المللی اسکای لایف ترکیه و منتخب مردمی جشنواره ۱۰۰ عکس برتر جشنواره عکس ۳۵ روسیه، بخشی از افتخارات بین‌المللی این هنرمند اردبیلی است.

جشنواره بین‌المللی فجر برای نخستین بار به صورت اختصاصی در دهمین دوره برگزاری خود در بخش ویژه‌ای ستارگان افتخار آفرین جهانی هنر ایران را معرفی می‌کند. که طی آن رضا عیسی پور، عکاس و مسوول هنرهای تصویری حوزه هنری استان اردبیل در جمع منتخبان این رویداد ویژه ملی قرار گرفته است. همچنین در مراسم اختتامیه دهمین دوره جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر از این ستارگان جهانی هنر ایران تجلیل می‌شود. گفتنی است آثار هنری و افتخارات بین‌المللی این هنرمندان در قالب نمایشگاهی از ۱۴ بهمن تا ۴ اسفندماه ۱۳۹۶ در فرهنگسرای نیاوران به نمایش در می‌آید. رضا عیسی پور، متولد ۱۳۶۴ کارشناس ارتباطات تصویری است. عضو افتخاری کلپ عکس ویستولا لهستان، منتخب دانشجویان رشته عکاسی دانشگاه نووی ساد صربستان، کسب رتبه اول و بهترین عکس جشنواره بین‌المللی عکاسی فوتولمور آمریکا، منتخب نهایی چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی عکس منتانها کشور پر تقال، منتخب نمایش آثار در چهارمین کنفرانس هنر معاصر دانشگاه بلومزبورگ پنسیلوانیا، منتخب نمایش آثار در رویداد بین‌المللی هنرهای زیبای رویال آرت پرایز بریتانیا، منتخب چهارمین دوسالانه رقابت بین‌المللی هنر ویستولا لهستان و کسب رتبه اول و بهترین

موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند.



نخستین فیلم کمدی رزمی
سینمای ایران

قهرمانان کوچی

نویسنده و کارگردان:
حسین قناعت

تهیه کننده:
بیبا منصوری

برزوارجمند
بیژن بنفشه‌خواه
شهرام قائدی
آناهیتا همتی
به‌نوش بختیاری
نادر سلیمانی
ارژنگ امیرفضلی
عباس محبوب
رامین ناصر نصیر
افشین سنگ‌چاپ
فرهاد بشارتی
سیروس کهوری نژاد
ابراهیم شفیعی
مرتضی رستمی
وباحضور یوسف کرمی

امیر کیان عبدی / یاس نوروزی
پارسیا شکوری فر / عرفان برزین
سامیار محمدی / ایمان امیری



© 2014 VAND ABDOLOUSSEINI



بروانه زرین بهترین فیلم از نگاه داوران کودک و
نوجوان در سی امین جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان

مدیر فیلمبرداری: بهروز بادرود / آهنگساز: آرش یادپا
صدابردار: احمد صالحی / صداگذار: آرش قاسمی
تدوینگر: پریسا پروین نیا / مدیر تولید: روح... مهاجری
مجری طرح: پرویز امیری

بزودی در شبکه نمایش خانگی هنرهای تصویری سوره



فهرست مقدس، پرافتخارترین انیمیشن سینمایی ایران

مجتبای فهرست مقدس

انتخاب کن، دلت می‌خواهد کی باشی...



نویسنده: هومان قاضی - موسیقی: بهزاد عیدی - مدیر دوبلاژ: مریم شیرزاد - گویندگان: بهرام زند، خسرو خسروشاهی، چنگیز جلیوند و...
مدیریت: مصطفی شاهمرزانی - مدیران: محسن طبسی، مدیر کارگردانی: حمید کریمیان - مدیر تولید: وحید چالاک
لایه کننده و کارگردان: محمدامین همدانی - محصولی از مرکز اوج کودک و نوجوان - امور ایران و طرح زنجیره ارزش، علی جاودانی



www.owjkids.ir

پیش: سازمان هنری رسانهای اوج



محصولات چاپی و بیشتر

